**سخن نو**

**در**

**تفسیر قرآن**

**از : جمال گنجه ای**

جلد پنجم

****

فهرست مطالب

تفسیر تحلیلی سوره دخان صفحه 7

تفسیر تحلیلی سوره زخرف 34

تفسیر تحلیلی سوره فصلت 85

تفسیر تحلیلی سوره جاثیه 134

تفسیر تحلیلی سوره احقاف 158

تفسیر تحلیلی سوره مومن 187

تفسیر تحلیلی سوره یس 235

تفسیر تحلیلی سوره شوری 278

تفسیر تحلیلی سوره سباء 319

**از اول بخــوانید**

**مطالب این تفسیر را از جلد اول بخوانید.**

**ما از ابتدای این تفسیر بعضاً مطالبی عرض کرده­ایم که در سوره­های بعدی در محل­های نیاز به مطرح کردن آنها ، تکرار نکرده­ایم .**

**گرچه ارجاع داده­ایم اما می­دانیم بسیاری از خوانندگان آن توضیحات را ناخوانده می­گذارند ، لذا خواهشمندیم مطالعه این کتاب را از اول آغاز کنید .**

**توضیح خلاصه در باره این تفسیر**

چنانکه خوهید دید ، در این تفسیر در هر پاراگراف ، همه **کلید های** **اصلی** را بکار گرفته ایم . از بهترین **لیست ترتیب نزول** استفاده کرده ایم ، **عصاره مطالب** سوره و پاراگراف را در «درس» سوره و «درب» پاراگراف ذکر نموده و در «توضیح مقدماتی» نیز به نحو متفاوت از اولین پاراگراف هر سوره تا پاراگراف مورد نظر مجددا آورده ایم ، **تقطیع منطقی** مطالب را هم در قالب پاراگراف ها رعایت نموده ایم ، از بین **ترجمه** های ممکن ، آن را که با عصاره مطلب تناسب دارد اختیار کرده ایم ، مطالب **فرعی** و مطالب **پرانتزی** را در بین { } ، و اگر بعضی مطالب «فرعی در فرعی» یا «پرانتز در پرانتز»ی باشد دربین {{ }} یا {{{ }}} و مطالب مربوط به **واگذاری به مخاطب** و نیز مطالب مربوط به تغییر مخاطب یا **التفات** را نیز در [ ] قرار داده ایم . اگر هم در جائی لازم دیده شد توضیح اضافه ای عرض شود ، در بین ( ) قرار داده شده است .

با وجود همه اینها ، دراینجا لازم است مطلبی را با تاکید یاد آور شویم که پس از اتمام کارِ تفسیرِ هر پاراگراف ، دو قدم دیگر باقی مانده است (که به شرحی که در محلِ نظیر در سوره عصر گفته ایم) به عهده خودتان است وقبل از اینکه به مرحله بعد بروید انجامش دهید و گرنه لذت معنوی تان کامل نخواهد بود .

**از این پس دیگر از هر دوراه نمی رویم**

در جلد اول در تفسیر هر پاراگراف یکبار از طریقی که در قسمت «مبانی» در جلد اول نشان داده ایم مبادرت به استخراج «عصاره محتوا»ی سوره نموده و از روی آن «عصاره محتوای» پاراگراف را استخراج کرده ایم ، و در عین حال «عصاره محتوا»ی پاراگراف را از راهی متفاوت نیز استخراج کرده و تطابق آنها را نشان داده ایم .

در جلد دوم نیز در هر پاراگراف از هر دو راه رفته و باز هم این تطابق را نشان داده ایم .

در این جلد دیگر همه آن کار ها را تکرار ننموده و با فرض اینکه از تطابق آنهمه موارد در 52 پاراگراف قبلی میتوان نتیجه گرفت که این تطابق در همه جا وجود دارد فقط به ذکر نتیجه پرداخته ایم .

**سوره دخان**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**حم ﴿1﴾وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿2﴾ إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُّبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ﴿3﴾ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴿4﴾ أَمْرًا مِّنْ عِندِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿5﴾ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿6﴾ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ ﴿7﴾ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿8﴾ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ﴿9﴾ فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاء بِدُخَانٍ مُّبِينٍ ﴿10﴾ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿11﴾ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ﴿12﴾ أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿13﴾ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ ﴿14﴾ إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ ﴿15﴾ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ ﴿16﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حم (1) قسم به آن کتاب روشنگر (2) البته ما آنرا در شب پر برکت قدر فرو فرستاده ايم که همواره هشدار دهنده بوده ايم (3) در آن شب هر امر مجملي تفريق و تقدير ميگردد (4) که این خودش امري از جانب ما است زیرا که همواره فرستنده خیر و برکات بوده ايم (5) که این رحمتي از جانب پروردگارت است که او شنواي درخواست های مخلوقات و دانا است (6) همان پروردگار آسمانها و زمين و بين آندو ، اگر يقين داشته باشيد (7) که خدائي جز او نيست ، زنده ميکند و ميميراند ، که پروردگارتان و پروردگار نياكانتان است (8) ای پیامبر! اما این مخالفانت در شکّي هستند ، و به بیهوده مشغولند (9) پس تو نيز چشم براه روزي باش که مثلا آسمان دودی آشکار بياورد (10) که همه را فرا گيرد ، که اگر چنین شود فورا بی طاقت میشوند و میگویند اين دیگر چه عذاب دردناکی است (11) و فورا رو به بما میکنند و میگویند پرودگارا عذاب را از ما کنار بزن که ما ايمان آورديم (12) چطور ممکن است ایمان آورده باشند درحاليکه قبلا تو را بسویشان فرستاده ايم و تکذیبت کرده اند (13) و از تو روي برگرداندند و گفتند ديوانه اي است که اين چيزها را به او ياد ميدهند (14) و به محض اینکه آن عذاب مختصر را کمی رفع کنیم آنها فورا به به کفر خويش بازميگردند (15) در هر حال عاقبت این است که در روز قیامت تکذیبگران را با قوت میگيريم زیرا که لازم است انتقام این رفتارهایشان را بگیریم (16)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

تاکنون ، در چهار جلد قبلی این تفسیر ، در ابتدای پاراگراف اول هر سوره ، ذیل تیتر فوق ، لااقل دو جدول اول و آخر طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یا همان «درس» سوره) را می آوردیم ، اینک که خواننده محترم به اندازه کافی آنها را دیده ، و دانسته که طرز استخراج چگونه است ، به علت علاقه به رعایت اختصار ، دیگر جدول های مذکور را که دائما طولانی تر میشود ، ذکر نمیکنیم ، و اگر کسی بخواهد، میتواند همه آنها را در کتاب «راهنمای تحلیلی» ما (در سایت ما که در اول و آخر این کتاب معرفی کرده ایم) ببیند .

**درس : نکوهش کافران گذشته و معاصر که عليرغم نعمت های الهي و حکمت آفرينش جهان به گردنکشي و لجبازي دچارند .**

**درب : يکي از بزرگترين نعمت های الهي وحي و ارسال قرآن است و کفر کافران از روي دليل و منطق نيست بلکه از روي بازيگوشي و بي­مسئوليتي و رويگرداني از حق است .**

**2 - سوالات**

1 - چه حکمتی در قراردادن «حروف مقطعه» در اول بعضی از سوره ها است؟ (با توجه به اینکه گروه سوره هایِ دارایِ حروف مقطعه مشابه دارای محتوای مشابه هستند ، کد گزاری؟ یا....؟)

2 – با توجه به آیه4 ، آیا «کل امرحکیم» یکباره «یفرق» میشود یا به تدریج؟

3 - «امرا من عندنا» اشاره به چه دارد؟ (به مدلول آیه4 ؟ یا...؟)

4 - «رحمت من ربک» اشاره به چه دارد؟ (مکانیزم آیه4 ؟ یا...؟)

5 – چرا در اینجا این صفات الهی مورد تاکید واقع شده؟

6 - «اناکنامنذرین» (آیه3) و «اناکنامرسلین» (آیه5) چه موقعیتی دارند؟ (پرانتز؟ یا...؟)

7 - چرا در آیه 5 از «زمان ماضی» استفاده شده؟

8 - «بل» (آیه9) چه موقعیت «دستورزبان»ی دارد؟

9 - کلمه «معلم» (آیه 14) به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

10 - منظور از مدلول آیه13 چیست؟

11 – اگر انتهای آیه 9 را به ابتدای آیه 14 وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست می مانَد ، از این موضوع چه می فهمید؟ (آیات 10 تا 13 علاوه بر فرعی بودن پرانتزی هم هستند؟ آیات مذکور فرعی هستند؟ یا....؟)

12 – با توجه به سوال قبلی ، آیه 15 چطور؟

13 – در ابتدای آیه 16 ، موضوع کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده؟

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

در رابطه با آیه 9، از روی «درس» و «درب» می­فهمیم که شکّ آنها راجع به عقاید خودشان است .

به این معنی که از روی فطرت خویش و عقل معمولی که هر کسی دارد ، صدق مدعای پیامبر را درک می­کردند ، و چون آن تعالیم با آنچه که بعنوان اعتقادات خویش می­شناختند در تضاد بود ، به اعتقادات خویش شک می­کردند .

در این حالت آدم عاقل دنبال شک را می­گیرد و به تحقیق و بررسی می­پردازد تا به حق برسد ، اما آنها چون فی­الجمله می­فهمیدند که اگر این کار را بکنند و به حق برسند باید از آنچه که فعلاً به آن مشغولند دست بکشند ، این کار را نمی­کردند و خود را به چیزهای دیگر سرگرم می­ نمودند .

از آیات 9 تا 16 فهمیده میشود که میخواهد به کفار معاصر نزول این آیات بفهماند که شما هم اینطور هستید ، یعنی اگر کمی عذاب ببینید (مانند موضوع چماق و هویج) فورا اظهار ایمان می­کنید و وقتیکه برطرف شد به همان روش غلط خویش برمیگردید ، و این مفهوم ، چنانکه در سوره­های آینده خواهید دید ، بسیار تکرار خواهد شد .

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

1 - در المیزان آمده که «غرض سوره در یک کلمه خلاصه میشود و آن این است که میخواهد کسانی را که به کتاب خدا شک دارند از عذاب دنیا و عذاب آخرت انذار کند»

البته همانطور که ملاحظه میفرمائید در این روش تحلیلی ما «غرض سوره» را از طریق محاسبه استخراج و در «درس» سوره ذکر کرده­ایم که در هر پاراگراف تکرار شده است ، و مغایرت زیاد آن با آنچه المیزان فرموده آشکار است ( و استخراج درس با دقت و محاسبه صورت گرفته است)

**2 -** کل آیات 10 تا 16 «پرانتزی» هستند ، و لذا بخصوص آیه 10 که المیزان به آن پرداخته و اقوال عجیبی را ذکر کرده ، یک موضوع پرانتزی است . دلیل پرانتزی بودنش هم اینکه اگر چشم خویش را برآن آیات ببندیم و قبل و بعد آن را وصل کنیم خواهیم دید که روال سخن صاف و یکدست خواهد شد .

که اگر مفسر به این نکته توجه نکند و متن پرانتزی را همسنگ متن اصلی بگیرد و

همان رفتارهای سعی در فهم متن را بین متن اصلی و متن پرانتزی خلط کند (مثلا ضمیری را که در متن پرانتزی هست دنبال مرجعش در متن اصلی بگردد) مرتکب خطا در فهم میشود)

**3** :المیزان با توجه به آیه 2 و کلمه «انزل» (که به قول المیزان بیانگر ارسال یکپارچه است) و بحثی که در باره مداوم بودن و «هرساله» بودن شب قدر کرده ، نتیجه گرفته که هرسال قرآن در شب قدر بطور کامل برآنحضرت نازل میشد و اما درطول سال هم آن مقدار که لازم بود به تدریج نازل میشد .

مراجعه به «المعجم» و پیگیریِ مواردی که مشتقات «انزال» در رابطه با آنها در قرآن بکار رفته ، نشان میدهد : هم در باره قرآن انزل بکار رفته و هم نزّل و در باره باران و ارزاق هم همینطور . و چون در باره باران میدانیم همواره تدریجی است پس در باره قرآن هم میتوانیم همین حکم را بکنیم و لذا این حکم را که انزال مربوط به یکبارگی و تنزیل مربوط به تدریج است مردود تلقی میکنیم ..

4 ضمنا المیزان ذیل همین آیات گفته است که از ترکیب این آیات با آیات سوره قدر معلوم میشود که هرسال یک شب قدر دارد ، که ما عرض میکنیم از چنین ترکیبی چنان نتیجه ای حاصل نمیشود .

**5 – کلیدهای تفسیری**

**فرعی ها و پرانتزها :**  آیه 3 فرع بر آیه 2 است ، آیات 4 تا 7 که شرح آیه 3 می­باشند کلاّ فرع بر آیه 3 هستند ، اما در داخل خویش نیز اصلی و فرعی دارند ، بطوریکه آیه 7 در ادامه توصیف دو کلمه آخر آیه 6 و فرع بر آن است ، و خود آیه 6 در جهت توضیح کلمه آخر آیه 5 است ، و فرع بودن آیه 5 بر آیه 4 نیز واضح است ، و خود آیه 4 ظرف زمانی مدلول آیه 3 می باشد و آیات 9 تا 16 پرانتزی است ، و اگر ماقبلش را به مابعدش وصل کنیم متوجه میشویم ، زیرا می بینیم روال سخن صاف و هموار تر میشود .

**التفات و واگذاری به مخاطب :** در ابتدای آیه 12 موضوع ِالتفات واضح است ، در آیه 15نیز هم التفات را می بینیم و هم واگذاری به مخاطب را . همچنین در ابتدای آیه 16 ، واگذاری به مخاطب صورت گرفته است .

**معنی برخی کلمات :** «حکیم» (آیه 4) از ریشه «حکم» است و نه از ریشه «حکمت» و مجموعا معنی سربسته و مجمل و مانند آن را میدهد و «امر» (آیه های 4 و 5) ، به قرینه «انا کنا منذرین» و «انا کنا مرسلین» به «امور مرتبط به ارسال و اعزام پیامبران و وحی» مربوط است و نه همه امور جهان . البته همه امور جهان هم به خداوند متعال مربوط هست ، اما آنچه در اینجا از آن کلمه فهمیده میشود آن است که عرض شد .

**6 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات ابتدای این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند ! و البته کمی که از ابتدای پاراگراف دور میشویم مطالب طوری است که تقریبا «همه فهم»است و در این قسمتها مخاطبان اولیه هم همان را می فهمیده اند که ما .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

اهمیت قرآن و و حی به عنوان بزرگترين نعمت های الهي ، و اینکه کفر کافران از روي دليل و منطق نيست ، بلکه از روي بازيگوشي و بي­مسئوليتي و رويگرداني از حق است.

**8 - آیات مشکل**

آیه های 10 تا 15 از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر آنها گفته اند .

البته این قلم در جهت رفع مشکل اشاره ای به پرانتزی بودن آنها نموده است.

**9 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیات 3 تا 7 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**10 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه 1 از حروف مقطعه است، و چنانکه قبلا عرض شد، چون تاکنون به نحو مقنعی رمزگشائی نشده، بالاتر از ذهنیات ما نیز میباشد، چه رسد به مخاطبان اولیه.

آیه 16 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 7 و 8 و 17 ، بقیه فقرات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**حروف مقطعه**

آیه 1 از حروف مقطعه است و ما در مقدمه مؤلف بحثی در خصوص آن عرض کرده­ایم (دراینجا قسمتی را که به «حم» مربوط میشود نقل میکنیم) :

[[سوره­های دخان و زخرف و فصلت و جاثیه و احقاف و مؤمن (غافر) در ابتدای خویش با «حم» شروع می­شوند.

«درس» سوره­های فوق نیز کاملاً شبیه یکدیگر است و محتوای مشترک آنها «نکوهش عمد و اصرار در کفر و تکذیب پیامبر(ص) ، علیرغم روشن شدن حقیقت» می­باشد]]

**قرآن و شب قدر و تقدیرات**

در سوره قدر خواندیم «انا انزلناه فی لَیلَه القدر»

در آیه 3 این پاراگراف میخوانیم «انا انزلناه فی لیلهٍ مبارکه...» .

در سوره بقره میخوانیم «شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن...»

از مجموع اینها فهمیده میشود «لیله مبارکه» این پاراگراف همان «شب قدر» است و «هُ» ، هم در اینجا و هم درسوره قدر، اشاره به قرآن است .

در المیزان فرموده که از تلفیق دو مطلب سوره قدر و این آیات فهمیده میشود که شب قدر هر سال تکرار میشود .

گرچه در این خصوص روایات زیاد است اما از متن قرآن چنین چیزی فهمیده نمیشود بلکه از مجموع مطالب سوره قدر و این آیات و سوره بقره این مطالب فهمیده میشود:

1- قرآن در ماه رمضان نازل شده ، (سوره بقره)

2- قرآن در شب قدر نازل شده ، (سوره قدر)

3- قرآن در شبی پر برکت نازل شده ، (این سوره)

4- «ملائکه» و «روح» در آن شب دائماً به فرمان پروردگارشان از هر «امر» ی نازل میشوند ، (سوره قدر)

5- درآن (شب) هر «امر» سربسته­ای «تحلیل وباز» میشود ، (این سوره)

از مجموع اینها اینقدر فهمیده میشود که :

1- شب بسیار شریفی وجود دارد که آنقدر شریف است که قرآن در آن شب نازل شده ،

2- آن شب در ماه مبارک رمضان بوده ،

3- در آن شب کل امور مجمل و سر بسته «باز» (تعریف ، تقدیر، برنامه­ریزی) میشود ، هم امور مادی (که در حوزه مأموریت «ملائکه» است) و هم امور معنوی (که در حوزه مأموریت «روح» است)

اما از مجموع اینها فهمیده نمیشود که شب قدر در هر سال تکرار میشود.

اما روایات در این خصوص زیاد است بطوریکه روایات زیادی وجود دارد که میگوید شب قدر یکی از سه شب نوزدهم و بیست یکم و بیست و سوم هرماه رمضان است .

روایات زیادی هم وجود دارد که میگوید شب قدر یکی از دو شب بیست و یکم و بیست و سوم رمضان است .

روایاتی هم وجود دارد که میگوید شب قدر شب بیست و سوم رمضان است

حتی روایاتی وجود دارد که میگوید شب نوزدهم به زبان امروز «پیش نویس» مقدرات تهیه میشود و در شب بیست و یکم آن «پیش نویس» «نهائی» میشود و در شب بیست و سوم «قطعی» (امضاء) میگردد . ن آ

البته این تفسیر یک «تفسیر تحلیلی» است نه تفسیر روایتی ، لذا ما داخل این حوزه (بحث روایتی) نمی­شویم .

به همین مقدار اکتفا می­کنیم که بدانیم «شب قدر»ی هست ، و با توجه به کلمه «یُفرَقُ» در آیه 4 ، منحصر به همان بار اول هم نیست ، بلکه تکرار هم میشود .

اما اینکه پریودِ این تکرارها یکسال است ، یا دو سال یا سه سال یا پنج سال و غیره ، متن قرآن راجع به آن ساکت است و اینطور نیست که از تلفیق سوره قدر با این پاراگراف یکساله بودن آن پریود بدست بیاید.

اما اگر نظرالمیزان به آن روایات (که هم زیاد و هم قوی هستند) بود ، دیگر لازم نبود بفرماید این موضوع از آن تلفیق معلوم میشود ( زیرا نمی­شود)

[[ البته بگذریم از اینکه این نگارنده نیز عقیده به آن روایات دارم و شبهای سه­گانه را به فضل خدا در مراسم احیاء شرکت می­کنم ، اما عقیده من و میلیونها مانند من برای خودمان محفوظ ، ولی در اینجا در مقام تفسیر تحلیلی هستیم و باید به اقتضاء آن سخن بگوییم نه اینکه عقیده خود را مطرح کنیم]]

**ما هشدار دهنده­ایم ، ما فرستنده­ایم**

برای درک چرائی استفاده از ضمیر «ما» (انزلناهُ ، انا کنا ، عندنا) در این آآاااااااآآآآآآآ آیات باید به دو نکته توجه کنیم :

1. فعل خداوند قانونمند است و خداوند برای اجرای هرچیزی سیستم­ها و قانونمندیها و ظرفیت­ها و بستر­های خاص آن را تمهید میفرماید .
2. در اینجا و بکار بردن مکرر ضمیر «ما» ، هم اشاره به موضوع فوق ، و هم القاء و تلقین مفهوم عظمت به مخاطب میباشد .

**چرا کفار پیامبران را مجنون قلمداد میکردند؟**

درباره موضوع فوق ، که راجع به آیه 14 است ، در پاراگراف 5 سوره طور، و قبل از آن در پاراگراف 7 سوره قلم ، بحثی عرض کرده­ایم و توصیه به مطالعه مجدد آنها داریم .

**شکّ کافران درباره چه بود؟**

در رابطه با آیه 9، از روی «درس» و «درب» می­فهمیم که شکّ آنها راجع به عقاید خودشان است .

به این معنی که از روی فطرت خویش و عقل معمولی که هر کسی دارد ، صدق مدعای پیامبر را درک می­کردند ، و چون آن تعالیم با آنچه که بعنوان اعتقادات خویش می­شناختند در تضاد بود ، به اعتقادات خویش شک می­کردند .

در این حالت آدم عاقل دنبال شک را می­گیرد و به تحقیق و بررسی می­پردازد تا به حق برسد ، اما آنها چون فی­الجمله می­فهمیدند که اگر این کار را بکنند و به حق برسند باید از آنچه که فعلاً به آن مشغولند دست بکشند ، این کار را نمی­کردند و خود را به چیزهای دیگر سرگرم می­ نمودند .

**ایمان یک امر قلبی است**

ازآیه­های 15-13-12 یک نکته مهم فهمیده می­شود .

آنهم این است که ایمان باید در عقل آدمی تحقق یابد و ایمان بر اثر انگیزه­ های بیرونی مانند تهدید و تطمیع و ترس و امید و باصطلاح امروز «چماق و هویج» بوجود نمی­آید . و اگر هم بوجود بیاید در اثر حذف عوامل بیرونی مذکور از بین می­رود .

**بالاخره موضوع چه بود؟**

چنین به نظر می آید که این پاراگراف به صورت یک مثال مطرح شده است. یعنی اینکه ای پیامبر ! روزی را تصور کن که ما بخواهیم این مردم را به عذاب کوچکی معذب کنیم ، در آنصورت همه این کفار و مکذبین دست از کفر و تکذیبشان بر میدارند که خدایا غلط کردیم و ایمان آوردیم و چه و چه و . . .

اما به محض اینکه آن حالت برطرف شود دو باره به این حالت های فعلی شان بر خواهند گشت ، و لذا تو خیلی ذهنت را درگیر این مطلب نکن و بگذار بسیاری از مطالب در اثر گذشت زمان درست شود ، و در باره قیامت هشدارشان ده . و برای اینکه متن را بهتر بفهمید توصیه میشود آیه 15 را بعد از آیه 12 بخوانید .

با این مقدمه ، سه کلمه آخر آیه 11 و کلّ آیه 12، زبان حال مردمی است که در ساعات نزدیک به وقوع قیامت شاهد علائم وقوع هستند (و مانند «قال الانسان مالها» در سوره زلزال است) ، و آیه های 13 و 14 و 15 ، زبان حال ملائکه مستقر کننده قیامت است که نسبت به آنها این زبان حال را دارند .

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حم (1) قسم به آن کتاب روشنگر (2) البته ما آنرا در شبي پر برکت فرو فرستاده ايم** {که همواره هشدار دهنده بوده ايم} **(3)** {در آن (شب) هر امر مجملي تفريق (و تقدير) ميگردد (4) امري از جانب ما} { که همواره فرستنده بوده ايم} (5) (فرستنده) رحمتي از جانب پروردگارت {که او شنواي دانا ست } (6) {پروردگار آسمانها و زمين و بين آندو ،اگر يقين داشته باشيد } (7) **که خدائي جز او نيست ، زنده ميکند و ميميراند ، که پروردگارتان و پروردگار نياكانتان است (8)** **بلکه در شکّي هستند ، و مشغول بازي ميباشند (9)**{پس تو نيز چشم براه روزي باش که آسمان دودی آشکار بياورد (10) که مردم را فرا گيرد[که خواهند گفت] {اين عذابي دردناک است (11) پرودگارا عذاب را از ما کنار بزن که ما ايمان آورديم} (12) {{چطورميتوانندپندگرفته باشند درحاليکه قبلا فرستاده اي آشكار بسويشان آمده بود (13) اما روي برگرداندند و گفتند ديوانه اي است که (اين چيزها را) به او ياد ميدهند (14) [به آنها گفته میشود : روش ما این است که]البته آن عذاب را (مدت) کمي کنار ميزنيم . اما شما هم (به کفر خويش) بازميگرديد }} (15) (در هر حال عاقبت این است که) **روزي که در آن گرفتنِ بزرگ با قوت بگيريم که ما انتقامگيريم (16)**

**دخان2 آیات17تا33**

**وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ ﴿17﴾ أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿18﴾ وَأَنْ لَّا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُم بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿19﴾ وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَن تَرْجُمُونِ ﴿20﴾ وَإِنْ لَّمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاعْتَزِلُونِ ﴿21﴾ فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ هَؤُلَاء قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ ﴿22﴾ فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ ﴿23﴾ وَاتْرُكْ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُندٌ مُّغْرَقُونَ ﴿24﴾ كَمْ تَرَكُوا مِن جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿25﴾ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿26﴾ وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ ﴿27﴾ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ ﴿28﴾ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاء وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ ﴿29﴾ وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿30﴾ مِن فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَالِيًا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿31﴾ وَلَقَدِ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَى عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿32﴾ وَآتَيْنَاهُم مِّنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاء مُّبِينٌ ﴿33﴾**

**ای پیامبر! قبل از این کافران قوم فرعون را نیز آزموديم و پیامبری گرامي بنزدشان آمد (17) که بنس اسرائیل را که بردگی گرفته اید به من بسپارید ، که من از سوی خداوند برای شما فرستاده­ای امینم (18) و اينکه نسبت به خداوند سرکشي نکنيد که با دليلي روشن بسويتان آمده ام (19) و البته از اینکه سنگسارم کنید به خدای خویش و خدای شما پناه می­برم (20) و اگر باورم نداريد از من کناره گيريد (21) اما از آنان رفتار نا مناسب دید و پروردگارش را خواند که اينها مردمي گناه پيشه اند (22) به او جواب دادیم که بندگانم را شبانه ببر ، زيرا که تعقيب خواهيد شد (23) و از آن رود بزرگ که به دریا شبیه است به همواری بگذر که فرعونیان که تعقیت تان خواهند کرد غرق خواهند شد (24) این اتفاقات به وقوع پیوست و عاقبت چنین شد که فرعونیان باغها و چشمه سارهائي عالی را که در آن بودند که ترک کردند (25) و نیز کِشت ها و مقامها و مراتب عالي را (26) و نیز نعمتهائي را که با دلخوشي استفاده ميکردند (27) چنين شد و آنها را به قومي ديگر داديم (28) و آسمان و زمين اشکي هم برآنها نريخت و مهلتي نيز نيافتند (29) و البته بني اسرائيل را از آن عذاب خفت بار نجات داديم (30) از فرعون که متکبری از اسراف­کاران بود (31 ) و بنی اسرائیل را آگاهانه بر معاصرانشان برگزيديم (32) و از آيات و نشانه ها ، چيزهائي به آنان داديم که در آن امتحاني آشکار بود (33)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره**

**درس : نکوهش کافران گذشته و معاصر که عليرغم نعمت های الهي و حکمت آفرينش جهان به گردنکشي و لجبازي دچارند .**

**درب : نمونه رفتاري يکي از اقوام قبلي که به رسالت پيامبرشان اهميت ندادند و سعي کردند به او و پيروانش دست درازی کنند و هلاک شدند .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف اول اهمیت قرآن را بطور پررنگ مطرح میفرماید که در درجه اول خودش کتاب آشکار کننده (قاعدتا حق از باطل) است ، و در شب بسیار مهمی نازل شده ، و نیز از جانب خودِ خداوند متعال آمده است و اینکه فکر نکنید کافران از روی تفکر و تعقل به کفرشان رسیده اند ، نه بلکه از روی بی مسئولیتی و عدم تفکر و تعقل آن کفر را ابراز میکنند .

در این پاراگراف نتیجه گردنفرازیِ یکی از اقوام قوی پنجه پیشین را ذکر میفرماید که چگونه نسبت به پیامبرشان نافرمانی و حتی مقابله کردند و دستجمعی به هلاکت رسیدند .

**3 - سوالات**

1- «کریم» (=گرامی-آیه17-) از نظرچه کسانی؟ (خداوند و سیستمِ وحی؟ فرعونیان؟ یا..؟)

2 – از بین صفات ممکن ، چرا موسی خود را «امین» نامیده؟

3 - حالت کلی آیه21چیست؟ (آزادی اندیشه وایمان؟ یا...؟)

4 - آیه21با آیه18چگونه قابل جمع است؟

5 - بین دوآیه21و22چه اتفاقی طبق کدام کلید تفسیر قرآن افتاده؟

6 - سوال فوق را درباره آیه های22و23جواب دهید .

7 - (درآیه28) «کذلک» چه جایگاهی دارد؟

8 - «گریه آسمان» (به عنوان کنایه) مفهوم است . اما در باره «زمین» چه؟

9 – آیه 33 را از لحاظ سه کلمه توضیح دهید: من ،آیات ، بلاء .

10 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (قصه ای؟ عبرتی؟ هردو؟ یا....؟)

11 - در این پاراگراف کدام آیه ها فرعی و کدام فرعی در فرعی وکدام اصلی است؟

12 - چرا در این پاراگراف خداوند را جمع (فتنا ، اورثنا ، و ...)آورده؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از پاراگراف حاوی آیات 17 تا 33 میتوان این رافهمید که ذکر داستان موسی و نابودی فرعونیان به منظور روحیه دهی به مسلمانان و آنحضرت بوده است با این منطق که نه اینها از فرعون قوی تر اند و نه بنی اسرائیل از شما عزیزتر .

سران کفار در کفرشان لجبازی مینمودند و بی منطقی نشان می­دادند (آیات 34 تا 37)

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

آیات 17 تا 33 که اشاره به نابودی فرعونیان و نجات بنی اسرائیل است ، بطور تلویحی متضمن وعده ای امید بخش بوده است ، از این لحاظ که دشمنان آنحضرت کجا و فرعونیان کجا و دوستان آنحضرت کجا و بنی اسرائیل کجا!

**6 – کلیدهای تفسیری**

**واگذاری به مخاطب :**  با توجه به کلید های تفسیر در ابتدای دو آیه 23 و 25 «واگذاری به مخاطب» صورت گرفته ، مثلا در مورد اول جای چنین جمله­ای خالیست «لذا به موسی توصیه کردیم» و در مورد دوم «آنها خود را درموضعی قرار دادند که نعمتهایشان زائل شد و»

**«آسمان بر آنها گریه نکرد» به زبان مخاطب است :** موضوع فوق در آیه 29 به این معنی است که فرعون و فرعونیان نابود شدند و این امر برای کسی مهم نبود و در جهان اتفاقی نیفتاد .

**پرانتز بزرگ :** اگر انتهای آیه 16 را به ابتدای آیه 34 وصل کنیم ملاحظه میکنیم که روال سخن صاف و یکدست و بی اعوجاج است و از اینجا معلوم میشود کلّ آیات 17 تا 33 «پرانتزی» است .

**7 – زاویه با تفاسیر رایج**

**«بحر» (آیه 24)همان رود نیل است :**

بطور کلی در قرآن «بحر» در معنی «آب بسیار زیاد» در چند جا آمده و در این آیه نیز بمعنی «دریا» بمعنی اصطلاحی علمای جغرافیا نیست.

گرچه تورات فعلی محل عبور بنی­اسرائیل را «دریای سیاه» ذکر کرده ، اما به دلایلی که در جای خویش عرض کرده­ایم نمی­تواند صحیح باشد و چون مقصد آنها سرزمین شامات فعلی (به مرکزیت بیت­المقدس) بوده ، تنها راه آبیِ مانعِ آنها از مصر (به مرکزیت اهرام جیزه) بطرف شامات ، رود نیل است .

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

نمونه رفتاري قوم فرعون که به رسالت پيامبرشان اهميت ندادند و آنقدر لجاجت کردن که حتی سعي کردند او و پیروانش را یکسره بکشند و هلاک شدند .

**9 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیات 17 تا 33 از این لحاظ که به اقوامِ درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب 1400 سال قبل.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه 17 بقیه عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» میباشد .

**شرح مختصر**

**بندگان خدا را بمن ادا کنید**

از جمله «ادا» کنید در آیه 18، معلوم می­شود که بردگان مورد نظر از روی ظلم به بردگی گرفته شده بودند ، نه اینکه بطور عادی برده شده باشند (مثلاً طبق قوانین ملل سابق در جنگ اسیر نشده بودند ، یا بدهکار نبودند یا ...) و گویی که آنها «امانت» بوده­اند و در خصوص آنها خیانت صورت گرفته است .

واقعیت­های تاریخی هم همین را می­گوید .

بنی­اسرائیل بعنوان «مهاجر» و «ساکن» در بلاد مصر سکنی گزیده بودند و آنها بعداً آنان را از روی ظلم از حقوق شهروندی­شان خلع کرده و به بردگی گرفتند ، و به این خاطر است که می­فرماید بندگان خدا را بمن «ادا» کن .

**سنگسار**

از آیه 20 فهمیده می­شود ظاهراً فرعون قصد داشته حضرت موسی(ع) را سنگسار کند . ضمناً از سایر آیات قرآنی فهمیده می­شود مجازات فرعونیان میخ کردن دست و پای مخالفان بوده ، لذا تصمیم به سنگسار کردن حضرت موسی(ع) باید به این معنی باشد که حکومتگران می­خواستند نوعِ باصطلاح «گناهِ» حضرت موسی(ع) را جزء جرائم شنیع اخلاقی مانند زنا و کفر و امثال آن جلوه دهند که جنبه فضاحت و بی­آبروئی نیز داشته باشد و مردم را از آن حضرت متنفر کنند .

**قومی دیگر**

این «قومی دیگر» که در آیه 28 مورد اشاره قرار گرفته چه کسانی بودند؟

پس از اینکه فرعون و لشکرش در دریا غرق شدند ، پس از آنها ، آن باغها و کشتزارها و ثروتها به چه کسانی رسیده؟

به بنی­اسرائیل که نرسید زیرا آنها همراه با حضرت موسی(ع) در مسیرشان به «ارض موعود» بودند .

از روایات تاریخی نیز مدرکی در دست نیست که همسایگان و ملل دیگر بر سر آنان تاخته باشند و آن ثروتها را تصاحب کرده باشند و اگر چنین اتفاقی افتاده بود ، در تاریخ ثبت می­شد و بما می­رسید .

طبعاً می­ماند بقیه کسانی که در مصر بودند اما نه جزء بنی­اسرائیل بودند و نه جزء فرعونیان .

چرا قرآن آنها را «قومی دیگر» نامیده؟

به کمک «درس» این جواب بدست می­آید که آنها از لحاظ فکری و عقیدتی ، دیگر «فرعونی» نبودند . آنها ادعاهای فرعون را شنیده بودند ، با پیروزی موسی(ع) و نجات بنی­اسرائیل و نابودی فرعونیان طبعاً دیگر نمی­توانستند ادعاهای فرعونیان را بپذیرند . لذا نمی­توان آنها را «فرعونی» نامید . از طرفی موحد هم نبودند زیرا به حضرت موسی نپیوستند .

**«جهانیان» چه کسانی بودند؟**

با توجه به آیه 32 «جهانیان» یعنی کلیه اقوام دیگرِ ساکن در روی زمین که در جاهای دیگر بودند .

بعبارت دیگر یعنی آنها در مقایسه با اقوام دیگر، در آن مقطع زمانی ، برتری یافتند (بعلت نعمت وحی و وجود پیامبری عظیم­الشأن در میانشان) و این کلمه در اینجا (با توجه به کلید های تفسیر قرآن که در مقدمه این تفسیر آمده) نه به معنی­ لغوی ، بلکه به معنی اصطلاحی آن به کار رفته است .

**اهمیت بردگان بنی اسرائیلی برای فرعونیان**

از آیه­های 24-23 فهمیده می­شود که موضوع بردگان برای حکومت آن زمان مصر، امر بسیار مهمی بوده که باید با چنان تحفظی صورت می­گرفته ، و در صورت فاش شدن چنان واکنش جدی و مهمی را در پی داشته ، زیرا فرعونیان کم کم به مردمی مرفه تبدیل شده بودند که از انجام کارهای سخت و مشکل مانند کشاورزی و ساخت ابنیه و امثال آن سرباز می­زدند و این کارها را توسط «دیگران» انجام میدادند و کم کم بنی اسرائیل را که ضریب زاد و ولدشان بالا بود و به سرعت (از زمان حضرت یوسف که به مصر کوچ کردند تا آن موقع که چندین قرن شده بود) تعداد نفوسشان زیاد شده بود در همه کارهای سخت و طاقت­فرسا به بیگاری گرفتند و لذا اگر بنی اسرائیل را از دست میدادند دچار زحمت میشدند و می­باید از آن رفاه و تنعم که عادتشان شده بود چشم می­پوشیدند .

**جمع بندی و تفسیر**

**و البته قبل از آنان قوم فرعون را آزموديم و فرستاده اي گرامي بنزدشان آمد (17) که بندگان خدا را به من بسپارید ، که من برای شما فرستاده­ای امینم (18) و اينکه نسبت به خداوند سرکشي نکنيد که با دليلي روشن بسويتان آمده ام (19) و البته از اینکه سنگسارم کنید به خدای خویش و خدای شما پناه می­برم (20) و اگر باورم نداريد از من کناره گيريد (21)** [اما از آنان رفتارنا مناسب دید] **پس پروردگارش را خواند که اينها مردمي گناه پيشه اند (22)** [بهاو جواب دادیم که] **بندگانم را شبانه ببر ، زيرا که تعقيب خواهيد شد (23) و از آن دریا به همواری بگذر که آنها لشکری غرق شده خواهند بود (24)** [ایناتفاقات به وقوع پیوست و بالاخره فرعونیان] **چه باغها و چشمه سارهائي را که ترک کردند (25) و چه کِشت ها و مقامها و مراتب عالي را (26) و نیز نعمتهائي را که با دلخوشي استفاده ميکردند (27) چنين شد و آنها را به قومي ديگر داديم (28) و آسمان و زمين اشکي هم برآنها نريخت و مهلتي نيز نيافتند (29) و البته بني اسرائيل را از آن عذاب خفت بار نجات داديم (30)** {از فرعون که او متکبری از اسراف­کاران بود}(31 ) **و آنها را آگاهانه بر جهانيان برگزيديم (32) و از آيات و نشانه ها ، چيزهائي به آنان داديم که در آن امتحاني آشکار بود (33)**

**دخان3 آیات34تا59**

**إِنَّ هَؤُلَاء لَيَقُولُونَ ﴿34﴾ إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَى وَمَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ ﴿35﴾ فَأْتُوا بِآبَائِنَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿36﴾ أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿37﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ ﴿38﴾ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿39﴾ إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿40﴾ يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى عَن مَّوْلًى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿41﴾ إِلَّا مَن رَّحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿42﴾ إِنَّ شَجَرَةَ الزَّقُّومِ ﴿43﴾ طَعَامُ الْأَثِيمِ ﴿44﴾ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ﴿45﴾ كَغَلْيِ الْحَمِيمِ ﴿46﴾ خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَى سَوَاء الْجَحِيمِ ﴿47﴾ ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ﴿48﴾ ذُقْ إِنَّكَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ﴿49﴾ إِنَّ هَذَا مَا كُنتُم بِهِ تَمْتَرُونَ ﴿50﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ﴿51﴾ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿52﴾ يَلْبَسُونَ مِن سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَقَابِلِينَ ﴿53﴾ كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ ﴿54﴾ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ ﴿55﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿56﴾ فَضْلًا مِّن رَّبِّكَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿57﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿58﴾ فَارْتَقِبْ إِنَّهُم مُّرْتَقِبُونَ ﴿59﴾**

**ای پیامبر اينان ميگويند (34) جز اين نيست که مرگي جز همين مرگ اول نداريم و برانگيخته نخواهيم شد (35) اگر بقول تو زندگی بعدیی خواهد بود پدرانمان را بياوريد اگر راست ميگوييد (36) اقوام قبلی هم همین رویکرد را داشتند ، آيا اینان آنها ، مثلا قوم تبّع و يا پيشينيان آنها که هلاکشان کرديم و مجرم بودند ، بهترند؟ (37) و آسمانها و زمين و آنچه را که بين آنهاست به بازي نيافريده ايم (38) آنها را جز به حق نيافريده ايم وليکن اکثر اینان به آنچه میگویند علمی ندارند (39) البته روز جدا کردن خوب و بد که همان روز قیامت باشد ، وعده گاه همگي است (40) روزي که هيچ دوستي نميتواند براي دوستش کاري کند و کافران و مجرمان هيچ ياريي نميشوند (41) مگر کسانی که شایسته رحمتی از جانب خداوند باشند که همو پيروزمند رحیم است (42) درخت زقوم (43) غذاي آن گناهکاران است (44) مانند مسِ مذاب است و در شکمها ميجوشد (45) مانند جوشش چرکابه جوشان (46) و در چنین اوضاع و احوالی به ماموران عذاب خطاب میشود که این کافران و مجرمان را بگيريدشان و به وسط جهنم بکشيدشان (47) آنگاه از بالاي سرشان از آن عذاب جوشان بر آنان بريزيد (48) در آن موقعیت به خود آنها خطاب میشود که ای کسانیکه که تو به نظر خودتان عزتمند و گرامي بوديد اینک بچشید (49) اين همان چيزيست که در آن ترديد ميکرديد (50) اما تقوا پيشگان در موقعيتي امن خواهند بود (51) در باغها و چشمه سارها (52) جامه هايي از ابريشم نازک و ضخيم بر تن داشته و با يکديگر هم صحبتند (53) و آنها را با حوريان تزویج خواهيم كرد (54) در آنجا در حاليکه امنيت دارند از هر نوع ميوه اي می طلبند (55) مرگي جز همان مرگ اول نخواهند داشت و خداوند آنها را از عذاب جهنم دور نگهداشته است (56) که اين لطفي از جانب پروردگارت است و پيروزي بزرگ نيز همان است (57) جز اين نيست که این قرآن را بر زبانت آسان کرده ايم شايد پند گيرند (58) پس چشم براه پیشرفت رسالتت باش که آنان نيز چشم براه ناکامی تو میباشند (59)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره**

**درس : نکوهش کافران گذشته و معاصر که عليرغم نعمت های الهي و حکمت آفرينش جهان به گردنکشي و لجبازي دچارند .**

**درب : از جمله علل تکديب و گردنکشي کافران، بي توجهي به آخرت ، و بی توجهی به حکمت آفرینش است ، و همچنین بي توجهي به زندگي سخت بعديِ کافران و زندگي عاليِ بعدي مومنان است .**

**خلاصه تفسیر آیات 34 تا 37 :** این کافران میگویند مرگ پایان کار ما است و برانگیخته نخواهیم شد .

**خلاصه تفسیر آیه های 38 و 39 :** در آفرینش آسمانها و زمین قصد حکیمانه­ای هست ولی آنها به این موضوعبی توجهی میکنند .

**خلاصه تفسیر آیات 40 تا 42 :** شرح گوشه ای از هولناکی قیامت .

**خلاصه تفسیر آیات 43 تا 59 :** شرح گوشه ای از عذاب های کافران و نعمت های مومنان در و پس از قیامت .

**خلاصه تفسیر آیه های 58 و 59 :** ای پیامبر! آسان کردن آن (قرآن) بر زبان تو برای پند گرفتن آنان بوده است .

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف اول اهمیت قرآن را بطور پررنگ مطرح میفرماید که در درجه اول خودش کتاب آشکار کننده (قاعدتا حق از باطل) است ، و در شب بسیار مهمی نازل شده ، و نیز از جانب خودِ خداوند متعال آمده است و اینکه فکر نکنید کافران از روی تفکر و تعقل به کفرشان رسیده اند ، نه بلکه از روی بی مسئولیتی و عدم تفکر و تعقل آن کفر را ابراز میکنند .

در پاراگراف دوم نتیجه گردنفرازیِ یکی از اقوام قوی پنجه پیشین را ذکر میفرماید که چگونه نسبت به پیامبرشان نافرمانی و حتی مقابله کردند و دستجمعی به هلاکت رسیدند .

در این پاراگراف شرح میدهد که کافرانِ معاصرِ نزولِ این آیات چگونه بجای ارزیابی کلام وحی به اِنکار لجبازانه ء بی دلیل و بهانه گیری می پرداختند ، و اینکه قیامت هم البته بالاخره برای همگان از راه میرسد و پس از آن برای کافران عذاب غیر قابل تصور و برای مومنان نعمت های غیر قابل تصور خواهد بود و تو نیز ای پیامبر بدان که این قرآن را برای امکان پند پذیریِ همگان آسان نموده ایم ، لذا به اعمال کافران چندان اهمیتی نده و رسالتت را پیگیر و منتظر آن عاقبت باش .

**3 - سوالات**

1 – مجموعه «ل» و « ان هی الّا» نشانه چیست؟

2 - مجموعه سه آیه34 و 35 و 36 ، چه حالتی رابیان میکنند؟ (عمد و اصرار؟ لجّ؟ یا.....؟)

3 - «خیر» درآیه37 ازچه لحاظ ؟

4 - علت هلاک پیشینیان چه بود؟ (تکذیب قیامت وآخرت؟ارتکاب اعمالی که منتج از تکذیب مذکوراست؟ یا....؟)

5 - چرا دراین پاراگراف در رابطه با آفرینش از ضمیر «ما» (خلقنا) استفاده شده؟

6 - کلمه «اولی» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

7 - چرا در آیه 35 بجای «منشرین» نفرموده «مبعوثین»؟

8 - « ال» در آیه 44 الف - لام جنس است یا عهد؟

9 – آیه 44 با کدام کلید تفسیر قرآن منطبق است؟

10 – چرا در آیه 51 صفت «امین» را برای «مقام» ذکر فرموده؟

11 - کلمه «میقات» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

12 - مطلب آیه های 43 تا 56 به چه زبانی است؟ (کنایه؟ استعاره؟ مَثَل؟ یا ....؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

سران کفار منتظر پایان کار آنحضرت و فروپاشی نهضت او بوده­اند و فکر میکرده­اند اگر اندکی حوصله کنند این موج می­گذرد (آیه 59)

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 59 به صراحت به آنحضرت وعده پیشبرد رسالتش را میدهد و چنانکه همه میدانند این پیشگوئی نیز تحقق یافته است .

**6 – کلیدهای تفسیری**

**فرعی و پرانتز :** آیه های 36 و 37 فرع بر آیه 35 و آیه های 41 و 42 فرع بر آیه 40 است .

**تغییر مخاطب (التفات) و واگذاری به مخاطب :** با توجه به کلید های تفسیر قرآن ، در ابتدای آیه­های 47 و 49 و 50 التفات ، و در ابتدای آیه های 43 و 57 واگذاری به مخاطب صورت گرفته است .

**به زبان طنز :** درآیه 49 که فرموده «بچش ، که تو آن عزیزِ دست نیافتنیِ گرامی بودی» در حقیقت به این معنی است که «بچش، که تو همان کسی هستی که خودت را خیلی عزیز و گرامی حساب میکردی» و یا «بچش، مگر تو همان کسی نیستی که خودش را آنقدر عزیز و گرامی می­پنداشت پس چرا کاری کردی که به این روز بیفتی که نه عزتی در کارت باشد نه کرامتی»

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

از جمله علل تکديب و گردنکشي کافران، بي توجهي به آخرت ، و بی توجهی به حکمت آفرینش است ، و همچنین بي توجهي به زندگي سخت بعديِ کافران و زندگي عاليِ بعدي مومنان است .

**8 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیات 43 تا 49 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از آیات مشهور قرآنی است.

**9 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه 37 از این لحاظ که به اقوامِ درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب 1400 سال قبل.

آیه های 38 و 39 از این لحاظ که به آفرینش اشاره دارد، از آنجا جزئیات مکانیزمش برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم 1400 سال قبل.

آیات 40 تا 57 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

آیه 58 از آن لحاظ که به گوشه ای از مکانیزم وحی اشاره دارد، و آن چیزی است که هیچ بنی بشری به آن دسترسی ندارد، بالاتر از ذهنیات بشر و طبعا معاصران نزول نیز میباشد.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با مفاهیم آیه­های 40 تا 43 و نیز 51 تا 57 قبلا در سوره­های انفطار و نبأ و بعد از آن آشنا شده­ایم ، اما ضمن وحدت مفهومی آنقدر از لحاظ کلمات و عبارات و وزن و قافیه و شکل ادبی و شکل موسیقیایی تفاوت دارند که بازشناسی آنها خبرگی میخواهد و این یکی از وجوه ادبی قرآن کریم است که شخص از مطالعه قرآن خسته نمیشود و همیشه در آن تازگی می بیند .

بقیه مطالب این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**قوم تُبَّع**

داستانهای پیامبران که در قرآن آمده اکثر قریب به اتفاق مربوط به پیامبرانی است که در همان جائی که امروزه به آن «خاورمیانه» گفته می­شود می­ زیسته­اند .

در قرآن اشاره­ای به پیامبرانی که در چین ، اروپا ، استرالیا ، قطبهای شمال و جنوب و سایر نقاط بوده­اند نشده است .

آیا آن مناطق پیامبر نداشته­اند؟ حتما داشته­­اند ، دلیلش هم « و لکل قوم هادٍ» و آیات مشابه دیگر.

پس چرا خداوند به آنها اشاره­ای نکرده است؟

خداوند فرموده «ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه» (= ما هیچ رسولی را جز مطابق زبان و فرهنگ قومش به رسالت نفرستاده­ایم) لذا علت ذکر نکردن پیامبران غیرسامی این بوده است که آنها خارج از محدوده فرهنگی اهالی عربستان بوده­اند .

پیامبرانی مانند نوح ، ابراهیم ، موسی ، عیسی ، یعقوب ، اسحق ، یوسف ، سلیمان و خلاصه کلیه آنهایی که اسمشان در قرآن آمده ، همگی یا از لحاظ جغرافیائی ، یا از لحاظ نژادی ، (سامی) در داخل محدوده «لسان» (= زبان و فرهنگ) اعراب بوده­اند .

لذا از همه این مطالب باید این نتیجه­گیری را هم داشته باشیم که «تُبّع» نیز نام یکی از اقوامی بوده است که پیامبرشان یا در محدوده خاورمیانه به ماموریت الهی اعزام شده بود ، و یا از نژاد سامی بوده است.

هرچه که بوده ، به زمان رسول اکرم(ص) نزدیک و برای مردمی که مخاطب این آیات بوده­اند شناخته شده بوده ، زیرا قرینه «و الذین من قبلهم» در آیه 37 ، این را میگوید که قبل از قوم تبع نیز اقوامی هلاک شده­اند ، پس قوم تبّع به زمان نزول این آیات نزدیک­تر بوده است .

اما کسانی که تا کنون قرآن بعنوان هلاک­شدگان از آنها نام برده ، قوم نوح ، عاد ، ثمود ، قوم رسّ ، قوم لوط، و قوم شعیب بوده­اند . پس معلوم می­شود قوم تبّع متاخر بر همه اینها بوده­ است که در اشاره به آنها فرموده «والذین من قبلهم» .

**منظور از «اکثرشان» در آیه 39 کیست؟**

با توجه به درس و درب منظور از «اکثرشان» همان اشخاص مورد نکوهش ، یعنی سران کافران و پیروان آگاه آنها می­باشند .

**«بازی» و «حق»**

«بازی» در مقابل «حق» آمده و چون ما «بازی» را می­شناسیم ، از روی تعریف و تعبیر آن می­توانیم تعریف و تعبیری از «حق» بدست آوریم .

بازی، عبارت است از مجموعه افعال و حرکاتی که نظام­مند می­باشد اما به غایت و هدف ارزشمندی منتهی نمی­شود . غایت و هدف مجموعه آن افعال و حرکات ، یا اصلاً بی­ارزش است یا ارزش آنها کوچک و حقیر است .

بنا به تعریف ، «حق» به غایت و هدف بزرگ و پرارزش اشاره دارد و چیزی که «به حق» است یعنی به هدف بزرگ و مهم پرارزش منتهی می­کند یا منتهی می­شود .

**بدنِ این جهانی و بدن آن جهانی**

قبلا نیز در این باره بحثی کرده­ایم .

با توجه به آیات 43 تا 48 آب و غذائی که مورد اشاره قرار می­گیرد چیزهائیست که اصلاً برای ما قابل تصور نیست .

چنان آب و غذاهائی را نه می­توان نوشید و خورد و بلکه حتی نمی­توان به آنها نزدیک شد . مس مذاب کجا و نسوج بدن کجا؟

در اینجا باید توجه کنیم که «بدن جهنمی» شخص همان چیزی نیست که ما از «بدن فعلی انسانی» خویش تصور می­کنیم .

مطالب آن جهان ، فعلا برای ما قابل تصور نیست .

غذاهای این جهانی برای جنین داخل رحم ، قابل تحمل نیست .

اگر امکان آن بود که لقمه­ای جوجه کباب که برای ما غذایی مطلوب است ، به جنین خورانده شود ، آن جنین فوراً خواهد مرد .

بنابراین باید این را درک کرد که بدن ما در جهانِ پس از قیامت ، همین بدنی نیست که ما فعلاً داریم .

این بدن ، در مقابل آن بدن­ها ، همانقدر ضعیف است که بدن جنین نسبت به بدن فعلی ما ، و بلکه هزاران بار بیشتر.

لذا آن نوشابه­ها و آن غذاهای جوشان و سخت و مذاب ، آن نقشی را که نسبت به ما خواهد داشت ، و ما را در همان ثانیه اول نابود خواهد کرد ، راجع به «بدن جهنمی» آن تأثیر مخرب را ندارد و بلکه برای آن فقط در حد «یک نوشابه نامطبوع و یک غذای ناگوار عذاب­آور» خواهد بود .

**ذکر مصادیق افاده حصر نمی­کند**

آنچه درباره عذاب اهل جهنم یا نعمت های اهل بهشت ذکر شده منحصر در آنها نیست و مانند مشتی از خروار و کفی از دریا بعنوان مثال (تازه آنهم به زبان مخاطب) ذکر فرموده است .

**قرآن را بر زبانت آسان کرده­ایم**

در خصوص مطلب تیتر فوق ، در ذیل ترجیع بند «ولقد یسرنا القران للذکر فهل من مدکر» در سوره قمر بحثی کرده­ایم .

**جمع بندی و تفسیر**

**اينان ميگويند : (34) جز اين نيست که مرگي جز همين مرگ اول نداريم و برانگيخته نخواهيم شد (35)** {پس پدرانمان را بياوريد اگر راست ميگوييد}(36) {آيا آنها بهترند يا قوم تبّع و يا پيشينيان آنها که (به علت همین قول و فعلِ حاصل از آن) هلاکشان کرديم و مجرم بودند؟}(37) **و آسمانها و زمين و آنچه را که بين آنهاست به بازي نيافريده ايم (38) آنها را جز به حق نيافريده ايم وليکن اکثرشان** (به آنچه میگویند) **علمی ندارند (39)** **البته روز جدا کردن ، وعده گاه همگي است (40)** {روزي که هيچ دوستي نميتواند براي دوستش کاري کند و هيچ ياريي نميشوند (41) مگر آنکه خداوند رحمش کند که همو پيروزمند رحیم است} (42)  **همانا درخت زقوم (43)** {غذاي آن گناهکاراناست } **(44) مانند مسِ مذاب است و در شکمها ميجوشد (45) مانند جوشش چرکابه جوشان (46)** [در آن حال به ماموران عذاب خطاب میشود که] **بگيريدش و به وسط جهنم بکشيدش (47) آنگاه از بالاي سرش از آن عذاب جوشان بر او بريزيد (48)** [در آن موقعیت به خود آنها خطاب میشود که] **بچش که تو** (به نظر خودت) **آن عزتمند گرامي بودي (49) اين همان چيزيست که در آن ترديد ميکرديد (50) البته تقوا پيشگان در موقعيتي امن خواهند بود (51) در باغها و چشمه سارها (52) جامه هايي از ابريشم نازک و ضخيم بر تن داشته و با يکديگر هم صحبتند (53) چنين است ، و آنها را با حوريان تزویج خواهيم كرد (54) در آنجا در حاليکه امنيت دارند از هر نوع ميوه اي می طلبند (55) مرگي جز همان مرگ اول نخواهند داشت و خداوند آنها را از عذاب جهنم دور نگهداشته است (56) که اين لطفي از جانب پروردگارت است و پيروزي بزرگ نيز همان است (57) جز اين نيست که آن** (قرآن) **را بر زبانت آسان کرده ايم شايد پند گيرند(58) پس چشم براه** (چنین عاقبتی) **باش که آنان نيز چشم براه** (نا موفقیت تو) **اند (59)**

**سوره زخرف**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**حم ﴿1﴾ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿2﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿3﴾ وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ ﴿4﴾ أَفَنَضْرِبُ عَنكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَن كُنتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ ﴿5﴾ وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِن نَّبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ ﴿6﴾ وَمَا يَأْتِيهِم مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُون ﴿7﴾ فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُم بَطْشًا وَمَضَى مَثَلُ الْأَوَّلِينَ ﴿8﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حم (1) قسم به قرآن که کتابی روشنگر است (2) که ما آن را خواندنيي به زبان روشن و قابل فهم قرار داديم شايد تعقل کنيد (3) و آن ، در مادرِکتابهای آسمانی که نزد خداوند است ، داراي موقعيتي والا و محکم است (4) ای کافران! آيا چون شما مردمي اسرافگر هستيد از فرستادن آن قرآنِ حاوی پند بسوي شما منصرف شويم؟ (5) و تکذیب رسولان نیز چیز بی سابقه ای نیست و چقدر رسولاني که در اقوام اوليه فرستاديم (6) و هيچ پيغمبري بسويشان نيامد مگر اينکه مسخره اش ميکردند (7) و نيرومند ترين آنها را هلاک کرديم و مَثَل اقوام اوليه تكرار شد (8)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره**

تاکنون ، در چهار جلد قبلی این تفسیر ، در ابتدای پاراگراف اول هر سوره ، ذیل تیتر فوق ، لااقل دو جدول اول و آخر طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یا همان «درس» سوره) را می آوردیم ، اینک که خواننده محترم به اندازه کافی آنها را دیده ، و دانسته که طرز استخراج چگونه است ، به علت علاقه به رعایت اختصار ، دیگر جدول های مذکور را که دائما طولانی تر میشود ، ذکر نمیکنیم ، و اگر کسی بخواهد، میتواند همه آنها را در کتاب «راهنمای تحلیلی» ما (در سایت ما که در اول و آخر این کتاب معرفی کرده ایم) ببیند .

**درس : کافران بي توجه به افعال و صفات پرلطف الهي عامدانه و مصرانه با پيامبران لجبازي و مخالفت مي کنند .**

**درب : مطالب قرآن حق است ، زيرا از چنين جایگاهی نازل شده است و کفر کافران ، مانع خداوند از اتمام حجت نیست .**

**2 - سوالات**

1 - کدام معنی برای کلمه «مبین» مناسب تراست؟ (آشکار؟ آشکارکننده؟ خودآشکارکننده؟ یا....؟)

2 – چرا در اینجا از ضمیر «ما» (جعلنا ، لدینا) استفاده شده؟

3 – چرا در باره قرآن از ضمیر «ه» که در رابطه با «ذیروح» بکار میرود استفاده شده؟

4 - چه حکمتی در قراردادن «حروف مقطعه» در اول بعضی از سوره ها است؟

5 – در آیه 4 ، «ل» در کلمه «لعلی» چه نقشی دارد؟ (تاکید؟ یا...؟)

6 - مرجع ضمیر «ه» در «جعلناه» چیست ؟

7 – در ابتدای آیه 2 ، «و» چه نقشی دارد؟ (قسم؟ عطف؟ یا...؟)

8 – درسوال قبلی ، اگر جواب سوال «قسم» باشد جواب قسم چه خواهد بود؟

9 – در آیه 4 ، «لدینا» متعلق به «الکتاب» است ، یا به «لعلی حکیم»؟

10 – چرا بجای «جعلنا» نفرموده انشاءنا یا خلقنا یا کتبنا یا .....؟

11 - «ف» در آیه 5 ، نمایانگر چه نتیجه گیریی است؟

12 –آیه 5 ، کدام ضرب المثل فارسی را بیادتان می آورد؟

13 – چهار کلمه اول آیه 8 نشان از چه دارد؟ (اینکه خداوند «سران» کفار را مسئول میداند؟ یا...؟)

14 – از سه کلمه آخرآیه فوق ، چه سابقه ای سراغ دارید؟

15 - کلمه «مضی» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

16 - چرا در این پاراگراف خداوند را جمع (نضرب ، ارسلنا ، اهلکنا) آورده؟

17 – آیا از مطلب آیه 5 سابقه ای دارید؟

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

در این برهه از زمان ، وضعیت کلی ، از لحاظ آمادگی و صلاحیت اکثر مخاطبان برای نزول وحی ، هیچ مساعد نبوده ، و به عبارت دیگر ، وحی در زمینه ای نازل شده که اکثر مخاطبان لایق آن نبوده و قدر آن را نمی شناخته اند (آیه 5)

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** : (المیزان) : اين سوره بطورى كه آغاز و انجام آن و نيز مطالبى كه بين اين آغاز و انجام فاصله شده شهادت مى‏دهد، در مقام انذار و هشدار دادن بشر است،

«درس» این سوره ، در این تفسیر (که همان چیزی است که المیزان آن را «غرض» سوره مینامد) از راه محاسبه استخراج شده و چنین است : کافران بی توجه به افعال و صفات پرلطف الهی عامدانه و مصرّانه با پیامبران لجبازی و مخالفت میکنند .

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 5 وعده میدهد که این پروسه ارسال وحی به این علت که مخالفان اینهمه با آن مخالفت میکنند تعطیل نخواهد شد و دیدیم که نشد.

**6 – کلیدهای تفسیری**

**به زبان مخاطب :** همواره باید بیاد داشته باشیم که مفاهیمی مانند «لدّنا» (از جانب ما) و «عندنا» (نزد ما) به آن معنی که مثلا ازعبارت هائی مانند «نزد حسن» و «نزد تقی» می­فهمیم ، نیست و خداوند به زبان مخاطب صحبت فرموده است .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

مطالب قرآن حق است ، زيرا ماخذش از جایگاه «عندالله»ی است ، و کفر کافران ، مانع خداوند از اتمام حجت نمیباشد .

**8 - آیات مشکل**

آیه 4 از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر آنها گفته اند .

البته این قلم نیز عرض خویش را در تفسیرش ارائه نموده است.

**9 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه 1 از حروف مقطعه است، و چنانکه قبلا عرض شد، چون تاکنون به نحو مقنعی رمزگشائی نشده، بالاتر از ذهنیات ما نیز میباشد، چه رسد به مخاطبان اولیه.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 7 و 8 و خود کلمه «حم» ، بقیه فقرات این پاراگراف ، «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**حروف مقطعه**

«حم» فوق از حروف مقطعه است و ما در مقدمه مؤلف بحثی در خصوص آن عرض کرده­ایم (و دراینجا قسمتی را که به «حم» مربوط میشود نقل میکنیم) :

[[سوره­های دخان و زخرف و فصلت و جاثیه و احقاف و مؤمن (غافر) در ابتدای خویش با «حم» شروع می­شوند.

«درس» سوره­های فوق نیز کاملاً شبیه یکدیگر است و محتوای مشترک آنها «نکوهش عمد و اصرار در کفر و تکذیب پیامبر(ص) ، علیرغم روشن شدن حقیقت» می­باشد]]

**موقعیت قرآن نزد خداوند**

در آیه 4 دو مفهوم تحت عنوان «ام الکتاب» و «نزد ما» وجود دارد که لازم است توضیحی داشته باشد .

در قرآن ، از کتابهای آسمانی دیگر مانند تورات و انجیل و داستانهای پیامبران ســابق ، در می­یابیم که کتب آسمانی و انبیاء سابق بر چند نکته تأکید مشترک داشته­اند :

1- وحدانیت خداوند،

2- حقانیت وحی به پیامبران،

3- حتمیت وقوع قیامت و رسیدگی به اعمالِ این جهانی همه مردم ، و بهشت و جهنم،

4- رعایت رفتارهای پسندیده در بین خویش،

5- انجام عباداتی خاص مانند نماز و روزه و امثال آن،

6-دوری ازگناهانی خاص .

تا آنجا که از قرآن فهمیده می­شود این نکات در بین همه ادیان آسمانی مشترک بوده ، و لذا قابل فرض است که چیزی مانند «قانون اساسی» ، «نزد» خداوند باشد و کتب آسمانی از آن مشتق ­گردند .

و این «مشتق» ، با توجه به مقتضیات و نیازهای اقوام مختلف که در زمانها و مکانهای مختلف زندگی می­کنند و فرهنگهای مختلفی دارند و سطح درک و آگاهی و استعدادهای آنها در امور مختلف متفاوت است ، با شرایط آنها «مناسب سازی» شده و بصورت «راهنمای زندگی» در قالب کتاب آسمانی-خاص آنها- نازل شده باشد .

درمورد قرآن نیز به همین ترتیب است.

قرآن شامل مقداری «اصول اساسی» و مقداری «احکام» ، و مقداری «حکمت» ، ومقداری «داستان های پیشینیان» ، و غیره ، است ، با این تفاوت که قرآن از «کتاب» های سابق الذکر برتر است .

زیرا (مثلا) مدت ماموریت انجیل 621 سال بوده وقلمرو ماموریت آن نیز قوم بنی اسرائیل بوده ، اما مدت ماموریت قرآن تا روز قیامت و قلمرو ماموریت آن کلّ جهان است .

به همین خاطر قرآن باید چنان کیفیتی داشته باشد که بتواند ظرفیت پاسخگویی این­ همه تفاوت­های وقوع یافته درطول زمان برای همه اقوام ، در چنان برهه طولانی را داشته باشد .

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حم (1) قسم به آن کتاب روشنگر (2) که ما آن را خواندنيي به زبان روشن قرار داديم شايد تعقل کنيد (3) و آن ، در«مادرکتابها»** {که نزد ما است} **داراي موقعيتي والا و محکم است (4)** **آيا چون مردمي اسرافگر هستيد از** (فرستادن) **آن پند بسوي شما منصرف شويم؟ (5) و چقدر رسولاني که در اقوام اوليه فرستاديم (6) و هيچ پيغمبري بسويشان نيامد مگر اينکه مسخره اش ميکردند (7) و نيرومند ترين آنها را هلاک کرديم و مَثَل اقوام اوليه تكرار شد (8)**

**زخرف2 آیات9تا25**

**وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿9﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿10﴾ وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاء مَاء بِقَدَرٍ فَأَنشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ ﴿11﴾ وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ﴿12﴾ لِتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿13﴾ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ ﴿14﴾ وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ ﴿15﴾ أَمِ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُم بِالْبَنِينَ ﴿16﴾ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿17﴾ أَوَمَن يُنَشَّأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ ﴿18﴾ وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَاثًا أَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ ﴿19﴾ وَقَالُوا لَوْ شَاء الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُم مَّا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿20﴾ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِّن قَبْلِهِ فَهُم بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ ﴿21﴾ بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ ﴿22﴾ وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ ﴿23﴾ قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكُم بِأَهْدَى مِمَّا وَجَدتُّمْ عَلَيْهِ آبَاءكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ كَافِرُونَ ﴿24﴾ فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿25﴾**

**ای پیامبر! اگر از آنان بپرسي چه کسي آسمانها و زمين را آفريده ، با تأکيد خواهند گفت آن خدای عزتمند دانا آنها را آفريده (9) به آنان بگو این خدا همان است که که زمين را برايتان آسايشگاه نموده و در آن برايتان راه هائي قرار داده تا به سهولت راه بسپارید (10) و هموست که از آسمان آبي به اندازه فرستاد که با آن سرزمين مرده را زنده میکند و شما را هم همینطور پس از مرگتان زنده میکند (11) و هموست که همه جفت ها را آفريد و از کشتي ها و چارپايان برايتان سواري مهيا کرد (12) تا بر آنها سوار شويد، سپس، پس از استقرار، متذکر نعمت پروردگارتان شده و بگوييد: منزه است کسي که اين را براي ما رام کرد ، وگرنه ما رام کننده آن نبوديم (13) و البته ما حتمأ بسوي پروردگارمان برخواهيم گشت (14) ای پیامبر! با وجود اینهم نعمت ها که میدانند از جانب کیست ، از ميان بندگانش ، فرزنداني براي او قرار دادند ، که این یک ناسپاسي آشکار است (15) آيا از ميان چيزهائي که مي آفريند دختران را براي خويش برميگيرد وشما را به داشتن پسران ترجیح میدهد؟ (16) و هنگامي که به يکي از آنها به تولد همان چيزي که مَثَلش را براي خداوند رحمان زده ، مژده دهند، بر چهره اش سايه سياه مي نشيند و خشمناک ميشود اما خشمش را فرو ميخورد (17) و با خود ميگويد آيا کسي که در زيور آلات بزرگ ميشود و در جنگ چندان کارايي ندارد برايم متولد شده؟ (18) و ملائکه را که بندگان خدا هستند ماده حساب کرده اند . آيا شاهد آفرينش آنها بوده اند؟ بزودي شهادت آنها نوشته شده و در باره این اعتقادشان پرسش خواهند شد (19) و ميگويند اگر خدا نميخواست ما آن بت ها را عبادت نميکرديم و لذا اگر آنها را عبادت میکنیم به خواست خداست! هيچ علمي به این قول خویش ندارند و همینطوری یک چيزي میگویند و جز تخمين نميزنند (20) مگر پيش از اين کتابي آسمانی به آنان داده ايم که به آن چنگ انداخته اند و این قول را بر اساس آن میگویند؟ (21) نه ، بلکه ميگويند پدرانمان را بر چنین روشی يافته ايم و از روي آثار آنها میرویم (22) و چنين بوده که قبل از تو ، هيچ هشدار دهنده اي در هيچ جائی نفرستاديم مگر اينکه هوسرانانشان ميگفتند ما پدرانمان را بر ديني يافته ايم و از آثار آنها پيروي مي کنيم (23) پيغمبرانشان ميگفتند آيا اگر چيزي برايتان آورده باشيم که نسبت به آنچه پدرانتان را بر آن يافته ايد هدايت کننده تر باشد چه؟ آنها در پاسخ پیامبران خویش ميگفتند ما به هر چه که شما براي ابلاغ آن فرستاده شده ايد کافريم (24) آنگاه، از آنها انتقام کشيديم ، بنگر که عاقبت تکذيبگران چه بود (25)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره**

**درس : کافران بي­توجه به افعال و صفات پرلطف الهي عامدانه و مصرانه با پيامبران لجبازي و مخالفت مي­کنند .**

**درب : گوشه­ای از افعال و صفات پر لطف الهی که کافران هم به آن اعتراف هم داشتند و در عین حال به تکذیب رسول خدا می پرداختند و ملائکه را مؤنث قرار داده و آنها را فرزند خداوند محسوب نموده ودلیل خود را روش آباء و اجدادی و عدم ممانعت خداوند اعلام می نمودند و کافران گذشته نیز در مورد تکذیب پیامبران بر لجبازی­ متکی بودند .**

**خلاصه تفسیر آیه 9 :** اعتراف کفار به آفرینش آسمانها و زمین از سوی خداوند .

**خلاصه تفسیر آیات 10 تا 12 :** ذکر گوشه هایی دیگر از نعمت های اساسی الهی .

**خلاصه تفسیر آیه های 13 و 14 :** یادآوری ادبِ استفاده از یکی از نعمت ها .

**خلاصه تفسیر آیات 15 تا 18 :** کافران، ملائکه را مؤنث قرار داده و آنها را فرزندان خداوند قلمداد نمودند .

**خلاصه تفسیرآیات 20 تا 25 :** کافران برای پرستش ملائکه جز اینکه «روش پدران ما بوده» و «اگرخدا نمیخواست این کار را نمیکردیم» دلیلی ندارند .

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 میفرماید مطالب قرآن حق است ، زيرا از نزد خداوند نازل شده است و کفر کافران ، مانع خداوند از اتمام حجت نیست .

در این پاراگراف به گوشه­ای از افعال و صفات پر لطف الهی که کافران هم به آن اعتراف هم داشتند اشاره میفرماید اما خاطر نشان میسازد که آنها در عین حال به تکذیب رسول خدا می پرداختند و ملائکه را مؤنث قرار داده و آنها را فرزند خداوند محسوب نموده ودلیل خود را روش آباء و اجدادی و عدم ممانعت خداوند اعلام می نمودند .

**3 - سوالات**

1 – دو کلمه آخرآیه 11 چه حالتی (مطابق کدام کلید تفسیر قرآن) دارد؟ (پرانتزی؟ یا...؟)

2 - سابقه آیات این پاراگراف رادرسوره های قبلی (باتوجه به ترتیب نزول) بیان کنید .

3 - فرع بودن آیه14نسبت به13واضح است ، اما شرح دهید : چه رابطه منطقی بین آنها وجود دارد؟

4 - کلمه «منقلبون» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

5 - منظور از « قدر » (آیه 11) چیست؟

6 - منظور از «انسان» چیست؟ (کلّ انسانها؟ اکثریت انسانها؟ یا..؟)

7 – در بین قسمتی از اعراب معاصر نزول این سوره یک نوع رسم بسیار ناپسند وجود داشت . کدام آیه اشاره به آن است؟

8 - -جمله **لَوْ شَاء الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُم** به کدام بحث مشهور قرن اول و دوم بین مسلمانان اشاره دارد؟ (که بعدا اندکی کمرنگ شد ولی از بین نرفت و هنوزهم رگه هایی از آن در میان مسلمانان هست ؟)

9 – چه ربطی است بین «ان الانسان لکفور مبین» و ابتدای آیه؟

10 – کلمه «جزء» در آیه 15 ، به چه چیزی اشاره دارد؟ (ذات خدا؟ افعال خدا؟ صفات خدا؟ مخلوقات خدا؟ یا. . . ؟)

11 – از این پاراگراف فهمیده میشود این الگوی رفتاری سران کفار در مقابل پیامبر(ص) چیز نوظهوری نبوده ، سوال این است که علت آن چه بوده؟

12 – تعریف «قریه» (آیه23) چیست؟

13 - «مترف»ها (همان آیه) چه اقشاری از مردم هستند؟

14 - «امت» (همان آیه) به چه معنی است؟

15 – از کلمه «آثار» (همان آیه) چه به ذهن می آید؟

16 – از کلمه «مقتدون» (همان آیه) چه حالتی استنباط میشود؟

17 - فاعل فعل «قال» (آیه24) کیست؟

18 – عمد و اصرار و لجبازی درکدام آیه وکدام جمله به وضوح پیداست؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 9 که آیه اصلی پاراگراف هم هست اینطور فهمیده میشود که سران مخالفان پیامبر(ص) این مقدار را قبول داشتند که آفرینش آسمانها و زمین کار خداوند متعال است .

این سوال پیش می­آید که «پس بحث بر سر چه بود؟»

جواب این است که بحث بر سر «مدیریت جهان» بود که مشرکان اظهار میکردند هریک از امور زندگی بشر چه مثبت و چه منفی (مثلا باران و خشکسالی و رونق وکسادی و سلامت و بیماری و غیره وغیره) هریک مدیری دارد که در آسمانها ساکن است و یکی از دختران خداست و در کار خویش نیز مستقل است ولذا هرکس باید برای جلب نظر مثبت «خدای مثبت» و یا دفع نظر منفی «خدای منفی» مربوطه باید به کسانی که خود را «کاهن» و «واسطه خدا»ی مربوطه می­نامند نذوری تقدیم کند یا برای او خدمتی انجام دهد تا دل «خدای مربوطه» با او «نرم» شود و درنتیجه «خیر» مورد نظر او حاصل یا «شر» مورد نظر او دفع شود .

بعبارت دیگر نتیجه شرک مورد نظر مخالفان پیامبر(ص) این بود که بشر باید با (تقریبا) بی­نهایت مرکز و مبدا هماهنگ شود و توحید مورد نظر پیامبر اکرم(ص) حامل این پیام بود که همه اینها باطل و بیجاست و کافیست بشر خود را با یکجا و فقط یکجا هماهنگ کند .

**5– کلیدهای تفسیری**

آیات 10 تا 14 فرع بر آیه 9 است ، اما در داخل این مجموعه ، آیه های 13 و 14 فرع بر آیات 10 تا 12 است ، و آیه های اخیرالذکر علاوه بر فرعی بودن پرانتزی هم هستند .

نیز ، 17 و 18 فرع بر 16 ، و 20 فرع بر 19 ، و 22 فرع بر 21 ، و 25 فرع بر ماقبل خویش است .

**6 - کدام قول مردم و کدام قول خداوند است؟**

با توجه مجدد به پاراگراف به سوال فوق پاسخ دهید .

البته میتوانید جواب دهید ، ولی علت اینکه این سوال را در بیرون مجموعه سوال ها قرار دادیم لزوم توجه دقیق تر شما به آن بوده است .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

یاد آوری گوشه­ای از افعال و صفات پر لطف الهی که کافران هم به آن اعتراف هم داشتند ، تعرض به خطاها و تناقضات فکری مخاطب های اولیه ، مثلا اینکه ملائکه را مؤنث قرار داده و آنها را فرزند خداوند محسوب نموده ودلیل خود را روش آباء و اجدادی و عدم ممانعت خداوند از پرستش بتان اعلام می نمودند و . . .

**8 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیات 12 تا 14 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

**9 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیات 9 تا 12 از این لحاظ که به آفرینش اشاره دارد، از آنجا که جزئیات مکانیزمش برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم 1400 سال قبل.

آیه 19 از این لحاظ که به مخلوقاتی اشاره کرده که حتی مانیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعا مخاطبان اولیه نیز، هست.

آیات 23 و 24 و 25 از این لحاظ که به اقوامِ درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب 1400 سال قبل.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 10 و 11 و 19 و 21 و 25 ، بقیه فقرات این پاراگراف برای اولین بار است .

**شرح مختصر**

**آموزش عمومی مخاطب اولیه بطور نا محسوس**

در آیه 9 نوعی اعتراف گیری در مورد موضوعی که چاره ای جز اعتراف نیست به عمل می آید . اعتراف به جای اینکه به «اسم» خدا باشد به «مشخصات» مرتبط با خداوند ذکر میشود . از روی آن مشخصات موضوع را با منافعی که خداوند به مخلوقات میرساند مرتبط میکند ، که البته هر کدام از آن منفعت ها دریاهائی از مطلب دارد ، در ضمن همین موضوع زمینه ای هم برای نزدیک کردن امکان وقوع قیامت مطرح میکند (انتهای آیه 11) سپس در ادامه ذکر نعمتها به یک نعمت خیلی واضح که خاص انسانها است اشاره ای میکند که همان نعمت «سواری» باشد ، و در ادامه تلقین میکند که ای انسان برای این نعمتِ خیلی واضح و بزرگ چه رفتاری باید در پیش گیری و چه ادبی را می باید رعایت کنی؟

علاوه بر آن، در این پاراگراف استدلالی هم وجود دارد که «ای اعراب! این فرضیاتی که کرده­اید لااقل با فرهنگ خود شما تعارض دارد! شما مردمی هستید که جنس مادینه را حقیر و کم ارزش و بی­قدر میدانید! حالا چطور است که وقتی دستگاه الوهیت و ملوکیت و ربوبیت مطرح می­شود، به این جنس که باصطلاح شما بی­ارزش است، ناگهان مقام الوهیت و ملوکیت و ربوبیت می­دهید؟»

آیات 15 تا 18 با در نظر گرفتن موضوع فوق ، کاملا مفهوم میگردد و آیه 19 نفی همین مطلب از طریق یک استدلال در سطح بسیار بالاتر است.

بعبارت دیگر در این پاراگراف دو نوع استدلال برای نفی فرضیه مشرکانه بکار رفته:

1- این فرضیه با فرهنگ سنتی و مردسالار شما ناهماهنگ است (آیات 15 تا 18)

2 - اساسا این فرضیه بی­پایه است (آیه 19)

**جمع بندی و تفسیر**

**و اگر از آنان بپرسي چه کسي آسمانها و زمين را آفريده ، با تأکيد خواهند گفت آن عزتمند دانا آنها را آفريده (9**) **{**هموکه زمين را برايتان آسايشگاه نموده و در آن برايتان راه هائي قرار داده شايد هدايت يابيد (10) و از آسمان آبي به اندازه فرستاد که با آن سرزميني مرده را زنده كرديم**}{{**که شما را هم همینطور (پس از مرگ) بيرون مي آورند**}}** (11) **{**و (همان خداوند) کسي است که همه جفت ها را آفريد و از کشتي ها و چارپايان برايتان سواري مهيا کرد**}** (12)**{{** تا بر پشت هاي آنها مستقر شويد، سپس، پس از استقرار، متذکر نعمت پروردگارتان شده و بگوييد: منزه است کسي که اين را براي ما رام کرد ، وگرنه ما رام کننده آن نبوديم (13) و البته ما حتمأ بسوي پروردگارمان برخواهيم گشت **}}**(14) **و از ميان بندگانش ، فرزنداني براي او قرار دادند ، که البته انسان ناسپاسي آشکار است (15)** آيا از ميان چيزهائي که مي آفريند دختران را (براي خويش) برميگيرد وشما را به داشتن پسران برميگزيند؟ (16) **{**و هنگامي که به يکي از آنها به (تولد) همان چيزي که مثلش را براي خداوند رحمان زده ، مژده دهند، بر چهره اش سايه سياه مي نشيند و خشمناک ميشود اما خشمش را فرو ميخورد (17) (با خود ميگويد) آيا کسي که در زيور آلات بزرگ ميشود و در جنگ چندان کارايي ندارد (برايم متولد شده)؟ **}**(18) **و ملائکه را که بندگان خدا هستند ماده حساب کرده اند . آيا شاهد آفرينش آنها بوده اند؟ بزودي شهادت آنها نوشته شده و پرسش خواهند شد (19) {**و ميگويند اگر خدا نميخواست ما (آن بت ها را) عبادتشان نميکرديم . هيچ علمي به آن (قول خویش) ندارند و چيزي جز تخمين نميزنند **}**(20) **مگر پيش از اين کتابي به آنان داده ايم که به آن چنگ انداخته اند؟** (و این قول را بر اساس آن میگویند؟) **(21) {** (نه) بلکه ميگويند پدرانمان را بر ديني يافته ايم و از روي آثار آنها هدايت ميشويم **}**(22) **و چنين بوده که قبل از تو ، هيچ هشدار دهنده اي در هيچ شهري نفرستاديم مگر اينکه هوسرانانشان ميگفتند ما پدرانمان را بر ديني يافته ايم و از آثار آنها پيروي مي کنيم (23)** (پيغمبران) **ميگفتند آيا اگر چيزي برايتان آورده باشيم که نسبت به آنچه پدرانتان را بر آن يافته ايد هدايت کننده تر باشد چه؟ ميگفتند ما به هر چه که شما براي ابلاغ آن فرستاده شده ايد کافريم (24) {**آنگاه، از آنها انتقام کشيديم ، پس بنگر که عاقبت تکذيبگران چه بود**}**(25)

**زخرف3 آیات26تا28**

**وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاء مِّمَّا تَعْبُدُونَ ﴿26﴾ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ ﴿27﴾ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿28﴾**

**ای پیامبر! هنگامي را بياد آر که ابراهيم به پدرش و قومش گفت از آنچه مي پرستيد بيزارم (26) مگر کسي که مرا آفريد که بزودي هدايتم خواهد کرد (27) و خداوند این سخن صحیح و این رفتار درست او را ماندگار نمود و کسانی از نسلش را پیرو آن قرار داد.**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره**

**درس : کافران بي توجه به افعال و صفات پرلطف الهي عامدانه و مصرانه با پيامبران لجبازي و مخالفت مي­کنند.**

**درب : در ميان گذشتگان کساني هم بوده اند که عليرغم محيط پر از افعال و اقوال باطل، راه صحيح را جستجو کرده، و با جديت، در آن راه پيموده اند.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 میفرماید مطالب قرآن حق است ، زيرا از نزد خداوند نازل شده است و کفر کافران ، مانع خداوند از اتمام حجت نیست .

در پاراگراف 2 به گوشه­ای از افعال و صفات پر لطف الهی که کافران هم به آن اعتراف هم داشتند اشاره میفرماید اما خاطر نشان میسازد که آنها در عین حال به تکذیب رسول خدا می پرداختند و ملائکه را مؤنث قرار داده و آنها را فرزند خداوند محسوب نموده ودلیل خود را روش آباء و اجدادی و عدم ممانعت خداوند اعلام می نمودند .

در این پاراگراف میفرماید ای کسانی که مطالب این پیامبر را می پسندید ، اینقدر از روسای قبایلتان حساب نبرید و مانند ابراهیم باشید و اگر چیزی را می پسندید به آن گرایش نشان دهید .

**3 – سوالات**

1 – چرا بجای فطرنی نفرموده خلقنی؟

2 – در این سه آیه یک مورد پیشگوئی تحقق یافته وجود دارد . آن را پیدا کنید .

3 – چرا کسانی را که عقیده ای مخالف او داشتند «قومش» قلمداد نموده؟

4 - مطالب قبل از این سه آیه با مطالب بعد از این سه آیه هم سنخ میباشند ، چرا در میان آنها به این موضوع پرداخته؟

5 - «براء» در ذات خویش مفرد یا جمع است؟ و اگر جمع است ، او که یک فرد است چرا این کلمه را در باره خویش بکار برده؟

6 – در باره «الا» در ابتدای آیه 26 که چه را نسبت به چه استثنا کرده ، توضیحی دهید .

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از این پاراگراف فهمیده میشود یک مانع مهم گرایش مردم به دعوت پیامبر (ص) مخالفت سران قبایل بوده و در این پاراگراف تلویحا از مردمی که بطور بالقوه از پیروان آنحضرت بوده اند میخواهد پایبندی به قبایلشان را بگسلند و – ابراهیم وار - به آنچه خود می فهمند بگرایند .

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 28 در داستان ابراهیم (ع) خاطر نشان میفرماید که راه و روش او غالب و ماندگار شد ، و در این یک پیشگوئی تلویحی وجود دارد که دیدیم محقق شد.

**6 – کلیدهای تفسیری**

**پرانتز بزرگ :** کل این پاراگراف «پرانتزی» است زیرا اگر چشم خویش را بر آن ببندیم وانتهای پاراگرف قبلی رابه ابتدای پاراگراف بعد وصل کنیم می­بینیم روال سخن صاف و یکدست خواهد شد.

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

دعوت مردم به اینکه تقلید گرائی محض را رها کرده و به آنچه واقعا به آن «رسیده اند» گرایش جدی نموده و آن را اعلام نمایند .

**8 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، همه عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**شخصیت کامل حضرت ابراهیم**

از مطالب این پاراگراف فهمیده می­شود موضوع ستیز او با قومش، موضوعِ «مورد پرستش» آنها بود.

نیز فهمیده می­شود که حضرت ابراهیم «آفریدگار خویش» را مورد پرستش خود انتخاب کرده بود.

نیز از همینجا فهمیده می­شود که قوم او و پدر او «مورد دیگری» را پرستــــش می­نمودند.

خلاصه اینکه حضرت ابراهیم خداوند را بعنوان معبود پذیرفت و درباره او با قوم و قبیله­اش ستیزه کرد.

امروز قوم و قبیله به آن معنی تقریباً وجود ندارد و ما بسختی می­توانیم تصوری راجع به آن داشته باشیم.

در قدیم، فرد در مقابل قبیله شخصیتی نداشت و ستیزه فرد در مقابل قوم و قبیله امر بسیار مهمی بود.

حضرت ابراهیم مربوط به زمانی از بشریت است که بشریت هنوز وارد «دوره تاریخی» نشده است.

امروز می­دانیم که اهمیت قبیله و بی­قدریِ فرد در مقابل آن، هر قدر که در زمان به عقب می­رویم بیشتر بوده است.

لذا اینکه یکنفر با قوم و قبیله­اش درباره موضوعی بستیزد و از عقیده غالب و مسلط آنها اظهار بیزاری کند، از کمال­یافتگی شخصیت او، و عظمت روحیه و دریادلی او، حکایت می­کند.

**مفهوم کلمه**

مفهوم «کلمه» در قرآن، خیلی بیشتر از آن چیزی است که نزد ما معنی می­دهد و این اشاره کافیست که خداوند حضرت عیسی را «کلمه خدا» نامیده و لذا «کلمه باقیه» در آیه 28 باید مفهوم مترادف با پیغمبری داشته باشد.

**جمع بندی و تفسیر**

**هنگامي را بياد آر که ابراهيم به پدرش و قومش گفت از آنچه ميپرستيد بيزارم (26) مگر کسي که مرا آفريد که بزودي هدايتم خواهد کرد (27) و**(خداوند) **آنرا سخني ماندگار در نسلش قرار داد شايد** (دائما به آن) **بازگردند (28)**

**زخرف4 آیات29تا35**

**بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاء وَآبَاءهُمْ حَتَّى جَاءهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿29﴾ وَلَمَّا جَاءهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ ﴿30﴾ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ ﴿31﴾ أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُم مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُم بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿32﴾ وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِّن فَضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ ﴿33﴾ وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِؤُونَ ﴿34﴾ وَزُخْرُفًا وَإِن كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِندَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿35﴾ وَمَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ ﴿36﴾ وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ ﴿37﴾ حَتَّى إِذَا جَاءنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ ﴿38﴾ وَلَن يَنفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذ ظَّلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿39﴾ أَفَأَنتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَن كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿40﴾ فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُم مُّنتَقِمُونَ ﴿41﴾ أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِم مُّقْتَدِرُونَ ﴿42﴾ فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿43﴾ وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ ﴿44﴾ وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رُّسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِن دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ ﴿45﴾**

**ای پیامبر! اينها و پدرانشان را برخوردار کردم و علیرغم آن ، تا حق و فرستاده اي آشکار بسويشان آمد (29) گفتند اين جادوست و ما به آن کافريم (30) و نيز گفتند چرا اين قرآن بر يکنفر که در ميان اين دو شهر بزرگ و متمکن باشد نازل نشده؟ (31) آيا آنها رحمت پروردگارت را تقسيم مي کنند؟ نه ، بلکه در همين زندگي دنيا نيز ما معيشتشان را تقسيم مي کنيم و بعضي را بر بعضي چندين درجه برتري داده ايم که بعضي از آنها بعضي ديگر را استخدام کنند و البته که رحمت پروردگارت و مسئولیت پیامبری از آنچه جمع مي کنند مهم تر است و نمیتوان آن را جز در فرد لایق قرار داد (32) و اگر اينطور نبود که مي بايد مردم بر يک روش اداره شوند ، از آنجا در نظرما مال دنیا بی اهمیت است براي کافران چنان ميکرديم که اطاقهايشان سقف هائي از نقره داشته باشد و نردبانهائي که بر آن بالا روند (33) و نيز اطاقهايشان درب هائي داشته باشد و تختهائي که بر آن تکيه دهند (34) و جواهرات زیادی داشته باشند ، و همه اينها چيزي نيست جز بهره زندگي دنيا نیست و آخرت نزد پروردگارت مخصوص تقوا داران است (35) و کسي که خود را از ياد خداوند رحمان عمدا به کوري بزند ، برایش شيطاني در نزدش قرار داده میشود که همنشين او باشد (36) و آن شیاطین اينان را از راه باز ميدارند و اينان که گول آن شیاطین را خورده اند به غلط چنین مي پندارند که خودشان هدايت يافته هستند (37) تا اينکه بالاخره نزد ما بيايند و در آنصورت چشمشان باز میشود و به شیاطین خویش میگویندکه اي کاش بين من و تو فاصله دو مشرق بود و تو چه همنشين بدي بودي (38) و در آن روز به آنان خطاب میشود امروز پشيماني تان سودي ندارد و بياد آوريد که شما هم ظلم کرده ايد و هر دو در عذاب شريکيد (39) ای پیامبر! آيا تو به کران مي شنواني؟ يا کوران را هدايت مي کني؟ و يا کسي را که در گمراهيي آشکار باشد؟ (40) پس البته اگر تو را از اين دنيا ببريم ، از آنها حتمأ انتقام مي کشيم (41) يا آنچه را که به آنها وعده داده ايم ، نشانت ميدهيم که ما البته بر آنها مسلطيم (42) پس وحيي را که بسوي تو نموده ايم محکم بگير که تو البته بر جاده اي مستقيم هستی (43) و اينکه اين براي تو و قومت پندي است و بزودي در باره آن پرسش خواهيد شد (44) و از پيامبران قبل ازخودت نيز بپرس آيا غير از خداوند خداياني قرار داديم که پرستش شوند؟ (45)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : کافران بي توجه به افعال و صفات پرلطف الهي عامدانه و مصرانه با پيامبران لجبازي و مخالفت مي کنند.**

**درب : کافران برای اِعمال مخالفت و لجبازی­شان استدلال­های بسیار سست دارند و اي پيامبر! به اینان اهمیتی مده و راه خويش برو .**

**خلاصه تفسیر آیات 29 تا32 :** آنها توجه ندارند که خداوند تقسیم کننده مواهب است؟

**خلاصه تفسیر آیات 33 تا 35 :** و اینکه مالداری ملاک ارزش نیست؟

در این پاراگراف میفرماید تقسیم کننده مواهب خداوند است و مالداری ملاک ارزش و تنگدستی به معنی بی ارزشی نیست و خداوند بهتر میداند چه کسی شایسته پیامبری است و خداوند اینطور مقررکرده که هم کافران بتوانند ثروتمند یا تنگدست باشند و هم مومنان .

**خلاصه تفسیر آیات 36 تا 39 :** کسی که از آموزه های وحی روگردان شود ، گمراهی را بر خویش مسلط نموده .

**خلاصه تفسیر آیات 40 تا 45 :** ای پیامبر ! به وظیفه اصلیت بپرداز و البته موفق هم خواهی شد .

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 میفرماید مطالب قرآن حق است ، زيرا از نزد خداوند نازل شده است و کفر کافران ، مانع خداوند از اتمام حجت نیست .

در پاراگراف 2 به گوشه­ای از افعال و صفات پر لطف الهی که کافران هم به آن اعتراف هم داشتند اشاره میفرماید اما خاطر نشان میسازد که آنها در عین حال به تکذیب رسول خدا می پرداختند و ملائکه را مؤنث قرار داده و آنها را فرزند خداوند محسوب نموده ودلیل خود را روش آباء و اجدادی و عدم ممانعت خداوند اعلام می نمودند .

در پاراگراف 3 میفرماید ای کسانی که مطالب این پیامبر را می پسندید ، اینقدر از روسای قبایلتان حساب نبرید و مانند ابراهیم باشید و اگر چیزی را می پسندید به آن گرایش نشان دهید .

در این پاراگراف میفرماید تقسیم کننده مواهب خداوند است و مالداری ملاک ارزش و تنگدستی به معنی بی ارزشی نیست و خداوند بهتر میداند چه کسی شایسته پیامبری است و خداوند اینطور مقررکرده که هم کافران بتوانند ثروتمند یا تنگدست باشند و هم مومنان ، و کسی که از آموزه های وحی روی بگرداند گمراهی بر او مسلط میشود و دیگر قابل هدایت نخواهد بود و لذا ای پیامبر به وحی و ماموریت خویش بچسب و فقط پیروانت را مورد توجه قرارده و نگران چیزی هم نباش .

**3 - سوالات**

1 – چرا خداوند در آیه 29 در باره خویش ضمیر مفرد (متعت) بکار برده؟

2 – چرا در آیه 32 به بعد ضمیر جمع (نحن قسمنا رفعنا . . ) بکار برده؟

3 - «بل» (آیه29) از لحاظ دستورزبان چه نقشی دارد؟

4 – با توجه به سوال 1 ، کلمه «متعت» را توضیح دهید .

5 – چرا کفار تعالیم پیامبر(ص) را «سحر» می نامیدند؟

6 - کافران با اصل لیاقت پیامبر(ص) برای پیامبری مشکل داشتند ؟ با این نقطه نظر ، آیه 31 را توضیح دهید .

7 – با توجه به آیه 32 ، «لیتخذ بعضهم بعضا سخریا» را توضیح دهید (آیا این خودش یک نعمت است؟ چرا؟)

8 - پنج کلمه آخر آیه 32 ، با کدام کلید تفسیر قرآن متناسب است؟ (پرانتزی؟ یا....؟)

9 – آیه 35 ، غیر از کلمه اول آن ، با کدام کلید تفسیر قرآن متناسب است؟

10 – در آیه 36 ، در کدام نقطه نوعی حالت عمد و اصرار را می بینید؟

11 – منظور از «امّه واحده» (آیه 33) چیست؟

12 – منظور از کلمه «سخریا» (آیه 32) چیست؟ (استخدام؟ استثمار؟ یا...؟)

13 – با توجه به آیه 31 ، «قریه» را معنی کنید .

14 - «ه» در «انه» (آیه44) اشاره به چه دارد؟

15 - اساسا چرا موضوع آیه45مطرح شده؟ (آیاسران کفارچنین مطرح کرده بودندکه «چند خدائی» در دین پیامبران پیشین بوده؟ یا....؟)

16 - درکدام موضع ازآیه40«عمدواصرار» می بینید؟

17 - اساسا چرا موضوع آیه41 مطرح شده؟ (دلداری به پیامبر-که فعلا اوضاع درحــدود آن نوع اقدامات آنها نیست؟ یا....؟)

18 – در آیه 42 منظور از «نرینک الذی وعدناهم» چیست؟

19 - «شیطانا» (آیه 36) به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

20 – در همان آیه ، با توجه به جواب سوال فوق ، شیطان مذکور از نوع انسانی است یا جن و وغیره؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 29 فهمیده میشود فعالان کفر از ثروت و برخورداری قابل قبولی بهرمند بوده اند و از آیه 31 و 32 فهمیده میشود آنها ملاک بزرگی را برخورداری مالی می دانستند و از آیه 30 فهمیده میشود که آنها تاثیر قرآن را بر اذهان میدیدند و این تاثیر را نه به حقایق آن ، بلکه به تاثیر سحر مرتبط میکردند.

علت اصرار فعالان کفر ، کاملا آگاهانه و درک واضح از اینکه سخنان این یتیم ابوطالب اساس زندگی و تمتعات مارا (که بر مبنای شرک پا گرفته) به هم میریزد ، بوده است و آنها عالما عامدا به دنبال کسانی بوده اند که به خویش نزدیک کنند و آنها شرک و مخالفت با توحید را برایشان تئوریزه کنند (آیه 36)

مخالفان پیامبر (ص) به فکر قتل آن وجود مقدس هم افتاده بودند (آیه 41)

از آیه 45 فهمیده می­شود پیامبر اکرم(ص) این امکان را داشته که با پیامبران سابق تماس بگیرد و مطالبی را تحقیق کند .

**5 – کلیدهای تفسیری**

آیات 32 تا 35 فرع بر ماقبل خویش است .

آیات 36 تا 39 «پرانتز»ی است . دلیلش هم اینکه اگرچشم خویش را برآن ببندیم ، و قبل و بعدش را وصل کنیم می بینیم روال سخن صاف ویکدست میشود . باتوجه به آنچه دربخش کلیدهای تفسیردر مقدمه دیدیم ، در اینجا پرانتز در پرانتز هم داریم .

**6 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

کافران برای مخالفت و لجبازی­شان استدلال­های بسیار سست دارند و توصیه به پيامبر (ص) که به آنان اهمیتی ندهد و راه خويش برود .

**7 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه های 36 و 37 از این لحاظ که به مخلوقاتی مانند شیاطین اشاره کرده که حتی مانیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعا مخاطبان اولیه نیز، هست.

آیه های 38 و 39 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

**8 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تمام فقرات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**بنظر آنها «بزرگ» یعنی پولدار**

محور ذهنیت کافرانه- چنانچه از این آیات و بخصوص از آیات 33 تا 35 فهمیده می­شود - «اصالت دادن به مال» است .

چنانچه در سوره فجر دیدیم ، هر کس که مال بیشتری داشته باشد «ارزش» بیشتری نیز دارد و «بی­مال» نیز «بی­ارزش» است .

بعبارت دیگر، از نظر آنان ، چون پیغمبر(ص) «مال­دار» نبود ، نمی­توانست لایق پیغمبری باشد .

در اینجا شرح داده می­شود که حکمت الهی بر این قرار گرفته که مؤمن و کافر از لحاظ زندگیِ دنیایی در هم و مخلوط باشند و هم در میان مؤمنان ، و هم در میان کافران، هم فقیر و هم ثروتمند ، یافت شود .

مطلبی که در آیه 33 آمده به این معنی است که چون ایمان یک موهبت عظیمی می­باشد ، و چون کافر خود را از آن محروم کرده ، خداوند دوست داشت بازاء آن چیزی که او از دست داده ، چنان او را در دنیا ثروتمند کند که در طلا و نقره و جواهرات وول بخورد و چیزی که مانع خداوند از این نوع بخشش به کافران شده ، این حکمت او بوده که در این دنیا ، مردم ، صرف­نظر از ایمان و کفر ، زندگیشان باید بر یک اساس باشد و فقر و غنا ، نباید براساس ایمان و کفر باشد .

بلکه باید به مقولات دیگری مانند عقل معاش و سعی و برنامه­ریزی و مدیریت و ریسک­پذیری و این نوع عوامل مربوط باشد ، و در همینجا خداوند به روشن­ترین وجهی بی­ارزشی ثروت مادی ، و نهایتِ ارزش ایمان ، و طبعاً درجه بالاتر از آن یعنی بسیار مهم بودن وحی را ، مورد تأکید قرار داده است

اینک می­توانیم درک کنیم سخنی که در آیه 31 از کفار نقل شده ، چقدر سخیف است که آنها آن اشخاصی را که در آن «دو شهر» (مکه و طائف) به ثروت مشهور بودند ، برای پیامبری مناسب تر از رسول اکرم(ص) تصور می­کردند .

**امت واحده**

از مطالبی است که تاکنون (یعنی با توجه به لیست ترتیب نزول از ابتدا تاکنون) ندیده­ایم و در این سوره برای اولین بار می­بینیم .

آیات 33 تا 35 است که «گل سرسبد» آنها همان آیه 33 می­باشد، که مضمون مجموع آنها این است که «اگر اینطور نبود که قرار است مردم «امه واحده» باشند»، (برای کافران چنین و چنان رفاهیات و اسباب لذت خاطر را فراهم می­کردیم، اما چون اینطور تقدیر کرده­ایم که مردم «امت واحده» باشند، این کار را نکردیم و کافر و مؤمن در معیشت دنیا تحت قوانین مساوی قرار دارند و البته زندگی آخرتی خاص اهل تقواست)

اینک این سئوال پیش می­آید که «امت واحده» یعنی چه؟

در قرآن کریم «امت واحده» به چند معنی آمده است که اینک که به ترتیب نزول پیش می­رویم، تدریجاً با آنها آشنا می­شویم.

یکی از معانی مهم و پر تکرار «امت واحده» همان است که در آیه 33 آمده و معنی آن این است: «افرادی که در زندگی این دنیا تحت یک قانون با آنها رفتار می­شود»

یعنی اینطور نیست که مؤمن بعلت ایمانش در زندگی دنیا موفق­تر از کافر باشد و کافر بعلت کفرش در زندگی دنیا ناموفق­تر نخواهد بود بلکه کفر و ایمان در این جهان در امر فقر و ثروت چندان مورد عنایت نیست و در این دنیا کافر ثروتمند زیاد و مؤمن فقیر هم زیاد داریم و برعکس کافر فقیر و مومن ثروتمند هم زیاد است و اساساً خداوند اینطور خواسته است که در زندگی این جهانی کفر و ایمان ملاک کسب معیشت نباشد و این هم یکی از موضوعاتی است که ما آنها را در زمره کلیدهای فرعی فهم و تفسیر قرآن قرار میدهیم.

**فعل خداوند قانونمند است**

آیه 36 با توجه به تیتر فوق ، یعنی اینکه رفتار آنان طوریست که «جاذب شیطان» می­شوند.

البته مانعی هم نیست که این باصطلاح «شیطان» ها از نوع انسان باشند (رجوع کنید به بحث مربوطه درسوره ناس)

**حدود اثر اطرافیان چقدر است؟**

«شیطان» مورد اشاره در آیه 36، اینطور نیست که دست و پای فرد مورد بحث راگرفته و او را به راه خلاف بکشاند . بلکه راه خلاف را برای او زیباسازی می­کند و اساساً بنا بر مدلول آیه 36 خود آن شخص علاقه به این داردکه کسی بیاید راه خلاف حق را برایش تزیین ، و او را به آن دعوت کند .

**قیامت**

«نزد ما بیایند» در آیه 38 یعنی اینکه در قیامت حاضر شوند .

**جمع بندی و تفسیر**

**آري اينها و پدرانشان را آنقدر برخوردار کردم تا اينکه حق و فرستاده اي آشکار بسويشان آمد (29) و هنگامي که حق بسويشان آمد گفتند اين جادوست و ما به آن کافريم (30) و نيز گفتند چرا اين قرآن بر يکنفر که در ميان اين دو شهر«بزرگ» باشد نازل نشده؟ (31) {**آيا آنها رحمت پروردگارت را تقسيم مي کنند؟ (نه) بلکه در همين زندگي دنيا نيز ما معيشتشان را تقسيم مي کنيم و بعضي را بر بعضي چندين درجه برتري داديم که بعضي از آنها بعضي ديگر را بخدمت بگيرند**}** **{{**و رحمت پروردگارت از آنچه جمع مي کنند بهتر است**}}** (32) **{**و اگر اينطور نبود که (مي بايد) مردم بر يک روش (اداره) شوند ، حتمأ براي کافران چنان ميکرديم که اطاقهايشان سقف هائي از نقره داشته باشد و نردبانهائي که بر آن بالا روند (33) و نيز اطاقهايشان درب هائي داشته باشد و تختهائي که بر آن تکيه دهند (34) و جواهراتي . و همه اينها چيزي نيست جز بهره زندگي دنيا . و آخرت نزد پروردگارت براي تقوا داران است **}**(35) و کسي که خود را از ياد خداوند رحمان به کوري بزند ، شيطاني را نزدش قرار ميدهيم که همنشين او باشد (36) و آنان البته اينان را از راه باز ميدارند و (اينان) مي پندارند هدايت يافته هستند (37) تا اينکه نزد ما بيايند که ميگويند اي کاش بين من و تو فاصله دو مشرق بود! چه همنشين بدي بودي (38) و [به آنان خطاب میشود] امروز (پشيماني تان) سودي برايتان ندارد . بياد آوريد که شما (هم) ظلم کرده ايد و هر دو در عذاب شريکيد (39) **آيا تو به کران مي شنواني؟ يا کوران را هدايت مي کني؟ و يا کسي را که در گمراهيي آشکار باشد؟ (40) پس البته اگر تو را** (از اين دنيا) **ببريم ، از آنها حتمأ انتقام مي کشيم (41) يا آنچه را که به آنها وعده داده ايم ، نشانت ميدهيم که ما البته بر آنها مسلطيم (42) پس وحيي را که بسوي تو نموده ايم محکم بگير که تو البته بر جاده اي مستقيم هستی (43) و اينکه اين براي تو و قومت پندي است و بزودي** (در باره آن) **پرسش خواهيد شد (44) و از پيامبران قبل ازخودت نيز بپرس آيا غير از خداوند خداياني قرار داديم که پرستش شوند؟ (45)**

**زخرف5 آیات46تا56**

**وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿46﴾ فَلَمَّا جَاءهُم بِآيَاتِنَا إِذَا هُم مِّنْهَا يَضْحَكُونَ ﴿47﴾ وَمَا نُرِيهِم مِّنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿48﴾ وَقَالُوا يَا أَيُّهَا السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ ﴿49﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنكُثُونَ ﴿50﴾ وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿51﴾ أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ ﴿52﴾ فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّن ذَهَبٍ أَوْ جَاء مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ ﴿53﴾ فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿54﴾ فَلَمَّا آسَفُونَا انتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿55﴾ فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِلْآخِرِينَ ﴿56﴾**

**و موسي را با آياتمان بسوي فرعون و بزرگان دربارش فرستاديم و گفت من فرستاده پروردگار همگان هستم (46) و هنگامي که با نشانه هاي ما بسويشان رفت آنها از روی تحقیر او خود را به خنده انداختند (47) و هيچ نشانه اعجازیی را به آنان ارائه نکرديم مگر اينکه از ديگري بزرگتر بود و آنها را به عذاب هم معذب نموديم شايد باز گردند (48) ولی در انتها به پیامبر خویش گفتند اي جادوگر پروردگارت را به آن چيزي که نزدت عهد نموده بخوان زيرا که ما هدايت يافته ايم (49) و چون آن عذاب را برطرف کرديم فورأ عهد شکستند (50) و فرعون در قوم خويش ندا در داد که آيا فرمانروائي سرزمين مصر از آن من نيست؟ و نيز آیا نمی بینید که اين رودهای بزرگ که از کف زمينهاي من جاري است؟ (51) آيا من بهترم يا اين آدم بي اهميتي که چندان بيان خوبي هم ندارد؟ (52) پس چرا دستبندهائي از طلا ندارد يا ملائکه اي همراه او نيستند؟ (53) روش او این بود که قومش را خوار میکرد و آنها نيز اطاعتش میکردند و آنها البته قومي گناه پيشه بودند (54) پس هنگاميکه از حدّ گذراندند ، از آنان انتقام گرفتيم و همگي شان را غرق نموديم (55) و آنها را جزء گذشتگان و مَثَلي براي آيندگان قرار داديم (56)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره**

**درس : کافران بي توجه به افعال و صفات پرلطف الهي عامدانه و مصرانه با پيامبران لجبازي و مخالفت مي کنند.**

**درب : نمونه اي از رفتار کفار و لجباری و اصرار در اقوام پیشین .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 میفرماید مطالب قرآن حق است ، زيرا از نزد خداوند نازل شده است و کفر کافران ، مانع خداوند از اتمام حجت نیست .

در پاراگراف 2 به گوشه­ای از افعال و صفات پر لطف الهی که کافران هم به آن اعتراف هم داشتند اشاره میفرماید اما خاطر نشان میسازد که آنها در عین حال به تکذیب رسول خدا می پرداختند و ملائکه را مؤنث قرار داده و آنها را فرزند خداوند محسوب نموده ودلیل خود را روش آباء و اجدادی و عدم ممانعت خداوند اعلام می نمودند .

در پاراگراف 3 میفرماید ای کسانی که مطالب این پیامبر را می پسندید ، اینقدر از روسای قبایلتان حساب نبرید و مانند ابراهیم باشید و اگر چیزی را می پسندید به آن گرایش نشان دهید .

در پاراگراف 4 میفرماید تقسیم کننده مواهب خداوند است و مالداری ملاک ارزش و تنگدستی به معنی بی ارزشی نیست و خداوند بهتر میداند چه کسی شایسته پیامبری است و خداوند اینطور مقررکرده که هم کافران بتوانند ثروتمند یا تنگدست باشند و هم مومنان ، و کسی که از آموزه های وحی روی بگرداند گمراهی بر او مسلط میشود و دیگر قابل هدایت نخواهد بود و لذا ای پیامبر به وحی و ماموریت خویش بچسب و فقط پیروانت را مورد توجه قرارده و نگران چیزی هم نباش .

در این پاراگراف می فرماید اصرار ولجبازی ومخلفت عمدیِ آگاهانه چیز تازه ای نیست ، از جمله در یکی از تمدن های قبلی که برایتان آشنا است نیز نمونه روشنی از آن ، و نیز عاقبتشان ، اینطور بود ، لذا ای پیامبر ! و ای پیروانش ! صبر کنید و به ایمانتان بچسبید .

**3 - سوالات**

1 – چرا در این پاراگراف خداوند خیلی از ضمیر«ما» استفاده نموده؟ (ارسلنا آیاتنا آیاتنا نریهم اخذنا آسفونا انتقمنا اغرقنا جعلنا)

2- «آیات» (آیه46) یعنی چه؟ (معجزات؟یا...؟)

3 - چرا به معجزات آنحضرت خندیدند؟

4 – آیا «عذاب» (آیه48) در ادامه همان معجزات و از نوع همانها بود؟

5 – چرا هنوز لحن متکبرانه خود را حفظ کردند؟ (آیه49) درحالیکه تحت تعهدی به پیروی از او بودند؟

6 - «نکث» (آیه50) به چه معنی است؟

7 – از سوال فوق چه فهمیده میشود؟ (نقض تعهد محکم؟....؟)

8 - سابقه فکری مرجح دانستن مال ومواهب ظاهری برمواهب ارزشی الهی (آیات51تا53) را درسوره های قبل (به ترتیب نزول) بیان کنید.

9 – در باره آیه 54 ، شرحی(مستدل قرآنی) دراندازه یک برگ آ4 بنویسید .

10 – کلمه «آسفونا» (آیه55) را توضیح دهید (مگربرای خداوند هم تغییرحالت متصوراست)

11 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (دلداری؟ یا....؟)

12 - کلمه « تحتی» (آیه 51) به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

13 – آیه 54 را معنی کنید .

14 – ماده «فسق» قوم فرعون بطور دقیق چه بوده؟

15 – بطور کلی «فاستخف قومه»های اِعمال شونده از سوی دیکتاتورها از طریق چه سازوکاری صورت می پذیرد؟

16 - «قوم فرعون» شامل چه گروه هایی از مردم مصرِ آن روزها میشده است؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیات 51 – 54 معلوم می­شود این فکر که «واجدِ مال و قدرت ، با ارزش­تر است از فاقد آن» ، یک اعتقاد عمومی بوده، و اگر چنان نبود ، فرعون نمی­توانست به حکومت خود ادامه دهد . نکته­ای که از آیه 54 فهمیده می­شود این است که او اول به این فکر و فرهنگ دامن زد و پس از این که خوب پذیرفته شد و جا افتاد ، از مزایای آن که بسط دامنه حکومتش بود استفاده کرد .

در این مقطع زمانی ، خداوند برای ارشاد و ضمنا دلداری پیامبر(ص) قسمتی از داستان موسی (ع) را که شبیه این مقطع از رسالت آنحضرت است برایش بازگوئی میکند:

1- موسی را هم مسخره کردند (آیه47)

2- برکفرشان عالمانه وعامدانه اصرارکردند (آیه48)

3- وقتی که به مشکل خوردند از روی تکبر او را ساحرخواندند و با وجود این تعهد سپردندکه اگرمشکلشان رفع شود به دین او خواهند گروید (آیه49)

4- پس از رفع مشکل بازهم به حالت قبل برگشتند (آیه50)

5- فکرشان این بود که ارزش حقیقی در مواهب مادی است (آیه های 51 تا 53)

6- در نهایت هم به جائی رسیدندکه نابود شدند (آیه های55و56)

**6 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در این پاراگراف (آیات 46 تا 56) با ذکر یک نمونه از قویترین قومی که رفتار لجبازانه در جهت قبول نکردن هیچ موضعی از مواضع رسول خدای مربوط به خویش را داشته و در مآل شکستی سخت خورده و میدان را به آن رسول خدا واگذار کردند، در حقیقت تلویحا پیشگوئی میکند که ای پیامبر و ای مومنانِ پیرو او ! پیروزِ نهائی این مناقشات شماها خواهید بود ، و چنانکه همگان میدانند ، این پیشگوئی به تحقق پیوست .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

یکی از قوی پنجه ترین اقوام سابق لجبازانه و عالمانه و عامدانه در مقابل رسول خدای زمان خویش ایستاد و هیچ موضعی از مواضع او را نپذیرفت و نتیجه این شد که میدان را به او باخت و نابود شد .

**8 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیات 51 تا 54 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**9 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه 55 از آنجا هیچ بنی بشری به روانشناسی الهی دسترسی ندارد، نه تنها بالاتر از ذهنیات ما، بلکه به طریق اولی بالاتر از ذهنیات معاصرین نزول این آیات نیز هست.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**بعضی جزئیات که مستقیما از آیات فوق فهمیده می­شود**

آیه 48: «عذابِ» مطرح در اینجا، عذاب آخرت نیست بلکه منظور گرفتاری­هائی است که در این جهان پیش می­آید ، مانند خشکسالی و امثال آن که در سوره­های بعدی توسط خود قرآن، تفسیر خواهد شد .

آیه­های 50-49: منظور از «جادوگر» طعنه ایست که فرعونیان به حضرت موســی می­زدند و «آیات»ی را که (در آیه 48 مطرح شده و) آنحضرت ارائه می­کرد «جادو» می­خواندند.

آیات 54-51: فرعون که کار بر او سخت شده و در اثر معجزات مذکور در آیات 48 تا 50 احساس کرد که دارد افکار عمومی را از دست می­دهد به همان افکار عمومی مراجعه می­کند و می­گوید من که پول و قدرت دارم بهترم یا او که ندارد؟

از اینجا معلوم می­شود این فکر که «واجدِ مال و قدرت ، با ارزش­تر است از فاقد آن» ، یک اعتقاد عمومی بوده، و اگر چنان نبود ، فرعون نمی­توانست به حکومت خود ادامه دهد . نکته­ای که از آیه 54 در اینجا فهمیده می­شود این است که او اول به این فکر و فرهنگ دامن زد و پس از این که خوب پذیرفته شد و جا افتاد ، از مزایای آن که بسط دامنه حکومتش بود استفاده کرد .

آیه 52: فهمیده می­شود که حضرت موسی نارسائی گفتاری داشته است .

بعلاوه آن ، آیات دیگری در قرآن هست که این موضوع را تصدیق می­کند (مثلا «واحلل عقده من لسانی» در سوره طه) اما نکته­ای که در این موضوع هست این است که این مطالب مانعی در پیامبری نیست .

اما پیامبر اسلام (ص) حتی این نوع عیوب را نیز نداشت وآنچه داشت همه­اش حُسن بود .

**شبیه سازی**

خداوند برای ارشاد و ضمنا دلداری پیامبر(ص) قسمتی از داستان موسی (ع) را که شبیه این مقطع ازرسالت آنحضرت است دراین پاراگراف برایش بازگوئی میکند:

1- موسی را هم مسخره کردند (آیه47)

2- برکفرشان عالمانه وعامدانه اصرارکردند (آیه48)

3- وقتی که به مشکل خوردند از روی تکبر او را ساحرخواندند و با وجود این تعهد سپردندکه اگرمشکلشان رفع شود به دین او خواهند گروید (آیه49)

4- پس از رفع مشکل بازهم به حالت قبل برگشتند (آیه50)

5- فکرشان این بود که ارزش حقیقی در مواهب مادی است (آیه های 51 تا 53)

6- در نهایت هم به جائی رسیدندکه نابود شدند (آیه های55و56)

**بازخوانی آیه 54**

البته در همین پاراگراف به اندازه کافی مطلب هست که نشان دهد فراعنه و دیکتاتور ها مطابق چه فرایندی به دیکتاتوری می پردازند .

اما بطور کلی میتوان درک کرد که خداوند انسان را کرامت بخشیده و به او آزادی هائی عطا فرموده که شناخت آن آزادی ها و حقوقی که بر آنها مترتب میشود می باید همیشه توسط انسانها پاسبانی شود .

و دیکتاتورها با قائل شدن حقوق و آزادی هائی فوق دیگران برای خویش و فرهنگ سازی در مورد آن ، تدریجا خود را در جایگاهی قرار میدهند که اطاعت کامل و بی چون و چرا و شک نکردن در باره آن از سوی عموم را جا می اندازند .

چون این فرایند تدریجا انجام میشود ، مبارزه با آن در مراحل ابتدائی آسان است و ماده «فسق» که مورد اشاره آیه مذکور است مخالفت نکردن با این فرایند است .

به عبارت دیگر ، مردم هم با مخالفت نکردن با فرایند مذکور ، بخصوص در مراحا ابتدائی آن ، در ایجاد دیکتاتوری ها سهیم و موثرند .

**جمع بندی و تفسیر**

**و همانا موسي را با آياتمان بسوي فرعون و بزرگان دربارش فرستاديم و گفت من فرستاده پروردگار همگان هستم (46) و هنگامي که با نشانه هاي ما بسويشان رفت ناگهان به خنده افتادند (47) و هيچ نشانه اي را به آنان ارائه نکرديم مگر اينکه از ديگري بزرگتر بود و آنها را به عذاب هم معذب نموديم شايد باز گردند (48) و گفتند اي جادوگر پروردگارت را به آن چيزي که نزدت عهد نموده بخوان زيرا که ما هدايت يافته ايم (49) و چون آن عذاب را برطرف کرديم فورأ عهد شکستند (50) و فرعون در قوم خويش ندا در داد که آيا فرمانروائي سرزمين مصر از آن من نيست؟ و نيز اين نهرها که از کف** (زمينهاي) **من جاريست؟ آيا نمي بينيد؟ (51) آيا من بهترم يا اين آدم بي اهميتي که چندان بيان خوبي هم ندارد؟ (52) پس چرا دستبندهائي از طلا ندارد يا ملائکه اي همراه او نيستند؟ (53) پس قومش را خوار کرد و آنها نيز اطاعتش کردند و آنها البته قومي گناه پيشه بودند (54) پس هنگاميکه متأسفمان کردند از آنان انتقام گرفتيم و همگي شان را غرق نموديم (55) و آنها را جزء گذشتگان و مَثَلي براي آيندگان قرار داديم (56)**

**زخرف6 آیات57تا65**

**وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ ﴿57﴾ وَقَالُوا أَآلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ﴿58﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿59﴾ وَلَوْ نَشَاء لَجَعَلْنَا مِنكُم مَّلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ ﴿60﴾ وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ﴿61﴾ وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿62﴾ وَلَمَّا جَاء عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُم بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُم بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿63﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ﴿64﴾ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِن بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ أَلِيمٍ ﴿65﴾**

**و هنگامي که به پسر مريم مثل زده ميشود قوم تو ناگهان سروصدا مي کنند (57) و ميگويند آيا خدايان ما بهتر است يا او که به عقیدم مسیحیان او نیز خداست؟ اين مثل را نميزنند مگر به اين خاطر که با تو جدالي کنند زیرا که اينها مردمي خصومت پيشه ميباشند (58) عیسی ابن مریم جز بنده اي که نعمتش داده بوديم نبود که او را براي بني اسرائيل نمونه اي قرار داده بوديم (59) و اگر ميخواستيم ، میتوانستیم از ميان شما ملائکه اي قرار دهيم که در روي زمين بگردند (60) و البته آن گردش ملائکه در روی زمین نیز ، اگر وقوع یابد ، نشانه اي درباره قيامت خواهد بود ، که مردم را هشدار دهد که شکي در باره آن مکنید ، و تو ای پیامبر! بگو ای مردم پيرويم کنيد که جاده مستقيم همین است (61) و شيطان شما را از پیرویم باز ندارد که او برايتان دشمني آشکار است (62) و هنگامي را بياد آوريد که عيسي با آن دلائل روشن آمد و گفت با حکمت بسويتان آمده ام و براي اينکه بعضي چيزها را که در آن اختلاف داريد برايتان روشن کنم. پس از خدا پروا نموده و مرا اطاعت کنيد (63) البته خداوند پروردگار من و شماست پس او را عبادت کنيد که جاده مستقيم همين است (64) پس آن گروه ها از ميانشان اختلاف کردند و برخی عیسی را به خدائی گرفتند ، پس واي بر آنان که هم به خویش و هم به کسانی که گمراهشان کردند ظلم کردند و چه عذاب سختی خواهند داشت در آن روزِ سخت (65)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره**

**درس : کافران بي توجه به افعال و صفات پرلطف الهي عامدانه و مصرانه با پيامبران لجبازي و مخالفت مي­کنند.**

**درب : نمونه ديگري از لجبازي و عناد و اصرار کافرانه.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 میفرماید مطالب قرآن حق است ، زيرا از نزد خداوند نازل شده است و کفر کافران ، مانع خداوند از اتمام حجت نیست .

در پاراگراف 2 به گوشه­ای از افعال و صفات پر لطف الهی که کافران هم به آن اعتراف هم داشتند اشاره میفرماید اما خاطر نشان میسازد که آنها در عین حال به تکذیب رسول خدا می پرداختند و ملائکه را مؤنث قرار داده و آنها را فرزند خداوند محسوب نموده ودلیل خود را روش آباء و اجدادی و عدم ممانعت خداوند اعلام می نمودند .

در پاراگراف 3 میفرماید ای کسانی که مطالب این پیامبر را می پسندید ، اینقدر از روسای قبایلتان حساب نبرید و مانند ابراهیم باشید و اگر چیزی را می پسندید به آن گرایش نشان دهید .

در پاراگراف 4 میفرماید تقسیم کننده مواهب خداوند است و مالداری ملاک ارزش و تنگدستی به معنی بی ارزشی نیست و خداوند بهتر میداند چه کسی شایسته پیامبری است و خداوند اینطور مقررکرده که هم کافران بتوانند ثروتمند یا تنگدست باشند و هم مومنان ، و کسی که از آموزه های وحی روی بگرداند گمراهی بر او مسلط میشود و دیگر قابل هدایت نخواهد بود و لذا ای پیامبر به وحی و ماموریت خویش بچسب و فقط پیروانت را مورد توجه قرارده و نگران چیزی هم نباش .

در پاراگراف 5 می فرماید اصرار ولجبازی ومخلفت عمدیِ آگاهانه چیز تازه ای نیست ، از جمله در یکی از تمدن های قبلی که برایتان آشنا است نیز نمونه روشنی از آن ، و نیز عاقبتشان ، اینطور بود ، لذا ای پیامبر ! و ای پیروانش ! صبر کنید و به ایمانتان بچسبید .

در این پاراگراف می فرماید این مخالفان (معاصر نزول این آیات) نیز همان رفتارِ پیش گفته را دارند و جر وبحثِ بیجایِ ناشی از عمد و اصرار ولجبازی دارند و تو (ای پیامبر) اهمیتی نده و وظیفه خودت را پی بگیر .

**3 - سوالات**

1 - موضوع حضرت عیسی(ع) (آیه57) کی وکجا برای سران کفارمطرح شد؟

2 – عمد و اصرار و لجبازی درکدام موضع ازاین پاراگراف به وضوح معلوم میشود؟

3 - «مَثَل» (آیه59) به چه معنی است؟

4 - چه فرقی است بین این دوکلمه در دو آیه 57 و 59؟

5 – آیه 60 چه موضوعی را رد میکند؟

6 - «ه» در «انّه» (آیه61) اشاره به چه دارد؟

7- «هم» درکلمه «بینهم» (آیه65) به چه کسانی اشاره دارد؟

9 – منظور از «منه» (آیه57) چیست؟

10 – منظور از کلّ آیه60 چیست؟

11 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (نکوهش؟ دلداری؟ یا...؟)

12 - در این پاراگراف کدام آیاتِ پرانتزی را به وضوح تشخیص میدهید؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع واحوال آن روزها**

محتوای سوره های این مرحله مشترک است دراین معنی که استراتژیِ سران کفار بر این مورد استقرار یافته بود که به هیچ عنوان کوچکترین نرمشی در مـقابـل دعوت پیامبر(ص) نشان ندهند.

این موضوع شواهد زیادی دارد .

اگر بخواهیم همه شواهد را از همه سوره های این مرحله ارائه کنیم بسیارطولانی خواهد شد ، لذا فقط شواهد موجود دراین سوره راعرض میکنیم

شواهد این مطلب ، فقط در این سوره ، اینهاست :

1 - آنها خواستاراین بودندکه اصلا وحیی بر پیامبر(ص) نازل نشود (آیه5)

2 – محور اعتقادی اسلام (خالقیت خداوند) را قبول داشتند اما بقیه را انکار میکردند (آیه9)

3 - سعی میکردند برای باقی ماندن بر رویّه شان یک دستاویز الهی بتراشند (آیه20)

4 - سعی میکردنددرلیاقت پیامبر(ص) شبهه ایجادکنند (آیه31)

5 - سعی میکردند هیچ جوری هیچ حرفی از پیامبر(ص) قبول نکنند (موضوعی که درپاراگراف قبل تحت عنوان«شبیه سازی» دیدیم)

6 - حتی به فکر قتل آنحضرت هم افتادند (آیه41)

طبیعی است که اینها باچنین روحیه ای بسیارشایق بودندکه اگر میشد چه خوب بود که ، یک «دلیل دینی» مبنی بر توجیه عقایدشان پیداکنند و آن را روی بساط اسلام «چماق» کنند .

طبیعی است که درمسیرفوق کوشش هم کرده باشند ، (همانطورکه درسوره مدّثّردیدیم که چگونه دست به دامن آن شخص شده بودند که گفته بود این – قرآن – سحر است)

هرچه باشد ، آنها این کار را کردندوچیزی هم که خوشحالشان میکرد پیدا کردند .

آنها در این جستجو کشف کردندکه مسیحیان پیغمبرشان را پسر خدا میدانند .

ناگهان زبانشان روی پیامبر(ص) دراز شدکه :

چطور است که عیبی ندارد خدا پسرداشته باشد ، اما عیب دارد دخترداشته باشد؟ با این توضیح آیه های 57 و 58 به روشنی مفهوم میگردد .

**5 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1)** تفسیرمان را راجع به آیه57 دیدید .

تفسیرما مبتنی بود بر:

1 - «درس» سوره که مستقیما از این روش تحلیلی منتج شده است .

2 - لیست ترتیب نزول که آن نیز به کمک این روش اصلاح وتکمیل شده است .

3 - «درس» های سایر سوره های واقع درمرحله پنجم که آن نیز محصول مستقیم این روش است .

4 – خود محتوای سوره .

اما تفاسیردیگری که از این آیه شده ، در «المیزان» نقل قول شده ونظر خود المیزان هم در آنجا مذکور است ، همه را ببینید و «یتبعون احسنه» کنید .

نظرخود المیزان هم این است که مثلی که در 4 کلمه اول آیه 57 مطرح است توسط خداوند زده شده ، آنهم در سوره مریم .

دلیلی بر این موضوع نیست ، اما دلیل بر ضدّ آن هست ، که آنهم لیست ترتیب نزول است که بر این حقیقت حاکی است که سوره مریم سالها بعد از این سوره نازل شده است .

واقعا این موضوع جای سوال است که چرا صاحب المیزان بجای آنکه موضوع را به مطالب سوره مریم ربط دهد متوجه این نکته بدیهی نشده که مردم در آن روزها سالی دوبار از طریق مسافرت های زمستانه و تابستانه به شامات و غیره – که تماس همه جانبه آنها را با اهل کتاب – از جمله مسیحیان – تامین میکرده خیلی راحت تر با عقاید مسیحیان – از جمله الوهیت و پسر خدا قلمداد شدن حضرت عیسی – آشنا میشدند تا محتویات سوره مریم که بکلی خالی از – و مخالفِ - چنین چیزهایی است!

**2)** سه آیه 60 تا 62 به وضوح «پرانتزی» است، لذا «ه» در «اِنّه» (آیه 61) به مدلول آیه 60 بر میگردد ، نه (به نظر المیزان) به حضرت عیسی .

بله ، توجه نکردن به لیست ترتیب نزول و نیز توجه نکردن به پرانتزها مفسران را (حتی مفسران بزرگ را) به اشتباهات بزرگ می اندازد .

**6 – کلیدهای تفسیری**

سه آیه 60 تا 62 به وضوح «پرانتزی» است ، دلیلش هم این است که اگر چشم خویش را بر آنها ببندیم و انتهای آیه 59 را به ابتدای آیه 63 وصل کنیم می بینیم که روال سخن صاف و یکدست و بی سکته است .

**7 - آیات مشکل**

آیه 61 از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر آنها گفته اند .

**8 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه 60 از این لحاظ که به مخلوقاتی اشاره کرده که حتی مانیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعا مخاطبان اولیه نیز، هست.

آیه 61 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

آیه 65 از این لحاظ که به اقوامِ درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب 1400 سال قبل.

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**جمع بندی و تفسیر**

**و هنگامي که به پسر مريم مثل زده ميشود قوم تو ناگهان سروصدا مي کنند (57) و ميگويند آيا خدايان ما بهتر است يا او؟ اين مثل را نميزنند مگر به اين خاطر که با تو جدالي کنند که اينها مردمي خصومت پيشه ميباشند (58) او جز بنده اي که نعمتش داده بوديم نبود که او را براي بني اسرائيل نمونه اي قرار داديم (59)** **{**و اگر ميخواستيم ، از ميان شما ملائکه اي قرار ميداديم که در روي زمين بگردند**}** (60) **{{**و البته آن (گردش ملائکه در روی زمین) نشانه اي درباره قيامت است**}}** **{**پس شکي در آن مکن و (بگو) پيرويم کنيد که اين جاده اي مستقيم است**}** (61) **{{**و شيطان شما را از آن باز ندارد که او برايتان دشمني آشکار است**}}** (62) **و هنگامي را بياد آوريد که عيسي با آن دلائل روشن آمد و گفت با حکمت بسويتان آمده ام و براي اينکه بعضي چيزها را که در آن اختلاف داريد برايتان روشن کنم. پس از خدا پروا نموده و مرا اطاعت کنيد (63) البته خداوند پروردگار من و شماست پس او را عبادت کنيد که جاده مستقيم همين است (64) پس آن گروه ها از ميان آنها اختلاف کردند . پس واي بر کساني که ظلم کردند از عذاب روزي سخت (65)**

**زخرف7 آیات66تا78**

**هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿66﴾ الْأَخِلَّاء يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ﴿67﴾ يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿68﴾ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿69﴾ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ﴿70﴾ يُطَافُ عَلَيْهِم بِصِحَافٍ مِّن ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿71﴾ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿72﴾ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿73﴾ إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿74﴾ لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿75﴾ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِن كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ ﴿76﴾ وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُم مَّاكِثُونَ ﴿77﴾ لَقَدْ جِئْنَاكُم بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ﴿78﴾ أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ ﴿79﴾ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُم بَلَى وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ ﴿80﴾ قُلْ إِن كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ ﴿81﴾ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿82﴾ فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ﴿83﴾ وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاء إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿84﴾ وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِندَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿85﴾ وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿86﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴿87﴾ وَقِيلِهِ يَارَبِّ إِنَّ هَؤُلَاء قَوْمٌ لَّا يُؤْمِنُونَ ﴿88﴾ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿89﴾**

**آيا منتظر چيزي غير از قيامت هستند که ناگهان برآنها درآيد و متوجه نباشند؟ (66) در آن روز دوستان صميمي ، بعضي نسبت به بعضي ديگر دشمن خواهند بود ، مگر متقيان (67) که به آنان خطاب میشود اي بندگانم ! امروز نه نگرانيي داشته و نه اندوهگين باشيد (68) اینها همان کساني بودند که به آياتمان ايمان آوردند و تسليم (حق) شدند (69) به آنان خطاب میشود خودتان و همسرانتان با خوشي داخل بهشت شويد (70) سيني هاي طلايي و فنجانهائي دور آنها گردانده ميشود و در آنها چيزهائي است که دل ميخواهد و چشم لذت ميبرد و شما در آن نعمتها جاودان خواهيد بود (71) و اين بهشت را بسبب اعمالتان به شما داده ايم (72) که در آن ميوه های زياد خواهيد داشت که از آن خواهيد خورد (73) اما مجرمان البته در عذاب جهنم جاودان خواهند بود (74) و هيچ تخفيفي نخواهند داشت و در آن پژمرده خواهند شد (75) و ما ظلمي به آنان نکرده ايم بلکه خودشان ظالم بودند (76) و ميگويند اي نگهبانان جهنم پروردگارتان بايد ما را از بين ببرد و آنها در جواب ميگويند نه! شما در اینجا جاودان خواهيد ماند (77) حق را برايتان آورده بودیم اما اکثرتان حق را ناخوشايند ميداشتيد (78) ای پیامبر! اینها چه فکر میکنند؟ یا اینکه راجع به چيزي اصرار دارند؟ در اينصورت ما نيز اصرار داريم (79) يا اينکه تصور ميکنند پنهان و آشکارشان را نمي شنويم؟ بلي فرستادگان ما نزدشان هستند و مي نويسند (80) بگو اگر خداوند رحمان فرزندي داشت خودم اولين عبادت کننده اش بودم (81) منزه است پروردگار آسمانها و زمين كه پروردگار عرش هم هست از آنچه درباره اش ميگويند (82) پس آنها را بحال خودشان واگذار که در باطل فرو روند و بازي کنند تا اينکه بالاخره به آن روزشان که وعده داده ميشوند برسند (83) او در آسمانها خداست و در زمين هم خداست و همو حکيم داناست (84) و پر برکت است کسي که فرمانروائي آسمانها و زمين و بين آنها از اوست و همو که علم قيامت را دارد و بسوي او بازميگرديد (85) و کساني را كه جز او ميخوانند قدرت شفاعت ندارند مگر کسي که به حق شهادت دهد و علم داشته باشد (86) و اگر از آنها بپرسي چه کسي خلقشان کرده با تأکيد خواهند گفت البته خدا . پس بنگر به کجا منحرف ميشوند؟ (87) و نیز به اين قول توجه کن که آن باصطلاح شفعاءشان میگویند : پروردگارا اين مردم ايمان نمي آورند (88) پس ، از ايشان در گذر ، و سلامي بگو و بزودي خواهند دانست (89)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره**

**درس : کافران بي توجه به افعال و صفات پرلطف الهي عامدانه و مصرانه با پيامبران لجبازي و مخالفت مي کنند .**

**درب : گوشه اي از نتيجه محتوم رفتار کافرانه و نيز نتیجه رفتار عکس آن . درب: ای پیامبر! این لجبازها را به حال خودشان واگذار . درب : ای پیامبر! موقعیت و صفات خداوند را در همه جهان بیادشان بیاور، و خودت هم چندان ناراحت نباش و کار آنها را به ما واگذار.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 میفرماید مطالب قرآن حق است ، زيرا از نزد خداوند نازل شده است و کفر کافران ، مانع خداوند از اتمام حجت نیست .

در پاراگراف 2 به گوشه­ای از افعال و صفات پر لطف الهی که کافران هم به آن اعتراف هم داشتند اشاره میفرماید اما خاطر نشان میسازد که آنها در عین حال به تکذیب رسول خدا می پرداختند و ملائکه را مؤنث قرار داده و آنها را فرزند خداوند محسوب نموده ودلیل خود را روش آباء و اجدادی و عدم ممانعت خداوند اعلام می نمودند .

در پاراگراف 3 میفرماید ای کسانی که مطالب این پیامبر را می پسندید ، اینقدر از روسای قبایلتان حساب نبرید و مانند ابراهیم باشید و اگر چیزی را می پسندید به آن گرایش نشان دهید .

در پاراگراف 4 میفرماید تقسیم کننده مواهب خداوند است و مالداری ملاک ارزش و تنگدستی به معنی بی ارزشی نیست و خداوند بهتر میداند چه کسی شایسته پیامبری است و خداوند اینطور مقررکرده که هم کافران بتوانند ثروتمند یا تنگدست باشند و هم مومنان ، و کسی که از آموزه های وحی روی بگرداند گمراهی بر او مسلط میشود و دیگر قابل هدایت نخواهد بود و لذا ای پیامبر به وحی و ماموریت خویش بچسب و فقط پیروانت را مورد توجه قرارده و نگران چیزی هم نباش .

در پاراگراف 5 می فرماید اصرار ولجبازی ومخلفت عمدیِ آگاهانه چیز تازه ای نیست ، از جمله در یکی از تمدن های قبلی که برایتان آشنا است نیز نمونه روشنی از آن ، و نیز عاقبتشان ، اینطور بود ، لذا ای پیامبر ! و ای پیروانش ! صبر کنید و به ایمانتان بچسبید .

در پاراگراف 6 می فرماید این مخالفان (معاصر نزول این آیات) نیز همان رفتارِ پیش گفته را دارند و جر وبحثِ بیجایِ ناشی از عمد و اصرار ولجبازی دارند و تو (ای پیامبر) اهمیتی نده و وظیفه خودت را پی بگیر .

در این پاراگراف میفرماید ای کافران دست از لجاجت و اصرار بردارید و آینده مطلوب مقبول را از آن خود کنید و گرنه بد روزگاری خواهید داشت ، و تو ای پیامبر به اینها چندان اهمیتی مده ، و از رفتارهای اینان بزرگوارانه در گذر .

**3 - سوالات**

1 - درابتدای آیه های و 71 70موضوع کدام کلیدفهم قرآن اتفاق افتاده؟

2 – وضعیت آیه 69 با کدام کلید تفسیر مطابق است؟ (پرانتز؟ یا...؟)

3 – کلمه های « اورثتموها» و «مالک» و «رسلنا» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

4 – مدلول آیه78 از زبان کیست؟

5 - مطلب آیه های 71 و 73 به چه زبانی است؟ (کنایه؟ استعاره؟ مَثَل؟ یا ....؟)

6 – در آیه 71 «ما تشتهیه الانفس و تلذ الاعین» با سایر نعمتهای ذکرشده ، اختلاف سطحی دارد ، و از آنها عام تر و بالاتر است ، علت این نوع بیان را ذکر کنید.

7 – اصرار و عمد سران کفار درکدام موضع این پاراگراف دیده میشود؟

8 - چه سابقه ای ازمطلب انتهای آیه80 دارید؟

9 - تنوین کلمه «ولد» از باب تحقیر است یا از باب تعظیم است؟

10 – در همین سوره چه سابقه ای از آیه 87 دارید؟

11 – آیه 88 ، منهای کلمه اول آن ، شمارا به یاد چه سوره و چه آیاتی می اندازد؟

12 - «ه» در «قیله» (آیه88) به چه کسی اشاره دارد؟

13 – منظور از «شفاعت» (آیه86) کدام است؟ (آخرتی- چرا-؟دنیائی؟ اعم؟)

14 - کلمه «سلام» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟ وبطور کلی ، در آیه 89 چه را القاء میکند؟ («برویدِ» محترمانه؟ یا ...؟)

15 - «علم»ی که در انتهای آیه 89 با قیدِ «بزودی» به آن اشاره شده ، از چه نوع است؟ (از نوع اعتقادی که پس از فتح مکه بدستشان آمد؟ از نوعی که پس از وقوع قیامت حاصل میشود؟ یا...؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

اکثریت فعالان کفر از آنچه آنحضرت ابلاغ میکرد آن بدشان می آمد (آیه 78)

از آیه 79 معلوم میشود فعالان کفر در کار مخالفتشان با آنحضرت بسیار پیگیر و مبرم بوده اند .

از آیه 84 فهمیده میشود آنها الوهیتی برای خداوند قائل نبودند و او را فقط خالق میدانستند و از آیه 85 فهمیده میشود برای خداوند نقشی در اداره جهان نمی شناخته اند و موضوع قیامت را هم بطور واضح انکار میکردند .

از آیه 86 فهمیده میشود چیزی که به آن دلخوش بوده اند موضوع شفاعت بود که به نظر آنها متصدیان آن نیز (یعنی شفیعان چنانکه قبلا در آیات و سوره های قبلی دیده ایم) «فرزندان خدا» و یا ملائکه بوده اند .

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 83 به آنحضرت میفرماید به اینها (فعالانِ مخالفت با رسالتت) اهمیتی نده و در آیه 89 همین مفهوم را تکرار میکند و با دو داستان مربوط به دو پیامبر سابق تلویحا پیشگوئیِ موفقیتِ آنحضرت مینماید .

**6 – کلیدهای تفسیری**

در ابتدای آیه 68 واگذاری به مخاطب صورت گرفته ، و نیز در ابتدای آیه 70 ، و در ابتدای آیه 79 التفات .

آیه 82 فرع بر 81 و آیه 87 فرع بر 86 است .

**آیه پرانتزی :** در نظم فعلی ، آیه 87 بوضوح «پرانتزی» است ، زیرا اگر آن را ندیده بگیریم ، و قبل و بعدش را وصل کنیم ، روال سخن صاف و بی سکته میشود .

همچنین به نظر می آید جمع آوری کنندگان قرآن در زمان خلیفه سوم جای آیه 87 و 88 را اشتباها با یکدیگر عوض کرده باشند ، زیرا اگر آیه 88 مقدم و آیه 87 موخر باشد روال سخن هم صاف و یکدست و هم منطقی تر میشود، و در اینصورت آیه مذکور پرانتزی هم نخواهد بود .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

توصیه به پیامبر! که به این کفر و تکذیب ها اهمیت ندهد و هشدار به کافران و مکذبان که دست از این لجاجت ها بردارند و آینده مقبول را از آن خود کنند .

**8 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیه 84 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**9 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیات 66 تا 78 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

آیه های 84 تا 86 به آیاتی از علم وقدرت الهی اشاره دارد که بالاتر از ذهنیات مخاطبان اولیه، بلکه حتی مخاظبانِ کنونی است و لذا از ذهنیات مخاطبان اولیه بالاتر است.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

موضوع آیه 67 را قبلا درسوره­ معارج و قبل از آن در سوره عبس دیده­ایم.

همچنین موضوع آیات 68 تا 73 را نیز قبلا درسوره­های زیادی دیده­ایم.

نیز آیات 74 تا 78 (غیر از آیه 77) را.

**شرح مختصر**

**خودکشی ناممکن**

از آیه 77 فهمیده می­شود در آخرت (جهنم) خودکشی امکان ندارد.

**معبود همه جا**

آیه 84 تفسیر «اله الناس» سوره ناس است ، یعنی الوهیت خداوند متعال منحصر به اهل زمین نیست بلکه کل جهان را شامل می­شود و در حقیقت در اینجا بر نفی عقاید مشرکان (موضوع «دختران خدا» که مورد پرستششان بود) تاکید فرموده است.

**باز هم شفاعت**

با موضوع شفاعت در سوره مدثر آشنا شده­ایم، و استثناء قسمت آخر آیه 84، نفی قسمت اول همان آیه نیست، بلکه تفسیر آن است که می­فرماید اصل موضوع شفاعت قبول است، اما حدودی دارد که در آخر آیه شرح داده شده و خداوند به آنها اجازه شفاعت داده است.

تناسب مطلب با اینجا اینطوراست که این باصطلاح«دختران خدا»که شما میگوئید ، الوهیت که بماند،حتی شفاعت هم ازآنها برنمی آید.

موضوع شفاعت یکی از موضوعات نسبتاً ثابت قرآنی است، و چنانکه خواهید دید هر از گاهی یکبار مطرح می­شود ، و در هر بار گوشه­های نگفته­ای از آن مطرح میگردد، به همین علتِ پر بسامدی، یکی از کلیدهای فرعی فهم تفسیر قرآن میباشد، و اگر خداوند توفیق دهد در سوره بقره ذیل «من یشفع عنده الا باذنه» یک جمع­بندی از آن عرض خواهیم کرد.

**ای پیامبر! اینقدر به خودت فشار نیاور**

موضوع آیه 89 نیز یک موضوع نسبتاً ثابت قرآنی است، بطوریکه از تقریباً ابتدای دستور خداوند که «هشدار بده» د رسوره مدثر، تا آخر نزول وحی، این مفهوم دائماً تکرار می­شود که ای پیامبر! اینقدر حرص و جوش نخور! تو فقط پیام را برسان و غیره؛ بطوریکه این مفهوم نیز یکی از کلیدهای فرعی فهم و تفسیر قرآن می­باشد، و البته آیه 88 را نیز باید در همین چارچوب دید.

**جمع بندی و تفسیر**

**آيا منتظر چيزي غير از قيامت هستند که ناگهان برآنها درآيد و متوجه نباشند؟ (66) در آن روز دوستان صميمي ، بعضي نسبت به بعضي ديگر دشمن خواهند بود ، مگر متقيان (67)** [به آنان خطاب میشود]: **اي بندگانم ! امروز نه نگرانيي داشته و نه اندوهگين باشيد (68)** {همان کسانيکه به آياتمان ايمان آوردند و تسليم (حق) شدند} (69) [به آنان خطاب میشود :] **خودتان و همسرانتان با خوشي داخل بهشت شويد (70) سيني هاي طلايي و فنجانهائي دور آنها گردانده ميشوند و در آنها چيزهائي است که دل ميخواهد و چشم لذت ميبرد و شما در آن نعمتها جاودان خواهيد بود (71) و اين بهشت را بسبب اعمالتان به شما داده ايم (72) که در آن ميوه های زياد خواهيد داشت که از آن خواهيد خورد (73) اما مجرمان البته در عذاب جهنم جاودان خواهند بود (74) و هيچ تخفيفي نخواهند داشت و در آن پژمرده خواهند شد (75) و ما ظلمي به آنان نکرده ايم بلکه خودشان ظالم بودند (76) و ميگويند اي نگهبان (**جهنم) **پروردگارت بايد ما را از بين ببرد . ميگويد** (نه!) **شما** (جاودان) **خواهيد ماند (77) حق را برايتان آورده ايم اما اکثرتان حق را ناخوشايند ميداشتيد (78)**[اینها چه فکر میکنند؟] **یا اینکه راجع به چيزي اصرار دارند؟ در اينصورت ما نيز اصرار داريم (79) يا اينکه تصور ميکنند پنهان و آشکارشان را نمي شنويم؟ بلي فرستادگان ما نزدشان هستند و مي نويسند (80) بگو اگر خداوند رحمان فرزندي داشت خودم اولين عبادت کننده اش بودم (81) {**منزه است پروردگار آسمانها و زمين **{{**كه پروردگار عرش است**}}** از آنچه درباره اش ميگويند**}** (82)  **پس آنها را بحال خودشان واگذار که** (در باطل) **فرو روند و بازي کنند تا اينکه بالاخره به آن روزشان که وعده داده ميشوند برسند (83)** **او در آسمانها خداست و در زمين هم خداست و همو حکيم داناست (84) و پر برکت است کسي که فرمانروائي آسمانها و زمين و بين آنها از اوست و همو که علم قيامت را دارد و بسوي او بازميگرديد (85) و کساني را كه جز او ميخوانند قدرت شفاعت ندارند مگر کسي که به حق شهادت دهد و علم داشته باشد (86)** {و اگر از آنها بپرسي چه کسي خلقشان کرده با تأکيد خواهند گفت خدا . پس [ بنگر] به کجا منحرف ميشوند؟ } (87)  **و** (نیز به اين) **قول** (آن شفعاء توجه کن که میگویند) **: پروردگارا اين مردم ايمان نمي آورند (88) پس ، از ايشان در گذر ، و سلامي بگو و بزودي خواهند دانست (89)**

**سوره فصلت**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**حم ﴿1﴾ تَنزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿2﴾ كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿3﴾ بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿4﴾ وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِن بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّنَا عَامِلُونَ ﴿5﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ ﴿6﴾ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿7﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿8﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حم (1) این سوره ، فرو فرستاده اي است از جانب خداوند بخشنده مهربان (2) كتابي که آيه هایش از يکديگر متمايز شده و خواندنيي است به زبان واضح براي مردمي که علم دارند (3) مژده دهنده اي و هشدار دهنده اي بزرگ است . اما کافران اکثرا رويگردان شده و گوش نميدهند (4) و میگویند دلهاي ما نسبت به آنچه دعوتمان ميکني در پوششي است و گوش هايمان هم سنگين است و بين ما و تو حجابي است . پس تو بکار خودت برس ، ما هم بکار خودمان (5) بگو جز اين نيست که من بشري مانند خودتان هستم با اين فرق که بمن وحي ميشود که خدايتان خدائي است واحد . پس بسوي او مستقيم شويد و از او رفع موانع رشدتان را بخواهيد . و واي بر مشرکان (6) همانها که زکوة نميدهند و به آخرت هم کفر ميورزند (7) البته آنان که ايمان آورده و عمل صالح کرده اند پاداشي بي منت خواهند داشت (8)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره**

تاکنون ، در چهار جلد قبلی این تفسیر ، در ابتدای پاراگراف اول هر سوره ، ذیل تیتر فوق ، لااقل دو جدول اول و آخر طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یا همان «درس» سوره) را می آوردیم ، اینک که خواننده محترم به اندازه کافی آنها را دیده ، و دانسته که طرز استخراج چگونه است ، به علت علاقه به رعایت اختصار ، دیگر جدول های مذکور را که دائما طولانی تر میشود ، ذکر نمیکنیم ، و اگر کسی بخواهد، میتواند همه آنها را در کتاب «راهنمای تحلیلی» ما (در سایت ما که در اول و آخر این کتاب معرفی کرده ایم) ببیند .

**درس : نکوهش کافران اعم از گذشته و معاصر براي بي توجهي به الطاف الهي و بي توجهي به آخرت که منجر به عمد و عناد و گردنکشي و اصرار کافرانه مي شود .**

**درب : نکوهش کافران معاصر که به نعمت عظيم قرآن اهميت نميدادند و بر روش خويش اصرار مي ورزیدند و ذکر گوشه­ای از لجبازی کافران و توصیه به پیامبر(ص) که آنها را به عاقبت­شان و نیز عاقبت مؤمنان توجه دهد .**

**2 - سوالات**

1 – از کلمه «آیات» (آیه3) چه به ذهن می آید؟

2 - «علم» مورد نظر(آیه3) از چه نوع است؟

3 – چرا از میان صفات ممکن «لایسمعون» انتخاب شده؟

4 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (آموزشی؟ نکوهشی؟ هشداری؟ ترغیبی؟ یا....؟)

5 – در آیه 3 ، بین کلمات 3 و 4 ، موضوعِ کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده؟

6 - چرا از میان صفات الهی رحمان و رحیم ترجیح داده شده؟

7 – در «فصلت آیاته» ، آیا منظور از کلمه «آیات» معنی لغوی آن است یا معنی اصطلاحی (که آیه های قرآن باشد) ؟ [اگر نتوانستید تصمیم بگیرید به درس و درب هم نظری داشته باشید]

8 - «مستقیم شوید» ( آیه6 ) یعنی چه؟

9 - لجبازی و عمد و اصرار را درکدام موضع این پاراگراف به وضوح می بینید؟

10 - درسوره های قبل چه سابقه ای از«اجرغیرممنون» (آیه8) دارید؟

11 - «مِثل» بودن پیامبر(ص) (آیه6) یعنی چه؟ (ازلحاظ نیازهای جسمانی؟ ازلحاظ محدودیت های انسانی- مانندخستگی ونیازبه استراحت وامثال آن-؟ یا....؟)

12 - راجع به موضوع «وحی» چه سابقه ای درسوره های قبل سراغ دارید؟

13 - این سوره تقریبا درسال پنجم بعثت نازل شده ، و هنوز پیامبر(ص) تشکیل حکومت نداده بود . پس، موضوع «زکات» (آیه7) چرا ذکرشده؟

14 – قول کافران در آیه 5 ، از چه نوع است؟ (از موضع تکبر؟ به زبان طنز؟ به زبان طنز از موضع تکبر؟ یا...؟)

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

اکثریت مردم مقارن نزول این آیات به آن اعتنایی نمیکردند (آیه 4)

فعالان کفر به شدت در کفرشان عمد و اصرار به خرج میدادند (آیه 5)

از آیه 7 معلوم میشود قبل از هجرت نوعی زکات در بین مردم معمول بوده که برخی می پرداختند و برخی نمی پرداختند ، البته باید دانست که البته این به مسلمانان مربوط نمیشود زیرا انتهای آیه در ارتباط آن به کفار ظهور دارد .

**4 – کلیدهای تفسیری**

آیه 7 فرع است بر آیه 6 و این واضح است .

**5 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات ابتدای این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !لذا ،مخاطبان اولیه نیز از آن همان را می فهمیده اند که ما .

**6 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

نکوهش کافران معاصر که به نعمت عظيم قرآن اهميت نميدادند و بر روش خويش اصرار مي ورزیدند و ذکر گوشه­ای از لجبازی کافران و توصیه به پیامبر(ص) که آنها را به عاقبت­شان و نیز عاقبت مؤمنان توجه دهد .

**7 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیه های 3 و 4 و 6 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**8 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه1 از حروف مقطعه است، و چنانکه قبلا عرض شد، چون تاکنون به نحو مقنعی رمزگشائی نشده، بالاتر از ذهنیات ما نیز میباشد، چه رسد به مخاطبان اولیه.

آیه های 3 و 6 از آن لحاظ که به گوشه ای از مکانیزم وحی اشاره دارد، و آن چیزی است که هیچ بنی بشری به آن دسترسی ندارد، بالاتر از ذهنیات بشر و طبعا معاصران نزول نیز میباشد.

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیات 1و 2 4 و 8 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**توصیف همه جانبه قرآن**

1 - بنابر آیه 2، این قرآن فرو فرستاده از جانب خدائی است که هم رحمان و هم رحیم است (و البته گوشه­ای از معنی خودِ رحمان و رحیم را قبلا در سوره حمد دیده­ایم) و لذا قرآن یک صفت عمده دارد و آنهم این است که خودش پراز لطف و رحمت است .

2- این قرآن ، «کتاب» است ، یعنی «نامه» است ، و فرستنده آن خداوند بزرگ ، و گیرنده آن تک تک ما هستیم ، و اگر این معنا را در ذهن خویش گسترش دهیم معانیی بر ما ظاهر میشود که لازم نیست در اینجا به آن بپردازیم زیرا خواننده این نوع مطالب ، فهیم است .

3- آیات قرآن «تفصیل» یافته ، یعنی یک چیز سر بسته کلیِ کش­دار نیست ، بلکه مطالب آن «باز» شده ، و لذا مفهوم ومشروح و گسترش یافته است.

4- مطالب قرآن مجموعه­ای از «آیه»ها است ، یعنی اینکه علامت و نشانه فرستنده آن است و بعبارت دیگر رنگ و بو و نشانه خداوند را در خویش دارد و گرچه خداوند بالاتر است از اینکه رنگ و بو داشته باشد اما وقتیکه کلمه­ای نمی­یابیم که منظور خویش را برسانیم چه باید بگوییم؟

5- قرآن ، «قرآن» است ، یعنی یک متن «خواندنی» است ، ­یعنی اینکه مثلا موسیقی و تصویر و از این نوع نیست بلکه یک متن خواندنی است و لذا برای درک و فهم آن باید مانند سایر متون خواندنی علائم و نشانه­هائی را شناخت ، و روابط و قوانین حاکم بر آنها را دانست ، و آنگاه ممکن است به مفاهیم آن راه یافت ، و لذا برای درک آن مفاهیم باید به حداقلی از علم و سواد مسلّح شد ، و لذا درک قرآن کار هر بیسواد نافرهیخته­ای نیست .

6- قرآن «عربی» است ، و از لحاظ لغت ،«عربی» یعنی روشن و مفهوم و قابل درک و باید این نکته را در نظر داشته باشیم که در اینجا کلمه «عربی» بمعنی «زبان اعراب» نیست . زیرا آن معنی ، معنیِ اصطلاحی این کلمه است ، و در اینجا معنی لغوی آن منظور است ، یعنی همان چیزی که عرض شد ، یعنی مطالب قرآن روشن و مفهوم است ، یعنی مطالب قرآن از نوع چیستان و معما و تربیع دایره و امثال آن نیست ، بلکه گویا و روشن و مفهوم است .

7- از دو کلمه آخر آیه 3 فهمیده می­شود که این «گویا و روشن یه پو مفهوم بودن» قرآن ، برای کسانی است که صاحب علم و فهم باشند نه اینکه برای هر بیسواد نافرهیخته جاهلی هم قرآن گویا و روشن و مفهوم باشد .

8- قرآن امیدوار کننده است ، و به آدمی میگوید اگر چنین و چنان کنی سرانجامی عالی خواهی داشت ( و بحث در این باب طولانی است اما نیازی به آن نیست زیرا خواننده این نوع مطالب فهیم است)

9- قرآن هشدارد دهنده است ، و به آدمی میگوید اگر فلان و بهمان طور باشی و فلان و بهمان کارها را کنی ، سرانجامی اسفبار و نامطلوب خواهی داشت (و بحث در این باب طولانی است اما نیاز به آن نیست زیرا خواننده این نوع مطالب فهیم است)

**ذکر مصادیق از باب حصر نیست**

در آیه 7 دو مشخصه از مشخصات عمده مشرکان ذکر شده ، و آن به این معنی نیست که مشخصات آنان منحصر در آن دو مشخصه باشد.

همچنین است «وای برمشرکان» د رآیه 6 ، یعنی اینکه آن «وای» منحصر به آخرت نیست ، یعنی زندگی این جهانیِ مشرکان نیز ممکن است «وای دار» باشد .

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حم (1)** (این سوره) **فرو فرستاده اي است از جانب خداوند بخشنده مهربان (2) كتابي که آيه هایش از يکديگر متمايز شده و خواندنيي است به زبان واضح براي مردمي که علم دارند (3) مژده دهنده اي است و هشدار دهنده اي . اما** (کافران) **اکثرا رويگردان شده و گوش نميدهند (4)** **میگویند دلهاي ما نسبت به آنچه دعوتمان ميکني در پوششي است و گوش هايمان هم سنگين است و بين ما و تو حجابي است . پس تو بکار خودت برس ، ما هم بکار خودمان (5) بگو جز اين نيست که من بشري مانند خودتان هستم** (با اين فرق که) **بمن وحي ميشود که خدايتان خدائي است واحد . پس بسوي او مستقيم شويد و از او رفع موانع رشدتان را بخواهيد . و واي بر مشرکان (6)** {همانها که زکوة نميدهند و به آخرت هم کفر ميورزند}(7) **البته آنان که ايمان آورده و عمل صالح کرده اند پاداشي بي منت خواهند داشت (8)**

**فصلت2 آیات9تا12**

**قُلْ أَئِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿9﴾ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِن فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاء لِّلسَّائِلِينَ ﴿10﴾ ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاء وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ اِئْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ﴿11﴾ فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاء أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاء الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿12﴾**

**ای پیامبر! به کافران بگو واقعأ شما به کسي که زمين را در دو مرحله آفريده ، و پروردگار همه جهانيان است ، کفر ميورزيد و براي او همتاياني قرار ميدهيد؟ (9) همو که در زمین کوه ها را لنگرهائي قرار داد و در زمین برکت نهاد و نيازهاي همه مخلوقات را نيز در چهار مرحله در آن قرار داد كه همه از سوی درگاه الهی بطور مساوی حق دارند از آن مواهب استفاده کنند (10) آنگاه به آسمان که به شکل گاز بود پرداخت و به آن و به زمين گفت چه از روي ميل و چه از روي اجبار از سیستم هایی که قرار داده ام فرمانبری کنید و آنها گفتند با ميل و رغبت فرمان می بریم (11) آنگاه طی دو مرحله قضا راند که آسمانها بصورت هفت آسمان باشند و کار هر آسمان را به آن وحي نمود و آسمان نزدیک تر را بوسیله نور ستارگان که از زمین بصورت چراغ هائي به نظر میرسند زينت داد و ضمنا همان آسمان را حافظ زمین قرار داد . ای کافران! آیا به خداوندی که چنین قدرتمند و داناست کفر میورزید و برایش همتایان قرار میدهید؟ (12)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره**

**درس : نکوهش کافران اعم از گذشته و معاصر براي بي توجهي به الطاف الهي و بي توجهي به آخرت که منجر به عمد و عناد و گردنکشي و اصرار کافرانه مي شود .**

**درب : اي پيامبر! توجه آنان را به ظرائف آفرينش جهان و برنامه ريزي دقيق آن جلب کن .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 کافران معاصر که به نعمت عظيم قرآن اهميت نميدادند و بر روش خويش اصرار مي ورزیدند را نکوهش میفرماید و ضمنا گوشه­ای از لجبازی کافران را ذکر و به پیامبر (ص) توصیه میکند که آنها را به عاقبت­شان و نیز عاقبت مؤمنان توجه دهد .

در این پاراگراف می فرمایدکه ای پیامبر! به کافران بگو شما دارید به چنین خدائی کفر می­ورزید؟

**3 - سوالات**

1 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (ذکر برخی از وابستگی های واضح همگان به خداوند به منظور تنبه و اصلاح رفتاری؟ یا...؟)

2 - کلماتِ غالب این پاراگراف به «چه زبان»ی است؟ (عادی؟ مَثَل؟ یا....)

3 - در این پاراگراف کدام آیه ها فرعی وکدام اصلی است؟

4 - تنوین کلمه دخان را بررسی و تعیین کنید ازباب تحقیر است یا تعظیم؟

5 - کلمه «یومین» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

6 - چرا از میان صفات الهی «رب العالمین» ترجیح داده شده؟

7 – در آیه 9 ، «وتجعلون له اندادا» با کدام کلید تفسیری مطابق است؟

8 – چه مثالی میتوانید برای «انداد» بزنید ؟ («خدایانِ» مورد اعتقاد مشرکان؟ یا ...؟)

9 – چرا در جائی که اینهمه نشانه های واضح و غیر قابل رقابت الهی را آورده، در چنین جائی «انداد» را ذکر فرموده؟ (کمک به مخاطب که به خویش رجوع کند و بیجا بودن اعتقاد به آن انداد را مستقیما درک کند؟ یا...؟)

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** :المیزان در آیه 10 و در جمله «وقدر فیها اقواتها فی اربعه ایام» قول عجیبی ابراز کرده و آن را با چهار فصل مرتبط دانسته ،

مردود بودن این فرضیه از چند جهت است :

1 – تقدیر ارزاق ، به علاوه جعل رواسی و برکت دادن وغیره چهار روز و خود آفرینش زمین هم دو روز ، جمعا آن شش روزی که همه دنبالش هستند درست در می آید و دیگر به آنهمه بحث ها و ساختن فرضیه ها نیازی نیست .

2 – ناجور بودن «تقدیر» اقوات (که در خوانش متن ، «تمهید» و «تعبیه» معنی میدهد) به چهار فصل خیلی نچسب و علاوه بر اینکه از لحاظ علوم بشری نا مقبول است ، متن را مشابه به این شکل میکند که مثلا کسی بگوید «تو محصول تاریخ چندین هزارساله نوع بشر و نهار امروز هستی»

**2** :و در آیه مذکور فرموده ستارگان همه در آسمان دنیا و پائین تر از آن قرار دارند و برای زمین مانند قندیل هایی هستند که آویزان شده اند .

خطا بودن این فرضیه با توجه به علوم روز واضح است ، اما چیزی که نمیتوان از آن گذشت این است که چنین بزرگواری چرا به این موضوع بدیهی توجه نفرموده که خداوند دارد به زبانی سخن میگوید که مخاطب بیسوادِ معاصر نزول این آیات آن را بفهمد و مگر او آسمان را غیر از آنطور که آیه 12 توصیف میکند میدیده؟

**3** :در آیه 12 ذیل کلمه «حفظا» فرموده یعنی از شیاطین حفظ میکند .

البته بسته به اینکه چه ترجمه ای از کلمه شیطان داشته باشیم نمیتوان گفت این تلقی بکلی مردود است ، اما ، چون کلمه «حفظا» را مقید به قیدی نفرموده ، چرا ذهن را به اولین و گسترده ترین و دائمی ترین خطری که بشر همیشه از سوی آسمان در معرض آن بوده نبریم و به فکر شهابسنگ ها و سیارات سرگردان که قبلا هم در اثر برخورد بازمین خطرات مهلکی به وجود آوردند نشویم؟

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته (معجزات علمی)**

1- آفرینش زمین در دو «یوم» (= دو مرحله) ؛

2- برنامه­ریزی کردن مایحتاج انسان در چهار «یوم» (= چهار مرحله) ؛

3- «دخان» (= گاز) بودن آسمان ؛

4- قرار دادن «هفت آسمان» در دو «یوم» (= دو مرحله) ؛

5- مرتب کردن کار هر آسمان و ساماندهی آن ؛

6- زینت دادن «آسمان نزدیک­تر» به وسیله امکان رویت ستارگان؛

7- «حفاظ» بودن آسمان نزدیک­تر (= کره هوا)

امروزه که ما در ابتدای هزاره سوم میلادی هستیم بعضی از این عناصر (مثلاً ردیف 7) را تا حدودی میفهمیم.

علماءِ نجوم نیز بعضی از این فقرات را (مثلا ردیف­های 1 و 2 و 3 را) تا حدودی فهمیده­اند و فرضیاتی در آن خصوص ارائه کرده­اند.

با توجه به آنچه تا کنون فهمیده شده و نیز آنچه «تقریباً» فهمیده شده، و نیز آنچه هنوز فهمیده نشده، معلوم می­شود چه دریاهایی از معانی را در بیش­ از 1400 سال قبل بصورت سه - چهار سطر بطور اجمالی فرموده که فهم آنها نیاز به دانشگاهها و ادواتِ گران قیمت (که مثلا یکی از دوربین­های نجومی - فضائی امروزی و تجهیزات مرتبط بیش از ده­ها میلیارد دلار قیمت دارد)، و نیز نوشتن رساله­های دکترای متعدد و همکاری­های بسیار نزدیک و فشرده سازمان­های علمی - تحقیقاتی در سراسر جهان دارد که توجه به همین سه - چهار سطر کافیست تا سر هرکسی را که اندکی فهم در آن باشد در مقابل عظمت این کتاب به احترام خم کند.

**6 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

مخاطبان اولیه که بجای خود ، مانیز امروز نمیتوانیم تصور روشنی از مدلول این آیات که برسر تفسیر آنها اختلاف نظر های عمیقی بین مفسران وجود دارد ، داشته باشیم.

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

توصیف بعضی از صفات الهی و نیز ذکر برخی از نعمت های اعطائی اساسی او .

**8 - آیات مشکل**

آیه های 9 تا 12 از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر آنها گفته اند .

**9 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیات 9 تا 12 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**10 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیات 9 تا 12 از این لحاظ که به آفرینش عمومی جهان اشاره دارد، از آنجا که جزئیات مکانیزمش برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم 1400 سال قبل.

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تمام مطالب این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**بعضی صفات خدائی**

ذیلا بعضی صفات خدائی را برای درک بهتر در جدول ذیل مرتب کرده­ایم؛

البته توجه دارید که «ذکر مصادیق از باب حصر نیست» و خداوند در اینجا فقط بعضی از افعال و صفات خویش را ذکر فرموده است .

با توجه به «درب» ، برای درک بهتر این آیات ، جدول ذیل را ترتیب داده­ایم.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ردیف | شرح | آیه مأخذ |
| 1 | زمین را در دو دوره زمانی آفرید، | 9 |
| 2 | لنگرهائی از بالای زمین در آن قرار داد، | 10 |
| 3 | نیازهای همه مخلوقات را در چهار دوره زمانی در آن قرار داد، | 10 |
| 4 | در زمین برکت نهاد، | 10 |
| 5 | به آسمان که دود بود پرداخت، | 11 |
| 6 | در دو دوره زمانی قضا راند که آسمان هفتگانه باشد، | 12 |
| 7 | امر هر آسمان را به آن وحی کرد، | 12 |
| 8 | آسمان دنیا را با چراغ­هائی زینت داد، | 12 |
| 9 | آسمان دنیا را حفاظ قرار داد، | 12 |
| 10 | قدرتمندی که آسمان و زمین را مهار کرده و آنها چاره­ای جز رفتن به راه او را ندارند، | 11 |
| 11 | عالم، | 12 |
| 12 | عزتمند، | 12 |
| 13 | برنامه­ریز، | 12 |
| 14 | قراردهنده استعداد درک در آسمانها و زمین، | 11 |
| 15 | قراردهندۀ استعداد درک وحی در بشر، | 6 |
| 16 | فرستنده وحی بسوی بشر، | 6 |
| 17 | پروردگار همه جهانیان، | 9 |
| 18 | اعطاکننده پاداش (زیاد) بی­منت، | 8 |
| 19 | آمرزشگر، | 6 |
| 20 | واحد، | 6 |
| 21 | بی­همتا، | 9 |

الان در ابتدای هزاره سوم میلادی هستیم و نزدیک به پانزده قرن از نزول این آیات گذشته اما هنوز علم بشر به فهم مطالب ذکر شده در ردیفهای 1 تا 10 جدول فوق نرسیده، چه رسد به مخاطب­های آن روزیِ این آیات که بی­سواد و بی­تمدن و نافرهیخته بودند.

اما علیرغم همۀ این حقایق، همان مخاطب­های فوق­الذکر از این آیات و خداوندی که در این آیات معرفی می­شده، چه تصوری پیدا می­کردند؟

تصوری که هر کس از این آیات پیدا می­کند، خدائی است بی­نهایت قدرتمنـــــد، بی­نهایت عالم، بی­نهایت مسلط بر کار خویش، بی­نهایت سخاوتمند و بی­نهایت مهربان.

و اینک اگر به «درس» و «درب» توجه کنیم می­فهمیم که وقتی صحبت از چنین خدائی است جا دارد آدمی گوش کند، بشنود، فکر کند، و بررسی کند. نه اینکه گوش ندهد (مطابق آیه آخر بند قبل)، بگوید گوش ما سنگین است و بین ما و تو پرده است و کاری با هم نداریم و تو بکار خودت برس و ما هم همچنین.

لذا به حق می­توانیم با «درس» و «درب» هم صدا شده و بگوییم واقعاً بی­توجهی به چنین حقایق مهمی، و کفر ورزیدن و تکذیب نمودن، و اصرار بر آن نمی­توانسـت ریشه­ای جز عناد و لج و بی­منطقی داشته باشد.

**جمع بندی و تفسیر**

**بگو واقعأ شما به کسي که زمين را در دو مرحله آفريد و پروردگار همه جهانيان است کفر ميورزيد و براي او همتاياني قرار ميدهيد؟ (9) همو که در آن لنگرهائي از بالايش قرار داد و در آن برکت نهاد و نيازهاي همه مخلوقات را نيز در چهار مرحله در آن قرار داد كه براي خواهندگان يكسان است (10) سپس به آسمان که دودي بود پرداخت و به آن و به زمين گفت چه از روي ميل و چه از روي اجبار بسويم بيائيد و آنها گفتند با ميل و رغبت آمديم (11) پس در دو مرحله قضا را ند که آنها بصورت هفت آسمان باشند و امر هر آسمان را به آن وحي نمود و آسمان دنيا را بوسیله چراغ هائي زينت داده و** (ضمنا) **آن را حافظ** (زمین) **قرار داد . اين است تقدیرِ آن عزتمند دانا (12)**

**فصلت3 آیات13تا18**

**فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِّثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ ﴿13﴾ إِذْ جَاءتْهُمُ الرُّسُلُ مِن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاء رَبُّنَا لَأَنزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿14﴾ فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿15﴾ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَّحِسَاتٍ لِّنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَى وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ ﴿16﴾ وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿17﴾ وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿18﴾**

**ای پیامبر! اگر کافران قوم تو روي برگرداندند بگو به صاعقه اي مانند صاعقه عاد و ثمود هشدارتان میدهم (13) همانها که وقتي پیامبران خدا از روبرو و پشت سرشان بسويشان مي آمدند که جز خداوند را نپرستيد ميگفتند اگر خدا ميخواست فرشتگاني را ميفرستاد و ما نسبت به آنچه که بخاطر آن فرستاده شده ايد کافريم (14) اما قوم عاد ، در روي زمين به خود بزرگ بيني بيجا پرداختند و گفتند چه کسي از ما قويتر است؟ آيا درک نميکردند که خدائي که آنها را آفريده از آنها قويتر است که نسبت به آيات ما انکار ميورزيدند؟ (15) پس بر آنها بادي سخت و سرد و تند ، در ايامي نحس ، فرستاديم تا عذابِ خواري را در همين زندگاني دنيا به آنها بچشانيم و البته عذاب آخرت خفت بارتر است و آنها هيچ ياريي نخواهند داشت (16) اما قوم ثمود ، آنها را هم هدايتشان کرديم اما کوري را بر هدايت ترجيح دادند پس صاعقه عذابِ خواري آنها را نیز بسبب آنچه که انجام ميدادند بگرفت (17) و البته کسانی را که ايمان آورده و تقوا پيشه کرده بودند نجات داده بوديم (18)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره**

**درس : نکوهش کافران اعم از گذشته و معاصر براي بي توجهي به الطاف الهي و بي توجهي به آخرت که منجر به عمد و عناد و گردنکشي و اصرار کافرانه مي شود .**

**درب : يادآوري عاقبت دو قوم از اقوام گذشته که همين روش استکبار و اصرار و عمد و عناد را در پيش گرفته بودند و به نابودي دسته جمعي دچار شدند و مؤمنانشان نجات یافتند .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 کافران معاصر که به نعمت عظيم قرآن اهميت نميدادند و بر روش خويش اصرار مي ورزیدند را نکوهش میفرماید و ضمنا گوشه­ای از لجبازی کافران را ذکر و به پیامبر (ص) توصیه میکند که آنها را به عاقبت­شان و نیز عاقبت مؤمنان توجه دهد .

در پاراگراف 2 می فرمایدکه ای پیامبر! به کافران بگو شما دارید به چنین خدائی کفر می­ورزید؟

در این پاراگراف می فرماید قوم عاد و ثمود لجبازی و مخالفت عامدانه را در پی گرفتند و در این جهان به عذاب هلاکت دچار شدند و عذاب اخروی شان هم سر جای خودش هست .

**3 - سوالات**

1- از عبارت «من بین ایدیهم و من خلفهم» (آیه14) چه استنباط می کنید؟ (طولانی بودن زمان هشدار پیامبرانشان ، تا اینکه به آخرخط خویش رسیدند؟ یا....؟)

2- از تقابل عبارت های«عذاب الخزی» و «عذاب الاخره» چه نتیجه گیریی میکنید؟ با توجه به سوال فوق ، عبارت «عذاب الهون» کدام حالت را دارد؟

3- در کدام نقاط این پاراگراف ، شدت عمد واصرار ولجبازی دیده میشود؟

4- از عبارت «اولم» (آیه15) تا آخرآیه ، چه حالتی ، برقراراست؟

5 – در آیه 13 ، «ف» در ابتدای آیه ناظر به چیست ؟ (کلّ اِعراض ها و لجبازی ها و عنادهای کافران که در پاراف های قبل مطرح است؟ یا...؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

سران مخالفان پیامبر (ص) خیلی به خودشان مطمئن بودند وگمانی به ضعیف شدن موقعیت خویش و قوی شدن احتمالی موقعیت آنحضرت نمی بردند (آیه 15) و مخالفتشان صرفا از روی لجبازی بود (آیه 17)

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه های 16 و 17 ، سرگذشت ناخوشایند دو قوم عاد و ثمود را که به هلاکت جمعی منجر شد ذکر نموده و در آن وعده ای تلویحی نهفته است که ای پیامبر! و ای پیروان ! شما هم موفق و پیروز میدان خواهید شد .

حدود 15 سال بعد با فتح مکه این پیشگوئیِ تلویحی به تحقق نشست .

**6 – کلیدهای تفسیری**

آیه 14 فرع است بر آیه 13 و این واضح است .

قسمت دوم آیه 16 فرع است بر قسمت اول آن .

آیه 18 نیز فرع است بر آیه 17 .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

ذکر نابودی دستجمعی دو قوم مکذبِ عامدِ عنودِ لجبازِ گذشته ، به منظور هشدار به همانندان معاصر آنها با این پیام که از حد نگذرانید .

**8 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیات 13 تا 18 از این لحاظ که به اقوامِ درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب 1400 سال قبل.

آیه 14 از این لحاظ که به مخلوقاتی اشاره کرده که حتی مانیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعا مخاطبان اولیه نیز، هست.

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از مدلول آیه 13 که در سوره های قبل دیده شده ، اما ، بقیه عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**تحلیل پاراگراف**

این پاراگراف دوقست متمایز دارد : آیه 13 و بقیه پاراگراف .

آیه 13 هشداری است که از طرف خداوند بطور مستقیم و به حالت تقریر «قل» (چنین بگو) است ، و بقیه پاراگراف حالتِ آموزشیِ دارای بارِ دلداری به پیامبر (ص) دارد ، که ناراحت نباش و رفتاری که از اینها می بینی چیز نوظهوری نیست و همه پیامبران این نوع رفتارها را دیده اند و ما هم که خالق و رب آنها باشیم در نهایت پس از اینکه آنها به آخر خط رفتارهای نا معقولشان رسیدند چیزی که سزایشان بود را به آنها ارائه کردیم و البته پیامبران و پیروانشان را نیز نجات دادیم .

**جمع بندی و تفسیر**

**پس اگر روي برگرداندند بگو به صاعقه اي مانند صاعقه عاد و ثمود هشدارتان میدهم (13)** {همانها که وقتي فرستادگان خدا از روبرو و پشت سرشان بسويشان مي آمدند که جز خداوند را نپرستيد ميگفتند اگر خدا ميخواست فرشتگاني را ميفرستاد و ما نسبت به آنچه که بخاطر آن فرستاده شده ايد کافريم}(14) **اما قوم عاد ، در روي زمين به خود بزرگ بيني بيجا پرداختند و گفتند چه کسي از ما قويتر است؟ آيا درک نميکردند که خدائي که آنها را آفريده از آنها قويتر است؟ که نسبت به آيات ما انکار ميورزيدند؟ (15) پس بر آنها بادي سخت و سرد و تند ، در ايامي نحس ، فرستاديم تا عذابِ خواري را در همين زندگاني دنيا به آنها بچشانيم** {و البته عذاب آخرت خفت بارتر است و آنها هيچ ياريي نخواهند داشت} **(16) اما قوم ثمود ، آنها را هم هدايتشان کرديم اما کوري را بر هدايت ترجيح دادند پس صاعقه عذابِ خواري آنها را بگرفت بسبب آنچه که انجام ميدادند (17)** {و کسانی را که ايمان آورده و تقوا پيشه کرده بودند نجات داديم}(18)

**فصلت4 آیات19تا33**

**وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاء اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿19﴾ حَتَّى إِذَا مَا جَاؤُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿20﴾ وَقَالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدتُّمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿21﴾ وَمَا كُنتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِن ظَنَنتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ ﴿22﴾ وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنتُم بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُم مِّنْ الْخَاسِرِينَ ﴿23﴾ فَإِن يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ وَإِن يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُم مِّنَ الْمُعْتَبِينَ ﴿24﴾ وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاء فَزَيَّنُوا لَهُم مَّا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ﴿25﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ ﴿26﴾ فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿27﴾ ذَلِكَ جَزَاء أَعْدَاء اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاء بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿28﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذَيْنِ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ ﴿29﴾ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿30﴾ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ ﴿31﴾ نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ ﴿32﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّن دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿33﴾**

**و روزي که دشمنان خدا را بسوي آتش برانند و آنها را دستجمعي در يکجا جمع کنند (19) تا اينکه به نزد آن رسند و در آنجا گوششان و چشمهايشان و پوستشان راجع به آنچه انجام ميدادند عليه آنها شهادت دهند (20) آنها به پوستهايشان ميگويند چرا عليه ما شهادت ميدهيد؟ جواب ميدهند خداوند ما را به سخن در آورده ، و او کسی است که همه چيز را به سخن در میآورد و در ابتدا هم همو شماها را آفريده و بسوي او بازميگرديد (21) به آنه خطاب میشود شما از اينکه مبادا گوش و چشم و پوستتان عليه شما شهادت دهند نگرانیی نداشتید و گناهانتان را پنهان نميکرديد بلکه چنين گمان ميکرديد که خداوند به بسياري از اعمالتان دانا نيست (22) و همين گمانتان به پروردگارتان بود که نابودتان کرد و از خسارت ديدگان شديد (23) در آن اوضاع و احوال اگر آنها صبر کنند آتش جايگاهشان است و اگر هم معذرت خواهي کنند فايده اي برايشان نخواهد داشت (24) علت اینکه آنها اینطور شدند این بود که برای خویش نزديکان بد برگرفتند و آنها آنچه را که برای آینده در سر می پروراندند و نيز آنچه را که درگذشته شان بود برايشان جلوه و زينت میدادند و در نتيجه آنچه که بر سر اقوامي از جن و انس که قبل از آنها درگذشته اند آمده بود بر سر اينها هم آمد و آنهم اين بود که دچار خسران شدند (25) و کافران میگویند به اين قرآن گوش ندهيد و در آن سر و صدا کنيد شايد غالب شويد (26) پس حتمأ به آنان عذابي شديد مي چشانيم و حتمأ جزاي بدترين کارهائي را که ميکردند به آنها ميدهيم (27) اينطور است که جزاي دشمنان خداوند آتش است که در آن جاويدانند ، و به آنان تفهیم میشود که اين جزائي است در مقابل انکاري که نسبت به آيات ما مينمودید (28) وکافران در آن شرایط اخروی و عذاب ميگويند پروردگارا ! آن کساني از جن و انس را که گمراهمان کردند نشانمان ده تا آنها را زير لگدهای بگذاريم تا از جمله پست ترين ها گردند (29) این اوضاع کافران است اما کسانی هم هستند که در زندگی دنیا ميگويند پروردگارمان خداوند است و آنگاه بر این سخن استقامت مي ورزند ، آنها کسانی هستند که فرشتگان پي در پي بر آنها نازل ميگردند و در مقابل مشکلات این سخن به آنها دلداری میدهند که نترسيد و اندوهگين هم نباشيد و به بهشتي که وعده تان ميدادند شاد باشيد (30) ما در زندگي دنيا و همچنين در آخرت دوستان شمائيم . در آن هر چه دلتان بخواهد و بلکه هر چه طلب کنيد خواهيد داشت (31) که پيشکشیي است از جانب خداوندِ آمرزشگرِ مهربان است (32) و چه قولی بهتر است از قول کسی که بسوي خدا ميخوانَد و عمل شايسته ميکند و ميگويد من از مسلمين هستم؟ (33)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره**

**درس : نکوهش کافران اعم از گذشته و معاصر براي بي توجهي به الطاف الهي و بي توجهي به آخرت که منجر به عمد و عناد و گردنکشي و اصرار کافرانه مي شود .**

**درب : اين نوع رفتار ، به عاقبت نامطلوب آخرتي منجر مي شود و تشويق به اتخاذ رفتار صحيح پسنديده که به عاقبت مطلوب آخرتي منجر مي شود .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 کافران معاصر که به نعمت عظيم قرآن اهميت نميدادند و بر روش خويش اصرار مي ورزیدند را نکوهش میفرماید و ضمنا گوشه­ای از لجبازی کافران را ذکر و به پیامبر (ص) توصیه میکند که آنها را به عاقبت­شان و نیز عاقبت مؤمنان توجه دهد .

در پاراگراف 2 می فرمایدکه ای پیامبر! به کافران بگو شما دارید به چنین خدائی کفر می­ورزید؟

در پاراگراف 3 می فرماید قوم عاد و ثمود لجبازی و مخالفت عامدانه را در پی گرفتند و در این جهان به عذاب هلاکت دچار شدند و عذاب اخروی شان هم سر جای خودش هست .

در این پاراگراف شرحی میدهد که عاقبت اخروی این قبیل افراد چگونه خواهد بود و رفتار پسندیده نجات­بخش این است که شخص علناً خود و دیگران را بسوی خدا بخواند و در این راه استقامت کند .

**3 - سوالات**

1- مکالمه شخص باپوستش (آیه21) چگونه است؟

2- آیه های22و23 گفتار کیست؟

3-درابتدای آیه های22و23موضوع کدام کلید تفسیری واقع شده؟

4-موضوع آیه های25و26مربوط به چه کسانی وچه زمانی است؟

5-آیا خداوند علم خودرا ازطریق موضوع آیه22میگیرد؟

6-درکدام قسمت عمد واصرار ولجبازی به وضوح ملاحظه میشود؟

7-درآیه29 «اضلّانا» یعنی چه؟ (آن دونفر؟ آن دوگروه؟ یا....؟)

8-آیا میتوانید سابقه ای برای موضوع آیه26درسوره های قبل نشان دهید؟

9 – از کلمه «تتنزّل» و نیز از دو کلمه «لاتخافوا» و «لاتحزنوا» چه؟

10 - «قول» (آیه33) به چه معنی است؟

11 - درآن روزها خود اعتراف واعلام ربوبیت انحصاری خداوند ، مستلزم تحمل آزارهایی بود . چه سابقه ای ازاین موضوع درسوره های قبل دارید؟

12 - چرا از میان صفات الهی «غفور و رحیم» ترجیح داده شده؟

13 – منظور از پنج کلمه اول آیه 31 چیست؟

14 – آیه های 25 و 31 شباهت زیادی به کدام آیه ها در سوره زخرف دارد؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

سران مخالفان پیامبر (ص) خیلی به خودشان مطمئن بودند وگمانی به ضعیف شدن موقعیت خویش و قوی شدن احتمالی موقعیت آنحضرت نمی بردند (آیه 15) و مخالفتشان صرفا از روی لجبازی بود (آیه 17) و آنها «دور و بری» هائی برای خویش ترتیب داده بودند که فعالیتی ستاد مانند به آنها ارائه میکردند (آیه 25) و نفوذ تعالیم آنحضرت آنقدر گسترده شده بود که فعالان کفر را به کارهائی شبیه پخش پارازیت و فیلتر گذاری روی سخنان وحی وادار کرده بود (آیه 26) و شروع به ایجاد نوعی آزار و اذیت نسبت به پیروان آنحضرت کرده بودند (آیه 30) و آنحضرت در معرض رفتار های نامطلوبی از سوی فعالان کفر قرار میگرفته که آزرده خاطرشان میکرده و از آنجا که از لحاظ عِدّه و عُده دست پائین را داشت برای مهار جریان مذکور توصیه رفتاریِ «دفع به نیکوترین روش» را دریافت نموده است (آیات 34 تا 36)

**5 – کلیدهای تفسیری**

آیات 21 تا 23 فرع بر ماقبل خویش اند .

در ابتدای آیه 25 واگذاری به مخاطب واقع شده است .

آیه 25 فرع بر 24 است .

آیه 27 فرع بر 26 و آیه 28 فرع بر 27 است . آیه 33 فرع بر ماقبل خویش است .

**6 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

هشدار به اتخاذ رفتار نامطلوب و نشان دادن نتیجه بد آن ، و تشویق به اتخاذ رفتار مطلوب و نشان دادن نتیجه خوب آن .

**7 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیات 21 تا 23 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

همچنین است آیات 30 تا 32.

**8 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیات 19 تا 24 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

همچنین است آیات 27 تا 29.

آیه 25 به آیاتی از علم وقدرت الهی اشاره دارد که بالاتر از ذهنیات مخاطبان اولیه، بلکه حتی مخاظبانِ کنونی است و لذا از ذهنیات مخاطبان اولیه بالاتر است.

آیه های 30 و 31 از این لحاظ که به مخلوقاتی اشاره کرده که حتی مانیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعا مخاطبان اولیه نیز، هست.

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 19 و 27 و 28 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**اعضاء به چه زبانی شهادت می­دهند؟**

در موضوع آیه 20، شهادت دادن اعضاء بدن علیه انسان از نوع «شهادت دادن زبانی» نیست، بلکه از نوع «شهادت دادن تکوینی» است.

مانند شهادتی که اعضاء بدن هر کس در «پزشکی قانونی» می­دهد، یا شبیه زمین که از روی شواهدی مانند فسیل­ها (و سایر انواع شواهدِ طبیعی) سرگذشت خود را بیان می­کند.

**فعل خداوند قانونمند است**

در آیه 25 خداوند چیزهایی را به خویش نسبت داده،درحالیکه بسیاردیده ایم که منظوراین است که سیستم هایی قرارداده ایم که چنین میکنند.

دراین مورد هم همینطوراست بطوریکه سوژه مورد نظر نمیتواند بگوید «تقصیر من نبود ، کار خدا بود»

موضوع آیه مذکور اینطور قابل فهم است که رفتار آنها آنطور بوده که میخواستند از اطرافیان خویش تاییدیه بگیرند و لذا اطرافیان خویش را تدریجاً چنان تغییر میدادند که در نهایت تعدادی «بله قربان­گو» دور خویش جمع میکردند و آنها نیز همه اعمال گذشته­شان را تحسین، و اعمال آینده شان را نیز برایشان زینت میدادند .

**ملائکه**

در رابطه با آیه 30 ، مفهوم ملائکه با آنچه ما بطور سنتی تصور می­کنیم( که مثلاً یک دختر قشنگ است و دو عدد بال در ناحیه کتفش روئیده و بال­زنان هر جا می­خواهد می­رود ) تفاوت زیادی دارد .

ملائکه در حقیقت «کارگزاران گردش امور مختلف جهان» هستند.

مثلاً تصوری که ما از مفهوم «نیروی جاذبه» داریم به ملائکه نزدیکتر است تا آن تصور سنتی که عرض شد .

در این آیه ، با توجه به «وسوسه»ای که در سوره ناس و جاهای دیگر دیدیم و آدمی همواره دچار آن است ، در اینجا مفهوم این نوع ملائکه باید چیزی شبیه مفهوم «نیروهای عقلانی و استدلالی» باشد که در جهت «مبارزه عقلانی» با «وسوسه­های شیطانی» دائماً در ذهن آدمی در چالشند!

**جمع بندی و تفسیر**

**و روزي که دشمنان خدا را بسوي آتش برانند و آنها را دستجمعي در يکجا جمع کنند (19) تا اينکه به نزد آن رسند و در آنجا گوششان و چشمهايشان و پوستشان راجع به آنچه انجام ميدادند عليه آنها شهادت دهند (20) آنها به پوستهايشان ميگويند چرا عليه ما شهادت ميدهيد؟ جواب ميدهند خداوند ما را به سخن در آورد** {همو که همه چيز را به سخن آورده و در ابتدا هم همو شماها را آفريده و بسوي او بازميگرديد (21) شما از اينکه مبادا گوش و چشم و پوستتان عليه شما شهادت دهند (نگرانی نداشتید و گناهانتان را) پنهان نميکرديد بلکه چنين گمان ميکرديد که خداوند به بسياري از اعمالتان دانا نيست (22) و اين گمانتان به پروردگارتان بود که نابودتان کرد و از خسارت ديدگان شديد}(23) **پس اگر صبر کنند آتش جايگاهشان است و اگر هم معذرت خواهي کنند فايده اي برايشان نخواهد داشت(24)** {[علت اینکه آنها اینطور شدند این بود که] برایشان نزديکانی قرار داديم ، آنگاه آنها آنچه را که در آينده شان داشتند و نيز آنچه را که درگذشته شان بود برايشان جلوه و زينت دادند و در نتيجه آنچه که بر سر اقوامي از جن و انس که قبل از آنها درگذشته اند آمده بود بر سر اينها هم آمد و آنهم اين بود که دچار خسران شدند}(25) **و کافران میگویند به اين قرآن گوش ندهيد و در آن سر و صدا کنيد شايد غالب شويد (26)** {پس حتمأ به آنان عذابي شديد مي چشانيم و حتمأ جزاي بدترين کارهائي را که ميکردند به آنها ميدهيم(27) {{اينطور است که جزاي دشمنان خداوند آتش است که در آن جاويدند . که اين جزائي است در مقابل انکاري که نسبت به آيات ما مينمودند}}(28) **وکافران** (در آن شرایطاخروی و عذاب) **ميگويند پروردگارا ! آن کساني از جن و انس را که گمراهمان کردند نشانمان ده تا آنها را زير پاهاي خويش بگذاريم تا از جمله پست ترين ها گردند(29)** **آنهائي که ميگويند پروردگارمان خداوند است و آنگاه استقامت مي ورزند ، فرشتگان پي در پي بر آنها نازل ميگردند که نترسيد و اندوهگين هم نباشيد و به بهشتي که وعده تان ميدادند شاد باشيد (30) ما در زندگي دنيا و همچنين در آخرت دوستان شمائيم . در آن هر چه دلتان بخواهد و بلکه هر چه طلب کنيد خواهيد داشت (31)** (که) **پيشکشیي است از جانب** (خداوندِ) **آمرزشگرِ مهربان (32)** {و قول چه کسي بهتر است از آنکه بسوي خدا ميخواند و عمل شايسته ميکند و ميگويد من از مسلمين هستم؟}(33)

**فصلت5 آیات34تا36**

**وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿34﴾ وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿35﴾ وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿36﴾**

**ای پیامبر! نيکي و بدي مساوي نيست . بدی را به آن روشي که بهتر است دفع کن . در آنصورت کسی که بين تو و او عداوتي هست مانند يک دوست حمايتگر ميشود (34) البته کسي اين توصيه را بکار نمی بندد مگر اینکه از صابران باشد و نيز این توصیه را نمی پذیرد مگر کسي که صاحب بهره عقليِ بزرگ باشد (35) و اگر از جانب شيطان تحريکي به تو رسيد به خداوند پناه بر که او شنواي داناست (36)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : نکوهش کافران اعم از گذشته و معاصر براي بي توجهي به الطاف الهي و بي توجهي به آخرت که منجر به عمد و عناد و گردنکشي و اصرار کافرانه مي شود .**

**درب : اي پيامبر! چنين رفتاري پيشه کن.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 کافران معاصر که به نعمت عظيم قرآن اهميت نميدادند و بر روش خويش اصرار مي ورزیدند را نکوهش میفرماید و ضمنا گوشه­ای از لجبازی کافران را ذکر و به پیامبر (ص) توصیه میکند که آنها را به عاقبت­شان و نیز عاقبت مؤمنان توجه دهد .

در پاراگراف 2 می فرمایدکه ای پیامبر! به کافران بگو شما دارید به چنین خدائی کفر می­ورزید؟

در پاراگراف 3 می فرماید قوم عاد و ثمود لجبازی و مخالفت عامدانه را در پی گرفتند و در این جهان به عذاب هلاکت دچار شدند و عذاب اخروی شان هم سر جای خودش هست .

در پاراگراف 4 شرحی میدهد که عاقبت اخروی این قبیل افراد چگونه خواهد بود و رفتار پسندیده نجات­بخش این است که شخص علناً خود و دیگران را بسوی خدا بخواند و در این راه استقامت کند .

در این پاراگراف می فرماید ای پیامبر! رفتار بد (مخالفانت) را به بهترین شیوه دفع کن .

**3 - سوالات**

1 – از آیه 34 چه حدسیاتی از اوضاع واحوال آن روزها میتوان زد؟

2 - «حظ عظیم» (آیه35) ازچه؟

3 - «احسن» (آیه34) به چه معنی است ؟ (بهتر؟ بهترین؟)

4 - «تحریک ازجانب شیطان» (آیه36) درچه مورد؟

5 – چرا خداوند در آیه 36 از میان صفات خویش این دو صفت را برجسته فرموده؟

6 - پیامبر(ص) برای اجرای موضوع آیه36 چه روشی میباید در پیش میگرفت؟ (مکانیزم پناه بری به خداوند چیست)

7 - پیامبر(ص) چه عداوتی با کی داشت؟

«حسنه» و «سیئه» از نظر چه کسی؟ ( از نظر آنحضرت؟ یا....؟)

8 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (آموزش پیامبر؟ یا ...؟)

9 – شیطان در آیه 36 از کدام نوع است؟ (انسانی؟ نفسانی؟ یا ...؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

قابل درک است که در اوضاع و احوال نزول این سوره ، آنحضرت در معرض رفتار های نامطلوبی از سوی فعالان کفر قرار میگرفته که آزرده خاطرشان میکرده و از آنجا که از لحاظ عِدّه و عُده دست پائین را داشت برای مهار جریان مذکور توصیه رفتاریِ «دفع به نیکوترین روش» را دریافت نموده است (آیات 34 تا 36)

**5 – کلیدهای تفسیری**

فرع است بر ماقبل خویش .

**6 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

به آنحضرت که امر نامطلوب را به بهترین وجه از سر راه بردارد .

**7 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیات 34 تا 36 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**8 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه 36 از این لحاظ که به مخلوقاتی اشاره کرده که حتی مانیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعا مخاطبان اولیه نیز، هست.

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**خلق خوش محمدی (ص)**

اگر کسی بخواهد درباره این پاراگرافِ سه آیه­ایِ دو سطری ، مطلب بنویسد ، این ظرفیت را دارد که کتابهای قطوری از آن حاصل شود.

درهرحال ، پیامبر(ص) ماموریتی ازجانب خداوندمتعال یافته بود ، و در این برهه از زمان دچار مخالفانی بودکه نه تنها هیچ جوری حاضر به برداشتن کوچکترین قدمی به سوی اونبودند ، بلکه حاضربه انجام هرکاری برای جلوگیری ازپیشرفت دعوت او نیز بودند .

رفتار آنحضرت طوری بود که تقریبا همیشه موضوعِ آیه 35 بدست می آمد .

**جمع بندی و تفسیر**

**نيکي و بدي مساوي نيست . به آن روشي که بهتر است** (بدي را) **دفع کن . در آنصورت آنکس که بين تو و او عداوتي هست مانند يک دوست حمايتگر ميشود (34)** {کسي اين (توصيه) را نمي پذيرد مگر صابران و نيز این (توصیه) را نمی پذریرد مگر کسي که صاحب بهره بزرگ (عقلي) است }(35) **و اگر از جانب شيطان تحريکي به تو رسيد به خداوند پناه ببر که او شنواي داناست (36)**

**فصلت6 آیات37تا46**

**وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا\* لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿37﴾ فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ﴿38﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنَّكَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاء اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿39﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَن يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَم مَّن يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿40﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ ﴿41﴾ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ﴿42﴾ مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ ﴿43﴾ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَّقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاء وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُوْلَئِكَ يُنَادَوْنَ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ ﴿44﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ ﴿45﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاء فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿46﴾**

**و از نشانه هاي اوست شب و روز و آفتاب و ماه . ای مردم! به آفتاب و ماه سجده نکنيد ، به خداسجده کنيد که آنها را آفريده ، اگر واقعا او را ميپرستيد (37) ای پیامبر! اگر گردنکشي کردند و به همان روش غلط خویش ادامه دادند ناراحت نشو زيرا کساني که نزد پروردگارت هستند ، شب و روز فقط خداوند را عبادت میکنند و خسته هم نميشوند (38) و از نشانه هاي اوست که زمين را پژمرده مي بيني . اما هنگاميکه آب باران بر آن فرو فرستيم زنده شده و به جنبش در مي آيد و نمو ميکند . البته آنکس که زنده اش ميکند زنده کننده مردگان نيز هست ، زيرا که او بر همه چيز تواناست (39) کساني که در آيات ما انحراف ميورزند کارشان از ديد ما مخفي نيست . آيا کسي که در آتش انداخته ميشود بهتر است يا کسي که در روز قيامت با ايمني وارد ميشود؟ ای پیامبر! به آنان بگو هر چه ميخواهيد انجام دهيد که خداوند به آنچه ميکنيد بيناست (40) کساني که به اين قرآن که بسويشان آمده کفر ميورزند چه زيانکارند! در حاليکه آن کتابي ارجمند است 41) باطل را در آن راهي نيست. چه در آينده و چه در گذشته . فرو فرستاده اي از جانب خداوند فرزانه ستوده است (42) ای پیامبر! این کافران به تو چيزي نميگويند جز آنچه که به پيغمبران قبلي ميگفتند. البته پروردگارت صاحب بخشش است و صاحب پيگيري دردناک هم هست (43) و اگر آن قرآن را خواندنيي به زبانی غیر از زبان این مردم قرار داده بوديم ميگفتند چرا آيه هاي آن تفصيل و جداسازي نشده؟ آيا زبان دیگر و عرب زبان؟ بگو این قرآن براي مومنان مایه هدايت و شفا است . و کسانيکه ايمان نمي آورند در گوش هایشان سنگينيي هست . و همين قرآن مايه کوردلی آنهاست و نمیتوانند با آن ارتباط برقرار کنند گويي که از مکاني بسيار دور فرا خوانده ميشوند (44) و البته به موسي نیز آن کتاب آسمانی را داديم اما در آن اختلاف شد و اگر قبلا کلمه اي از جانب پروردگارت که عقوبتشان به تاخیر بیفتد صادر نشده بود حتمأ نابود ميشدند و البته کافران درخصوص قرآن نیز در شکي حيرت آورند (45) کسي که عمل شايسته کند به نفع خود کرده و کسي که بد کند به ضرر خود کرده و خداوند نسبت به بندگان خويش ظالم نیست (46)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : نکوهش کافران اعم از گذشته و معاصر براي بي توجهي به الطاف الهي و بي توجهي به آخرت که منجر به عمد و عناد و گردنکشي و اصرار کافرانه مي شود .**

**درب : يکي از علل مهم کفر کافران توجه نکردن به موقعيت ارجمند و حجتمند قرآن و بی توجهی به قدرت خداوند در ايجاد قیامت است .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 کافران معاصر که به نعمت عظيم قرآن اهميت نميدادند و بر روش خويش اصرار مي ورزیدند را نکوهش میفرماید و ضمنا گوشه­ای از لجبازی کافران را ذکر و به پیامبر (ص) توصیه میکند که آنها را به عاقبت­شان و نیز عاقبت مؤمنان توجه دهد .

در پاراگراف 2 می فرمایدکه ای پیامبر! به کافران بگو شما دارید به چنین خدائی کفر می­ورزید؟

در پاراگراف 3 می فرماید قوم عاد و ثمود لجبازی و مخالفت عامدانه را در پی گرفتند و در این جهان به عذاب هلاکت دچار شدند و عذاب اخروی شان هم سر جای خودش هست .

در پاراگراف 4 شرحی میدهد که عاقبت اخروی این قبیل افراد چگونه خواهد بود و رفتار پسندیده نجات­بخش این است که شخص علناً خود و دیگران را بسوی خدا بخواند و در این راه استقامت کند .

در پاراگراف 5 می فرماید ای پیامبر! رفتار بد (مخالفانت) را به بهترین شیوه دفع کن .

در این پاراگراف میفرماید به قدرت خداوند توجه کنید و از عبادت غیر او روی بگردانید و نیز ای پیامبر! از رفتارهای کافرانه و مکذبانه آنها ناراحت مباش و به ما واگذار .

**3 - سوالات**

1 - کلمه «خاشعه» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

2 - چرا خداوند را در اکثر مواضع پاراگراف مفرد (آیاته الذی خلقهن ایاه ربک احیاها انه لمحیی ) و در آیه 39 جمع (انزلنا) آورده؟

3 - «آیات» (آیه40) به چه معنی است؟ (شمس و قمر و امثال آن؟ آیات قرآن؟ یا.....؟)

4 - ربط نیمه دوم آیه40 را با نیمه اول آن روشن کنید .

5 - درثلث آخرآیه40 موضوع کدام «کلیدهای تفسیر»ی اتفاق افتاده ؟

6 - سوال فوق را درباره آیه 41 جواب دهید .

7 – آیه 43 چه حالتی دارد؟ (دلداری و روحیه بخشی؟ یا....؟)

8 - منظور از «اعجمیا» (آیه44) کدام معنی آن است؟ لغوی یا اصطلاحی؟

9 - لجبازی کور کافرانه را درکجای این پاراگراف به وضوح می بینید؟

10 – منظور از «ینادون من مکان بعید» (آیه44) چیست؟

11 - ارتباط منطقی آیه 45 با این پاراگراف چیست؟

12 - «انهم» (آیه45) اشاره به کیست؟ (مشرکان-که چون دراصالت آن شک دارند به قرآن هم نمی گروند-؟ یهودیان؟ درصورت اخیرچرا این مطلب دراینجا آمده؟)

13 – چهار کلمه آخرآیه 46 را چرا فرموده؟

14 – آیه 42 ، در باره چه صحبت میکند؟ (همین قرآن در شرف نزول که تا اینجا حدود 15 درصد آن نازل شده ؟ یا....؟)

15 – در باره مفهوم اخیر چه سابقه ای در سوره قبل به خاطر می آورید؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

در همان برهه زمانی عده ای به فکر تغییر معانی آیات افتاده بودند و آنها را با توجیهاتی غیر از آنچه معنی میداد معنی میکردند و به اینصورت سعی میکردند معانیی برای آیات بتراشند که با فرهنگ خودشان جور باشد (آیات 40 تا 42) و برای وحی یک منشاء غیر از خداوند پیشنهاد میکردند (آیه 44)

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

اینکه درآیه 42 فرموده قرآن در آینده دچار تحریف نخواهد شد، یک پیشگویی تحقق یافته مستمر است که بیش از 1400 سال است که هر روزی که می­گذرد برگ زرین دیگری به کتاب پر برگ سرافرازی حاصل از تحقق این وعده الهی افزوده می­شود.

البته این هم هست که آیه مذکور دارد در درجه اول راجع به همین قرآنی که کم کم دارد بر آنحضرت نازل میشود صحبت میکند و در اینجا معنی مطلب این است که در مسیرِ خویش (از خداوند تا آنحضرت) کاملا سالم و بی دستبرد به او میرسد ، و این موضوعی است که قبلا در آیه آخر سوره جن هم دیدیم .

**6 – کلیدهای تفسیری**

**یک کلید اصلی در فهم قرآن :** باتوجه به آیه 44، قرآن برای مخاطبان آنروزی خویش روشن و واضح و مفهوم بوده و این یکی از کلیدهای فهم قرآن است که مفسر همواره باید این دغدغه خاطر را داشته باشد که مخاطب­های آن روزی آیات، از این کلمه و آن جمله و آن آیه قرآنی چه می­فهمیده­اند.

**معنی چند کلمه یا عبارت :** آیه 40: «انحراف در آیات» بمعنی «تفسیر غلط از آیات» یا «تغییر دادن تفسیر صحیح آیات» است.

آیه 41: (با توجه به آیات بعدی)، منظور از ذکر، در اینجا ، قرآن است.

آیه 42: در سوره های نجم و تکویر و حاقه و جنّ و جاهای دیگر دیدیم که قرآن از نزد خداوند تا رسیدن به شخص پیامبر اکرم(ص) بدون هیچگونه دخل و تصرف و تغییری، سالم و سلامت به آنحضرت رسید. این معنی «چه در گذشته» (لامن خلفه) است و «چه در آینده» (لا ... من بین یدیه) نیز به این معنی است که بعداً نیز دچار تحریف نخواهد شد.

**فرعی ها :** نیمه دوم آیه 37 و تمام آیه 38 فرع است بر نیمه اول آیه 37 .

نیمه دوم آیه 39 فرع است بر نیمه اول همان آیه .

آیه 42 فرع است بر آیه 41 .

و آیه های 44 و 45 فرع است بر آیه 43 .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 – ذکر موقعيت ارجمند و حجتمند قرآن و بی توجهی به 2 – ذکر قدرت خداوند در ايجاد قیامت .

**8 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیه های 39 و 41 و 42 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**9 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه 37 از این لحاظ که به آفرینش اشاره دارد، از آنجا که جزئیات مکانیزمش برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم 1400 سال قبل.

آیه 38 از این لحاظ که به مخلوقاتی اشاره کرده که حتی مانیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعا مخاطبان اولیه نیز، هست.

آیه 39 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

آیه های 41 تا 44 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 43 و 46 که بطور واضح مسبوق به سابقه نزول در سوره های گذشته است ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**«نزد خدا» بودن، «تسبیح» خدا نمودن و.....**

در آیه 38 چند اصطلاح هست که باید بدانیم در آنها «به زبان مخاطب» صحبت فرموده و مفهوم «نزد خدا» آنطور نیست که معمولاً تصور می­کنیم .

دوری و نزدیکی نسبت به خداوند یک امرِ نسبی است و به روحیات و علم و توجه و معارف الهی و نورانیت و عبادت و این نوع مقولات بستگی دارد .

همچنین است راجع به «تسبیح­گوئی» که در اینجا به این معنی نیست که یک رشته تسبیح دستشان بگیرند و بگویند «سبحان­الله، سبحان­الله و ...» بلکه با وجودِ خویش و رفتارِ خویش طوری عمل می­کنند که «اعتراف وجودی» آنان به مبرا دانستن خداوند از هرگونه محدودیت است .

و «خسته نمی­شوند» نیز در همین چارچوب معنی پیدا می­کند.

یک دانشمند از نیم ساعت مصاحبت با یک شخص نافرهیخته تأدیب نشده ، رنج عظیمی می­برد و خسته می­شود اما همان دانشمند از مصاحبتِ ساعتها بلکه روزها و هفته­ها و ماهها با دانشمندان فرهیخته بالاتر از خود احساس خستگی نمی­کند و هنگام مفارقت دچار اندوه می­شود.

طبعاً «خسته نشدن» آنهائی که «نزد» خداوند هستند ، به چنین مفاهیمی نزدیک است ، و از همینجا معلوم می­شود «تسبیح­گویی خداوند» یک «کار» نیست (مثلاً مانند هیزم­شکن که در اثر هیزم شکستن خسته می­شود . یا شخصی که در اثر آجر رساندن به بالای دیوار خسته می­شود) بلکه یک نوع زندگی است (مانند مغازله ، نواختن ، مشاهده ، شنیدن صوت خوش ، بوییدن عطر خوب و ...) آنهم از نوع بالا و والا و طبعاً خستگی هم ندارد .

**خواص متضاد همزمان**

اینکه در آیه 44 فرموده برای مؤمن مایه شفاء و هدایت و برای کافر موجب کوری است، باید دانست که قرآن نیز مانند هر پدیده الهی خواصی دارد و از این لحاظ مشابه خورشید است که سبب رشد گیاهان و گلها و بدن­های سالم است و از طرف دیگر در مورد کثافات و عفونت­ها و امثال آن نیز سبب پراکنش بوی بد و افزایش فساد آنها می­شود.

**«کلمه» و «قضاء»**

در قرآن کریم واژه «کلمه» مفهومی کاملا متفاوت از آنچه ما از این واژه می­فهمیم دارد.

مثلا در قرآن به حضرت عیسی (ع) «کلمه خدا» گفته شده، و در جائی کلمه بمعنی «وحی» آمده و در آیه 45 نیز بمعنی «قانون الهی» میباشد.

لذا آنجا که در آیه 45 فرموده «اگر قبلا کلمه­ای از جانب پروردگارت صادر نشده بود.» به این معنی است که «اگر قبلا خداوند قانونی صادر نفرموده بود.»

در مورد آیه45موضوع بطور خلاصه به این مفهوم است که قضاءِ­الهی بر این قرار گرفته که آنها مهلت خویش را داشته باشند، و تا سرآمدشان نرسیده، به نابودی دسته­جمعی دچار نخواهند شد.

**5 کلمه آخر آیه 44**

مفهوم مجموع کلمات مذکور این است که کفار از این آیات گرانقدر که بر تو نازل میشود بهره ای نمی برند و تاثیری نمی پذیرند و مانند این است که از فاصله دوری متوجه صدائی شوند که دارد چیزهائی به آنها میگوید و همین دوری مانع است از اینکه مطلب را متوجه شوند .

**جمع بندی و تفسیر**

**و از نشانه هاي اوست شب و روز و آفتاب و ماه .** {به آفتاب و ماه سجده نکنيد ، به خداسجده کنيد که آنها را آفريده اگر تنها او را ميپرستيد}(37) {پس اگر گردنکشي کردند (ناراحت نشو زيرا) کساني که نزد پروردگارت هستند ، شب و روز خدا را تسبيح ميگويند و خسته هم نميشوند} (38) **و از نشانه هاي اوست که زمين را پژمرده مي بيني . پس هنگاميکه آب بر آن فرو فرستيم به جنبش در مي آيد و نمو ميکند .** البته آنکس که زنده اش ميکند زنده کننده مردگان نيز هست ، زيرا که او بر همه چيز تواناست }(39) **کساني که در آيات ما انحراف ميورزند کارشان از ديد ما مخفي نيست . آيا کسي که در آتش انداخته ميشود بهتر است يا کسي که در روز قيامت با ايمني وارد ميشود؟** [به آنان بگو] **هر چه ميخواهيد انجام دهيد که او به آنچه ميکنيد بيناست (40) کساني که به اين پند که بسويشان آمده کفر ميورزند** (چه زيانکارند!) **در حاليکه آن کتابي ارجمند است 41)** { باطل را در آن راهي نيست. چه در آينده و چه در گذشته . فرو فرستاده اي از جانب خداوند فرزانه ستوده است }(42) **به تو چيزي نميگويند جز آنچه که به پيغمبران قبلي ميگفتند. البته پروردگارت صاحب بخشش است و صاحب پيگيري دردناک هم هست(43)** {و اگر آنرا خواندنيي گنگ قرار داده بوديم ميگفتند چرا آيه هاي آن تفصيل و جداسازي نشده؟ آيا گنگ و گویا (با هم متناسبند)؟ بگو آن براي مومنان مایه هدايت و شفاست . و کسانيکه ايمان نمي آورند در گوششان سنگينيي هست . و (همين قرآن) مايه کوري آنهاست آنها (گويي که) از مکاني بسيار دور فرا خوانده ميشوند(44) و البته به موسي آن کتاب را داديم و در آن اختلاف شد و اگر قبلا کلمه اي از جانب پروردگارت (که عقوبتشان به تاخیر بیفتد) صادر نشده بود حتمأ نابود ميشدند و البته آن (کافران) درخصوص آن (قرآن) در شکي حيرت آورند} (45) **کسي که عمل شايسته کند به نفع خود کرده و کسي که بد کند به ضرر خود کرده و خداوند نسبت به بندگان خويش ظالم نیست (46)**

**فصلت7 آیات 47 تا 54**

**إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِن ثَمَرَاتٍ مِّنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِي قَالُوا آذَنَّاكَ مَا مِنَّا مِن شَهِيدٍ ﴿47﴾ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَدْعُونَ مِن قَبْلُ وَظَنُّوا مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٍ ﴿48﴾ لَا يَسْأَمُ الْإِنسَانُ مِن دُعَاء الْخَيْرِ وَإِن مَّسَّهُ الشَّرُّ فَيَؤُوسٌ قَنُوطٌ ﴿49﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِن بَعْدِ ضَرَّاء مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّجِعْتُ إِلَى رَبِّي إِنَّ لِي عِندَهُ لَلْحُسْنَى فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿50﴾ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنسَانِ أَعْرَضَ وَنَأى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاء عَرِيضٍ ﴿51﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن كَانَ مِنْ عِندِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُم بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿52﴾ سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿53﴾ أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِّن لِّقَاء رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ ﴿54﴾**

**علم مربوط به قيامت مختص خداوند است و بسوي او برميگردد ، و همچنین است که هيچ ميوه اي از پوسته خود بيرون نمي آيد مگر به علم او ، و هيچ ماده اي حامله نميشود و وضع حمل نمي کند مگر به علم او ، و روزي که در روز قیامت کافران را ندا کند که شريکان من کجا هستند ميگويند اعلام مي کنيم که هيچيک از ما در اين مورد شاهدي نداريم (47) و آنچه که به دعا شریک خداوند ميخواندند، از خاطرهايشان محو ميشود و مي فهمند گريزگاهي ندارند (48) انسان از درخواست خیر خسته نميشود و اگر شري به او برسد فورأ نوميد و مأيوس ميشود (49) و اگر از پسِ سختيی که به او رسيده رحمتي از جانب خويش به او بچشانيم خواهد گفت اين از آن خودم است و فکر نمي کنم قيامت بپا شود و اگر هم بسوي پروردگارم برگردم البته وضع خوبي خواهم داشت . پس البته کافران را از اعمالشان خبر خواهيم داد ، و از آن عذاب پرغلظت به آنان خواهيم چشاند (50) و هنگاميکه به انسان نعمتی داديم روي بر ميگرداند و دوري ميکند و وقتيکه شري به او رسيد دعاهاي طولاني ميکند (51) بگو چه نظري داريد اگر اين قرآن از جانب خدا باشد و شما به آن کفر ورزیده باشید ؟ چه کسي گمراه تر خواهد بود از کسي که از حقیقت بسیار دور افتاده باشد ؟ (52) ای پیامبر! بزودي آياتمان را درافق ها و همچنین در وجود خودشان به آنان نشان خواهيم داد تا برايشان محقق شود که آن مطالبی که قرآن مبلغ آنهاست حتمأ حق است . آيا کافي نيست که پروردگارت به هر چيزي گواه است؟ (53) ای مومنان! آگاه باشيد كه آنها نسبت به لقاء پروردگارشان در شکي هستند و آگاه باشیدکه خداوند به هر چيز احاطه دارد (54)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : نکوهش کافران اعم از گذشته و معاصر براي بي توجهي به الطاف الهي و بي توجهي به آخرت که منجر به عمد و عناد و گردنکشي و اصرار کافرانه مي شود .**

**درب : يکي از علل مهم کفر کافران توجه نکردن به شمول علم الهي و نيز شمول و اهميت قيامت و نیز بی توجهی به حق مطلق بودن قرآن است.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 کافران معاصر که به نعمت عظيم قرآن اهميت نميدادند و بر روش خويش اصرار مي ورزیدند را نکوهش میفرماید و ضمنا گوشه­ای از لجبازی کافران را ذکر و به پیامبر (ص) توصیه میکند که آنها را به عاقبت­شان و نیز عاقبت مؤمنان توجه دهد .

در پاراگراف 2 می فرمایدکه ای پیامبر! به کافران بگو شما دارید به چنین خدائی کفر می­ورزید؟

در پاراگراف 3 می فرماید قوم عاد و ثمود لجبازی و مخالفت عامدانه را در پی گرفتند و در این جهان به عذاب هلاکت دچار شدند و عذاب اخروی شان هم سر جای خودش هست .

در پاراگراف 4 شرحی میدهد که عاقبت اخروی این قبیل افراد چگونه خواهد بود و رفتار پسندیده نجات­بخش این است که شخص علناً خود و دیگران را بسوی خدا بخواند و در این راه استقامت کند .

در پاراگراف 5 می فرماید ای پیامبر! رفتار بد (مخالفانت) را به بهترین شیوه دفع کن .

در پاراگراف 6 میفرماید به قدرت خداوند توجه کنید و از عبادت غیر او روی بگردانید و نیز ای پیامبر! از رفتارهای کافرانه و مکذبانه آنها ناراحت مباش و به ما واگذار .

در این پاراگراف می فرماید علم الهی فراگیر است و اکثریت انسان­ها کم ظرفیت و دارای شخصیت ضعیف هستند و کفر به قرآن هولناک است و آنها بزودی شاهد علامت­هایی خواهند بود که برایشان روشن خواهد شد که قرآن حق است .

**3 - سوالات**

1 - چه سابقه ای برای مفهوم آیه48سراغ دارید؟

2 – چرا در آیه 47 فرموده «الیه یردّ»؟ (کنترل زمان؟ کنترل پروژه؟ یا.....؟)

3 – در آیه 47 در باره علم خداوند چهار مورد را به عنوان نمونه ذکر فرموده :

علم ساعت (قیامت) ، میوه ها که از پوسته ها بدرمی آیند ، حمل حامله ها ، وضع حمل .

غیر از قیامت ، سه مورد دیگر به تکوین حیات و زایش مربوط میشود. از این طرزبیان چه نتیجه ای گرفته میشود؟ (قیامت نیز نوعی زایش است ؟ این جهان و موجودات آن ، دستجمعی ، درحالت «جنینی» هستند و بالاخره ، همگی ، در یک فرایند «زایش» ، حالـت بالاتر و متکامل تر پیدا خواهند کرد؟ یا......؟)

4 - کلمه «یردّ» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

5 - عبارت «این شرکائی» چه نوع از کلام است؟( کنایه؟ طنز؟ یا....؟)

6 - موضوع آیه 48 مربوط به چه ظرف زمانی است ؟

7 - «انسان» (آیه49) به چه معنی است؟ (همه ؟ اکثریت انسان ها؟ یا....؟)

8 - «دعاء» یعنی چه؟ (درخواست؟ جلب؟ طلب؟ یا....؟)

9 - «هذا لی» (آیه50) یعنی چه؟ (این بخاطر لیاقت خودم است؟ یا....؟)

10 - خطای فکری اکثریت انسان ها درکدام آیه وکجا خود را نشان میدهد؟

11 – با توجه به آیه 50 ، اکثریت انسان ها وجود خداوند را اجمالا قبول دارند و راجع به آخرت مطمئن نیستند. محل این نتیجه گیری را مشخص کنید .

12 - خطای فکری اکثریت انسان ها (باتوجه به آیه50) دقیقا درکجاست؟

13 - خطای فکری مذکور (باتوجه به همان آیه) چه نام دارد؟

14 - مثال هائی برای «آیات» در«آفاق» و در«انفس» بیاورید .

15 – با توجه به آیه 52 منظورخداوند از نشان دادن آن آیات چیست؟ (حقانیت قرآن؟ حقانیت پیام قرآن؟ یا....؟)

16 – برای «لقاء رب» چه سابقه ای درسوره های قبلی سراغ دارید؟

**4 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 53 وعده میدهد آیاتی از حقانیتت را چه در زمینه آفاقی و چه زمینه انفسی ارائه خواهد نمود که این خیلی زود درست در آمد و آیه انفسی در فتح مکه که مردم دستجمعی مسلمان شدند واقع شد ، و نمونه ای از آیات آفاقی این بود که اسلام از محدوده مکه خارج شد و قلمروهای جغرافیایی بزرگی را به زیر نگین درآورد .

**5 - زاویه با تفاسیر رایج**

در آیه 52 ، «سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق» شرح طولانی داده و مطالبی فرموده که اگر بخواهیم به آنها بپردازیم طولانی خواهد شد وخلاصه اش این است که بی سلیقگی تفسیری بکار برده

صریح مطلب این است که در آیه فرموده **بزودی** آیاتی در **افق ها** و در **نفس** **های خودشان** به آنها نشان خواهیم داد که **برایشان** روشن شود که **آن** حق است .

این اتفاق در فتح مکه افتاد که بهترین مصداق **بزودی** است ، و اما آیاتی که در **افقها** افتاد زیاد است : هجرت ، جنگ بدر ، جنگ خندق ، جنگ خیبر ، و بالاخره فتح مکه . و آیاتی که در **نفس هایشان** اتفاق افتاد ایمانی است که آوردند که **این قرآن** حق است .

حالا این بیان ما را مقایسه کنید با آن فرمایشات طولانی و نا موفق مربوط و خودتان نتیجه لازم را بگیرید .

**6 – کلیدهای تفسیری**

آیه 50 فرع است بر آیه 49 ، و نیمه دوم آیه 51 فرع بر نیمه اول همان آیه .

**در اینجا خیر و شر «نسبی» است :**  «شر» در اینجا بمعنی «آنچه انسان آنرا برای خود شر می­پندارد» است .

«خیر» نیز همچنین، یعنی «آنچه انسان آنرا برای خود خیر می­پندارد» است، و «خیر» منحصر در مال نیست.

**7 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

در این پاراگراف می فرماید علم الهی فراگیر است و اکثریت انسان­ها کم ظرفیت و دارای شخصیت ضعیف هستند و کفر به قرآن هولناک است و آنها بزودی شاهد وقایعی خواهند بود که علامت­هایی است که برایشان روشن خواهد شد که قرآن حق است .

**9 - آیات مشکل**

آیه 53 از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر آنها گفته اند .

**10 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیه های 47 و آیات 49 تا 51 و 53 و 54 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**11 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

**آیه های 47 و 48** از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

**12 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

تمام فقرات این پاراگراف «برای اولین بار» است ، غیر از دو آیه 53 و 54 .

**شرح مختصر**

**علم خدا و قیامت**

«علم» خدا شبیه علم ما نیست.

علم ما یعنی «دانستن» و« اطلاع یافتن» است اما علم خدا از فعل او جدا نیست ، و «ساعت» یعنی قیامت. و «علم قیامت به او برمی­گردد» یعنی وقوع قیامت به اراده خداوند بستگی دارد .

مثالی که درباره قیامت زده درباره نحوه تولید و تولد میوه­ها و انسانهاست و این نکته را به ذهن ما می­آورد که قیامت و جهان آخرت نیز فعلاً در حالت جنینی است و هنوز «رسیده» نشده و وقتیکه «برسد» متولد خواهد شد.

**مخاطب خود را بشناس**

این پاراگراف درصدد جا انداختن این مطلب برای آنحضرت است که مخاطب های تو بالاخره انسانند و انسان هم اینطوری است ، و تو نباید از آنها به اندازه خودت توقع داشته باشی ، پس حوصله بیشتری بخرج بده و حرص و جوش کمتری بخور .

**آفاق و انفس**

مفسران در باره آیه 53 حرفهای عجیب و غریب زده اند ، و گرچه ممکن در جای خویش (یعنی به عنوان یک مقاله دینی) درست باشد اما به عنوان تفسیر درست نیست ، زیرا موضوع علم تفسیر ظاهر آیات است ، و انصافا اگر ظاهر آیه 53 را مرور کنید چه می بینید؟

1 – سریعا اتفاق افتادن یک وعده (یا مژده) («س» در سنریهم)

2 – آیات آفاقی ، که عبارت باشد از آیاتی از خداوند که در فیزیک این جهان روی خواهد داد (به عنوان بزرگترین آنها خودِ حماسه هجرت و پیروزی بدر و فتح مکه و پیشرفت های حیرت انگیز اسلام در مدتی اندک را میتوان نام برد که اگر بخواهیم میتوانیم خیلی در این باره بگوئیم اما با توجه به کیفیت مخاطب مان پرگوئی لازم نیست)

3 – آیات انفسی ، که عبارت باشد از تغییراتی که در ذهنیت همگان راجع به آنحضرت و قرآن واسلام حادث میشود (مثلا کفار وقتیکه میخواستند به آنحضرت اشاره کنند میگفتند «یتیم ابوطالب» ، اما نزدیک به فتح مکه ابوسفیان به عباس گفت «پادشاهی برادر زاده ات بزرگ است» ، این تغییر ذهنیت ضربدر تعداد کفار – بلا استثناء – صورت گرفت)

4 – خودِ وعده یا مژده هم این بود که برای عموم کافران روشن شود که این قرآن حق است ، که البته چون این خیلی واضح است شرحی نمیدهیم .

اما حالا بروید تفسیر های ذیل این آیه را بخوانید چه ها فرموده اند و چه طول و تفصیلی داده اند و همه اش هم ......؟!

**جمع بندی و تفسیر**

**علم مربوط به قيامت** (مختص اوست و) **بسوي او برميگردد ، و هيچ ميوه اي از پوسته خود بيرون نمي آيد مگر به علم او ، و هيچ ماده اي حامله نميشود و وضع حمل نمي کند مگر به علم او ، و روزي که ندايشان کند که شريکان من کجا هستند ميگويند اعلام مي کنيم که هيچيک از ما** (در اين مورد) **شاهدي نداريم (47) و آنچه که به دعا** (شریک خداوند) **ميخواندند ، از خاطرهايشان محو ميشود و مي فهمند گريزگاهي ندارند(48)** **انسان از خواستن خیر خسته نميشود و اگر شري به او برسد فورأ نوميد و مأيوس ميشود (49)** {و اگر از پسِ سختيی که به او رسيده رحمتي از جانب خويش به او بچشانيم خواهد گفت اين از آن من است و فکر نمي کنم قيامت بپا شود و اگر هم بسوي پروردگارم برگردم البته وضع خوبي خواهم داشت . پس البته کافران را از اعمالشان خبر خواهيم داد ، و از عذاب پرغلظت به آنان خواهيم چشاند }(50) **و هنگاميکه به انسان نعمتی داديم روي بر ميگرداند و دوري ميکند و وقتيکه شري به او رسيد دعاهاي طولاني ميکند (51)** **بگو چه نظري داريد اگر** (اين قرآن) **از جانب خدا باشد و شما به آن کفر ورزیده باشید ؟** {چه کسي گمراه تر خواهد بود از کسي که (از حقیقت) بسیار دور افتاده باشد} ؟ **(52) بزودي آياتمان را درافق ها و همچنین در وجود خودشان به آنان نشان خواهيم داد تا برايشان محقق شود که آن حتمأ حق است . آيا کافي نيست که پروردگارت به هر چيزي گواه است؟ (53) آگاه باشيد كه آنها نسبت به لقاء پروردگارشان در شکي هستند . آگاه باشیدکه او به هر چيز احاطه دارد (54)**

**سوره جاثيه**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**حم ﴿1﴾ تَنزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿2﴾ إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿3﴾ وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِن دَابَّةٍ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿4﴾ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاء مِن رِّزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿5﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ ﴿6﴾ وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿7﴾ يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿8﴾ وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُوْلَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿9﴾ مِن وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُم مَّا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاء وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿10﴾ هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مَّن رِّجْزٍ أَلِيمٌ ﴿11﴾ اللَّهُ الَّذِي سخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلْكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿12﴾ وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لَّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿13﴾ قُل لِّلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لا يَرْجُون أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِما كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿14﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاء فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿15﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حم(1) ای پیامبر! فرو فرستادن اين کتاب از جانب خداوند عزتمند حکيم است (2) البته در آسمانها و زمين آياتي براي مومنان است (3) و در آفرينش شما و آنچه از جنبندگان كه پراکند ، آياتي براي يقين داران است (4) و در گردش شب و روز ، و روزيي که خداوند از آسمان نازل کرده و بوسيله آن زمين را زنده نموده و گرداندن بادها ، آياتي براي صاحبان عقل است (5) اين آيات خداست که بر تو ميخوانيم و این کافران بعد از خدا و آياتش به چه چيز ايمان مي آورند؟ (6) واي بر هر دروغزن گناه پيشه اي (7) همان کسانی که وقتی آيات خدا را که بر آنان خوانده ميشود، مي شنوند و آنگاه گردنفرازانه بر همان رفتارهای غلط خویش اصرار ميورزند مثل اينکه اصلا این آیات را نشنيده اند ، لذا ای پیامبر فعلا آنها را به عذابي دردناک مژده شان ده (8) آنها اینطورند که اگر هم از آيات ما چيزي بدانند به مسخره اش ميگيرند و عذابي خفت بار خواهند داشت (9) پیشِ رویشان جهنّم است و نه چيزي که بدست آورده اند و نه دوستان غير خدائي که پيدا کرده اند فايده اي برايشان نخواهد داشت (10) ای مردم! اين قرآن هدايت است و کساني که به آيات پروردگارشان کافر شده باشند عذابي از شکنجه دردناک خواهند داشت (11) خداوند همان است که دريا را برایتان رام کرد که به امر او در آن کشتي میرانيد و از فضلش در آن میجوئيد و شايد سپاس گوييد (12) و آنچه را که در آسمانها و زمين است ، كه همه از اوست ، همگي را رام شما کرد . البته در اين براي مردمي که اهل تفکرند آياتي هست (13) ای پیامبر! به مومنان بگو با کساني که اميد به روزهاي ظهور آيات خدا ندارند مدارا کنند ، تا خداوند به وقتش کساني را براي آنچه انجام ميدهند كيفر دهد (14) هر کس عمل صالح کند بنفع خويش کرده و هر کس بد کند نيز همچنين . آنگاه بسوي پروردگار تان باز ميگرديد (15)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

تاکنون ، در چهار جلد قبلی این تفسیر ، در ابتدای پاراگراف اول هر سوره ، ذیل تیتر فوق ، لااقل دو جدول اول و آخر طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یا همان «درس» سوره) را می آوردیم ، اینک که خواننده محترم به اندازه کافی آنها را دیده ، و دانسته که طرز استخراج چگونه است ، به علت علاقه به رعایت اختصار ، دیگر جدول های مذکور را که دائما طولانی تر میشود ، ذکر نمیکنیم ، و اگر کسی بخواهد، میتواند همه آنها را در کتاب «راهنمای تحلیلی» ما (در سایت ما که در اول و آخر این کتاب معرفی کرده ایم) ببیند .

**درس : نکوهش کافران که به آيات ونعمت های الهي لجبازانه و مصرانه کفر مي ورزند .**

**درب : نمونه اي از آيات و نعمت های الهي بسيار واضح و فراگير که مورد کفران کافران قرار مي گيرد و اینکه آنها به دنبال کارهای صالح نیستند و عمدتاً کارهایشان به ضررشان است.**

**2 - سوالات**

1 – چرا خداوند از بین صفات خویش برای اینجا آن دوصفت را مرجح فرمود؟

2 – آیا کلمه «آیات» ، در آیه 6 ، هم معنی است با همان کلمه درآیه های3 و 4 و 5 ؟

3 - منظور از «اختلاف» (آیه 5) چیست؟

4 - در آیه 3 چند تاکید وجود دارد؟

5 - کلمه «موت» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

6 - آیا موضوع آیات 8 و 9 یک نفراست یا چند نفر؟ (به چه دلیل؟)

7 - «هذا» (آیه11) اشاره به چیست؟ (قرآن؟ این سوره؟ این پاراگراف؟ یا...؟)

8 – سوال فوق را راجع به «هذا هدی» (آیه 11) جواب دهید .

9 - کلمه «فبشّره» در اینجا چه نوع از کلام است؟ (استعاره؟ طنز؟ یا....؟)

10 – چرا در آیه 9 بجای «عَلِم» نفرموده «سمِع» ؟

11 - عبارت «جمیعا منه» با موضوع کدام کلید تفسیر منطبق است؟

12 – با توجه به کلید های تفسیر ، معنی«یغفروا» چیست؟

13- «لیجزی.........» به «ایام الله» متصل است یا به «یغفروا»؟

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه های 7 تا 9 چنین فهمیده میشود که فعالان کفر از لحاظ شخصیتی بسیار فرو مایه بوده اند ، دروغزن و معتاد به گناه و اصرارگر و خود بزرگ بین و برتری طلب و مسخره کن حق .

از آیه 14 فهمیده میشود روانشناسی و روحیه پیروان آنحصرت بسیار بالا بوده و خیلی آمادگی داشتند که با نیروهای مخالف درگیر شوند که آیه با استدلال آنها را آرام میکند .

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** :(المیزان) : غرض اين سوره دعوت عموم بشر است به دين توحيد، و پرهيز از عذابى كه از آن انذار مى‏كند.

غرض این سوره که ما آن را «درس» می نامیم و از را ه محاسبه استخراج کرده ایم این است : «کافران بی توجه به افعال و صفات الهی ، عامدانه و مصرّانه با پیامبران لجبازی و مخالفت میکنند»

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 14 به آنحضرت توصیه میکند به پیروانش بگوید نسبت به مخالفان نظر مدارا داشته باشند ، و از اینجا نوعی نوید فهمیده میشود که مخالفان همینطور مسلط نمی مانند و شما برنده خواهید بود و این پیشگوئی درست در آمد .

**6 – کلیدهای تفسیری**

**تقطیع و پرانتز :** آیات 3تا 5 در یک طرف و آیه 6 در طرف دیگر قرار می­گیرد.

قطعه بزرگتر در رابطه با برشماری آیات الهی ، و قطعه کوچکتر در اظهار تعجب از رفتار کافرانه است ، و ضمناً فرعی نیز هست.

آیه 11 فرع بر ماقبل خویش است .

**7 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند!

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 – ذکر برخی آیات الهی 2 – ذکر صفات برخی از فعالان کفر 3 – توصیه ای که به مومنان نموده که با این کافران عجالتا مداراکنید و اینطور ها هم نمی مانَد .

**9 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیات 7 تا 9 و آیه 14به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**10 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه 1 از حروف مقطعه است، و چنانکه قبلا عرض شد، چون تاکنون به نحو مقنعی رمزگشائی نشده، بالاتر از ذهنیات ما نیز میباشد، چه رسد به مخاطبان اولیه.

آیه های 10 و 11 و 15 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

آیات 12 و 13 از این لحاظ که به خلق و امر اشاره دارد، از آنجا که جزئیات مکانیزمش برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم 1400 سال قبل.

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیات 1 و 2 و 3 و 10 و 11 و 15 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**تناسب «آیه بودن» آیات با کیفیت «ناظر»**

در این پاراگراف «آیه»هائی را ذکر فرموده ، و سپس برخی را برای بعضی از مردم و برخی دیگر را برای بعضی دیگر آیه دانسته است .

مثلاً مطالب مندرج در آیات 3 و 4 و 5 بسته به نوع مخاطبش که به ترتیب مؤمنان و یقین­داران و عقل­داران است ، حاوی «آیه» است .

بعبارت دیگر ، آیه 5 حاوی مطالبی است که «آیه» بودن آنها واضح است و عدّه زیادتری متوجه «آیه بودن» آنها می­شوند ، ولی آیه 3 برای مؤمنان این حالت را دارد و آیه 4 برای یقین­داران .

باد و باران و تقدیر روزی­ها و زنده شدن زمین ، چیزهائیست که اگر آدمی راجع به آنها تعمق و تعقل کند ، در آنها «آیه» می­بیند.

اما آیه­های 3 و 4 حاوی مطالبی هستند که آنها هم «آیه» هستند اما برای کسانی که سطح آمادگی­های ایمانی آنها بالاتر است.

**گفتمان جدیدی که دارد پررنگ هم میشود**

این روز ها در باره محیط زیست این گفتمان مطرح است – وروز به روز هم دارد پر رنگ تر میشود – که چه معنی دارد که بشر این تصور را دارد که ارباب دنیاست ، نه، بلکه بشر هم مانند سایر موجودات عنصری از عناصر این جهان است و برتریی بر حیوانات و گیاهان ندارد و حق او – مثلا - از این جهان بیش از گوزن ها و ماهی ها و درختان نیست .

آیه 12 جواب آنهاست .

خداوند کلیه عناصر این جهان را برای تمتع بشر قرار داده و مطابق آیه 13 این امر فقط به زمین محدود نمیشود بلکه آسمانها را نیز شامل میشود ، گرچه فعلا علم و قدرت بشر در حدی نیست که به عناصر آسمانها دست دراز کند اما علم و قدرت بشر محدود به همین چیزی که تا امروز به آن دست یافته نیست ، و در آینده به علم و قدرتی خواهد رسید که ژول ورن ترین اشخاص امروزی هم تصورش را نمیتوانند بکنند.

**روزهای خدا**

«ایام الله» (= روزهای خداوند) در فرهنگ قرآنی به روزهائی گفته میشود که درآن روزها اتفاقاتی می­افتد که خداوند را بیشتر از سابق بیاد مردم می­آورد.

مثلاً روزهائی که برخی از وعده­های الهی تحقق یابد، یا نعمت­های خاصی بروز و ظهور پیدا کند و امثال آن.

مثلا روز فتح مکه که یکی از پر بسامدترین وعده­های الهی تحقق یافت یوم الله بود.

یا مثلاً روزی که فرعونیان غرق و بنی اسرائیل به رهبری حضرت موسی (ع) نجات یافتند، یامثلاً روزی که حضرت ابراهیم از آن آتش مشهور نجات یافت، و غیره و غیره، همگی اینها ایام الله است.

آیه 14 به پیامبر(ص) توصیه می­کند مسلمانان را به مدارا با مخالفانشان ترغیب نماید.

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حم(1) فرو فرستادن اين کتاب از جانب خداوند عزتمند حکيم است (2)** **البته در آسمانها و زمين آياتي براي مومنان است (3) و در آفرينش شما و آنچه از جنبندگان كه پراکند ، آياتي براي يقين داران است (4) و در گردش شب و روز ، و روزيي که خداوند از آسمان نازل کرده و بوسيله آن زمين را زنده نموده و گرداندن بادها ، آياتي براي صاحبان عقل است (5) اين آيات خداست که بر تو ميخوانيم . پس بعد از خدا و آياتش به چه چيز ايمان مي آورند؟ (6)** **واي بر هر دروغزن گناه پيشه اي (7)** (همان کسانی که وقتی) **آيات خدا را که بر او خوانده ميشود، مي شنود ، آنگاه گردنفرازانه اصرار ميورزد مثل اينکه اصلا آنرا نشنيده . پس به عذابي دردناک مژده اش ده (8) و اگر از آيات ما چيزي بداند آنرا به مسخره ميگيرد . آنها عذابي خفت بار خواهند داشت (9) پیشِ رویشان جهنّم است و نه چيزي که بدست آورده اند و نه دوستان غير خدائي که پيدا کرده اند فايده اي برايشان نخواهد داشت (10)** { اين (قرآن) هدايت است . و کساني که به آيات پروردگارشان کافر شده باشند عذابي از شکنجه دردناک خواهند داشت} (11) **خداوند همان است که دريا را رامتان کرد که به امر او در آن کشتي برانيد و از فضلش در آن بجوئيد و شايد سپاس گوييد (12) و آنچه را که در آسمانها و زمين است ، كه همه از اوست ، همگي را رام شما کرد . البته در اين براي مردمي که اهل تفکرند آياتي هست (13) به مومنان بگو با کساني که اميد به روزهاي** (ظهور آيات) **خدا ندارند مدارا کنند ، تا** (خداوند به وقتش) **کساني را براي آنچه انجام ميدهند كيفر دهد (14) هر کس عمل صالح کند بنفع خويش کرده و هر کس بد کند نيز همچنين . آنگاه بسوي پروردگار تان باز ميگرديد (15)**

**جاثیه2 آیات16تا20**

**وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿16﴾ وَآتَيْنَاهُم بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءهُمْ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿17﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاء الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿18﴾ إِنَّهُمْ لَن يُغْنُوا عَنكَ مِنَ اللَّهِ شَيئًا وإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاء بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ ﴿19﴾ هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمِ يُوقِنُونَ ﴿20﴾**

**ای پیامبر! و البته به بني اسرائيل کتاب و حکم و پيامبري داديم و ازچیزهای پاکيزه روزيشان نموديم و آنها را بر مردمِ معاصرشان برتري ، (16) و نیز دلايل روشني درباره آن امر نبوت و برتری آنان به آنان داديم . اما ، آنها قدر ندانستند و اختلاف کردند و اختلاف نکردند مگر پس از اينکه علم بسويشان آمده بود و اختلافشان هم بعلت تجاوزی بود که به حقوق يگديگر ميورزيدند و البته پروردگارت بين آنها درباره موضوع مورد اختلافشان در روز قيامت داوري خواهد نمود (17) آنگاه تو را از آبشخوري از امر وحی و دین برخوردار کرديم ، پس پيرويش کن و از اميال کساني که علم ندارند پيروي مکن (18) آنها در قبال خداوند نميتوانند برایت کاري کنند و ظالمان ، بعضي شان دوستان بعضي ديگرند اما خداوند دوست مومنان است (19) اين ، بصيرت هائي و هدايتي و رحمتي براي يقين داران است (20)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : نکوهش کافران که به آيات ونعمات الهي لجبازانه و مصرانه کفر مي ورزند .**

**درب : اي پيامبر اينک که با چنين مخالفاني روبروهستي در کاررسالت خويش با توجه به اين نکات ثابت و محکم باش.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 به نمونه اي از آيات و نعمت های الهي بسيار واضح و فراگير که مورد کفران کافران قرار مي گيرد اشاره میفرماید و اینکه آنها به دنبال کارهای صالح نیستند و عمدتاً کارهایشان به ضررشان است.

در این پاراگراف : ای پیامبر! راه خویش را( که راه کتاب و حکم و نبوت و است) برو و مبادا به چیز دیگر توجه کنی .

**3 - سوالات**

1 - «امر» (آیه17) « امر نبوت حضرت موسی (ع) » است یا بطور کلی «امر نبوت»؟

2 - «اختلاف» مورد اشاره آیه17، اختلافات گوناگون یهودیان پس از حضرت موسی (ع) است یا اختلاف درپذیرش دعوت پیامبر (ص)؟

3 - «امر» در اینجا به چه معنی است؟

4 - «الذین لا یعلمون» (آیه18) اشاره به چه کسانی دارد؟ (مشرکان معاصر؟ آنها بعلاوه یهودیان؟ یا....؟)

5 – منظور از «علم» (آیه18) چیست؟

6 - نیمه دوم آیه 19چه حالتی دارد؟ (تشویق به توکل؟ روحیه دادن به مومنان؟ یا....؟)

7 – منظور از «هذا» (آیه20) چیست؟ (همین مطلب اخیر؟ کل مطالب این سوره؟ کل قرآن؟)

8 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (آموزشِ پیامبر؟ یا...؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

مطالب این پاراگراف و پاراگراف قبل حکایت از این دارد که هنگام نزول این سوره مسلمانان دو نوع دشمن داشتند:

1- دشمن سنتی آنها یعنی مشرکان عرب (آیه 14)

2- دشمن جدید، یعنی اهل کتاب ( یعنی یهودیان) (آیه­های 16 و 17)

از آیه­های 14 و 15 فهمیده می­شود به مسلمانان ضمن سفارش مدارا با کفار و مشرکان ، امید بهروزی می­دهد (آخر آیه14و ابتدای آیه 15).

کلمه «امر» در آیه 17، اگر در شعاع آیه 18 دیده شود. به معنی نبوت است.

از آیه 17 معلوم می­شود یهودیان دلایل روشنی درباره پیامبر داشتند اما پس از اینکه آنرا دیدند و شناختند حسادت ورزیدند (البته این یکی از موارد «اختلاف» آنهاست) و بعلت حسادت دشمن اسلام و پیامبر اسلام(ص) شدند.

در اینجا توصیه خداوند به پیامبر(ص) این است که:

1- با گروه اول مدارا کن و بزودی پیروز خواهی شد.

2- به گروه دوم اهمیت نده زیرا نمی­توانند ضرری به تو بزنند.

ضمناً اینکه در آیه 16 فرموده به بنی­اسرائیل کتاب و حکم و نبوت دادیم، نوعی انتقاد از آنهاست که آنها علیرغم این نعمتهای بزرگ رفتار مناسب نشان ندادند.

در هر حال این پاراگراف موضع سرزنش به یهودیان را دارد که علیرغم اینکه حقانیت رسول خدا (ص) برایشان معلوم و محقق بود انکار میکردند و همچنین حاوی آموزش به آنحضرت است که نه به این مطلب و نه به اینان چندان اهمیتی مده .

همچنین با دقت در این پاراگراف فهمیده میشود ریشه و عصاره و چکیده همه ادیان الهی یکی است .

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 18 ضمن تایید آنحضرت تلویحا او را برنده و ماندگار معرفی میفرماید ، و چنانکه واقعیت های تاریخی نشان میدهد ، چنین نیز شد .

**چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

توصیه به آنحضرت که با توجه به اينکه مخالفانش نه میتوانند کمکی به او کنند و نه اینکه مشکل جدیی برایش فراهم نمایند ثابت و محکم باشد و کار رسالتش را بطور محکم پی بگیرد .

**6 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه 16 که در سوره دخان سابقه ای دارد ، بقیه آیات «برای اولین بار» است.

**جمع بندی و تفسیر**

**و البته به بني اسرائيل کتاب و حکم و پيامبري داديم و ازچیزهای پاکيزه روزيشان نموديم و آنها را بر جهانيان** (معاصرشان) **برتري داديم (16) و دلايل روشني درباره آن امر به آنان داديم . پس اختلاف نکردند مگر پس از اينکه علم بسويشان آمد .** {(اختلافشان هم ) بعلت تجاوزی (بود) که به حقوق يگديگر ميورزيدند}  **البته پروردگارت بين آنها درباره موضوع مورد اختلافشان در روز قيامت داوري خواهد نمود (17) آنگاه تو را از آبشخوري از امر برخوردار کرديم پس پيرويش کن و از اميال کساني که علم ندارند پيروي مکن(18) آنها در قبال خداوند نميتوانند برایت کاري کنند و ظالمان ، بعضي شان دوستان بعضي ديگرند و خداوند دوست مومنان است (19) اين ، بصيرت هائي و هدايتي و رحمتي براي يقين داران است (20)**

**جاثیه3 آیات21تا27**

**أًمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أّن نَّجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاء مَّحْيَاهُم وَمَمَاتُهُمْ سَاء مَا يَحْكُمُونَ ﴿21﴾ وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿22﴾ أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَن يَهْدِيهِ مِن بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿23﴾ وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿24﴾ وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَن قَالُوا ائْتُوا بِآبَائِنَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿25﴾ قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكَثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿26﴾ وَلَلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرضِ وَيَومَ تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ ﴿27﴾**

**آيا آنانکه کارهاي زشت مرتکب شده اند خيال کرده اند آنان را مانند کساني که ايمان و عمل شايسته دارند از لحاظ زندگي و مرگ يکسان قرار ميدهيم؟ چه بد حکم ميکنند (21) خداوند آسمانها و زمين را به حق آفريده و این نوع تفکر با جهانِ وجود هماهنگ نیست ، بلکه ، هر کسي مطابق آن حقی که آسمانها و زمین بر اساس آن آفریده شده اند به سبب آنچه که بدست آورده اند جزا می يابند و هيچ ستمی نخواهند شد (22) ای پیامبر! آيا کساني را که اميال خويش را خداي خويش گرفته ، و بی چون و چرا از آن پیروی میکنند ديده اي؟ كه همین موضوع عليرغم علمي که دارند گمراهشان کرده و بر گوش و قلبشان مهر زده و روي چشمشان پرده قرار داده؟ فکر میکنی غير از خدا چه کسي ميتواند امثال اینان را هدایت کند؟ به امثال آنان بگو آيا پند نميگيريد؟ (23) و ميگويند زندگي ما ، غير از همين زندگي اين جهان چيز ديگري نيست ، و زندگي ميكنيم و ميميريم و جز روزگار نابودمان نمي كند! علمي به این چیزی که میگویند ندارند . فقط یک نوع گماني است که ميکنند (24) و هنگاميکه آيات روشن ما بر آنها خوانده ميشود دليلي ندارند مگر اينکه بگويند پدرانمان را بياوريد اگر راست ميگوييد (25) بگو خداوند است كه زنده تان ميکند آنگاه شما را ميميراند آنگاه در روز قيامت که شکي در آن نيست جمعتان ميکند وليکن اکثر مردم نميدانند (26) و فرمانروايي آسمانها و زمين از آن خداست و روزي که قيامت بپا شود در آن روز اهل باطل زيانکار خواهند بود (27)**

**پیش تفسیر**

**درس : نکوهش کافران که به آيات ونعمات الهي لجبازانه و مصرانه کفر مي ورزند .**

**درب : ذکر اشتباه فکري کافران که به سبب آن ، آن رفتارهاي مورد نکوهش ازآنان دیده میشود ، و ای پیامبر! توجه آنان را به موقعیت خداوند و عاقبت اخروی اینان جلب کن .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 به نمونه اي از آيات و نعمت های الهي بسيار واضح و فراگير که مورد کفران کافران قرار مي گيرد اشاره میفرماید و اینکه آنها به دنبال کارهای صالح نیستند و عمدتاً کارهایشان به ضررشان است.

در پاراگراف 2 : ای پیامبر! راه خویش را که راه کتاب و حکم و نبوت و است برو و به چیز دیگر توجه مکن .

در این پاراگراف میفرماید : اینکه باید بین رفتار صحیح و غلط فرق­گذاری شود ، یکی از قوانین اساسی است که از خود آفرینش مایه گرفته است و کافران سخن باطل بی­دلیل میگویند و ای پیامبر! توجه آنان را به آفرینش ، و خداوند ، و عاقبتشان ، جـــلب کن .

**3 - سوالات**

1 - کلمه «محیا» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

2 – ظرف زمانی آیه 22 چیست؟ (دنیا؟ آخرت؟ هردو؟ یا....؟)

3 – کلمه «حق» چه نوع از کلام است؟ (استعاره؟ کنایه؟ یا....؟)

4 – استفهام آیه 21 از چه نوع است؟(تحقیقی؟ تقریری؟ انکاری؟ یا... ؟)

5 - «اجترحوا» (آیه 21) از لحاظ لغوی به چه معنی است (ترجیح دادند؟ یا ...؟)

6 – در باره دو گروه مطرح در آیه 21 می فرماید در زندگی و موت مساوی نیستند ، در این باره چه مثال هائی میتوانید بزنید؟

7– آیا منظور از ممات خودِ مکانیزم ممات است یا جریاناتِ پس از آن (دلیل بیاورید)

8 – عمد و اصرار کافرانه را در کدام موضع از دو آیه 21 و 22 می بینید؟

9 - منظور از **«أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ»** چیست؟( علیرغم علمی که داشتند گمراه شدند ؟ یا ....؟)

10 – کلمه «بیّنات» (آیه25) باکدام کلید تفسیر متناسب است؟

11 - کلمه «اله» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

12 – وضعیت «و ما لهم بذلک من علم» با کدام کلید تفسیر منطبق است؟

13 – فاعل فعل «ختم علی . . . » کیست؟ (خداوند؟ سیستم های مستقر درجهان؟ یا . . ؟)

14 - «لاریب فیه» (آیه26) با موضوع کدام کلید تفسیر متناسب است؟

15 - کلمه «ساعه» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

16 – چه تاکیدی در آیه 27 ملاحظه میکنید؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

عدّه زیادی از مخالفان پیامبر(ص) «دهری مذهب» (که به زندگی پس ازمرگ هیچ اعتقادی ندارند) بودند (آیه 24)

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

صلابت و اطمینانی که در دو آیه 26 و 27 ظاهر است ، تلویحا وعده موفقیت آن حضرت را در خویش دارد ، که موفقیت های بعدی آنحضرت (فتح مکه و . . ) نشان از تحقق آن وعده و پیشگوئی دارد .

**6 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - ذکر اشتباه فکري کافران که به سبب آن ، پس از مرگِ این جهانی هیچ نوع حیات را قبول نداشته و لذا ترجیهی بین مومن و صاحبان عمل خوب بر غیر آنان قایل نبودند ، و لذا آن رفتارهاي مورد نکوهش ازآنان دیده میشد ، 2 – تذکر به آنحضرت که توجه آنان را به موقعیت خداوند و عاقبت اخروی شان جلب کند .

**7 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیه 24 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**8 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه های 21 تا 26 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

آیه 21 «اشاره» دارد به مطلبی که بطور تفصیل در انتهای سوره قلم و سپس در انتهای سوره طور دیدیم ، و در آیه 22 نیز علت آن را بیان می­کند که اساساً آسمانها و زمین بر این اساس آفریده شده که هر چیز در جای صحیح خویش قرار گیرد.

بقیه مطالب پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**خواسته دل را بجای خدا نشاندن یعنی چه؟**

خداوند خود را در سوره ناس، «رب» و «مَلِک» و «اِله» نامیده.

«اِله» آن جنبه از خصوصیات خدائی است که آدمی نسبت به آن صمیمانه­ترین رابطه را برقرار می­کند که همان پرستش باشد و نتیجه­اش اطاعت بی­قید وشرط است.

خواسته دل را بجای خدا نشاندن یعنی اینکه آدمی از خواسته دل خویش اطاعت فوریِ بی­قید و شرط کند و در این رابطه عقل و منطق را زیر پا بگذارد و اگر دقت کنیم موارد و مصادیق این نوع رفتار را در تاریخ بشری خیلی زیاد می­یابیم.

**فعل خداوند قانونمند است**

آیه 23 را باید با توجه به تیتر فوق بخوانید و مفهوم کلی آن این است که او کارهائی کرد که لازم شد نظامات و سیستم­های مستقر شده الهی بر گوش و قلب او مُهر زده و بر چشمش پرده افکنده و او را علیرغم علمی که داشت به ورطه گمراهی بیفکنند.

**جمع بندی و تفسیر**

**آيا آنانکه کارهاي زشت مرتکب شده اند خيال کرده اند آنان را مانند کساني که ايمان و عمل شايسته دارند از لحاظ زندگي و مرگ يکسان قرار ميدهيم؟ چه بد حکم ميکنند (21) خداوند آسمانها و زمين را به حق آفريده و نيز براي اينکه هر کسي به سبب آنچه که بدست آورده جزا يابد و هيچ ستم نشوند (22)** **آيا کسي را که اميال خويش را خداي خويش گرفته ، ديده اي؟ كه خداوند عليرغم علمي که دارد گمراهش کرده و بر گوش و قلبش مهر زده و روي چشمش پرده قرار داده؟** (آيا مي انديشند) **غير از خدا چه کسي** (ميتواند)(امثالاینان را) **هدایت کند** [به امثال آنان بگو] **آيا پند نميگيريد؟ (23) و ميگويند زندگي ما ، غير از همين زندگي اين جهان چيز ديگري نيست ، و زندگي ميكنيم و ميميريم و جز روزگار نابودمان نمي كند .** {علمي به آنندارند . فقط گماني ميکنند} **(24) و هنگاميکه آيات روشنمان بر آنها خوانده ميشود دليلي ندارند مگر اينکه بگويند پدرانمان را بياوريد اگر راست ميگوييد (25)** **بگو خداوند است كه زنده تان ميکند آنگاه شما را ميميراند آنگاه در روز قيامت** {که شکي در آن نيست} **جمعتان ميکند وليکن اکثر مردم نميدانند(26) و فرمانروايي آسمانها و زمين از آن خداست و روزي که قيامت بپا شود در آن روز اهل باطل زيانکار خواهند بود(27)**

**جاثیه4 آیات28تا37**

**وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿28﴾ هَذَا كِتَابُنَا يَنطِقُ عَلَيْكُم بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿29﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿30﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿31﴾ وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُم مَّا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِن نَّظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ ﴿32﴾ وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُون ﴿33﴾ وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاء يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ ﴿34﴾ ذَلِكُم بِأَنَّكُمُ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿35﴾ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿36﴾ وَلَهُ الْكِبْرِيَاء فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴿37﴾**

**ای پیامبر! در آن روز ، هر امتي را مي بيني که به زانو در آمده اند . هر امتي بسوي کتابشان خوانده ميشوند ، به آنان خطاب میشود امروز جزاي آنچه را که انجام ميداديد ميگيريد (28) اين آین دادرسیِ ما است که به حق علیه شما سخن ميگويد. البته آنچه را که قبلا انجام ميداديد نسخه برداري ميکرديم (29) پس کساني که ايمان آورده و عمل صالح داشته اند پروردگارشان در رحمتش داخلشان ميکند و اين همان پيروزي عظيم است (30) اما به کافران خطاب میشود آيا آياتم بر شما تلاوت نشده که گردنفرازي میکرديد و مجرم گشتيد؟ (31) و وقتيکه به شما گفته شد که وعده خدا حق است و شکي درباره قيامت نيست میگفتيد قيامت چيست؟ ما آن را جز گماني نمي پنداريم و در راه کسب يقين راجع به آن نيستيم (32) و در چنان موقعیتی بدي هاي اعمالشان برايشان آشکار شده و آنچه را که مسخره ميکردند بر آنها فرود مي آيد (33) و به آنان گفته ميشود همانطور که شما دیدار اين روز را فراموش کرده بودید ما هم امروز با شما رفتاری میکنیم که انگار شما را فراموش کرده ایم ، و جايگاهتان آتش است و ياوراني نداريد (34) و به آنان توضیح داده میشود که اين رفتاری که امروز با شما میشود ، به آن علت است که آيات خدا را به مسخره میگرفتيد و زندگي دنيا فريبتان داد ، پس امروز ، از آن نوع رفتاری که با شما میشود ، نه خارج ميشوید و نه عذرتان پذيرفته ميشود (35) و ستايش از آنِ خداوند است که پروردگار آسمانها و زمين و پروردگار همه جهانيان است (36) و در آسمانها و زمين ، بزرگي فقط از آنِ اوست و همو عزتمند حکيم است (37)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : نکوهش کافران که به آيات ونعمات الهي لجبازانه و مصرانه کفر مي­ورزند .**

**درب : کافران در قيامت متوجه حقايق مي شوند و مي فهمند چه بد مي­انديشيدند و چه بد مي­کردند . ای پیامبر! توجه کافران را به نقش خداوند در زندگی آنان جلب کن .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 به نمونه اي از آيات و نعمت های الهي بسيار واضح و فراگير که مورد کفران کافران قرار مي گيرد اشاره میفرماید و اینکه آنها به دنبال کارهای صالح نیستند و عمدتاً کارهایشان به ضررشان است.

در پاراگراف 2 : ای پیامبر! راه خویش را که راه کتاب و حکم و نبوت و است برو و به چیز دیگر توجه مکن .

در پاراگراف 3 میفرماید : اینکه باید بین رفتار صحیح و غلط فرق­گذاری شود ، یکی از قوانین اساسی است که از خود آفرینش مایه گرفته است و کافران سخن باطل بی­دلیل میگویند و ای پیامبر! توجه آنان را به آفرینش ، و خداوند ، و عاقبتشان ، جـــلب کن .

در این پاراگراف میفرماید : همه مردم در روز قیامت بر مبنای موازین کتاب آسمانی خویش ارزیابی می­شوند و به نتایج حاصل از آن میرسند .

ستایش خاص خداوند است که دست نیافتنیِ فرزانه و شایسته ربوبیت جهانیان می­باشد .

**3 - سوالات**

1 – در آیه های 28 و 30 و 31 و 32 و 33 و 35 چندین بار موضوع یک کلید تفسیری اتفاق افتاده ، آن را مشخص کنید .

2 - کلمه « نستنسخ» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

3 - موضوع آیه 35 مربوط به چه ظرف زمانی است ؟

4 – در آیه 32 چرا بجای «والساعه» نفرموده «و ان الساعه»؟

5 – در باره صفاتی که خداوند متعال خود را با آنها معرفی فرموده ، دقت وتعمقی نموده و ضمن درنظرگرفتن- همزمان – کلّ سوره ، استنباط خود را (راجع به چرائی آن) بیان کنید .

6 - کلماتِ غالب این پاراگراف به «چه زبان»ی است؟ (عادی؟ مَثَل؟ یا....)

7 – به قرینه 6 کلمه اول آیه 36 ، «عالمین» به چه معنا است؟

8 - «ف» در ابتدای آیه 36 چه نقشی دارد؟ (جمع بندی کل مطالب سوره؟ یا ...؟)

9 – چرا در دو آیه آخر ، این صفات والای الهی را (مخصوصا «کبریاء» را) ذکر فرموده؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

چنین به نظر می آید که در آن زمان ، در نزد معاصران نزول این سوره ، «به زانو» بودن ، یا به زانو نشستن ، نوعی حالت بی دفاعی ، یا ذلت ، داشته (آیه 28)

امروز ما (بشر معمولی) برای نسخه برادری ، فتوکپی گرفتن و یا عکس برداری را به راحتی درک میکنیم ، کسانی که از ما ها پیشرفته تر هستند ، روشهای دیگری را می شناسند که ما آدم های معمولی فعلا دسترسی نداریم ، هرچه باشد ، مفهوم «نسخه برداری» برای مردم آن روز ها یک مفهوم آشنا بوده و آنها تصوری از کلمه «نستنسخ» (آیه29) داشته اند .

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در دو آیه 36 و 37 با برشماریِ صفاتِ استعلائی الهی ، تلویحا قول و پیشگوئیِ موفقیت به آنحضرت داده ، و لذا این نیز در عداد پیشگوئی های تحقق یافته قابل احصاء است .

**6 – کلیدهای تفسیری**

آیه 33 فرع بر ماقبل است .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - کافران در قيامت متوجه حقايق مي شوند و مي فهمند چه بد مي­انديشيدند و چه بد مي­کردند .

**8 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیات 28 تا 35 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

2 – توصیه به پیامبر ص که بازهم توجه کافران را به نقش خداوند در زندگی آنان (اعم از زندگی دنیوی و اخروی) جلب کند .

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه 29 و 30 و 31 و 32 و 33 و 35 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**امّت**

کلمه «امّت» که در آیه 28 ذکر شده ، یعنی کسانی که علاوه بر معاصر بودن ، عقاید (و رفتارهای) نسبتاً یکسانی دارند .

**این آئین دادرسی ماست**

«هذا کتابنا» که در آیه 29 آمده ، یعنی «این قانون ماست» و بعبارت دیگر «این آئین دادرسی ماست»

همچنین جمله «نسخه برداری میکردیم» ، در همان آیه ، اشاره است به آنچه قبلا در سوره زلزال (تحت عنوان «تجسد اعمال») و نیز سوره انفطار (نگهبانانی که بر شما گماشته شده) و نیز سوره ق (دو دریافت کننده چپ و راست) و نیز جاهای دیگر دیده­ایم .

**چگونه ممکن است خداوند کسی را فراموش کند؟**

«الیوم ننساکم...» در آیه 34 به این معنی است که «امروز با شما طوری رفتار می­کنیم که اِنگار شما رافراموش کرده باشیم» ، یعنی اینکه(مثلا) زود بکار شما رسیـــدگی نمی­کنیم و لطف خویش را تا حدودی از شما دریغ می­کنیم.

**ما لکم لا ترجون للله وقارا ؟**

یاد آوری ربوبیت خداوند در آسمانها و در زمین و در انتها ذکر کلمه کبریاء (که ذکر آن منحصر به همین سوره است) به این علت میتواند باشد که مشرکان و کافران اهل کتاب به این علت مرتکب این رفتارها میشدند که برای خداوند آن اهمیتی را که باید و شاید قائل نبودند و این چیزی است که در مواضع دیگری از قرآن نیز مذکور است از جمله در آیه ای که در تیتر آمده و متعلق به سوره نوح است که نظایر فراوان هم دارد .

**جمع بندی و تفسیر**

**و هر امتي را مي بيني که به زانو در آمده اند . هر امتي بسوي کتابشان خوانده ميشوند**[به آنان خطاب میشود] **امروز جزاي آنچه را که انجام ميداديد ميگيريد (28) اين کتاب ما است که به حق علیه شما سخن ميگويد . البته آنچه را که انجام ميداديد نسخه برداري ميکرديم (29) پس کساني که ايمان آورده و عمل صالح داشته اند پروردگارشان در رحمتش داخلشان ميکند و اين همان پيروزي عظيم است (30) اما ای کافران ! آيا آياتم بر شما تلاوت نشده که گردنفرازي میکرديد و مجرم گشتيد؟ (31) و وقتيکه به شما گفته شد که وعده خدا حق است و شکي درباره قيامت نيست میگفتيد قيامت چيست؟ ما آن را جز گماني نمي پنداريم و در راه کسب يقين راجع به آن نيستيم (32)** {و بدي هاي اعمالشان برايشان آشکار شده و آنچه را که مسخره ميکردند بر آنها فرود مي آيد} (33)  **و به آنان گفته ميشود همانطور که شما دیدار اين روز را فراموش کرده بودید ما هم** (امروز) **شما را فراموش ميکنيم ، و جايگاهتان آتش است و ياوراني نداريد (34)** [به آنان توضیح داده میشود] **اين ، به آن علت است که آيات خدا را به مسخره میگرفتيد و زندگي دنيا فريبتان داد . پس امروز نه از آن خارج ميشوید و نه عذرتان پذيرفته ميشود (35)** **و ستايش از آن خداوند است که پروردگار آسمانها و زمين و پروردگار همه جهانيان است (36) و در آسمانها و زمين ، بزرگي فقط از آن اوست . و همو عزتمند حکيم است (37)**

**سوره احقاف**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**حم ﴿1﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿2﴾ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ ﴿3﴾ قُلْ أَرَأَيْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ اِئْتُونِي بِكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِّنْ عِلْمٍ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿4﴾ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُو مِن دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَومِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ ﴿5﴾ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاء وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿6﴾ وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿7﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَى بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿8﴾ قُلْ مَا كُنتُ بِدْعًا مِّنْ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿9﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن كَانَ مِنْ عِندِ اللَّهِ وَكَفَرْتُم بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّن بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى مِثْلِهِ فَآمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿10﴾ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿13﴾ أُوْلَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاء بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿14﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حم(1) نازل شدن اين کتاب از جانب خداوند عزتمند حکيم است (2) آسمانها و زمين و آنچه را که بين آنهاست جز به حق و سرآمدي معين نيافريده ، و کافران از آنچه هشدار داده ميشوند روگردانند (3) ای پیامبر! به آنها بگو خبرم دهيد: آنچه را که بجز خداوند ميخوانيد چه چيزي در زمين آفريده اند يا چه شرکتي با خداوند در آسمانها دارند؟ مدرکي از کتابی آسمانيِ قبلي يا يک دليل علمي بياوريد اگر راست ميگوئيد (4) و چه کسي گمراه تر است از کسي که چيزي را بجز خداوند به دعا بخواند که تا روز قيامت هم جوابش را نخواهد داد و اصلا از دعاء او بيخبر است (5)و وقتي که مردم محشور ميشوند دشمنش هم ميشود و نسبت به عبادتش نيز منکر ميگردد (6) و هنگاميکه آيات روشنگر ما بر آنها خوانده ميشود کافران به اين حق که بسويشان آمده ميگويند جادوئي آشکار است (7) بلكه ميگويند آن را افترا بسته . بگو اگر افترا بسته باشم هیچکس نمیتواند در برابر خداوند برايم کاري کند. او بهتر ميداند که شما دروغ میگوئید و میداند شما در چه اموري فرو ميرويد . همو بعنوان گواه بين من و شما بس است و همو آمرزشگر مهربان است (8) بگو من يک پيغمبر نوظهوري نيستم و نميدانم با من و شما چه رفتاري خواهد شد. جز اين نيست که فقط وحيي را که بمن ميشود پيروي ميکنم و جز هشدار دهنده اي آشکار نيستم (9) ای کافران! بمن بگوئيد اگر اين قرآن از جانب خدا باشد و شما به آن کفر ورزيده باشيد و يک گواه از بني اسرائيل به مثل آن گواهي دهد و ايمان بياورد و شما گردنفرازي کرده باشيد چه؟ البته خداوند قوم ظالمان را هدايت نميکند (10) و کافران راجع به مومنان ميگويند اگر خيري در این دینی که این پیامبر تبلیغ میکند بود ، ما آن را تشخیص میدادیم و به پیوستن به آن از پیروان این پیامبر سبقت میگرفتیم. ای پیامبر! اینک که آنها به این دین هدایت نشده و به آن نگرویده اند این حرف را میزنند و آن را یک دروغ قدیمی قلمداد میکنند (11) و قبل از آن کتاب موسي رهبر مردم و رحمتی از جانب خداوند بود و اين قرآن هم تصديق کنندهءآن است و به زبان روشن و مفهوم نازل شده و ظالمان را هشدار و نيکوکاران را مژده میدهد (12) البته آنان که ميگويند پروردگار ما خداوند است و سپس استقامت ميورزند در قیامت نه ترسي خواهند داشت و نه در دنیا اندوهگين باشند (13) آنها به پاداش اعمالي که ميکردند اهل بهشتي خواهند بود که در آن جاودانند (14)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

تاکنون ، در چهار جلد قبلی این تفسیر ، در ابتدای پاراگراف اول هر سوره ، ذیل تیتر فوق ، لااقل دو جدول اول و آخر طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یا همان «درس» سوره) را می آوردیم ، اینک که خواننده محترم به اندازه کافی آنها را دیده ، و دانسته که طرز استخراج چگونه است ، به علت علاقه به رعایت اختصار ، دیگر جدول های مذکور را که دائما طولانی تر میشود ، ذکر نمیکنیم ، و اگر کسی بخواهد، میتواند همه آنها را در کتاب «راهنمای تحلیلی» ما (در سایت ما که در اول و آخر این کتاب معرفی کرده ایم) ببیند .

**درس : نکوهش کافران اعم از گذشته و حال که عليرغم دريافت دلايل کافي و اتمام حجت باز هم لجبازانه کفر مي ورزند .**

**درب : يکي از موارد اتمام حجت همين قرآن است ، و مباني فکري کافرانه بی پایه و ناشی از خودبزرگ بيني و بي توجهي به واقعيت هاي آشکار و لجبازی شان است ، و اي پيامبر! اينک که با چنين مخالفاني روبرو هستي چنين بگو و نمونه رفتار و گفتار پسنديده و نتيجه آن را برای کافران بازگو کن .**

**2 - سوالات**

1 - چرا در آیه 2 نفرموده «هذا تنزیل ....»؟

2 – چرا در آیه 4 فرموده «من الارض» و مثلا نفرموده «فی الارض»؟

3 – منظور از «کتاب»ی که در آیه 4 مطرح شده ، چیست؟ (آسمانی؟ یا...؟)

4 – ریشه کلمه «اثاره» در عبارت «اثاره من علم» چیست؟ و برای نتیجه ای که گرفته اید در مورد عبارت مذکور مثالی بزنید .

5 – برای «مایفعل بی و لا بکم» (آیه 9) چه توضیحی دارید؟ (معلوم نیست چه برسر من و شما خواهد آمد؟ یا...؟)

6 – منظور از «مثله» (آیه 10) چیست؟ (وصف قرآن که در کتب پیشینان آمده بود و برخی از یهودیان از آن مطلع بودند؟ یا....؟)

7 – محور استدلال های آنحضرت در مقابل کفار چیست؟

8 - لجبازی کافرانه را درکجای این قسمت می بینید؟ (شرح وتوضیح)

9- « **لَوْ كَانَ خَيْرًا** » اشاره به چه دارد؟

10 - کلمه «خیرا» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

11 – تاکیداتِ موجود در آیه 12 را مشخص کنید .

12 – آیه 11 کدام ضرب المثل فارسی را به یادتان می آورد؟

13 - کلمه «قالوا» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

14 – کلمه «استقاموا» چطور؟

15 - چرا در آیه 13 از «زمان ماضی» استفاده شده؟

16 – در آیه 13 ، خوف ازچه؟ (آینده اخروی؟ اعمال خطای گذشته؟ یا...؟) و حزن در باره چه؟ (آینده نامعلوم اخروی؟ خطاهای احتمالی در آینده؟ یا....؟)

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

فعالان کفر در باره آنچه مورد هشدار واقع میشدند رویگردان بودند (آیه 3) واضح است موضوع هشدار قیامت و آخرت بود ، اما این چه ربطی به نفی شرک دارد که آیات 4 و 5 و 6 به آن پرداخته است؟

چنین به نظر میرسد که هشدار به نوع زندگی شان (که بر اساس عقاید شرک مبتنی بود) مربوط باشد که در آیات 4 تا 6 به رد مستدل پایه های آن پرداخته است .

فعالان کفر که تاب دیالوگ اخیر را نداشتند به جاده «تو درغگو هستی» زدند و وحی هم به آنحضرت تقریر کرد که بگو من که در موضوع پیامبری نوظهور نیستم (آیه های 7 تا 10) و از همین فهمیده میشود که جامعه عرب های مکه اصل پیامبری را قبول داشتند ، اما نکته ای که در آیه 10 هست این است که در تقریر به آنحضرت این هم هست که یکنفر یهودی به «مثل آن» ایمان آورده ، در حالیکه آنان در اثر خوی خود بزرگ بینی و بزرگی طلبی خویش کفر ورزیدند ، اما ، خود این موضوع (ایمان آوری یهودی – که بیشتر در یثرب بودند) موضوع حدسیات تاریخی قابل توجهی است .

فعالان کفر که از طبقه مرفه بودند ، رفاه خویش را نتیجه نوعی از محبوبیتی تلقی میکردند که نزد خداوند دارند (آیه 11) ، و لذا میگفتند ما که نزد خدا عزیزیم اگر این چیزی که محمد ادعا میکند (یعنی قابلیت دریافت وحی) درست بود ، حتما خدا به ما هم میداد ، پس حالا که ما نداریم معلوم میشود او دروغ میگوید .

در این مقطع از زمان راجع به پیروان آنحضرت نوعی فشار و تضییقات اعمال میشده است (آیه 13)

از آیه 10 فهمیده میشود بعضی از یهودیان به پیامبر(ص) و قرآن ایمان آورده بودند.

گرچه از متن آیه بطور صریح چنین چیزی فهمیده نمیشود اما با توجه به «ارایت»های سوره علق که تماماً تحقق خارجی داشت از «ارایتم» آیه 10 این پاراگراف نیز میتوان همین نتیجه را گرفت.

**4 – کلیدهای تفسیری**

1 - در ابتدای آیه 2 واگذاری به مخاطب (حذف به قرینه) اتفاق افتاده است .

2 - «بینات» (آیه7) نوعی پرانتز است .

3 - «لما جائهم»- همان آیه – هم همانطوراست .

4 - کلمه «شرک» (آیه 4) به معنی لغوی آمده است ، نه اصطلاحی .

5 - آیه 12 ، با توجه به آیه های قبل و بعد آن ، از لحاظ کلیدهای تفسیر «پرانتزی» محسوب میشود .

6 - در آیه 12 « قبل از آن» ، یعنی «قبل از نزول قرآن» . و «تصدیق کننده» یعنی «تصدیق کننده کتابهای آسمانی پیامبران قبلی»

**5 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** :(المیزان) : غرض اين سوره انذار مشركينى است كه دعوت به ايمان به خدا و رسول و معاد را رد مى‏كردند.

درس سوره که از راه محاسبه با دقت استخراج شده چنین است : نکوهش کافران اعم از گذشته و معاصر که علیرغم دریافت دلایل کافی و اتمام حجت باز هم لجبازانه کفر میورزند .

**2** و **3** :(المیزان) : روايات بسيارى از طرق ائمه اهل بيت (ع) رسيده كه خداى سبحان پيامبر اسلام و ائمه (ع) را تعليم داده، و هر چيزى را به ايشان آموخته. و در بعضى از همان روايات اين معنا تفسير شده به اينكه علم رسول خدا (ص) از طريق وحى، و علم ائمه (ع) از طريق رسول خدا (ص) بوده است.از سوى ديگر به اين روايات اشكال شده كه: تا آنجا كه تاريخ نشان مى‏دهد سيره اهل بيت چنين بوده كه در طول زندگى خود مانند ساير مردم زندگى مى‏كرده‏اند و به سوى هر مقصدى مى‏رفتند از راه معمولى و با توسل به اسباب ظاهرى مى‏رفتند، و عينا مانند ساير مردم گاهى به هدف خود مى‏رسيدند، و گاهى نمى‏رسيدند، و اگر اين حضرات علم به غيب مى‏داشتند، بايد در هر مسيرى به مقصد خود برسند، چون شخص عاقل وقتى براى رسيدن به هدف خود، دو راه پيش روى خود مى‏بيند، يكى قطعى و يكى راه خطا، هرگز آن راهى را كه مى‏داند خطا است طى نمى‏كند، بلكه آن راه ديگر را مى‏رود كه يقين دارد به هدفش مى‏رساند. در حالى كه مى‏بينيم آن حضرات چنين نبودند، و در زندگى راههايى را طى مى‏كردند كه به مصائبى منتهى مى‏گشت، و اگر علم به غيب مى‏داشتند بايد بگوييم عالما و عامدا خود را به مهلكه مى‏افكندند، مثلا رسول خدا (ص) در روز جنگ احد آنچه بر سرش آمد خودش بر سر خود آورد، و يا على (ع) خودش عالما و عامدا در معرض ترور ابن ملجم مرادى ملعون قرار گرفت، و همچنين حسين (ع) عمدا خود را گرفتار مهلكه كربلا ساخت، و ساير ائمه (ع) عمدا غذاى سمى را خوردند. و معلوم است كه القاء در تهلكه يعنى خويشتن را به دست خود به هلاكت افكندن عملى است حرام، و نامشروع.اساس اين اشكال به طورى كه ملاحظه مى‏كنيد دو آيه از آيات قرآنى است، يعنى آيه" وَ لَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ" و آيه" وَ ما أَدْرِي ما يُفْعَلُ بِي وَ لا بِكُمْ".

چنانکه ملاحظه میفرمائید در باره آیه 9 سوره احقاف خود المیزان دلایلی در رد نظر خویش و همچنین آیه هایی در بطلان عقیده خویش آورده ، ولی به رغم همه آنها یکی روایات و یکی فلسفه متبوع خویش را ملاک گرفته که به خلاف آن دو آیه ای که ذکر کرده و آیات بسیار زیاد دیگری که ذکر نکرده ، اصرار کند که آنحضرت علم غیب داشته است .

ایراد : 1 – اتکاء به روایات 2 – اتکاء به فلسفه متبوع خویش (هر دو مورد به رغم صراحت متن قرآنی)

**6 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - يکي از موارد اتمام حجت همين قرآن است .

2 - مباني فکري کافرانه بی پایه و ناشی از خودبزرگ بيني و بي توجهي به واقعيت هاي آشکار و لجبازی است .

3 – تذکر به آنحضرت که اينک که با چنين لجبازانی روبرو هستي چنين بگو ، و بدینگونه نمونه رفتار و گفتار پسنديده و نتيجه آن را برای کافران بازگو کن .

**7 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیات 13 و 14 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**8 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه 1 از حروف مقطعه است، و چنانکه قبلا عرض شد، چون تاکنون به نحو مقنعی رمزگشائی نشده، بالاتر از ذهنیات ما نیز میباشد، چه رسد به مخاطبان اولیه.

آیه های 5 و 6 و 14 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

آیه های 5 تا 10 «برای اولین بار» است ، و بقیه آیات پاراگراف، قبلا، چه عینا وچه مفهوما، در سوره های پیشین آمده اند .

**شرح مختصر**

**حروف مقطعه**

آیه 1 از حروف مقطعه است و ما در مقدمه مؤلف بحثی در خصوص آن عرض کرده­ایم (دراینجا قسمتی را که به «حم» مربوط میشود نقل میکنیم) :

[[سوره­های دخان و زخرف و فصلت و جاثیه و احقاف و مؤمن (غافر) در ابتدای خویش با «حم» شروع می­شوند.

«درس» سوره­های فوق نیز کاملاً شبیه یکدیگر است و محتوای مشترک آنها «نکوهش عمد و اصرار در کفر و تکذیب پیامبر(ص) ، علیرغم روشن شدن حقیقت» می­باشد]]

**دو ایراد بر عقاید مشرکانه**

در این پاراگراف در آیه 11 توضیح میدهد که منشاء لج و عمد و اصرار کفار ، خود بزرگ بینی آنها بوده ، و در آیه 12 شِبه دلیل آنها را از این طریق رد میکند که «خب ، اگر راست میگوئید ، میخواستید قبل از نزول قرآن به تورات ایمان بیاورید»

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حم(1) نازل شدن** (اين) **کتاب از جانب خداوند عزتمند حکيم است (2)**

**آسمانها و زمين و آنچه را که بين آنهاست جز به حق و سرآمدي معين نيافريده ايم . و کافران از آنچه هشدار داده ميشوند روگردانند (3) بگو خبرم دهيد: آنچه را که بجز خداوند ميخوانيد چه چيزي در زمين آفريده اند يا چه شرکتي در آسمانها دارند؟ مدرکي از کتاب** (آسماني) **قبلي يا يک دليل علمي بياوريد اگر راست ميگوئيد (4)**  {و چه کسي گمراه تر است از کسي که چيزي را بجز خداوند (به دعا) ميخواند که تا روز قيامت جوابش را نخواهد داد و اصلا از دعاء او بيخبر است}(5) {{و وقتي که مردم محشور ميشوند دشمنش هم ميشود و نسبت به عبادتش نيز منکر ميگردد}} (6) **و هنگاميکه آيات روشنگر ما بر آنها خوانده ميشود کافران به اين حق که بسويشان آمده ميگويند جادوئي آشکار است (7) بلكه ميگويند آن را افترا بسته . بگو اگر افترا بسته باشم شما نميتوانيد در برابر خدا برايم کاري کنيد. او بهتر ميداند که شما در چه** (اموري) **فرو ميرويد . همو بعنوان گواه بين من و شما بس است و همو آمرزشگر مهربان است (8) بگو من يک پيغمبر نوظهوري نيستم و نميدانم با من و شما چه رفتاري خواهد شد. جز اين نيست که فقط وحيي را پيروي ميکنم که بمن ميشود و جز هشدار دهنده اي آشکار نيستم (9) بمن بگوئيد اگر اين از جانب خدا باشد و شما به آن کفر ورزيده باشيد و يک گواه از بني اسرائيل به مثل آن گواهي دهد و ايمان بياورد و شما گردنفرازي کرده باشيد چه؟ البته خداوند قوم ظالمان را هدايت نميکند (10)** **و کافران راجع به مومنان ميگويند اگر خيري در آن** (دین) **بود آنها بسوي آن از ما سبقت نميگرفتند و هنگامي که به آن هدايت نيافتند ميگويند اين دروغي قديمي است (11) و قبل از آن کتاب موسي رهبر و رحمت بود و اين کتابي است تصديق کنندهء**[آن] **، به زبان روشن، تا ظالمان را هشدار و نيکوکاران را مژده دهد (12)** **البته آنان که ميگويند پروردگار ما خداوند است و سپس استقامت ميورزند نه ترسي خواهند داشت و نه اندوهگين باشند (13) آنها به پاداش اعمالي که ميکردند اهل بهشتي خواهند بود که در آن جاودانند (14)**

**احقاف2 آیات15تا20**

**وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿15﴾ أُوْلَئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجاوَزُ عَن سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿16﴾ وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَّكُمَا أَتَعِدَانِنِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتْ الْقُرُونُ مِن قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَغِيثَانِ اللَّهَ وَيْلَكَ آمِنْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿17﴾ أُوْلَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ﴿18﴾ وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِّمَّا عَمِلُوا وَلِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿19﴾ وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُم بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ تَفْسُقُونَ ﴿20﴾**

**و به انسان سفارش والدينش را کرديم که مادرش او را به حملي دشوار حمل کرده و به وضعي دشوار زائيده و حمل و از شير گرفتنش سي ماه طول کشيده تا اينکه به رشد خويش و به چهل سالگي میرسد و در این موقعیت برخی ها میگویند پروردگارا موفقم کن که شکر نعمتتت را که بمن و والدينم عطا کرده اي بجاي آورم و عمل صالحي کنم که راضي گردي و اولادم را به صلاح بياور كه من بسوي تو بازگشته ام و از مسلمين هستم (15) آنها کساني هستند که بهترين عملشان را از آنها قبول مي کنيم و از بديهايشان درميگذريم . آنها در زمره ياران بهشت خواهند بود . اين وعده راستي است که به آنها میدهیم (16) و برخی ها هم اینطورند که به والدينشان ميگويند: اَه. آيا بمن میگوئید که پس از گذشت قرنها از قبر خارج میشوم؟ و آنها در حاليکه به خدا پناه ميبرند ميگويند واي بر تو ايمان بياور که وعده خدا حق است و او ميگويد اينها چيزي جز افسانه هاي گذشتگان نيست (17) چنین کسانی آن قول بر آنان فرود مي آيد. همان قولي که بر امتهاي قبلي اعم از جن و انس فرود آمد که چنین کسانی زيانكارند (18) هر کس به خاطر عملش درجاتي خواهد داشت و اينكه خداوند جزاي اعمالش را به طور کامل به او بدهد و از این لحاظ مورد هیچ ظلمي نخواهند شد (19) و روزي که کافران بر آتش عرضه شوند به آنان گفته ميشود چيزهای خوبي را که در زندگي دنيا داشتيد تمام کردید و از آنها استفاده کرديد. و امروز بخاطر آن گردنفرازي که به ناحق در زمين ميکرديد و نيز بسبب آن گناه پيشگي که مي نموديد عذابي خفت بار خواهيد داشت (20)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : نکوهش کافران اعم از گذشته و حال که عليرغم دريافت دلايل کافي و اتمام حجت باز هم لجبازانه کفر ميورزند .**

**درب : مقايسه دو نوع رفتار مومنانه و کافرانه و نتايج اخروي هر يک .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 میفرماید يکي از موارد اتمام حجت همين قرآن است ، و مباني فکري کافرانه بی پایه و ناشی از خودبزرگ بيني و بي توجهي به واقعيت هاي آشکار و لجبازی شان است ، و تو اي پيامبر! اينک که با چنين مخالفاني روبرو هستي چنین بگو .

در این پاراگراف : مردم در خصوص استقبال یا عدم استقبال دعوت حق رفتارهای متفاوتی بروز میدهند و در آخرت نیز متناسب با اعمالشان با آنان رفتار میشود .

**3 - سوالات**

1 – در آیه 15 بین کلمه های 3 و 4 یک مورد موضوع کلیدهای تفسیر قرآن اتفاق افتاده ، آن رامشخص کنید .

2 – همچنین بین کلمه های 4 و 5 .

3 - آیا40 سالگی موضوعیت خاصی دارد یا در آیه 15 به کنایه از «کمال» بکاررفته؟

4 - «حمله و فصاله ثلاثون شهرا» با موضوع کدام کلید تفسیری منطبق است؟

5 – دو مدلول آیه های 15 و 17 چه کسانی هستند؟ (مسلمان معمولی وکافر معمولی؟ مسلمان نخبه وکافر نخبه؟ یا....؟)

6 – چرا «بلغ» را تکرار فرموده؟

7 – بین «عن سیئاتهم» و «فی اصحاب الجنه» موضوع کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده؟

8 - «وعد الصدق.....یوعدون» با کدام کلید تفسیر متناسب است؟

9 - «ال» در «القول» از چه باب است؟

10 – کلمه «قول» به معنی لغوی بکار رفته یا اصطلاحی؟

11 – بین «النار» و «اذهبتم» موضوع کدام کلید اتفاق افتاده؟

12 - «بغیر الحق» با کدام کلید متناسب است؟

13 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ («تشویق»ی؟ «دعوت»ی یا.....؟)

**4 – کلیدهای تفسیری**

آیه 16 فرع بر ماقبل خویش است .

آیه 18 فرع بر آیه 17 است .

آیه 20 نیز فرع بر آیه 19 می باشد .

**5 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

مردم در خصوص استقبال یا عدم استقبال دعوت حق رفتارهای متفاوتی بروز میدهند و در آخرت نیز متناسب با اعمالشان با آنان رفتار میشود .

**6 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیات 15 تا 20 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**7 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه 16 و 20 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

آیه 18 از این لحاظ که به اقوامِ درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب 1400 سال قبل.

**8 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

تمام آیه های این پاراگراف «برای اولین بار» است غیر از آیات 18 تا 20 که از لحاظ مفهومی سابقه ای در قبل دارند .

**شرح مختصر**

**آن «قول» که بر امت­های گذشته فرود آمد ...**

در آیه 18 «قول»ی که ذکر شده ، یعنی همان قانون الهی که می­گوید «وقتی امتی علیه نعماتی که دریافت کرده­اند عالماً و عامداً کفر ورزیدند و به خدا و پیامبرش اهمیت ندهند البته خداوند آنها را هدایت نخواهد کرد و ممکن است کارشان در دنیا به هلاکت و شکست بینجامد و در آخرت حتماً خاسر خواهند بود»

این همان «قولی» است که اقوام نوح و عاد و ثمود و لوط و فرعون و غیره بر مبنای آن در دنیا هلاک شده و در آخرت عذاب خواهند داشت.

بر مبنای همان «قول» بود که حتی وقتی نشانه­های عذاب نیز پدیدار شد، اقوام مذکور به لج خویش ادامه داده و از ایمان آوردن خودداری کردند .

**اهمیت ترتیب نزول**

در اوائل نزول وحی ، سوره لیل را داشتیم که داشت : «ان سعیکم لشتی» و اینکه دو گروهِ دقیقا متضاد را در آنجا بطور اشاره ای با ذکر صفات معرفی نموده بود ، اگر ملاحظه کرده باشید ، از آن سوره تا کنون ، همان مطالب به الفاظ و کلمات متفاوت در طول این مدت (زمانِ از نزول سوره اعلی تا این سوره) در قالب خلاصه محتوای هر سوره بازگوئی شده ، و در این سوره همان مفهوم به بهترین وجه بازگو شده است.

**جمع بندی و تفسیر**

**و به انسان سفارش والدينش را کرده ايم که مادرش او را به حملي دشوار حمل کرده و به وضعي دشوار زائيده و حمل و از شير گرفتنش سي ماه طول کشيد تا اينکه به رشد خويش و به چهل سالگي رسيد و گفت پروردگارا موفقم کن که شکر نعمتتت را که بمن و والدينم عطا کرده اي بجاي آورم و عمل صالحي کنم و راضي گردي و اولادم را به صلاح بياور كه من بسوي تو بازگشته ام و از مسلمين هستم(15)**  {آنها کساني هستند که بهترين عملشان را از آنها قبول مي کنيم و از بديهايشان درميگذريم . آنها در زمره ياران بهشت خواهند بود . اين وعده راستي است که به آنها داده شده }(16) **و کسي که به والدينش ميگويد: اَه. آيا بمن وعده ميدهيد که پس از گذشت قرنها از قبر خارج شوم و آنها در حاليکه به خدا پناه ميبرند ميگويند واي بر تو ايمان بياور که وعده خدا حق است و او ميگويد اينها چيزي جز افسانه هاي گذشتگان نيست (17)** { آن قول بر آنان فرود مي آيد. (همان قولي که) بر امتهاي قبلي اعم از جن و انس فرود آمد که آنها البته زيانكارند }(18)  **هر کس به خاطر عملش درجاتي دارد ونيز براي اينكه** (خداوند جزاي) **اعمالش را به طور کامل به او بدهد و ظلمي نشوند(19)** {و روزي که کافران بر آتش عرضه شوند [به آنان گفته ميشود] چيزهای خوبي را که در زندگي دنيا داشتيد تمام کردید و از آنها استفاده کرديد. و امروز بخاطر آن گردنفرازي که به ناحق در زمين ميکرديد و نيز بسبب آن گناه پيشگي که مي نموديد عذابي خفت بار خواهيد داشت} (20)

**احقاف3 آیات21تا28**

**وَاذْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتْ النُّذُرُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿21﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَأْفِكَنَا عَنْ آلِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿22﴾ قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِندَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُم مَّا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ﴿23﴾ فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُّسْتَقْبِلَ أَوْدِيَتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُّمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُم بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿24﴾ تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿25﴾ وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِن مَّكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُم مِّن شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُون ﴿26﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُم مِّنَ الْقُرَى وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿27﴾ فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿28﴾**

**ای مردم! به ياد آرید پیامبرِ قوم عاد را ، آن هنگام که آنان را در سرزمين شان هشدار ميداد ، و سخنانی مانند پیامبران قبل و بعد خویش میگفت که : جز خداوند را عبادت نکنيد که من نگرانتان هستم که مبادا آن عذابِ آن روزِ بزرگ برسرتان بیاید (21) قومش گفتند: آيا بسويمان آمده اي که ما را از خدايانمان جدا کني؟ آنچه را که به ما وعده ميدهي بياور اگر راست ميگويي (22) و او گفت: علم آن نزد خداست و من آنچه را که به رسالتِ ابلاغِ آن فرستاده شده ام به شما ميرسانم ولي شما را قومي جاهل مي بينم (23) پس وقتيکه ديدند نشانه های آن عذاب دارد بسوي بيابانهاي آنها مي آيد میگفتند چیزی نیست ، ابري است که بر ما خواهد باريد . نه! بلکه این همان عذابي است که شما به عجله آن را ميخواستيد . بادي است که در آن عذابي دردناک است (24) و چنین بود که آن باد به امر پروردگارش همه چيز را نابود کرد و طوری شد که جز خانه هايشان چيزي ديده نميشد و ما گروه مجرمان را چنين مجازات ميکنيم (25) و البته به آنها قدرتهائي داده بوديم كه هنوز شما به آن مقدار نرسیده اید و براي آنها نیز گوش و چشم و دل قرار داده بوديم و گوش و چشم و دلشان به دردشان نخورد هنگاميکه آيات خدا را انکار ميکردند ، و بر سرشان آمد آنچه را که مسخره اش ميکردند (26) همچنین در دور و بر شما شهر هاي دیگری هم بودند که همین رفتار ها را کردند ، و علیرغم آن آیات متنوعی که برای پند گرفتن و به راه صحیح بازگشتن به آنها ارائه داده بودیم ، لجاجت میکردند و به همان عاقبت دچار شدند (27) پس چرا آن خدایانی که به خیال خویش شرکاي خداوند حساب میکردند و به آنها تقرب می جستند کمکي به آنان نکردند؟ بلکه در آن حالِ رویت نشانه های عذاب ، گوئی که آن باصطلاح خدایانشان را به کلی از یاد بردند ، زیرا آن اساسا درغی بیش نبود و افترائی که بسته بودند (28)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : نکوهش کافران اعم از گذشته و حال که عليرغم دريافت دلايل کافي و اتمام حجت باز هم لجبازانه کفر مي ورزند .**

**درب : نمونه رفتاري يکي از اقوام گذشته که عليرغم دريافت اتمام حجت به لجبازي کافرانه مي پرداختند و نتيجه اش .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 میفرماید يکي از موارد اتمام حجت همين قرآن است ، و مباني فکري کافرانه بی پایه و ناشی از خودبزرگ بيني و بي توجهي به واقعيت هاي آشکار و لجبازی شان است ، و تو اي پيامبر! اينک که با چنين مخالفاني روبرو هستي چنین بگو .

در پاراگراف2 : مردم در خصوص استقبال یا عدم استقبال دعوت حق رفتارهای متفاوتی بروز میدهند و در آخرت نیز متناسب با اعمالشان با آنان رفتار میشود .

در این پاراگراف به یکی از اقوام قوی پنجه پیشین اشاره می فرماید که چگونه در مقابل پیامبرشان شبیه همین رفتارهای مردم معاصر پیامبر را از خویش بروز دادند و به هلاکت دستجمعی دچار شدند و البته عذاب اخروی شان هم محفوظ است .

**3 - سوالات**

1 – منظور از عبارت «اخا عاد» چیست؟

2 - « **وَقَدْ خَلَتْ النُّذُرُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ** » موضوع کدام کلید تفسیر است؟

3 - «ال» در «العلم» از چه نوع است؟

4 - «ه» در «راوه» اشاره به چیست؟

5 - « **بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُم بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿24﴾ تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ** » موضوع کدام کلید تفسیر است؟

6 - «اِن» در«اِن مکناهم» چه موقعیتِ «دستور زبان»ی دارد؟ (نافیه؟ یا...؟)

7 - چرا در این پاراگراف خداوند را جمع ( نجزی جعلنا اهلکنا صرفنا) آورده؟

8 – حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (دلداری؟ هشدار به کافران؟ یا . . ؟)

9 – لجبازی و اصرار آن قوم در کفر ، از کدام آیه فهمیده میشود؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

مخالفان فعال آنحضرت ، در مقطع زمانی معاصر نزول این سوره ، هیچیک از هشدارها و بشارت های ایشان را جدی نمیگرفتند (آیه 24)

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 21 تا 28 ، با ذکر داستان یک قوم قوی پنجه و ضمنا کاملا لجباز و مصمم در مخالفت با پیامبرشان ، و نهایت داستان که حاکی از هلاکت مخالفان آن پیامبر باشد ، تلویحا به پیامبر اسلام (ص) وعده موفقیت میدهد که چنانکه دیده شد ، این پیشگوئی تحقق یافت .

**6 – کلیدهای تفسیری**

1 **- «وَقَدْ خَلَتْ النُّذُرُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ** » (آیه 21) پرانتزی است .

2 – نیمه دوم آیه 24 و تمام آیه 25 نیز پرانتزی است .

3 - «اِن» در«اِن مکناهم» (آیه 26) نافیه است .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

ذکر سرگذشت یکی از اقوام سابق که هشدار های پیامبرشان را به هیچ گرفتند و بر عکس توصیه های او رفتار کردند و به هلاکت جمعی دچار شدند ، برای عبرت گیری.

**8 - آیات مشکل**

آیه 21 از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر کلمه احقاف گفته اند .

**9 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیه 1 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**10 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیات 21 تا 28 از این لحاظ که به اقوامِ درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب 1400 سال قبل.

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**منظور از «شما» در آیه 26 چه کسانی است؟**

«به آنها قدرتهائی هم داده بودیم که به شما نداده­ایم» منظور از «شما» در اینجا ، اولین مخاطب­های آن روزهای این آیات است، یعنی مشرکان . و کنایه از این است که قوی­تر از شماها هلاک شدند شما – ای کافرانِ معاصر نزول این سوره - به چه چیزی دلخوشید که تکذیب می­کنید؟

**«احقاف» کجاست؟**

در آیه 27 از جمله ابتدائی آیه فهمیده می­شود چه بسا «احقاف» (که مسکن قوم عاد بود) دور و بر مکه باشد که این موضوع قاعدتا می باید قابل توجه باستان­شناسان قرار گیرد.

**سایر هلاک شدگان**

چنانکه عرض شد از آیه 27 چنین فهمیده میشود که قوم عاد در نزدیکی های مکه ساکن بوده اند و از سایر آیات تا اینجا (البته به ترتیب نزول) فهمیده میشود قوم ثمود هم همینطور . و بزودی هم آیاتی خواهیم دید که معلوم میشود قوم لوط نیز به همچنین .

البته داستانهای آنها سینه به سینه به اهل مکه که در زمان پیامبر (ص) اولین مخاطبان این آیات بودند رسیده ، و در مجموع جزء فرهنگ آنان بود .

**جمع بندی و تفسیر**

**به ياد آر برادرِ قوم عاد را ، آن هنگام که قوم خود را در سرزمين احقاف هشدار ميداد ، در حاليکه قبل از او ، و نيز پس از او ، هشدار دهندگان زيادي نيز بوده اند که** (مي گفتند) **جز خداوند را عبادت نکنيد زيرا که من بر شما از عذاب روزي بزرگ ميترسم (21) گفتند: آيا بسويمان آمدي که ما را از خدايانمان جدا کني؟ آنچه را که به ما وعده ميدهي بياور اگر راست ميگويي (22) گفت: علم** (آن) **نزد خداست و من آنچه را که به رسالت آن فرستاده شده ام به شما ميرسانم ولي شما را قومي جاهل مي بينم (23) پس وقتيکه ديدند** (عذاب) **دارد بسوي بيابانهاي آنها مي آيد گفتند ابري است که بر ما خواهد باريد .** (نه) **بلکه همان** (عذابي) **است که شما به عجله ميخواستيدش. بادي است که در آن عذابي دردناک است (24) که به امر پروردگارش همه چيز را نابود ميکرد و صبح که شد جز خانه هايشان چيزي ديده نميشد و ما گروه مجرمان را چنين مجازات ميکنيم (25) و البته به آنها قدرتهائي هم داده بوديم كه** (هنوز) **به شما نداده ايم و براي آنها هم گوش و چشم و دل قرار داده بوديم و گوش و چشم و دلشان به دردشان نخورد هنگاميکه در آيات خدا انکار ميکردند ، و بر سرشان آمد آنچه را که مسخره اش ميکردند (26) و البته شهر هايي را که دور و برتان بودند هلاک کرديم و آن آيات متنوع را** (ارائه) **داده بوديم شايد بازگردند (27) پس چرا آن** (شرکايي که){به عنوان تقرب} **بجای خداوند به الوهيت گرفته بودند کمکي به آنان نکردند؟ بلکه** (گوئی) **از يادشان رفت و اين دروغشان بود و افترائي که مي­بستند (28)**

**احقاف4 آیات29تا35**

**وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَى قَوْمِهِم مُّنذِرِينَ ﴿29﴾ قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿30﴾ يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿31﴾ وَمَن لَّا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِن دُونِهِ أَولِيَاء أُوْلَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿32﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْيَ بِخَلْقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى بَلَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿33﴾ وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَى وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ﴿34﴾ فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُوْلُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِل لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ ﴿35﴾**

**و هنگامي که عده اي از جنيان را بطرفت چرخانديم که به قرآن گوش دهند، وقتیکه حاضر شدند ، گفتند ساکت شويد و وقتيکه تمام شد بسوي قومشان برگشتند و هشدارشان ميدادند (29) ميگفتند اي قوم! مطالب کتابي را شنيديم که بعد از موسي نازل شده که تصديق کننده قبل از خويش است و بسوي حق و بسوي طريقي مستقيم هدايت مي کند (30) اي قوم! دعوت کننده خدا را اجابت کنيد و به او ايمان بياوريد تا برخي از گناهانتان را بيامرزد و از عذاب دردناک پناهتان دهد (31) و کسانی که دعوت کننده خدا را اجابت نکنند نميتوانند خدا را در زمين عاجز کنند و بجز خدا هيچ سرپرستي ندارند و در گمراهيي آشکارند (32) آيا نمي بينند که خداوندي که آسمانها و زمين را آفريد و از آفرينش آنها خسته نشد قادراست مردگان را زنده کند؟ بلي البته او برهمه چيز تواناست (33) و روزي که کافران بر آتش عرضه شوند از آنان سئوال ميشود آيا اين حق نيست؟ ميگويند آري قسم به پروردگارمان که حق است ، گويد بعلت آن کفري که ميورزيديد این عذاب را بچشید (34) پس ای پیامبر! همانگونه که فرستادگان صاحب عزم صبر کردند تو نیز صبر کن ، و در باره آنها عجله مكن . روزي که آنچه را که به آنان وعده داده ميشود ببينند گويي که چيزي بيش از ساعتي از روز درنگ نكرده باشند . اين يك پيام رساني است . آيا جز قوم گناه پيشه هلاک ميشوند؟ (35)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : نکوهش کافران اعم از گذشته و حال که عليرغم دريافت دلايل کافي و اتمام حجت باز هم لجبازانه کفر ميورزند .**

**درب : ای پیامبر! اینکه می بینی عده اي از جن به محض يکبار شنيدن قسمتي از قرآن نه تنها ايمان آوردند بلکه خودشان براي تبليغ اين حقايق بسوي قوم خويش به فعاليت پرداختند ، در حالیکه رفتار اینان چنین است، توجه آنان را به قدرت خداوند و عاقبت­شان جلب کن و خودت نیز صبور باش.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 میفرماید يکي از موارد اتمام حجت همين قرآن است ، و مباني فکري کافرانه بی پایه و ناشی از خودبزرگ بيني و بي توجهي به واقعيت هاي آشکار و لجبازی شان است ، و تو اي پيامبر! اينک که با چنين مخالفاني روبرو هستي چنین بگو .

در پاراگراف2 : مردم در خصوص استقبال یا عدم استقبال دعوت حق رفتارهای متفاوتی بروز میدهند و در آخرت نیز متناسب با اعمالشان با آنان رفتار میشود .

در پاراگراف 3 به یکی از اقوام قوی پنجه پیشین اشاره می فرماید که چگونه در مقابل پیامبرشان شبیه همین رفتارهای مردم معاصر پیامبر را از خویش بروز دادند و به هلاکت دستجمعی دچار شدند و البته عذاب اخروی شان هم محفوظ است .

در این پاراگراف می فرماید ای لجباز های مصرّ در گمراهی ! ببینید موجوداتی که نسبت به این پیامبر و پیامش اینهمه از شما دور ترند چگونه به او و پیامش گرایش جدی نشان میدهند اما شما چه رفتارهای ناپسندی بروز میدهید . و تو ای پیامبر! قدرت خداوند را بر ایجاد آخرت یاد آوری کرده ، و خودت هم صبور باش .

**3 - سوالات**

1 - «نفر» (آیه29) به چه معنی است؟

2 - واضح است که آیات 30 تا 32 نقل قول آن جماعت از جنّ است. اما آیا مورد قبول خداوند متعال هم هست یا نه؟ (دلیل بیاورید)

3 – چرا خداوند درآیه 29 ضمیر جمع (صرفنا) بکاربرده؟

4 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ («تشویق»ی؟ دلداری؟ یا....؟)

5 – در آیه 34 یک مورد موضوع کلیدهای فهم قرآن اتفاق افتاده ، آن را مشخص کنید .

6 – چرا خداوند در اینجا ازحالت فاعلی«او – مفرد - » استفاده فرموده؟ (خلق لم یعی یحیی انه)

7 – منظور از «اولوالعزم» در آیه 35 به معنی لغوی است یا اصطلاحی ؟

8 - «ف» در ابتدای آیه 35 ، چه نقشی دارد و به چه اشاره دارد؟

9 - چه سابقه ای از « **كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ** » دارید؟

10– در ثلث آخرآیه 35، یک مورد موضوع کلیدهای فهم قرآن اتفاق افتاده ، آن را مشخص کنید .

11 – کلمه «بلاغ» با موضوع کدام کلید فهم قرآن متناسب است؟

12 – استفهام موجود در آیه 33 ، از چه نوع است؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

در این برهه از زمان وحی دارد مردمِ عادیِ داخلِ اردوگاه کفر را از طریق تحریک عواطف قومی شان ترغیب به پیوستن به جریان اسلام میکند (با این بیانِ تلویحی که ببینید دیگران برای چیزی که شما آنهمه نسبت به آن بی رغبتی نشان میدهید چه سر و دستی می شکنند) (آیات 29 تا 32)

برای نزدیک کردن موضوعِ حیات مجدد به ذهن مردم ، به قدرت نا محدود الهی اشاره نموده (آیه 33)

در این برهه بازهم به آنحضرت توصیه میکند نه تنها صبر پیشه کند بلکه صبر بیشتر از تاکنون در پیش گیرد و از همینجا فهمیده میشود که آنحضرت انتظار داشت خداوند در ریشه کنی فعالانِ کفر سرعتی بخرج دهد (آیه 35)

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 29 تا 32 به موردِ طلب و موردِ رغبت بودنِ پدیده وحی – حتی از سوی موجوداتی از نوع متفاوت از انسان – اشاره نموده و تلویحا این پیشگوئی را نموده که چیزی نخواهد گذشت که این پدیده از سوی شما انسانها نیز مقبول و مطلوب تلقی گردد.

در آیه 35 آنحضرت را به صبری بیش از سابق فرا میخواند و این هم به نوعی تلویحی پیشگوئی موفقیت برای آنحضرت است .

**6 – کلیدهای تفسیری**

آیه 34 فرع بر ماقبل خویش است .

کلمه بلاغ (آیه 35) پرانتزی است ،

علاوه بر پرانتزی بودن ، «واگذاری به مخاطب» (اصطلاحا حذف به قرینه) نیز بر سرش صورت گرفته ، گوئی که وجه کاملش می باید چنین باشد : این یک مورد مهم برای «بلاغ» است .

**7 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند!

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 – برخی از جنیان به یکبار استماع قرآن چنان شیفته اش شدند که مطالب آن را برای قوم خویش به ارمغان بردند و مبلغش شدند .

2 – ای پیامبر! راجع به کندی قومت در ایمان آوری و تخریب کارِ رسالتت ناراحت مباش و صبوری بیشتر پیشه کن .

**9 - آیات مشکل**

آیه های 29 تا 32 از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر کلمه «جن» گفته اند .

**10 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیات 29 تا 35 به خصوص آیه 35 (بخاطر عبارت «اولوا العزم») به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**11 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیات 29 تا 32 از این لحاظ که به مخلوقاتی اشاره کرده که حتی مانیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعا مخاطبان اولیه نیز، هست.

آیه 31 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

همچنین است آیه های 34 و 35.

**12 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است ، غیر از آیه 33 و 34 .

**شرح مختصر**

**درباره جن چه می­دانیم؟**

آنچه در افکار عمومی مردم (اعم از مسلمانان و سایر جهانیان) راجع به جن هست ، از معارف قرآنی خیلی دور است ، و مطالب بسیار غلط و بی­ارزشی است که اینک عالیترین نمود آن در فیلم «جن­گیر» دیده میشود که این نگارنده تقریباً ده سال پیش آن را دیده­ام.

آنچه از آن فیلم فهمیده می­شود این است که جن موجودی است شریر، و ضد خدا، و قدرت تصرف در جهان مادی را دارد، و توسط انسان قابل شکار است، و عده­ای در این کار (یعنی شکار جن) تخصص دارند، و غیره و غیره.

اما چهره­ای که در قرآن از جن معرفی می­شود که تاکنون در سوره­های رحمان و جن و این سوره با آن آشنا شده­ایم و با بقیه­اش در سوره نمل و بعضی سوره­های دیگر آشنا خواهیم شد از این قرار است که :

از سوره رحمن این مقدار فهمیدیم که جن نیز موجودی است مختار و آزاد که فقط از لحاظ آفرینش با ما فرق دارد و «مادی» نیست و مانند ما بهشت و جهنم خواهد داشت.

در سوره جن دیدیم که آنها نیز کافر و مؤمن دارند و از قید نیروی جاذبه آزادند و قبلاً از روی نقل و انتقالات و گفتگوهای آسمانی وقایعی را پیش­بینی می­کردند و تقریباً معاصر پیامبر اسلام(ص) از این امکان محروم گشتند.

در سوره نمل خواهیم دید که عده­ای از جن جزء لشکریان سلیمان بودند و یکی از آنها در دربار او مکانت مهمی داشت و صاحب قدرتی بود و می­توانست تخت ملکه سبا را از یمن به فلسطین در مدت کمتر از نصف روز بیاورد.

از آیه 29 این سوره فهمیده می­شود که آنها «زبان فهم» هستند، و قدرت درک معانی ارزنده را دارند، و نسبت به حق و باطل دارای گرایش و واکنش می­باشند. و سرعت تأثیرپذیری­شان زیاد است بطوریکه فوراً ایمان آورده و بلافاصله مُبلّغ آن شدند و آنها نیز مانند ما بصورت اجتماعی زندگی می­کنند.

در مجموع اینکه آنها موجوداتی سخن فهم، عاقل، دارای منطق، دارای قدرت، و قابل احترام می­باشند .

**دلداری به پیامبر(ص)**

اصطلاح «پیغمبر اولوالعزم» نزد ما شناخته شده و معروف است.

از آیه فوق فهمیده می­شود یکی از خصوصیات مهم آنان این بوده که راجع به مشکلات رسالت خویش حوصله زیادی به خرج می­دادند و صبر زیادی داشتند.

از آیه فوق معلوم می­شود که پیامبر(ص) از زیادی مشکلات ناراحت شده بودند و دلشان می­خواست «به روش معجزه آسا» زودتر موفق شوند اما در این آیه به ایشان توصیه می­شود که «عجله مکن» و آنچه در انتهای آیه آمده یک تمثیل است راجع به اینکه بالاخره ناراحتی تو تمام می­شود و موفق می­شوی.

هرچه باشد پیامبران نیز خصوصیات بشری را دارند و گاهی می­شود که به اصطلاح «کم می­آورند» چنانکه در انتهای سوره قلم درباره حضرت یونس دیدیم.

و از این پس در داستان­های پیامبران، بزودی، از این نوع داستان­ها زیاد خواهیم دید. در مورد پیامبر اکرم(ص) نیز گاهی که مشکلات خیلی فشار می­آورد، و آن حضرت بیش از هر کس داستان پیامبران سابق را می­دانست، آرزو می­کرد کاش می­شد مانند آنان به روشی معجزه آسا کارها درست شود اما خداوند نمی­پسندید و روش عادی (بحث عاقلانه، وبرنامه ریزی و ... و صبر) را بر آن حضرت می­پسندید و لذا وقتیکه پیامبر در اثر شدت مشکلات مغموم و مهموم می­گشت این نوع آیات نازل می­شد که صبر کن و آنها را به ما واگذار و تو فقط یک پیغام­بر هستی و اگر تکذیب می­کنند تو تقصیری نداری و آنها در حقیقت گفتار مرا تکذیب می­کنند و ... و به این ترتیب آن حضرت را دلداری میداد.

**جمع بندی و تفسیر**

**و هنگامي که عده اي از جنيان را بطرفت چرخانديم که به قرآن گوش دهند، وقتیکه حاضر شدند ، گفتند ساکت شويد و وقتيکه تمام شد بسوي قومشان برگشتند و هشدارشان ميدادند (29) ميگفتند اي قوم** (مطالب) **کتابي را شنيديم که بعد از موسي نازل شده که تصديق کننده قبل از خويش است و بسوي حق و بسوي طريقي مستقيم هدايت مي کند (30) اي قوم دعوت کننده خدا را اجابت کنيد و به او ايمان بياوريد تا برخي از گناهانتان را بيامرزد و از عذاب دردناک پناهتان دهد (31) و کسانی که دعوت کننده خدا را اجابت نکنند نميتوانند خدا را در زمين عاجز کنند و بجز خدا هيچ سرپرستي ندارند و در گمراهيي آشکارند (32)** **آيا نمي بينند که خداوندي که آسمانها و زمين را آفريد و از آفرينش آنها خسته نشد قادراست مردگان را زنده کند؟ بلي البته او برهمه چيز تواناست (33)** {و روزي که کافران بر آتش عرضه شوند (سئوال ميشود) آيا اين حق نيست؟ ميگويند آري قسم به پروردگارمان (که حق است) گويد پس عذاب را بچشيد بعلت آن کفري که ميورزيديد }(34)  **پس** (ای پیامبر) **صبر کن . همانگونه که فرستادگان صاحب عزم صبر کردند. و بر** (درخواست عذاب بر) **آنها عجله مكن . روزي که آنچه را که به آنان وعده داده ميشود ببينند گويي که چيزي بيش از ساعتي از روز درنگ نكرده باشند . اين يك پيام رساني است . پس آيا جز قوم گناه پيشه هلاک ميشوند؟ (35)**

**سوره مؤمن**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**حم ﴿1﴾ تَنزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿2﴾ غَافِرِ الذَّنبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿3﴾ مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرْكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ ﴿4﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِن بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ﴿5﴾ وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ﴿6﴾ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿7﴾ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدتَّهُم وَمَن صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿8﴾ وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَن تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿9﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِن مَّقْتِكُمْ أَنفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ ﴿10﴾ قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِّن سَبِيلٍ ﴿11﴾ ذَلِكُم بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِن يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ﴿12﴾ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُم مِّنَ السَّمَاء رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَن يُنِيبُ ﴿13﴾ فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿14﴾ رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَن يَشَاء مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ ﴿15﴾ يَوْمَ هُم بَارِزُونَ لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِّمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿16﴾ الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿17﴾ وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ ﴿18﴾ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ ﴿19﴾ وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴿20﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حم (1) فرو فرستادن این کتاب از جانب خداوند عزتمند داناست (2) که آمرزشگر گناه و توبه پذير است ، در پيگيري شديد و صاحب قوت است ، خدائي جز او نيست و سرانجامِ همه چیز و همه کس بسوي اوست (3) جز كافران در آيات الهي مجادله نمي کنند ، پس ای پیامبر رفت و آمدشان در شهرها فريبت ندهد (4) قبل از آنها نيز قوم نوح و گروه هاي بعدشان تکذيب کردند و هر گروهي براي پيغمبرشان توطئه کردند تا بگيرندش و او و پیروانش را نابود کنند ، و به باطل مجادله کردند تا حق را از بين ببرند ، پس بگرفتمشان و ببينيد پيگيريم چگونه بود؟ (5) حكم پروردگارت بر کافران اینگونه فرود میآید و آنها علاوه بر عقوبت این دنیائی اهل آت آتش هم هستند (6) ملائکه ای که در مرکز کنترل و هدایت جهان خدمت میکنند، و اطرافيانشان ، پروردگارشان را به حمد تسبيح ميکنند و به او ايمان دارند و براي مومنان درخواست آمرزش مي کنند و ميگويند پروردگارا ! وسعت علم و رحمت تو همه چيز را فرا گرفته ، پس توبه کاران را که راه تو را ميروند ببخش و آنها را از عذاب جهنم حفظ فرما (7) پروردگارا ! آنها و شايستگانِ پدران و همسران و فرزندانشان را به آن بهشتهاي هميشگي که وعده شان دادي درآر که عزتمند حکيمي (8) و از بديها حفظشان کن و کسي را که تو از بديها حفظش کني در آنروز مورد لطف و رحمتت است و آن همان پيروزي بزرگ است (9) در قیامت کافران را ندا میدهند : اي کسانيکه کفر ورزيديد البته خشم خداوند از خشمتان برخودتان بزرگتر است ، زيرا به ايمان دعوت ميشديد اما کفرمی ورزيديد (10) ميگويند پروردگارا ! دوبار ما را ميراندي و دوبار زنده مان کردي . به گناهانمان معترفيم . آيا براي خروج از این موقعیت راهي داریم؟ (11) به آنان گفته میشود اين موقعیت تان به آن سبب است که وقتي خداوند به تنهائي خوانده ميشد کفر میورزیدید و اگر با او شريک قرار میدادند قبول مي كرديد . اينك ، همانطور که می بینید حکم ازآنِ خداوند بلند مرتبه است (12) ای مردم ! از کسانی که به چنان وضعیتی دچار خواهند شد مباشید و همواره توجه کنید که اوست که آياتش را به شما مينماياند و از آسمان برايتان روزيي ميفرستد ، و البته فقط کساني که جز توبه و بازگشت ميکنند پند میگیرند (13) پس ای مردم! خداوند را در حاليکه دين خويش را براي او خالص کرده ايد بخوانيد حتي اگر کافران بدشان بيايد (14) خداوند همان کسی است که بلند مرتبه صاحب عرش است که روح را از امر خويش به هر کس از بندگانش که لیاقت داشته باشد به وحی القا ميكند ، تا به آن روزِ ديدار هشدار دهد (15) روزي که همه چیز ها نمايان شود ، چيزي از آنها بر خداوند پوشيده نيست. در آن روز به همگی خطاب میشود که امروز فرمانروايي از آن کيست؟ و همگی جواب خواهند داد از آنِ خداوند يگانه مقتدر است (16) و در آن روز اعلام میشود امروز هر کسي به آنچه که کرده پاداش داده ميشود و امروز هیچ ظلمي نخواهد بود ، که خداوند تند حساب است (17) ای پیامبر! راجع به آن روز که نزديک خواهد شد هشدارشان ده. هنگامي که جان به گلوگاه ميرسد ، خشم خود را فرو ميخورند ، در آن موقعیت ظالمان هيچ حمايت کننده اي و هیچ شفاعت کننده اي که سخنش پذيرفته شود نخواهند داشت (18) ای مردم! بدانید که خداوند حتي به نگاه هاي زير چشمي تان و آنچه در دلها ميگذرنید نيز آگاه است (19) خداوند به حق قضاوت ميکند ولی آنهائی که برخی از مردم به خطا غیر از او عبادتشان میکنند هیچگونه تاثیری ندارند ، ای مردم! بدانید که خداوند شنواي بيناست (20)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

تاکنون ، در چهار جلد قبلی این تفسیر ، در ابتدای پاراگراف اول هر سوره ، ذیل تیتر فوق ، لااقل دو جدول اول و آخر طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یا همان «درس» سوره) را می آوردیم ، اینک که خواننده محترم به اندازه کافی آنها را دیده ، و دانسته که طرز استخراج چگونه است ، به علت علاقه به رعایت اختصار ، دیگر جدول های مذکور را که دائما طولانی تر میشود ، ذکر نمیکنیم ، و اگر کسی بخواهد، میتواند همه آنها را در کتاب «راهنمای تحلیلی» ما (در سایت ما که در اول و آخر این کتاب معرفی کرده ایم) ببیند .

**درس : نکوهش کافران که عليرغم الطاف الهي با اصرار و لجبازي باحق مخالفت مي کنند .**

**درب : ای پیامبر! توجه به مطالب این قرآن، و صفات ذکر شده الهی، رافع لجبازی و کفر می­شود ، و تکذیب پیامبران مطلب جدیدی نیست ، اما از حد که بگذرد سبب نابودی در دنیا و عذاب آخرت می­شود ، و کارگزاران جهان خواهان موفقيت نهايي مومنان­اند ، و توجه نکردن به عاقبت آخرتی سبب بروز رفتار قابل نکوهش است و نکوهش شدیدتر هنگامی خواهد بود که جهان آخرت برپا شود و آنها ببینند چه بر سر خود آورده­اند .**

**2 - سوالات**

1 – با توجه به کلمه «یغررک» (آیه4) ، پیامبر(ص) ممکن بود چه فریب هایی بخورد؟

2 – منظور از «احزاب» (آیه5) چیست؟

3 – با توجه به آیه5 ، «گرفتن» خداوند درچه شرایطی اتفاق می افتاد؟

4 - «جدال درآیات خدا» (آیه4) یعنی چه؟ (چندمثال بزنید)

5 - «بالباطل» (آیه5) یعنی چه؟ (به روش باطل؟ با طرق و وسایل باطل؟ یا..؟)

6 – سوالِ «فکیف کان عقاب» ازچه کسی است؟ (ازپیامبر؟ از خوانندگان قرآن؟ ازکافران؟)

7 - «کلمه» (آیه6) یعنی چه؟

8 – در باره « **رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا** » شرحی بنویسید .

9 - «سیئات» (آیه9) به چه معنی است؟ (دقت کنید)

10 – چرا بجای « الذین کفروا» در آیه 10 ، نفرموده «للذین کفروا»؟

11 - «ذلکم» به چه اشاره دارد؟

12 – در ابتدای آیه 15، چرا از بین صفات ممکن ، آن صفات ذکرشده؟

13 – منظور از «روح» (آیه15) چیست؟ (شرح - توضیح- استدلال)

14 – آیا «روح من امره» (آیه15) فقط درجهت «لینذریوم التلاق» عمل میکند؟

15 – با توجه به آیه16 ، آیا فرماندهی خداوند فقط منحصر به آن روز است؟

16 – از کلمه «آزفه» (آیه18) چه سابقه ای دارید؟

17 - «القلوب لدی الحناجر» مطابق کدام شیوه سخن گفتن است؟

18-کلمه «یقضی» (آیه20) در اینجا به چه معنی است؟

19-کلمه «خائنه» (آیه19) چطور؟

**3 - حدسیاتی از اوضاع واحوال آن روزها**

از آیه4 فهمیده میشود سران مخالفان پیامبر(ص) درجهت مخالفت با آن حضرت خیلی به این در و آن در می زدند و خیلی فعال بودند و حتی برای (هماهنگی های لازم) دست به مسافرت هائی هم میزده اند .

از آیه 5 هم فهمیده میشود که آنها در این مرحله آرزوی نابود کردن آن حضرت را هم در دل می پروراندند .

از آیه 6 که وعده عذاب اخروی داده شده ، فهمیده میشود درجهت حذف فیزیکی آن حضرت- فعلا تا زمان نزول این آیات - به جمع بندیی نرسیده بودند .

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** :(المیزان) : اين سوره پيرامون بلندپروازيهاى كفار، و جدالشان به باطل به منظور از بين بردن حقى كه بر آنان نازل شده، سخن مى‏گويد،

المیزان هیچگاه برای طرز استخراج عصاره محتوای سوره که آن را غرض سوره مینامد روشی ارائه نداده ، و چنین تلقی میکنیم که آن را بطور گمانی ذکر میکند ، در حالیکه آنچه ما درس سوره می نامیم بر اساس استخراج از راه محاسبه به دست می آید که در مورد این سوره این است : نکوهش کافران که علیرغم الطاف و نعمت های الهی با اصرار و لجبازی باحق مخالفت میکنند .

**5 – کلیدهای تفسیری**

1 – آیات 7 تا 9 «پرانتزی» است ، دلیلش هم اینکه اگرقبل و بعدش را به یکدیگروصل کنید می بینید روال سخن صاف ویکدست میماند .

2 – در اواسط آیه 16 تغییر مخاطب (التفات) اتفاق افتاده است .

**3 - به زبان مخاطب :** در آیه 12 «کفرتم» (کافر می­شدید) یعنی اعلام و اظهار کفر می­کردید و «تومنوا» (مؤمن می­شدید) یعنی اعلام و اظهار قبول می­کردید .

**4 - بر عهده مخاطب :** در آیه 16 بین کلمه «شیء» و کلمه «لمن» از لحاظ روال سخن جای چنین جمله­ای خالیست: «آنگاه به آنها خطاب و از آنها پرسش می­شود»

و همچنین است بین کلمه «الیوم» و«الله» که جای چنین جمله ای خالیست «و همه با هم جواب خواهند داد»

واضح است که خداوند خودش میتوانست چنین جمله هائی بگذارد اما بنظر می­آید نگذاشتن آن برای تحریک ذهن مخاطب می باشد.

**6 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه های 4 و 5 ضمن تایید آنحضرت به او دلگرمی میدهد که خداوند نمیگذارد فعالان مخالفانش از حدمعینی جلوتر بروند .

**7 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره برخی آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه !

در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

توجیه آنحضرت که توجه مخالفانش را به چند نکته اساسی جلب کند :

1 - مطالب این قرآن، و صفات ذکر شده الهی، رافع لجبازی و کفر می­شود ،

2 -تکذیب پیامبران مطلب جدیدی نیست ، اما از حد که بگذرد سبب نابودی در دنیا و عذاب آخرت می­شود ،

3 -کارگزاران جهان (ملائکه و . . ) خواهان موفقيت نهايي مومنان­اند ،

4 - توجه نکردن به عاقبت آخرتی سبب بروز رفتار قابل نکوهش است و نکوهش شدیدتر هنگامی خواهد بود که جهان آخرت برپا شود و آنها ببینند چه بر سر خود آورده­اند .

**9 - آیات مشکل**

آیه های 7 تا 9 از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر آنها گفته اند .

**10 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه 1 از حروف مقطعه است، و چنانکه قبلا عرض شد، چون تاکنون به نحو مقنعی رمزگشائی نشده، بالاتر از ذهنیات ما نیز میباشد، چه رسد به مخاطبان اولیه.

آیه 5 از این لحاظ که به اقوامِ درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب 1400 سال قبل.

آیه 7 از این لحاظ که به مخلوقاتی اشاره کرده که حتی مانیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعا مخاطبان اولیه نیز، هست.

آیات 8 تا 18 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، آیات 7 تا 11 و 15 و 18 و 19 «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

د**رباره حروف مقطعه**

در بخش «مبانی» - که مقدمه اول این تفسیر باشد و در ابتدای جلد اول قرار دارد - بحثی درباره حروف مقطعه آمده ، ضمن آنکه دعوت به مطالعه آن میکنیم ، توصیه داریم که به مقاله «سخن نو در ترتیب و زمان نزول سوره ها و حروف مقطعه» (درسایت) نیز مراجعه بفرمائید .

**حاملان عرش**

«عرش» نماد فرماندهی است ، وما درسوره های حاقه ومدثر به مناسبت خود این کلمه و نیز مفاهیم مرتبط به آن بحثی کرده ایم که میتوانید با نگاهی به تیترهای«شرح مختصر» در آنها بسهولت پیداکنید . توصیه اکید به مراجعه به آنها داریم .

**«خشم بر خویشتن» یعنی چه؟**

با توجه به آیه 10 پس از پدیدار شدن قیامت، پرده از جلوی چشم­های کافران کنار می­رود و آنها می­بینند که موقعیت جهنمی بودن را خودشان برای خویش بوجود آورده­اند و بر خویش خشمناک می­شوند و رفتارهای شخص خشمناک را علیه خویش بروز می­دهند، مثلاً خودشان را می­زنند، یا به خویش دشنام می­دهند و غیره.

**دو بار ما را میراندی**

در آیه 11 «دوبار ما را میراندی»، یکی همان مرگ در زندگی دنیا و دیگری مرگ در زندگی برزخی، و «دو بار زنده­مان کردی» نیز با توجه به آن، مفهوم است.

**«وحی» و « رزق»**

با توجه به آیه­های 13 و 15 وحی نیز نوع والا و بالای رزق است .

راجع به جهان انسانیت ، وحی همان نقش رزق را نسبت به جهان حیوانیت دارد . انسان بدون تأثیرپذیری از وحی مانند حیوان است .

**آیا فرماندهی خداوند فقط در قیامت است؟**

با توجه به تیتر فوق ، سئوال را اینطور هم میتوان مطرح کرد: «آیا خداوند در این جهان فرماندهی ندارد؟»

جواب این است که واضح است فرماندهی خداوند در همه­جا و همه ­زمانها است اما ذکر آن در آیه 16 به این خاطر است که دست اداره کننده خداوند در این جهان آشکار و واضح نیست اما در قیامت این حقیقت برای همگان آشکار و واضح میگردد.

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حم (1) فرو فرستادن آن کتاب از جانب خداوند عزتمند داناست (2) که آمرزشگر گناه و توبه پذير است. در پيگيري شديد و صاحب قوت است. خدائي جز او نيست و سرانجامِ** (همه چیز) **بسوي اوست (3)** **جز كافران در آيات الهي مجادله نمي کنند. پس** (ای پیامبر) **رفت و آمدشان در شهرها فريبت ندهد (4) قبل از آنها نيز قوم نوح و گروه هاي بعدشان تکذيب کردند و هر گروهي براي پيغمبرشان توطئه کردند تا بگيرندش، و به باطل مجادله کردند تا حق را از بين ببرند ، پس بگرفتمشان** (ببينيد) **پيگيريم چگونه بود؟ (5) اينگونه حكم پروردگارت بر کافران فرود آمد که آنها ياران آتشند (6)** **آنانکه عرش را حمل ميکنند ، و اطرافيانشان ، پروردگارشان را به حمد تسبيح ميکنند و به او ايمان دارند و براي مومنان درخواست آمرزش مي کنند** (و ميگويند) **پروردگارا ! وسعت علم و رحمت تو همه چيز را فرا گرفته، پس توبه کاران را که راه تو را ميروند ببخش و آنها را از عذاب جهنم نگهدار(7)** {پروردگارا! آنها و شايستگانِ پدران و همسران و فرزندانشان را به آن بهشتهاي هميشگي که وعده شان دادي درآر که عزتمند حکيمي(8) و از بديها حفظشان کن و کسي را که تو از بديها حفظش کني در آنروز مورد لطف و رحمتت است و آن همان پيروزي بزرگ است}(9)  (در قیامت به کافران) **ندا داده ميشود : اي کسانيکه کفر ورزيديد البته خشم خداوند از خشمتان برخودتان بزرگتر است ، زيرا به ايمان دعوت ميشديد اما کفرمی ورزيديد (10)** {ميگويند پروردگارا ! دوبار ما را ميراندي و دوبار زنده مان کردي . به گناهانمان معترفيم . آيا براي خروج راهي هست؟}(11) **اين به آن سبب است که وقتي خداوند به تنهائي خوانده ميشد کافر ميشديد و اگر با او شريک ميگرفتند قبول مي كرديد . اينك حکم ازآن خداوند بلند مرتبه است (12)** {اوست که آياتش را به شما مينماياند و از آسمان برايتان روزيي ميفرستد و کسي جز آنکه توبه و بازگشت ميکند متذکر نميشود} (13) {{پس خداوند را در حاليکه دين خويش را براي او خالص کرده ايد بخوانيد حتي اگر کافران بدشان بيايد}} (14) {آن بلند مرتبه صاحب عرش (که) روح را از امر خويش به هر کس از بندگانش که خواهد القا ميكند ، تا به روز ديدار هشدار دهد}(15) **روزي که نمايان شوند ، چيزي از آنها بر خداوند پوشيده نيست.** [خطابمیشود] **امروز فرمانروايي از آن کيست؟** [همگی جواب خواهند داد] **از آنِ خداوند يگانه مقتدر است (16)** {[اعلام میشود ] امروز هر کسي به آنچه که کرده پاداش داده ميشود . امروز ظلمي نيست . که خداوند تند حساب است} (17) **و راجع به روزي که نزديک شونده است هشدارشان ده. هنگامي که دلها به گلوگاه ميرسد ، خشم خود را فرو ميخورند . ظالمان هيچ حمايت کننده اي نخواهند داشت و نه شفاعت کننده اي که سخنش پذيرفته شود (18)** {(خداوند) حتي به نگاه هاي زير چشمي و آنچه در دلها ميگذرد نيز دانا است}(19)  **خداوند به حق قضاوت ميکند. و آنها که بجز او عبادت ميشوند قضاوتي ندارند . خداوند البته شنواي بيناست (20)**

**مومن2 آیات 21 تا46**

**أَوَ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَاقٍ ﴿21﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَت تَّأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿22﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿23﴾ إِلَى فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ﴿24﴾ فَلَمَّا جَاءهُم بِالْحَقِّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاء الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿25﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَن يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَن يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ ﴿26﴾ وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُم مِّن كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَّا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿27﴾ وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَن يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءكُم بِالْبَيِّنَاتِ مِن رَّبِّكُمْ وَإِن يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِن يَكُ صَادِقًا يُصِبْكُم بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ﴿28﴾ يَا قَوْمِ لَكُمُ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَن يَنصُرُنَا مِن بَأْسِ اللَّهِ إِنْ جَاءنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿29﴾ وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُم مِّثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ﴿30﴾ مِثْلَ دَأْبِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعِبَادِ ﴿31﴾ وَيَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ﴿32﴾ يَوْمَ تُوَلُّونَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿33﴾ وَلَقَدْ جَاءكُمْ يُوسُفُ مِن قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِّمَّا جَاءكُم بِهِ حَتَّى إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَن يَبْعَثَ اللَّهُ مِن بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ ﴿34﴾ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبُرَ مَقْتًا عِندَ اللَّهِ وَعِندَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ﴿35﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانُ ابْنِ لِي صَرْحًا لَّعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ﴿36﴾ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا وَكَذَلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ عَمَلِهِ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ ﴿37﴾ وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿38﴾ يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ﴿39﴾ مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُوْلَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿40﴾ وَيَا قَوْمِ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجَاةِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ ﴿41﴾ تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ ﴿42﴾ لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنَّ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ﴿43﴾ فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿44﴾ فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ ﴿45﴾ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿46﴾**

**ای پیامبر! آيا اینان در زمين نميگردند تا ببينند عاقبت پيشينيانشان چه شد؟ همانها که از اينان ، هم قوي تر بودند ، و هم آثار بيشتري بجا گذاشتند ، اما خداوند بسبب گناهانشان بگرفتشان و کسي نبود که در مقابل خداوند بتواند برایشان کاری کند (21) و البته حقشان هم همین بود ، زیرا پيغمبرانشان با دلايل روشن بسويشان مي آمدند اما آنها کفر ميورزيدند و خداوند هم بگرفتنشان که او قوي و در پيگيري سخت است (22) و موسي را نیز با آياتمان و دلايل روشن فرستاديم (23) بسوي فرعون و هامان و قارون . اما گفتند او جادوگري بسيار دروغگو است (24) و هنگاميکه با حقي از جانب ما بسويشان رفت گفتند هر کس که به او ايمان آورد پسرانشان را بکشيد و زنان و دخترانشان را نگهداريد و البته این حيله آن کافران به اصابت نرسید و نتوانستند چنین کنند (25) و فرعون به مجلس حکومتی خویش گفت بگذاريد موسي را بکشم ، تا پروردگارش را بخواند ، زيرا ميترسم آئین شما را تغيير دهد ، يا در زمين آن فساد را بوجود بیاورد (26) و موسي گفت پناه میبرم به پروردگارم که پروردگار شما هم هست از هر متکبري که به روز حساب ايمان ندارد (27) و شخصي از فرعونيان ، که ايمانش را پنهان ميداشت ، گفت آيا مردي را فقط به اين خاطر که ميگويد پروردگارم خداوند است ، و تازه از جانب پروردگارتان دلائل روشني هم برايتان آورده است ، ميکشيد؟ تازه اگر دروغگو هم باشد همان دروغ کارش را ميسازد ، اما اگر راست بگويد بعضي از آن چيزهايي که ادعا ميکند به شما ميرسد . البته خداوند هيچ اسرافکار دروغگويي را هدايـت نميکند (28) اي مردم امروز شما در اين سرزمين غالبيد . اما اگر خشمِ خدائي بسويمان بيايد چه کسي کمکمان ميکند؟ فرعون گفت رأي من همين است که گفتم و شما را جز به راه رشد هدايت نميکنم (29) و آن مومن گفت اي مردم ميترسم بر سر شما همان بيايد که بر سر آن گروه ها پیشین آمد (30) مثل آن روشي که با قوم نوح و عاد و ثمود و بعدي ها رفتار شد و البته خداوند خواستار هيچ ظلمي نسبت به بندگانش نيست (31) اي مردم براي شما از روز قیامتي که مردم همديگر را صدا ميزنند ميترسم (32) روزي که روي برميگردانيد و ميگريزيد . اما از عذاب خدا هيچ پناهگاهي نخواهيد داشت و کسي را که خداوند گمراه کند هيچ هدايت کننده اي نخواهد داشت (33) و قبلا هم يوسف با دلايل روشن بسويتان آمده بود اما شما همواره در شک بوديد تا اينکه هلاک شد . آنگاه گفتيد خداوند هرگز پس از او پيغمبري بر نخواهدگزيد و خداوند هر اسرافگر شکاکي را چنين گمراه ميکند (34) همانها که در آيات خدا بدون دليلي که به سويشان آمده باشد مجادله مي کنند . که اين سبب بوجود آمدن خشم بزرگي نزد خداوند و مومنان است . چنين است که خداوند بر قلب هر متکبر جباري مهر ميزند (35) و فرعون گفت اي هامان برايم قصر بلندي بساز شايد به آن اسباب برسم (36) همان اسباب آسمانها . تا اينکه به خداي موسي اشراف پيدا کنم . چونکه گمان ميکنم دروغگو باشد و چنين بود که عمل زشت فرعون برايش زيبا جلوه داده شد و او را از راه درست بازداشت و حيله فرعون مگر در جهت نابوديش عمل نکرد (37) و آن مومن گفت اي مردم مرا پيروي کنيد تا شما را به راه رشد هدايتتان کنم (38) اي مردم جز اين نيست که اين زندگي دنيا برخورداريي اندک است اما آخرت خانه قرارگاه هميشگي است (39) هر کس که عمل بدي کند فقط به مثل آن مجازات ميشود اما هر کس که عمل شايسته اي کند چه زن باشد و چه مرد ، و ايمان هم داشته باشد ، داخل بهشت ميشود که در آن بي حساب روزي خواهد داشت (40) اي مردم! چه تان شده که من شما را به سوي نجات دعوت ميکنم اما شما مرا به سوي آتش ميخوانيد؟ (41) مرا ميخوانيد که به خداوند کفر ورزم و چيزي را که علمي به آن ندارم با او شريک کنم و من بسوي آن عزتمند آمرزشگر دعوتتان ميکنم (42) چيزي که هست اين است که آنچه شما مرا به آن ميخوانيد ، نه در دنيا و نه در آخرت شايستگيی ندارد ، و بازگشتگاه همگي بسوي خداوند است و اسرافگران هم ياران آتشند (43) البته بزودي بياد خواهيد آورد که چه به شما ميگفتم . و من البته کارم را به خداوند واگذار ميکنم که خداوند به بندگانش بينا است (44) پس خداوند از بديهاي آنچه که راجع به او حيله ميکردند حفظش کرد و آن عذابِ بد بر آل فرعون فرود آمد (45) آن آتش ، صبحگاهان و شامگاهان بر آنها عرضه ميشود و روزي هم که قيامت بپا شود ندا ميشود آل فرعون را به عذاب شديد داخل کنيد (46)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : نکوهش کافران که عليرغم الطاف الهي با اصرار و لجبازي باحق مخالفت مي کنند .**

**درب : توجه نکردن به عاقبت تکذیبگران پیشین سبب بروز رفتار قابل نکوهش است و ذکر نمونه­اي از لجبازي یکی از قوی پنجه ترینِ اقوام پيشين.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 فرموده : توجه به مطالب این قرآن، و صفات ذکر شده الهی، رافع لجبازی و کفر می­شود ، و تکذیب پیامبران مطلب جدیدی نیست ، اما از حد که بگذرد سبب نابودی در دنیا و عذاب آخرت می­شود ، و دست اندرکاران امور جهان خواهان موفقيت نهايي مومنان­اند ، و توجه نکردن به عاقبت آخرتی سبب بروز رفتار قابل نکوهش است و نکوهش شدیدتر هنگامی خواهد بود که جهان آخرت برپا شود و خاسران ببینند چه بر سر خود آورده­اند .

در این پاراگراف می فرماید : تکذیبگران مهم ترِ قبلی نیز مورد هلاکت قرار گرفتند و سران کافران خیال نکنند که ما برخوردبا آنها را حتما تا قیامت عقب می اندازیم ، بلکه ممکن است درهمین جهان هم (درصورتیکه ازحدودی تجاوزکنند) آنها را به عذاب هلاکت دچارکنیم وعذاب آخرتی شان هم محفوظ باشد مثلا فرعون و پیروان او نیز در مقابل سخن حق ، که چه از طرف پیامبرشان و چه از جانب فردی از میان خودشان بطور مفصل و مستدل مطرح میشد ، تکذیب و لجبازی پیشه کردند به هلاکت رسیدند .

3 - **سوالات**

1 - حالت کلی این پاراگراف چیست؟ (امیدواری ؟ هشدار ؟ هردو؟ یا...؟)

2 – کلمه «واق» با کدام کلمه پرتکرار قرآنی هم ریشه است؟

3 – با توجه به سوال قبل ، برای معنی کلمه مورد سوال مثالی بزنید.

4 - آیا آیه21(چنانکه میگویند) تشویق به مسافرت است؟ (توضیح دهید)

5 – منظور از«سلطان مبین» (آیه23) چیست؟

6 – منظور از «ضلال» (آیه25) چیست؟

7 – منظور از «الارض» (آیه های26و29) چیست؟ (سرزمین مصر و اطراف؟ کل کره زمین؟یا....؟)

8 – از ظاهر آیه 28 فهمیده میشود «بینات» مورد اشاره آن فرد ِمومن ، مورد اعتراف فرعون وسران قوم او بوده ، سوال این است که آن «بینات» چه چیزهائی بوده؟

9 – منظور از «دعوة» (آیه43) چیست؟

10 - دراین پاراگراف یک مورد «آیه برجسته» هست . آن را مشخص کنید .

11 – در آیه 25 در باره «ابناء» ، «اقتلوا» و در باره جنس مونث بجای اینکه بگویند «بنات» گفته اند «نساء» ، و در باره رفتار با آنها گفته اند «استحیوا» . در هر دو نوع رویکرد (هم نامگذاری روی دو جنس و نوع رفتار در باره آنها) عدم مشابهتی هست ، علتش را بیان کنید .

12 – از 6 کلمه انتهای آیه 25 چه فهمیده میشود؟ (نگاه بلند مدتی نسبت به بنی اسرائیل داشتند که موفق نشدند؟ یا . . ؟)

13 - «زبان» فرعون در آیه 36 از چه نوع است؟ (طنز؟ تمسخر؟ یا . . ؟)

14 – آیه 40 سخن کیست؟

15 – آیه 45 میگوید آن مومن سالم ماند و روایات میگویند اورا کشتند و حتی او را ریز ریز کردند ، ما میگوئیم در خود متن آیه 45 قرینه ای هست که آن نوع روایات را تخطئه و تکذیب میکند ، آن قرینه چیست؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

در زمان نزول این سوره رهبران جبهه مخالفت با آنحضرت ، این جمع بندی را داشتند که به هیچوجه نباید کوچکترین موافقتی با آنحضرت کنند ، اما در بین آنان کسانی هم بودند که قلبا با آنحضرت بوده و در مواقع حساس به نفع مواضع آنحضرت اظهاراتی میکردند اما جرات اظهار صریح و رسمی ایمان را نداشتند .

**5 – کلیدهای تفسیری**

1 - آیه های 34 و 35 فرع اند بر ماقبل خویش .

2 - در اواسط آیه 46 «ویوم تقوم الساعه» پرانتزی است .

3 - «ویوم تقوم الساعه» در قیامت و بقیه مربوط به برزخ است .

**6 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند ، لذا آنها هم کم و بیش همانطور می فهمیده اند که ما.

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

پیامبر (ص) از قول خداوند به فعالان کافرانِ معاصر نزول این سوره میگوید شما که از فرعون و هامان و قارون قوی پنجه تر و ثروتمند تر نیستید ، کاری نکنید که به عاقبت آنان دچار شوید .

از طرف دیگر به سمپات های دعوت خویش میگوید ، حالا هر محظوری هم که داشته باشید ، فعلا اعتقاد خویش را داشته باشید و اگر نمی توانید علنی هم کنید ، اما ، در جاهای حساس موضع صحیح بگیرید .

**8 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیه 44 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**9 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیات 21 تا 45 از این لحاظ که به اقوامِ درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب 1400 سال قبل.

آیه های 45 و 46 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 21 و 22 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**صاحبان زر و زور و تزویر علیه پیامبران**

با توجه به آیه 24، فرعون و هامان و قارون در جبهه مقابل حضرت موسی بودند. فرعون رئیس حکومت مصر و هامان نیز یکی از کارگزاران مهم همان حکومت بوده است.

اما تاکنون (با توجه به لیست ترتیب نزول سوره­ها) نامی از قارون نشنیده بودیم اما اجمالاً قارون مرد بسیار ثروتمندی بوده و در سوره قصص (که برحسب ترتیب نزول، چند سوره بعدتر است) ذکری از او به میان آمده است.

اما چیزی که در اینجا با آن مواجهیم این است که رئیس سیاسی حکومت و مدیر اجرائی همان حکومت و یک فرد بسیار ثروتمند در جبهه واحدی علیه حضرت موسی(ع) قرار گرفته­اند.

یعنی سیستم سیاسی و اجرائی و سیستم اقتصادی علیه او قرار گرفته­اند.

یعنی در پیام حضرت موسی چیزی بوده که سیستم سیاسی، و سیستم اجرائی، و سیستم اقتصادی را به وحشت انداخته است.

**دروغگو، جادوگر**

با توجه به آیه 24 از آن جهت آنحضرت را جادوگر نامیده بودند که می­دیدند در سخنان او چیزیست که مردم را جذب می­کند ، و از این جهت او را دروغگو می­نامیدند که جاذبه او را از بین برده و مردم را از او دور و متنفر کنند .

**تهمت و تهدید**

با توجه به آیه 25 جادوگر و دروغگو خواندن آنحضرت ، مقابله ذهنی ، و تهدیدِ عملیِ پیروانِ احتمالیِ آن حضرت ، مقابله عملی آنها بود.

بعبارت دیگر، آنها به زبان او را جادوگر و دروغگو می­خواندند و با آنچه در آیه 25 اشاره شد ، ترسی ایجاد می­کرده­اند که کسی تمایل به پیروی از آنحضرت را در سر نپروراند .

**حکومت سلطنتی مشروطه**

با توجه به آیه 26 معلوم می­شود حکومت فراعنه آنطور نبود که فقط قائم به یک فرد باشد ، بلکه نوعی «مجلس تصمیم­گیری» داشت که فرعون «مجری مصوبات» آن بود . لذا در سلسله مراتب قدرت ،(ازلحاظ رسمی) فرعون پائین­تر از آن مجلس تصمیم­گیری قرار داشت .

یعنی مثلاً مانند امروز که نخست وزیر در مقابل مجلس مسئول است ، در آنجا هم شبیه چنین چیزی بوده و مجلسی بوده که فرعون در مقابل آن مسئول بوده و برای کشتن حضرت موسی احتیاج به تصویب آن مجلس داشته است .

**امتحان حقانیت**

چیزی که از آیه 26 فهمیده میشود ظاهراً نوعی امتحان حقانیت بوده است .

یعنی اینکه مگر موسی نمی­گوید پیامبر است؟ ما او را می­کشیم ، اگر او راستگو باشد ، خدایش را خواهد خواند و خدایش نخواهد گذاشت ما او را بکشیم و به این ترتیب حقانیت او روشن می­گردد ، اما اگر کسی کمکش نکرد و ما موفق شدیم او را بکشیم پس معلوم می­شود او دروغگو بوده است .

این شیوه شناختِ حقانیتِ ادعاها در قدیم (لااقل می­دانیم در اروپای قرون وسطی و قبل از آن) عادی بوده و اگر کمی به عمق این طرز تفکر دقت کنیم ملاحظه خواهد شد که این نهایت بی­قانونی و تعریف نشدن حقوق انسانها و موکول شدن فصل دعاوی به امور مجهول بوده و لااقل این را نیز می­دانیم که در هیچ نقطه­ای که اسلام به آن راه یافته ، دیگر این نوع وحشیگریها دیده نشده است .

**اعتراف ضمنی**

همچنین باز هم از همان آیه 26 فهمیده می­شود که جمله «می­ترسم دینتان را تغییر دهد» یعنی اینکه آنها فکر می­کردند دینشان بهتر بوده و دین مورد تبلیغ موسی بدتر بوده و فرعون می­خواسته دین بهتر خودشان را در مقابل دین بدتر موسی حفظ کند. هرچه بوده ، آنها با این نوع برخورد یعنی برخورد فیزیکی بجای برخورد عقلی و استدلالی ، اعتراف نموده بودند که دینشان از لحاظ عقلی و استدلالی ضعیف است و چون از این نظر کم می­آوردند می­خواستند از نیروی نظامی خویش کمک بگیرند .

**«مومن آل فرعون»**

ضمن آیات 44-28 مطلبی از آن مردی که در آیه 28 به او اشاره شده نقل می­شود که در نوع خود بسیار عجیب و قابل تأمل است :

اولاً از این لحاظ که این معارف نوعاً بالا و بلند مرتبه و در حد معارف مورد تبلیغ قرآن است .

ثانیاً از این لحاظ که چگونه آن شخص که بالاخره جزء رجال حکومتی بوده به چنان معارف بالائی دست یافته بود ، زیرا به طور حتم نمی­توانسته معارف مذکور را از موسی اخذ کرده باشد ، زیرا در آن صورت به تبانی با دشمن متهم و محاکمه و کشته می­شده است . و اگر از موسی اخذ نکرده ، (که حتماً هم اخذ نکرده زیرا آدم محتاطی بوده) پس از کجا به آن معارف بلند مرتبه رسیده؟

راهی نمی­ماند جز اینکه قبول کنیم آن معارف در آن محیط وجود داشته اما مورد توجه و استقبال عمومی نبوده است .

(مثلاً از معارف و تعلیمات دوره حضرت یوسف (که در آیه 34 به او اشاره شده) چیزی مانده بوده که مورد توجه و مطالعه آن شخص واقع شده و او شخصاً در مدتی طولانی آن مطالب را پیگیری کرده و جذب آن شده و در نتیجه به چنان شخصیت وزینی تبدیل شده است)

همچنین از آیه­های این پاراگراف فهمیده می­شود که در آن «مجلس» چنین سنت بوده که باید موافق و مخالف صحبت می­کردند و نتیجه به رأی گذاشته می­شد و همچنین فهمیده می­شود در آن مجلس نوعی «مصونیت پارلمانی» وجود داشته و اظهارنظر مخالف فرعون ایرادی نداشته است .

**معارف عمومی مرتبط با پیامبران در زمان فرعون وجود داشته**

با توجه به آیه 31 چنانکه می­دانیم تمدن مصر در «دوره تاریخی» است و از آن زمان دستخط­ها و سنگ نبشته­ها و طومارها و سکه­ها و اشیاء و ظروف و البسه و ساختمانها و بسیاری از علائم و شواهد تمدنی بجا مانده و فاصله زمانی آنها با ما نیز معلوم است . اما قوم عاد و نوح و ثمود مربوط به «قبل از تاریخ» است و چنین نشانه­هائی دال بر وجود آنها یا کیفیت زندگی آنها موجود نیست .

از این آیه معلوم می­شود علاوه بر آن شخص مؤمن ، مستمعان او نیز، به وجود اقوامی مانند قوم نوح و عاد و ثمود اعتقاد داشتند .

در اینصورت این سئوال پیش می­آید که آنها چگونه به وجود آن اقوام علم و اشراف پیدا کرده بودند؟

اگر کسی بگوید این مطالب جزء تعالیم حضرت یوسف بوده ، نمی­توانیم قبول کنیم زیرا از آیه 34 فهمیده می­شود که آنها چندان ایمانی به یوسف (از لحاظ پیغمبری او) نداشتند اما چون حضرت یوسف یک رجل حکومتی بوده ، از لحاظ سلسله مراتب حکومت و در همان حد ضوابط اداریِ حکومتی اطاعتش می­کرده­اند .

در این صورت به همان سئوال برمی­گردیم که آن مردم چگونه بر اقوامی مانند قوم نوح و عاد و ثمود اشراف و اطلاع داشتند؟

باید چنین تصور کرد که درست است که ما اطلاعاتی از اقوام فوق نداریم اما این دلیل نمی­شود که آنها هم که هزاران سال به آن اقوام از ما نزدیک­تر بودند نیز دلیلی و اطلاعاتی راجع به آنها نداشته باشند .

**تکنولوژی بالای تمدن مصر در آن زمان**

در رابطه با آیه­های 37-36 باید توجه کنیم که در آن زمانها ساختن «قصر بلند» با آن امکانات و تکنولوژی پائین (که هنوز چرخ و اهرم هم اختراع نشده بود) چه شاهکار عظیمی بود ، و فرعون که توان و امکانات ساختن چنین چیزی را داشت ، چقدر می­توانست مغرور و مفتخر باشد ، حتی آنقدر که خود را از همه چیز و همه کس بالاتر بداند.

با وجود این از آیه­های فوق درک بسیار کودکانه و جهان­بینی بسیار حقیرانه­ای به چشم می­خورد که جدا شایسته کسی که حاکم یک سرزمین ثروتمند قدرتمند است نمی­باشد .

از مجموع آیه­های 44-42-41 فهمیده می­شود که «مجلس» مورد بحث که سخنان آن مرد و سخنان فرعون را شنیده بود بالاخره پس از شور، سخنان فرعون را ترجیح داد و تصمیم خویش را اتخاذ کرد و آن مرد در اقلیت قرار گرقت .

فهمیده می­شود که آن مرد بر سر دو راهی قرار گرفت که یا باید به راه اکثریت تغییر مسیر می­داد یا دچار ناراحتی می­شد که مورد لطف و عنایت و حمایت الهی قرار گرفت و از مکر فرعونیان محفوظ ماند.

**جمع بندی و تفسیر**

**آيا در زمين نميگردند تا ببينند عاقبت پيشينيانشان چه شد؟ همانها که از اينان ، هم قوي تر بودند ، و هم آثار بيشتري بجا گذاشتند. اما خداوند بسبب گناهانشان بگرفتشان و کسي آنها را عليه خداوند نگهدار نبود (21)**  {اين، به آن سبب بود که پيغمبرانشان با دلايل روشن بسويشان مي آمدند اما آنها کفر ميورزيدند. پس خداوند بگرفتنشان که او قوي، و در پيگيري سخت است }(22) **و البته موسي را با آياتمان و دليلي روشن فرستاديم (23) بسوي فرعون و هامان و قارون . پس گفتند جادوگريست بسيار دروغگو (24) و هنگاميکه با حقي از جانب ما بسويشان رفت گفتند هر کس که به او ايمان آورد پسرانشان را بکشيد و زنان و دخترانشان را نگهداريد** {و حيله آن کافران جزدر گمراهيي نبود} **(25) و فرعون گفت بگذاريد موسي را بکشم و تا پروردگارش را بخواند زيرا ميترسم آئین شما را تغيير دهد ، يا در زمين آن فساد را ظاهر کند (26) و موسي گفت به پروردگارم که پروردگار شما هم هست از هر متکبري که به روز حساب ايمان ندارد پناه میبرم (27) و شخصي از فرعونيان ، که ايمانش را پنهان ميداشت ، گفت آيا مردي را فقط به اين خاطر که ميگويد پروردگارم خداوند است ، و تازه از جانب پروردگارتان دلائل روشني هم برايتان آورده است ، ميکشيد؟ تازه اگر دروغگو هم باشد همان دروغ کارش را ميسازد ، اما اگر راست بگويد بعضي از آن چيزهايي که ادعا ميکند به شما ميرسد . البته خداوند هيچ اسرافکار دروغگويي را هدايـت نميکند (28) اي مردم امروز شما در اين سرزمين غالبيد . اما اگر خشمِ خدائي بسويمان بيايد چه کسي کمکمان ميکند؟ فرعون گفت رأي من همين است که گفتم و شما را جز به راه رشد هدايت نميکنم (29) و آن مومن گفت اي مردم من ميترسم بر سر شما همان بيايد که بر سر آن گروه ها آمد (30) مثل آن روشي که با قوم نوح و عاد و ثمود و بعدي ها رفتار شد و البته خداوند خواستار هيچ ظلمي نسبت به بندگانش نيست (31) اي مردم براي شما از روز**(قیامت)**ي که مردم همديگر را صدا ميزنند ميترسم (32) روزي که روي برميگردانيد و ميگريزيد . اما از عذاب خدا هيچ پناهگاهي نخواهيد داشت و کسي را که خداوند گمراه کند هيچ هدايت کننده اي نخواهد داشت (33) و قبلا هم يوسف با دلايل روشن بسويتان آمده بود اما شما همواره در شک بوديد تا اينکه هلاک شد . آنگاه گفتيد خداوند هرگز پس از او پيغمبري بر نخواهدگزيد** {خداوند هر اسرافگر شکاکي را چنين گمراه ميکند (34) همانها که در آيات خدا بدون دليلي که به سويشان آمده باشد مجادله مي کنند . که اين سبب خشم بزرگي نزد خداوند و مومنان است . چنين است که خداوند بر قلب هر متکبر جباري مهر ميزند}(35) **و فرعون گفت اي هامان برايم قصر بلندي بساز شايد به آن اسباب برسم (36) همان اسباب آسمانها . تا اينکه به خداي موسي اشراف پيدا کنم . چونکه گمان ميکنم دروغگو باشد و چنين بود که عمل زشت فرعون برايش زيبا جلوه داده شد و از آن راه** (درست) **بازداشت و حيله فرعون مگر در جهت نابودي عمل نکرد (37) و آن مومن گفت اي مردم مرا پيروي کنيد تا شما را به راه رشد هدايتتان کنم (38) اي مردم جز اين نيست که اين زندگي دنيا برخورداريي** (اندک) **است اما آخرت خانه قرارگاه هميشگي است (39) هر کس که عمل بدي کند فقط به مثل آن مجازات ميشود اما هر کس که عمل شايسته اي کند چه زن باشد و چه مرد ، و ايمان هم داشته باشد ، داخل بهشت ميشود که در آن بي حساب روزي خواهد داشت(40) اي مردم! چه تان شده که من شما را به سوي نجات دعوت ميکنم اما شما مرا به سوي آتش ميخوانيد؟ (41) مرا ميخوانيد که به خداوند کفر ورزم و چيزي را که علمي به آن ندارم با او شريک کنم و من بسوي آن عزتمند آمرزشگر دعوتتان ميکنم (42) چيزي که هست اين است که آنچه شما مرا به آن ميخوانيد ، شايستگي براي دعوت ندارد . نه در دنيا و نه در آخرت . و بازگشتگاه همگي بسوي خداوند است و اسرافگران هم ياران آتشند (43) البته بزودي بياد خواهيد آورد که چه به شما ميگفتم . و من البته کارم را به خداوند واگذار ميکنم که خداوند به بندگانش بينا است (44) پس خداوند از بديهاي آنچه که راجع به او حيله ميکردند حفظش کرد و آن عذاب بد بر آل فرعون فرود آمد (45) آن آتش ، صبحگاهان و شامگاهان بر آنها عرضه ميشود و روزي هم که قيامت بپا شود** (ندا ميشود) **آل فرعون را به عذاب شديد داخل کنيد (46)**

**مومن3 آیات47تا59**

**وَإِذْ يَتَحَاجُّونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاء لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنتُم مُّغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِّنَ النَّارِ ﴿47﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ ﴿48﴾ وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ ﴿49﴾ قَالُوا أَوَلَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُم بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَى قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاء الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿50﴾ إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ﴿51﴾ يَوْمَ لَا يَنفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿52﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَى وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ ﴿53﴾ هُدًى وَذِكْرَى لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿54﴾ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ﴿55﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِن فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُم بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿56﴾ لَخَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿57﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ ﴿58﴾ إِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿59﴾**

**ای مردم! هنگامي را درنظر بیاورید که کافران در آتش مجادله ميکنند و ضعفاء به گردنکشان ميگويند ما تابع شما بوديم آيا حالا چيزي از آتش را از ما رفع ميکنيد؟ (47) گردنکشان ميگويند ما همگي با هم در آن هستيم . اين خداوند است که بين بندگان حکم کرده است (48) و همگی آنها که در آتش هستند به نگهبانان جهنم ميگويند از پروردگارتان بخواهيد يک دوره از عذاب را بما تخفيف دهد (49) ميگويند آيا پيغمبرانتان با دليل هاي روشن بسويتان نيامدند؟ ميگويند بلي. آنها به طعنه ميگويند پس خودتان از آن خدایانتان که در دنیا عبادتشان میکردید بخواهيد که برایتان چنین کنند . و البته خواستن کافران جز بی فایده است (50) البته ما پيغمبران خويش و نيز کساني را که در زندگي دنيا ايمان آوردند در روزي که گواهان به گواهی بپا ميخيزند ياري ميکنيم (51) روزي که معذرت خواهي ظالمان سودشان نمیدهد و لعن و سراي بد خواهند داشت (52) و ما البته به موسي آن هدايت و به بني اسرائيل نيز آن کتاب را داديم (53) که حاوي هدايت و پندي براي خردمندان است (54) پس ای پیامبر! بر مشکلات رسالتت صبر کن . وعده خداوند البته حق است و براي خطاهایت استغفار کن و پروردگارت را صبحگاهان و شامگاهان به تشکر تسبيح گوي (55) البته آنانکه بدون اينکه دليلي بسويشان آمده باشد در آيات خدا مجادله ميکنند جز اين نيست که در دلهاشان تکبري هست . آنها به دلخواه خويش نميرسند . پس به خدا پناه بر که او شنواي داناست (56) البته آفرينش آسمانها و زمين از آفرينش مردم مهم تر است وليکن اکثر مردم نميدانند (57) و کور و بينا و نيز آنانکه ايمان و عمل صالح دارند و بدکاران مساوي نيستند ، ای کافران! چقدر پند پذيري تان کم است (58) البته قيامت حتما مي آيد و شکي در آن نيست ، وليکن اکثر مردم ايمان ندارند (59)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : نکوهش کافران که عليرغم الطاف الهي با اصرار و لجبازي باحق مخالفت مي کنند .**

**درب : کافران به چنين عاقبتي بي اعتنا مي باشند وپيامبر می باید در مقابل مشکلات رسالت صبر کند و به خدا پناه ببرد .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 فرموده : توجه به مطالب این قرآن، و صفات ذکر شده الهی، رافع لجبازی و کفر می­شود ، و تکذیب پیامبران مطلب جدیدی نیست ، اما از حد که بگذرد سبب نابودی در دنیا و عذاب آخرت می­شود ، و دست اندرکاران امور جهان خواهان موفقيت نهايي مومنان­اند ، و توجه نکردن به عاقبت آخرتی سبب بروز رفتار قابل نکوهش است و نکوهش شدیدتر هنگامی خواهد بود که جهان آخرت برپا شود و خاسران ببینند چه بر سر خود آورده­اند .

در پاراگراف 2 می فرماید : تکذیبگران مهم ترِ قبلی نیز مورد هلاکت قرار گرفتند و سران کافران خیال نکنند که ما برخوردبا آنها را حتما تا قیامت عقب می اندازیم ، بلکه ممکن است درهمین جهان هم (درصورتیکه ازحدودی تجاوزکنند) آنها را به عذاب هلاکت دچارکنیم وعذاب آخرتی شان هم محفوظ باشد مثلا فرعون و پیروان او نیز در مقابل سخن حق ، که چه از طرف پیامبرشان و چه از جانب فردی از میان خودشان بطور مفصل و مستدل مطرح میشد ، تکذیب و لجبازی پیشه کردند به هلاکت رسیدند .

در این پاراگراف بخشِ مربوط به عذاب قیامت آنها برجسته شده ، تا اندکی به خویش آیند و در عین حال به آنحضرت نیز دلداری میدهد که منشاء وحی او و سایر پیامبران یکی است ، و مانع سران قومش برای گرایش ، تکبرِ بی پشتوانه است که ممکن است تدریجا رقیق شود .

**3 - سوالات**

1 – منظور از «یوما» (آیه49) چیست؟

2 - بهتراست تسبیح و تحمید الهی درچه مواقعی انجام شود؟

3 – در این پاراگراف بگومگوی جهنمی ها مطرح شده ، از این مقوله چه سابقه ای درسوره های قبلی سراغ دارید؟

4 – منظور از دو آیه 47 و 48 چیست؟ (تشویق کافران معمولی به اینکه از زیرسلطه«سران» درآیند؟یا....؟)

5 - «تک» (آیه50) از لحاظ دستورزبان چه حالتی دارد؟

6 – منظور از آیه 51 چیست؟ (روحیه بخشی به مومنان؟ تشویق کافران معمولی به خارج شدن ازسلطه «سران» و پیوستن به صفوف مسلمین؟ یا.....؟)

7 – منظور «ماهم ببالغیه» (آیه56) چیست؟

8 - «و» در «و یوم یقوم الاشهاد» از چه نوع است؟ (شروع مطلب جدید؟ ادامه مطلبِ در جریان؟ یا ...؟) (دقت کنید)

9 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (هشدار؟ یا...؟)

10 – استفهامِ موجود در اوائل آیه 50 ، از چه نوع است؟

11 - «فادعوا» در همان آیه چه توجیهی دارد؟

12 – در آیه 49 چرا فرموده ربکم و نفرموده ربنا؟

13– با توجه به آیه های 53 و 54 ، غیر «اولی الباب» راجع به «کتاب» چه وضعی دارند؟

14 – با توجه به سوال فوق ، برای اینکه شخص در «کتاب» ، «هدی» و «ذکری» داشته باشد ، باید سعی درکسب چه چیزی کند؟

15 - جواب سوال فوق چگونه بدست می آید؟ (با توضیح جواب دهید)

16 – منظور از «اورثنا» (آیه53) چیست؟

17 – با توجه به آیه 55 ، مگرخداوند چه وعده ای به پیامبر(ص) داده بود؟

18 – منظور از «سلطان» (آیه56) چیست؟

**4 – کلیدهای تفسیری**

1 - آیه های 51 و 52 فرع بر ماقبل خویش اند .

2 – همچنین است موقعیت آیه 58 .

**پرانتز بزرگ :** کل آیات 47 تا 56 یک پرانتز بزرگ است ، زیرا اگر قبل و بعدش را وصل کنیم خواهیم دید در روال سخن سکته ای حادث نمیشود .

2 - جمله «ماهم ببالغیه» (آیه56) ازلحاظ کلیدهای تفسیری «پرانتزی» است .

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه های 55 و 56 ضمن تایید آنحضرت او را به ادامه رسالتش توصیه و پیشگوئیِ عدم موفقیت فعالان مخالفت با او را میدهد .

**6 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 – نکوهش بی اعتنائی سرانِ کافران به عاقبت محتوم نامطلوب اخروی خویش،

2 – توصیه به پیامبر به صبر و پناه بری به خدا برای مقابله با این مشکلات .

**7 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیات 47 تا 52 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

همچنین است آیه 59.

آیه 57 از این لحاظ که به آفرینش اشاره دارد، از آنجا که جزئیات مکانیزمش برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم 1400 سال قبل.

**8 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 53 و 54 و 55 و 57 و 59 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**ربکم و فادعوا**

در آیه 49 ، اینکه اهل جهنم به مسئولان جهنم میگویند از «پروردگارتان» درخواست کنید و نمیگویند «پروردگارمان» ، از باب خجالت کشیدن است که رویشان نمی شود با آنهمه سیاهی پرونده بگویند پروردگارمان ، و ماهم همینگونه سخن میگوئیم مثلا وقتیکه بچه ها یک گندی میزنند میگوئیم خانم/آقا بچه ات راجمعش کن ، اما وقتیکه افتخاری می آفریند میگوئیم بچه خودمه . در آنجا هم که میدانند عمری را طوری صرف کرده اند که گویا خداوند خدای آنها نیست در آنجا – که فهمیده اند جای زرنگ بازی و فرصت طلبی نیست – رویشان نمیشود که خداوند را به خویش نسبت دهند و از این بابت است که میگویند ربکم .

«فادعوا»ی آیه 50 هم از باب سرکوفت است ، که مگر شما عمری خدایانی را شریک خداوند حساب نمیکردید؟ حالا هم خواهشتان را با همانها مطرح کنید . البته میتوان که آنها هنوز هم آدم نشده اند و دنبال واسطه میگردند .

**عذاب روحی**

عذاب جهنم غیر از خود عذاب ، سه خصوصیت دیگرهم دارد : بگو مگوی بی حاصل اهل جهنم ، درخواست بی فایده تخفیف ، سرکوفت مدیران جهنم به معذبان که مگر در دنیا پیغمبران بسویتان نیامده بودند؟

**«گناه پیامبران»**

در موضوع فوق ذیل آیات 48 تا 50 سوره قلم و ابتدای سوره عبس عرضی کرده­ایم .

**جمع بندی و تفسیر**

**و هنگامي** (را درنظر بیاور) **که آنها در آتش مجادله ميکنند و ضعفاء به گردنکشان ميگويند ما تابع شما بوديم آيا حالا چيزي از آتش را از ما رفع ميکنيد؟ (47) گردنکشان ميگويند ما همگي با هم در آن هستيم. اين خداوند است که بين بندگان حکم کرده (48) و آنها که در آتش هستند به نگهبانان جهنم ميگويند از پروردگارتان بخواهيد يک دوره از عذاب را بما تخفيف دهد(49) ميگويند آيا پيغمبرانتان با دليل هاي روشن بسويتان نيامدند؟ ميگويند بلي. ميگويند پس خودتان** (از خدایانتان که در دنیا عبادتشان میکردید) **بخواهيد . و خواستن کافران جز در گمراهي نيست (50)** {البته ما پيغمبران خويش را و نيز کساني را که در زندگي دنيا ايمان آوردند در روزي که گواهان بپا ميخيزند ياري ميکنيم (51) روزي که معذرت خواهي ظالمان سودشان ندهد و لعن و سراي بد خواهند داشت}(52) **و ما البته به موسي آن هدايت و به بني اسرائيل نيز آن کتاب را داديم (53) که حاوي هدايت و پندي براي خردمندان است (54) پس صبر کن . وعده خداوند البته حق است و براي گناهت استغفار کن و پروردگارت را صبحگاهان و شامگاهان ، به حمد ، تسبيح گوي (55) البته آنانکه بدون اينکه دليلي بسويشان آمده باشد در آيات خدا مجادله ميکنند جز اين نيست که در دلهاشان تکبري هست . آنها به دلخواه خويش نميرسند. پس به خدا پناه بر که او شنواي داناست (56) البته آفرينش آسمانها و زمين از آفرينش مردم مهم تر است وليکن اکثر مردم نميدانند (57)** {و کور و بينا و نيز آنانکه ايمان و عمل صالح دارند و بدکاران نیز مساوي نيستند. (ای کافران) پند پذيري تان چقد ر کم است} (58) **البته قيامت حتما مي آيد و شکي در آن نيست . وليکن اکثر مردم ايمان ندارند (59)**

**مومن4 آیات60تا68**

**وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ﴿60﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿61﴾ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ﴿62﴾ كَذَلِكَ يُؤْفَكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿63﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاء بِنَاء وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿64﴾ هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿65﴾ قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءنِيَ الْبَيِّنَاتُ مِن رَّبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿66﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّى مِن قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿67﴾ هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ ﴿68﴾**

**ای پیامبر! به مردم بگو پروردگارتان گفت مرا بخوانيد تا اجابتتان کنم. آنانکه از عبادتم گردنفرازي مي کنند بزودي بخواری داخل جهنم خواهند شد (60) هموست که شب را برايتان مایه آرامش و روز را روشني بخش ساخت . او البته نسبت به مردم بخشنده است ليکن اکثر شان شکر نميگزارند (61) اين است خداوندِ پروردگارتان . همه چيز را آفريد . خدائي جز او نيست . پس به کجا منحرف ميشويد (62) آنان که با آيات خدا دشمني ميکنند در اثر بی توجهی به آیات و صفات و نعمت های خداوندی اینطور منحرف ميشوند (63) خداوند است که زمين را براي شما قرارگاه و آسمان را بنا کرد و شما را صورتگري و صورتهايتان را نيکو نمود و از چيزهاي خوشايند روزيتان داد . اين خداوندِ پروردگارتان است. چه پر فایده است پروردگار جهانيان (64) زنده است. خدائي جز او نيست. پس او را در حالي كه دين خويش را براي او خالص مي كنيد به دعا بخوانيد. ستايش خاص اوست که پروردگار جهانيان است (65) بگو نهي شده ام آنهايي را که شما غير از خدا ميخوانيد عبادت کنم. آنهم پس از اينکه اين دليلهاي روشن از سوي پروردگارم به سويم آمده، بلکه مأمور هستم که تسليم پروردگار جهانيــان باشم (66) همو که شما را از خاک آفريد ، سپس از نطفه اي ، و سپس ازعلقه اي ، و سپس بصـــورت طفلي در آورد ، سپس به حدي از قوت ، و سپس تا به پيري برسيد. بعضي از شما قبل از آن و بقيه تا سرآمدي معين فوت مي نمائيد و شايد تعقل کنيد (67) هموست که زنده ميکند و ميميراند . و هنگامي که امري را بگذراند جز اين نيست که به آن ميگويد« باش» و سپس آن امر به سرانجام ميرسد (68)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : نکوهش کافران که عليرغم الطاف الهي با اصرار و لجبازي باحق مخالفت مي کنند .**

**درب : بي توجهي به خداوند و آيات و الطاف او يکي از علل مهم رفتارهاي کافرانه است .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 فرموده : توجه به مطالب این قرآن، و صفات ذکر شده الهی، رافع لجبازی و کفر می­شود ، و تکذیب پیامبران مطلب جدیدی نیست ، اما از حد که بگذرد سبب نابودی در دنیا و عذاب آخرت می­شود ، و دست اندرکاران امور جهان خواهان موفقيت نهايي مومنان­اند ، و توجه نکردن به عاقبت آخرتی سبب بروز رفتار قابل نکوهش است و نکوهش شدیدتر هنگامی خواهد بود که جهان آخرت برپا شود و خاسران ببینند چه بر سر خود آورده­اند .

در پاراگراف 2 می فرماید : تکذیبگران مهم ترِ قبلی نیز مورد هلاکت قرار گرفتند و سران کافران خیال نکنند که ما برخوردبا آنها را حتما تا قیامت عقب می اندازیم ، بلکه ممکن است درهمین جهان هم (درصورتیکه ازحدودی تجاوزکنند) آنها را به عذاب هلاکت دچارکنیم وعذاب آخرتی شان هم محفوظ باشد مثلا فرعون و پیروان او نیز در مقابل سخن حق ، که چه از طرف پیامبرشان و چه از جانب فردی از میان خودشان بطور مفصل و مستدل مطرح میشد ، تکذیب و لجبازی پیشه کردند به هلاکت رسیدند .

در پاراگراف 3 بخشِ مربوط به عذاب قیامت آنها برجسته شده ، تا اندکی به خویش آیند و در عین حال به آنحضرت نیز دلداری میدهد که منشاء وحی او و سایر پیامبران یکی است ، و مانع سران قومش برای گرایش ، تکبرِ بی پشتوانه است که ممکن است تدریجا رقیق شود .

در این پاراگراف می فرماید : به افعال و نعمتها و صفات الهی توجه کنید .

**3 - سوالات**

1 - چراخداوند دراین پاراگراف ضمیر«من» را زیاد بکاربرده ، اما حتی یکبار هم ضمیر«ما» رابکارنبرده؟ (قال ادعونی استجب عبادتی جعل خالق هو الله جعل صوّر هو ه له خلق یخرج هو یحیی یمیت یقول)

2 – چرا در آیه 60 بجای «استجب» نفرموده «اجب»؟

3 – چرا خداوند ازمیان آنهمه صفات ممکن این صفات را اختیار فرموده؟ (ذوفضل علی الناس ، رب العالمین ، رب العالمین ، رب العالمین)

4 - نسبت این پاراگراف با پاراگراف قبل چیست؟

5 - چه سابقه ای از آیه های 61 و 64 در سوره های قبلی دارید؟

6 - این پاراگراف چه حالتی دارد؟ (ایجاد انفعال درکافران معمولی-ازطریق برانگیختن عواطفشان نسبت به مرکزارسال دائمی لطف و محبت به آنها- تا به راه بپیوندند؟یا....؟)

**7 – کلیدهای تفسیری**

1 – آیه های 62 و 63 فرع بر ماقبل خویش اند .

2 – آیه 66 نیز .

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

ذکر شمه ای از آیات و صفات و نعمت های الهی که تفکر و تعمق در آنها ممکن است رافع جحود و اصرار بر کفر شود .

**9 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیه 60 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**10 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه 60 در باره دعاء است و از آنجا که مکانیزم اجابتش تعریف نشده نه تنها بالاتر از ذهنیات معاصران نزول است بلکه راجع به ما نیز چنین است.

آیه های 61 و 62 و 64 و 67 و 68 از این لحاظ که به آفرینش اشاره دارد، از آنجا که جزئیات مکانیزمش برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم 1400 سال قبل.

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 61 و 62 و 63 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**آفرینش از «خاک»**

با توجه به آیه 67 اگر برعکسِ ترتیب مذکور بخوانیم اینطور می­شود: طفل، قبل از آن علقه ، قبل از آن نطفه ، و قبل از آن خاک.

این دگردیسی برای همه هست و لذا همه «از خاک» آفریده شده­اند.

اگر دقت کنیم این عبارتِ «از خاک» مربوط به مرحله قبل از مرحله «نطفه» بودن انسان است .

یعنی مواد پیدایش هر فرد انسانی در زمین است (بصورت غذاها و غیره) و هنوز جذب بدن زن و مرد نشده است تا بعداً بصورت نطفه درآید .

اگر این «همه از خاک آفریده شده اند» را با توجه به مطلب فوق در ذهن خویش بپرورانید این نتیجه حاصل می شود که «آفرینش از خاک با داشتن پدر و مادر مغایر نیست»

یعنی آدمی میتواند هم پدر و مادر داشته باشد ، هم از خاک آفریده شده باشد.

این موضوع مغایر تولد حضرت عیسی (ع) نیزاز خاک [ که قرآن درباره او گفته «خلقه من تراب» (او را از خاک آفرید)] نمی­شود زیرا چنانکه میدانیم حضرت عیسی (ع) مادر راکه داشت ، و بجای پدر هم «قائم­مقام پدر» را داشت ، زیرا در قرآن فرموده «قال انما انا رسول ربک لا هب لک غلاما زکیا» (گفت جز این نیست که من فرستاده پروردگارت هستم که به تو پسری پاک عطا کنم)

اگر همین سلسله زنجیر استدلالی را در ذهن خویش ادامه دهیم به کجا میرسیم؟ به آدم!

گرچه او نیز «از خاک» آفریده شده ، اما این موضوع مغایرتی با لزوم داشتن پدر و مادر [ یا لااقل مادر و قائم­مقام پدر، یا از آن هم پائین­تر قائم­مقام مادر و قائم­مقام پدر ] ندارد .

بنابراین «آفرینش از خاک» یعنی اینکه مواد تشکیل­دهنده بدن شما منشاء خاکی دارد ، و این چیزیست (که با تعبیر فوق اینک )کاملا مفهوم شده است.

**آیات بسیار صمیمانه**

در این پاراگراف صمیمیت بسیار زیادی نسبت به مردم اظهار شده ، بطوری که :

1 - در تمام این آیات ، راجع به خداوند از حالت گوینده فردی (که در فارسی با کلمه «من» بیان میشود) بکار رفته ، مثلا : [قال ربکم ادعونی استجب عبادتی الذی جعل ذوفضل ربکم خالق هو الذی جعل صوّر احسن رزق ربّ تبارک ربّ خلق یخرج هو الذی یحیی یمیت قضی یقول]

2 – در تمام این پاراگراف بسیار از کلمه «شما» استفاده شده [ربکم لکم لکم تسکنوا الناس الناس ربکم لکم صورکم صورکم رزقکم ربکم ادعوه خلقکم یخرجکم تبلغوا اشدکم تکونوا منکم تبلغوا تعقلون]

3 – در تمام این آیات یکبار هم از حالت گوینده جمعی که در فارسی با کلمه «ما» مشخص میشود (مانند خلقنا و جعلنا و رزقنا و صورنا و . . نا) استفاده نشده است .

**رفع یک خرافه**

بسیاری ، از قبیل وعاظ وغیره ، با اشتشهاد به آیه 60 همین سوره ، و نیز آیه «انی قریب اجیب دعوه الداع اذا دعان . . .» سوره بقره ، مطالبی میگویند که در مخاطب این طمع را ایجاد میکند که برای هر مشکلی باید به ادعیه و توسلات دست یازید و البته (چنانکه تجربه بشری نشان میدهد) این یک توقع بیجا است .

«دعا» از لحاظ لغت به معنی «صدازدن» است ، و اینکه چرا معمولا کسی شخصی را صدا میزند دلایل مختلفی دارد ، از جمله توجه او را به خویش جلب کردن و یا با او مکالمه نمودن و یا . . و البته گاهی هم درخواستِ رفع حاجت هم هست ، اما درخواست رفع حاجت بی مقدمه و باصطلاح ابتدا به ساکن رخ نمیدهد و می باید بین داعی و مدعوّ سابقه ای و الفتی و رابطه ای و صمیمیتی موجود بوده باشد تا داعی از مدعو رفع حاجت خویش را بخواهد .درس و درب بما میگوید مضمون این سوره و این پاراگراف این است که ای لجبازان! دست از مخالفت لجبازانه با تعالیم این پیامبر بردارید و با خداوند رابطه صمیمانه ای برقرار کنید ، همان خدائی که اینقدر باشما صمیمی است .

**جمع بندی و تفسیر**

**و پروردگارتان گفت مرا بخوانيد تا اجابتتان کنم. آنانکه از عبادتم گردنفرازي مي کنند بزودي بخواری داخل جهنم خواهند شد(60) هموست که شب را برايتان مایه آرامش، و روز را روشني بخش ساخت. او البته نسبت به مردم بخشنده است ليکن اکثر شان شکر نميگزارند (61) اين است خداوندِ پروردگارتان. همه چيز را آفريد . خدائي جز او نيست . پس به کجا منحرف ميشويد (62)** {آنان که با آيات خدا دشمني ميکنند اینطور منحرف ميشوند}(63) **خداوند است که زمين را براي شما قرارگاه و آسمان را بنا کرد و شما را صورتگري و صورتهايتان را نيکو نمود و از چيزهاي خوشايند روزيتان داد . اين خداوندِ پروردگارتان است. چه پر فایده است پروردگار جهانيان (64) زنده است. خدائي جز او نيست. پس او را در حالي كه دين خويش را براي او خالص مي كنيد بخوانيد. ستايش خاص اوست که پروردگار جهانيان است (65)** {بگو نهي شده ام آنهايي را که شما غير از خدا ميخوانيد عبادت کنم. آنهم پس از اينکه اين دليلهاي روشن از سوي پروردگارم به سويم آمده، بلکه مأمور هستم که تسليم پروردگار جهانيــان باشم}(66) **همو که شما را از خاک آفريد ، سپس از نطفه اي ، و سپس ا زعلقه اي ، و سپس بصـــورت طفلي در آورد ، سپس به حدي از قوت و سپس تا به پيري برسيد. بعضي از شما قبل از آن و** (بقيه) **تا سرآمدي معين فوت مي نمائيد و شايد تعقل کنيد (67) هموست که زنده ميکند و ميميراند . و هنگامي که امري را بگذراند جز اين نيست که به آن ميگويد« باش» و آن ميشود (68)**

**مومن5 آیات69تا85**

**أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّى يُصْرَفُونَ ﴿69﴾ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿70﴾ إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ ﴿71﴾ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ﴿72﴾ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿73﴾ مِن دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَل لَّمْ نَكُن نَّدْعُو مِن قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ ﴿74﴾ ذَلِكُم بِمَا كُنتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ تَمْرَحُونَ ﴿75﴾ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ﴿76﴾ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ﴿77﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُم مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُم مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاء أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ ﴿78﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿79﴾ وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿80﴾ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنكِرُونَ ﴿81﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿82﴾ فَلَمَّا جَاءتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِندَهُم مِّنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُون ﴿83﴾ فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ ﴿84﴾ فَلَمْ يَكُ يَنفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ ﴿85﴾**

**ای پیامبر! آيا نديدي کساني که در آيات خدا مجادله ميکنند به کجا منحرف ميشوند؟ (69) همانها كه آن کتاب و آنچه رسولانمان براي ابلاغ آن آمده اند را تکذيب مي کنند و بزودي خواهند فهميد (70) وقتي که غل ها و زنجيرها بر گردنهايشان قرار گرفت و کشيده شدند (71) در آب جوشان ، آنگاه در آتش بيفتادند (72) آنگاه به آنها گفته ميشود کجا هستند آن چيزهائي که غیر خدا شريک ميگرفتيد (73) ميگويند گمشان کرديم . بلکه قبلا هم چيزي را به شرک نميخوانديم . خداوند کافران را چنين گمراه ميکند (74) به آنها گفته میشود اين به آن سبب است که شما در زمين به ناحق شادي ميکرديد و در آن شادي ناحق افراط هم ميکرديد (75) اینک داخل درب هاي جهنم شويد که در آن جاودان خواهيد بود و چه بد است جايگاه متکبران (76) و خودت هم ای پیامبر صبر کن . وعده خداوند البته حق است . پس ، چه برخی از آنچه را که به آنان وعده ميدهيم به تو نشان دهيم ، و چه تو را بوسیله وفات دريابيم، در هر حال آنها بسوي ما باز ميگردند (77) و البته رسولاني قبل از تو فرستاديم . از ميان آنها قصه کساني را برايت گفتيم وقصه کساني را هم نگفتيم وهيچ رسولي را نميرسد که جزبه فرمان خدا معجزه­ای بياورد . پس وقتيکه امر خدا آمد بين آنها به حق قضاوت خواهد شد و در آن هنگام اهل باطل زيانکار خواهند بود (78) خداوند است که چارپايان را برايتان قرار داد که از آنها سواري بگيريد و نيز از آنها بخوريد (79) و در آنها منافعي داريد و بوسيله آنها به حوائجي که داريد ميرسيد و بر آنها و بر کشتي ها سوارمي شويد (80) وخداوند اینگونه آياتش را به شما مي نماياند . پس کدام يک از آياتش را انکار مي کنيد؟ (81) ای پیامبر! آيا در زمين نگشتند تا ببينند عاقبت پيشينيان چگونه بوده؟ همانها که از اينها زيادتر بودند و قدرتشان و آثاري هم که از خود بجا گذاشته بودند بيشتر بود. و آنچه بدست آورده بودند کمکي به آنها نکرد (82) و هنگاميکه رسولانشان با دلايل روشن بسويشان آمدند ، به علمي که نزد خويش داشتند شادي مي کردند ، اما آنچه که مسخره ميکردند بر آنها فرود آمد (83) اما هنگاميکه سختي ما را ديدند گفتند به خداي واحد ايمان آورديم و به آنچه شرک ميورزيديم کافريم (84) ولي هنگاميکه سختي ما را ديدند ايمانشان کمکي به آنها نميکند. اين سنت خداست که درباره بندگانش قبلا مقرر شده است. و در آن هنگام کافران زيانکار خواهند بود (85)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : نکوهش کافران که عليرغم الطاف الهي با اصرار و لجبازي باحق مخالفت مي کنند .**

**درب : بي توجهي به الطاف الهي و عبرت نگرفتن از سرنوشت کفار قبلي، خودبيني و خودپسندي، و ايمان نياوردن تا ديدن نشانه هاي عذاب، از جمله رفتارهاي کافرانه مورد نکوهش است ، و تو اي پيامبر در مقابل مشکلات رسالت پايداري کن .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 فرموده : توجه به مطالب این قرآن، و صفات ذکر شده الهی، رافع لجبازی و کفر می­شود ، و تکذیب پیامبران مطلب جدیدی نیست ، اما از حد که بگذرد سبب نابودی در دنیا و عذاب آخرت می­شود ، و دست اندرکاران امور جهان خواهان موفقيت نهايي مومنان­اند ، و توجه نکردن به عاقبت آخرتی سبب بروز رفتار قابل نکوهش است و نکوهش شدیدتر هنگامی خواهد بود که جهان آخرت برپا شود و خاسران ببینند چه بر سر خود آورده­اند .

در پاراگراف 2 می فرماید : تکذیبگران مهم ترِ قبلی نیز مورد هلاکت قرار گرفتند و سران کافران خیال نکنند که ما برخوردبا آنها را حتما تا قیامت عقب می اندازیم ، بلکه ممکن است درهمین جهان هم (درصورتیکه ازحدودی تجاوزکنند) آنها را به عذاب هلاکت دچارکنیم وعذاب آخرتی شان هم محفوظ باشد مثلا فرعون و پیروان او نیز در مقابل سخن حق ، که چه از طرف پیامبرشان و چه از جانب فردی از میان خودشان بطور مفصل و مستدل مطرح میشد ، تکذیب و لجبازی پیشه کردند به هلاکت رسیدند .

در پاراگراف 3 بخشِ مربوط به عذاب قیامت آنها برجسته شده ، تا اندکی به خویش آیند و در عین حال به آنحضرت نیز دلداری میدهد که منشاء وحی او و سایر پیامبران یکی است ، و مانع سران قومش برای گرایش ، تکبرِ بی پشتوانه است که ممکن است تدریجا رقیق شود .

در پاراگراف 4 می فرماید : به افعال و نعمتها و صفات الهی توجه کنید .

در این پاراگراف می فرماید : تکذیبگران وقتیکه عذاب آخرتی را احساس کنند آنگاه متوجه خواهند شد و اینکه آیات خداوند واضح و در دسترس شماست ، اگر اهل دیدن و تشخیص باشید ، و اینکه ای تکذیبگران! مواظب باشید که دیر نشود و مبادا به جائی برسید که ایمان آوردن فایده­ای برایتان نداشته باشد ، و اینکه ای پیامبر! مقاومت کن .

**3 - سوالات**

1 – از کجا معلوم میشود که منظور این پاراگراف «سران» کفار است؟

2 - جدال درآیات خدا (آیه69) یعنی چه؟

3 - آیا محتوای آیه70 میتواند از مصادیق جواب سوال فوق باشد؟

4 - آیا مصادیق مذکور منحصر به چیزهائی است که درآیه 70 آمده؟

5 – با توجه به آیه 75 ، مگر شادی (که یک حالت روحی است) حق و باطل هم دارد؟

6 – در آیه 74 ، آیا دارند دروغ تحویل خداوند میدهند؟

7 – با توجه به آیه 77 ، خداوند چه وعده ای به آن حضرت داده بود؟

8 – با توجه به آیه 78 ، پیامبرانی که خداوند درباره آنها چیزی نفرموده ، چه کسانی بودند؟ و چرا چیزی نفرمود؟

9 – در آیه 78 ، کلمه «آیه» به چه معنی بکار رفته؟ (معجزه ؟ نشانه الهی؟ یا...؟)

10 – منظور از «انعام» (آیه79) چیست؟ (گاو وگوسفند و.....دیگرچه؟) و بطور قطع درآن روزها (مثلا) گوزن جزءلیست «انعام» نبود ، اما امروزکه آن را پرورش میدهند و استفاده خوراک وپوشاک وغیره ازآن میکنند ، آیا جزء«انعام» هست؟ و با توجه به جواب محتمل شما ، آیا «انعام» معنی ثابتی دارد؟

11 – منظور از «حاجة فی صدورکم» چیست؟

12 - باتوجه به آیه80 ، چه وجه اشتراکی بین «کشتی» و «انعام» هست؟

13 - آیا ابتدای آیه82 تشویق به گشت وگذار میکند؟

14 – منظور از «علم» (آیه83) چیست؟

15 - «ف» (ابتدای آیه82) اشاره به چه دارد؟

16 - «کفرنا» (آیه 84) همعرض کدام آیه قبلیِ نزدیک به این آیه است؟

17 – منظور از «علم» (آیه 83) چه نوعی از علم است؟ (مهارت های اداره زندگی؟ یا . . ؟

**4 – کلیدهای تفسیری**

1 – آیه 80 فرع بر ماقبل خویش است .

2 - در آیه 85 « **سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ** » پرانتزی است .

3 -کل آیات (79 تا 81) یک پرانتز است ، زیرا اگر قبل و بعدش را به هم وصل کنیم روال سخن صاف و یکدست میشود .

**5 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 – برشماریِ عناصرِ رفتاریِ مخالفانِ فعالِ آنحضرت ،

2 – توصیه صبر و مقاومت به رسول خدا (ص)

**6 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیه های 84 و 85 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**7 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه های 71 تا 76 و 84 و 85 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

آیه های 78 و 82 و 83 از این لحاظ که به اقوامِ درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب 1400 سال قبل.

**8 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 69 و 70 و 73 و 74 و 79 82 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**فعل خداوند قانونمند است**

با توجه به آیه 74 ، اینکه خداوند کسی را گمراه کند ، به این معنی است که مثلا کسی رفتاری را پیشه میکند که نتیجه آن رفتار گمراهی است ، و ماحصل آیه این است که چنین کسانی که چنان رفتارهایی را پیشه کنند گمراه خواهند شد .

**شادی ناحق**

موضوع آیه 75 ، و شادیی که مطرح شده ، به قرینه «بما کنتم تمرحون» و همچنین به قرینه «متکبرین» (آیه 76) شادی حاصل از گناه و آنهم گناهان مربوط به تجاوزات به حقوق دیگران است .

**حقیقتش این است که . . .**

در آیه 74 ، نشان داده میشود که در قیامت که پرده ها کنار میرود و حقایق رفتارها برای همگان آشکار میشود برای خود مشرکان نیز این امر روشن میگردد که آن انرژیی که برای سینه زدن زیر پرچم باطل صرف میکردند در حقیقت واقعی و از روی حقیقت نبوده و بلکه شعارهائی که میدادند برای منظوری غیر از آن چیزی بوده که اظهار میکرده اند ، و لذا وقتیکه شرایط تغییر میکند دیگر از آن شعارها عدول میکنند و حتی انکارش هم می نمایند.

**پیامبر اسلام(ص) مربوط به دوره بلوغ بشریت است**

از دو آیه 77 و 78 فهمیده می­شود به پیامبر(ص) فشار آمده و آرزو دارد کاش می­شد به روش­های اعجازی کار رسالت پیش برود و مخالفان یکسره منکوب شوند اما خداوند می­خواهد آن حضرت که آخرین پیامبر و متعلق به «دوره بلوغ انسانیت» است کارش را با «روش های انسانی» (برنامه­ریزی، استدلال، صبر، هجرت، تشکیل حکومت، جهاد و ...) پیش ببرد.

**برنامه ترور**

از کلمه نتوفینک به وضوح فهمیده میشود که مخالفان آنحضرت برنامه قتل آنحضرت را نیز در دستور کار داشتند و اگر می بینیم اقدامی نکردند به علت شرایطی بوده که برای این کار مساعد نبود ، اما آنها هرگز از پیگیری این خواسته منصرف نشدند زیرا این مفهوم را بارها در سوره های قبل دیده ایم و در سوره های آینده نیز بارها خواهیم دید .

**ذکر مصادیق از باب حصر نیست**

در آیات فوق به گوشه ای از نعمتهای الهی پرداخته، اما با توجه به تیتر فوق نباید فراموش کنیم که اینها از باب ذکر نمونه است.

**شِبه علم**

علم مورد اشاره در آیه 83 به زبان مخاطب است و معنی آن «آنچه را که علم می پنداشتند» است .

**سنت الهی**

سنت الهی که در آیه 85 مورد اشاره قرار گرفته به صور مختلف در قرآن کریم مورد اشاره و تاکید قرار گرفته ، و در اینجا منظور این است که آنهائی که چنین رفتار میکنند – اعم از اینکه جزء اقوام پیشین بوده باشند یا اقوام بعدی – وقتی که در مقابل بینات رفتار خودپسندانه و معرضانه در پیش می گیرند خود را در معرض عملِ این نوع سنن الهی قرار میدهند ، و وقتیکه دچار عواقب رفتارهای خویش شدند دیگر برای به راه آمدن دیر شده است .

**جمع بندی و تفسیر**

**آيا نديدي کساني که در آيات خدا مجادله ميکنند به کجا منحرف ميشوند؟ (69) همانها كه آن کتاب و آنچه رسولانمان براي ابلاغ آن آمده اند را تکذيب مي کنند و بزودي خواهند فهميد (70) وقتي که غل ها و زنجيرها بر گردنهايشان قرار گرفت و کشيده شدند (71) در آب جوشان ، آنگاه در آتش بيفتادند (72) آنگاه به آنها گفته ميشود کجا هستند آن چيزهائي که غیر خدا شريک ميگرفتيد (73) ميگويند گمشان کرديم . بلکه قبلا هم چيزي را** (بهشرک) **نميخوانديم . خداوند کافران را چنين گمراه ميکند (74) اين به آن سبب است که شما در زمين به ناحق شادي ميکرديد و در آن شادي ناحق افراط هم ميکرديد (75) داخل درب هاي جهنم شويد که در آن جاودان خواهيد بود و جايگاه متکبران چه بد است (76)** **پس صبر کن . وعده خداوند البته حق است . پس ، چه بعضي از آنچه را به آنان وعده ميدهيم به تو نشان دهيم ، و چه تو را** (به مرگ) **دريابيم ، در هر حال آنها بسوي ما باز ميگردند (77) و البته رسولاني قبل از تو فرستاديم . از ميان آنها قصه کساني را برايت گفتيم وقصه کساني را هم نگفتيم وهيچ رسولي را نميرسد که جزبه فرمان خدا معجزه­ای بياورد . پس وقتيکه امر خدا آمد بين آنها به حق قضاوت خواهد شد و در آن هنگام اهل باطل زيانکار خواهند بود (78)** **خداوند است که چارپايان را برايتان قرار داد که از آنها سواري بگيريد و نيز از آنها بخوريد (79)** {و در آنها منافعي داريد و بوسيله آنها به حوائجي که داريد ميرسيد و بر آنها و بر کشتي ها سوارمي شويد}(80) **و**(خداوند اینگونه) **آياتش را به شما مي نماياند . پس کدام يک از آياتش را انکار مي کنيد؟ (81)** **آيا در زمين نگشتند تا ببينند عاقبت پيشينيان چگونه بوده؟ همانها که از اينها زيادتر بودند و قدرتشان و آثاري هم که از خود بجا گذاشته بودند بيشتر بود. و آنچه بدست آورده بودند کمکي به آنها نکرد (82)** **و هنگاميکه رسولانشان با دلايل روشن بسويشان آمدند ، به علمي که نزد خويش داشتند شادي مي کردند و آنچه که مسخره ميکردند بر آنها فرود آمد (83) اما هنگاميکه سختي ما را ديدند گفتند به خداي واحد ايمان آورديم و به آنچه شرک ميورزيديم کافريم (84) ولي هنگاميکه سختي ما را ديدند ايمانشان کمکي به آنها نميکند. اين سنت خداست که درباره بندگانش قبلا مقرر شده است. و در آن هنگام کافران زيانکار خواهند بود(85)**

**سوره يس**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**يس ﴿1﴾ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ﴿2﴾ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿3﴾ عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿4﴾ تَنزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿5﴾ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ ﴿6﴾ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿7﴾ إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلاَلاً فَهِيَ إِلَى الأَذْقَانِ فَهُم مُّقْمَحُونَ ﴿8﴾ وَجَعَلْنَا مِن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لاَ يُبْصِرُونَ ﴿9﴾ وَسَوَاء عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لاَ يُؤْمِنُونَ ﴿10﴾ إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَن بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ﴿11﴾ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ ﴿12﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**يس (1) قسم به قرآن پر حکمت (2) که تو حتمأ از فرستادگان الهی میباشی (3) بر جاده اي مستقيم قرار داری (4) با قرآنِ فرو فرستاده آن خدای پيروزمند مهربان (5) تا هشدار دهي مردمي را که به پدرانشان هشدار داده نشد و آنها غافلند (6) البته آن قانون الهی بر اکثرشان فرود آمد و آنها ايمان نمي آورند زیرا در نپذیرفتن پیام تو لجبازی میکنند و بالاخره شکست میخورند (7) آنها گرفتارانی هستند که گوئی در گردنهايشان غُل هائي باشد که تا چانه هايشان را هم گرفته باشد که ديگر نتوانند گردنهاشان را تکان دهند (8) و جلوي رويشان و پشت سرشان نیز سّدي قرار داشته باشد که ديگر نتوانند بينند (9) و با این حالی که اینها دارند برايشان فرقي نميکند که هشدارشان بدهي يا ندهي در هر حال ايمان نخواهند آورد (10) جز اين نيست که تو فقط موفق به تاثیر هشدار در کسانی میشوی که از آن پندها که در قرآن است پيروي کنند و بطور نهاني از خداوند رحمان بيم داشته باشند ، و لذا آنها را به آمرزشي و پاداشي گرامي مژده شان ده (11) البته ما همگان را پس از مرگ زنده ميکنيم و حساب آنچه را که از پيش برای زندگی اخروی خویش فرستاده اند و همچنین حساب آثارشان را داریم و همه چيز را در جایگاهی مهم به دقت شماره میکنيم (12)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : نکوهش کافران که عليرغم اينهمه لطف و رحمت الهي به کفر و تکذيب مي پردازند و خود را در معرض نابودي و عذاب قرار مي دهند .**

**درب : توصيف مختصري از کافران مورد نکوهش معاصر ، و آموزش پیامبرکه به آنان یادآورد که يکي از مهمترين الطاف الهي خودِ اين قرآن و این پیامبر است .**

**2 – سوالات**

1 – منظور از«اغلال» (آیه 8) چیست؟

2 – در این پاراگراف چند تاکید بکار رفته؟

3 – غیر از تاکید های آشکار ، چه تاکیدات مکنونی می بینید؟

4 – چرا از بین صفات قرآن ، در اینجا کلمه «حکیم» ترجیح یافته؟

5 - در این پاراگراف کدام آیه ها فرعی وکدام اصلی است؟

6 - الف ولام های کلمات القرآن و الحکیم و المرسلین را بررسی نموده و معین کنید هریک از چه نوع است؟ (جنس؟ عهد؟ تعریف؟ یا.....؟) واز دستاوردتان نتایج تفسیری بگیرید .

7 - چرا در آیه 5 خداوند را مفرد آورده؟

8 – کلمه صراط چه نوع از کلام است؟ (استعاره؟ کنایه؟ یا....؟)

9 – تنوینِ رویِ انتهای کلمه «تنزیل» ازچه باب است؟ (تعظیم؟ یا...؟)

10 - کلمه «قول» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

11 – سوال فوق را در باره کلماتِ اعناق و اغلال و اذقان و سدّ و احصیناه نیز جواب دهید .

12 - چرا در این پاراگراف خداوند را جمع (جعلنا جعلنا اغشینا نحن نحیی نکتب احصینا) آورده؟

13 - «لتنذر قوما ما انذر آباوهم» (آیه 6) با «لکل قوم هاد» (سوره رعد» چگونه قابل جمع است؟

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 6 فهمیده میشود قبل از رسول اکرم (ص) در نسل های قبل ، تا مدتهای زیادی قبل از آنحضرت ، پیامبری نبوده ، و از همین بیان فهمیده میشود که دارد تلویحا به آنحضرت گوشزد میکند که توقع خویش را از مخاطب های خویش کم کند و با آنها مدارای بیشتری نشان دهد .

و از آیات 7 تا 10 فهمیده میشود که این فقدان سبب شده آنها تدریجا به چنان ورطه ای بیفتند که امیدی به نجاتشان نباشد .

و از آیه های 11 و 12 فهمیده میشود که آنحضرت برای حل مشکل باید نیروی خویش را روی اشخاص قلیلی که پیروی اش میکنند متمرکز کند تا آنها «زنده» شوند و سپس این «زندگی» به بقیه هم سرایت کند .

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** :(المیزان) : غرض اين سوره بيان اصول سه‏گانه دين است .

درس سوره که از راه محاسبه استخراج شده چنین میگوید : نکوهش کافران که علیرغم اینهمه لطف و رحمت الهی به کفر و تکذیب می پردازند و خود را در معرض نابودی و عذاب قرار میدهند .

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 2 با نام بردن از آن مقداری از وحی که تا زمان نزول این سوره نازل شده به «قرآن» ، پیشگوئی نموده که موضوع رسالت آنحضرت دچار انقطاع نخواهد شد .

در آیات 3 تا 5 با قوت آنحضرت را تایید و تلویحا پیشگوئی موفقیتش را می فرماید.

**6 – کلیدهای تفسیری**

آیه 2 قسم و آیه 3 جواب آن است .

آیه های 8 تا 10 فرع است بر آیه7 .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - يکي از مهمترين الطاف الهي خودِ اين قرآن و این پیامبر است ،

2 – توصيف مختصری از رفتار های کافران مورد نکوهش معاصر .

**8 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیات 1 تا 5 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**9 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه 1 از حروف مقطعه است، و چنانکه قبلا عرض شد، چون تاکنون به نحو مقنعی رمزگشائی نشده، بالاتر از ذهنیات ما نیز میباشد، چه رسد به مخاطبان اولیه.

آیه 5 از آنجا که به وحی اشاره دارد، و آنهم چیزی است که هیچ بنی بشری را راهی به شناخت مکانیزمش نیست، طبعا بالاتر از ذهنیات معاصران نزول است.

آیه 12 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، غیر از آیه 5 بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**در باره این پاراگراف**

این پاراگراف بار آموزشی و دلداری به آنحضرت دارد .

می فرماید ای پیامبر وسیله کارت این قرآن است که فرو فرستاده خدای عزیز رحیم است تا مردمی را که استعداد دارند هشدار دهی و فکر نکن که هشدارهایت روی همه تاثیر خواهد داشت ، زیرا عده ای از آنها چنان اند که غرق در مشکلات و وابستگی هایی هستند که مانعشان خواهد بود که هدایت یابند ، و تو فقط وظیفه هشدار دهندگیت را انجام بده و بقیه امور را بما واگذار . والبته مفهوم اخیر به طرق گوناگون دائما در قرآن تکرار شده است .

**آن «قول» که بر آنها فرود آمد**

در باره آیه 7 و آن «قول» که بر آنها فرود آمد ، با توجه به سوره­های قبلی ، نتیجه نوعی لجبازی و اصرار بیجا و ادامه دادن به روش گناه آلود زندگی مالوف شان در مقابل سخن حق است (شبیه آنچه در سوره­های قمر و نوح و سوره­های قبلی همین فصل - دخان و زخرف و جاثیه و مؤمن و احقاف و امثال آنها - دیدیم) که نتیجه­اش ایمان نیاوردن صاحبان این نوع رفتارها است . بعبارت دیگر «قول» مذکور به این معنی است که «اگر کسانی در مقابل حق لجبازی و مخالفتِ بیجا کنند ، توفیق ایمان از آنان سلب خواهد شد»

**فعل خداوند قانونمند است**

چنانکه در آیه های 8 و9 می بینیم، خداوند اموری را به خویش نسبت میدهد . با توجه به تیتر فوق (که قبلاً نیز بارها ذیل آن بحث کرده ایم) همه مواردی که در آیه های 8 و 9 ذکر شده قانونمند است یعنی خداوند برای انجام آنها نظامات و سیستمهائی قرار داده ، و اگر تیتر قبلی را که مربوط به آیه 7 است مجدداً از نظر بگذرانید موضوع فوق روشنتر میگردد .

**دوره طولانیِ بی پیغمبری**

با توجه به آیه6 ، اشخاص مورد بحث آیات7 تا10 ، فرزندان ونوادگان کسانی بودندکه پیامبرانی درمیان خود نداشتند .

به عبارت دیگر ، چند نسل بی پیغمبری ، سبب ایجاد چنان انحرافات فکریی شده بود که اکثریت آنان به جائی رسیدند که در زمان نزول این سوره ، هشدارهای پیامبر(ص) درآنان اثری نمیکرد .

اما ، نکته ای که نمیتوان آن را از نظر دور داشت این است که لحن خداوند در آیه6 (که آیه اصلی هم هست) لحن «پوزش پذیرانه» است ، که بر«تندی» لحن چهارآیه بعدی سایه می افکند ، وبرای یپامبر(ص) هم این پیام را دارد که نباید توقع تاثیر فوری داشته باشی .

**اغلال**

جامعه مخاطب پیامبر (ص) نان بت پرستی را میخوردند .

360 بت قبایل عرب در یک جغرافیای وسیع در کعبه نگهداری میشد و پیروان ادیان بت پرستی هر از گاهی به آنجا می آمدند و به بت ها تقدیم هدایا میکردند که به سران قریش میرسید و قسمتی از آن در قبیله های زیر مجموعه قریش خرج میشد و علاوه بر این رسم «حج» نیز در میان قبایل کاملا مرسوم و برای اهالی مکه درآمد زا بود که ابرهه را به طمع انداخت که این خوب کاسبیی است و خوب است کعبه را خراب کنم و این مراسم را به یمن منتقل کنم و سودش را ببرم که داستانش درسوره فیل آمده که چگونه نابود شد .

و سرمایه دو سفر بزرگ به شام و یمن و جاهای دیگر که شریان حیاتی شان بود از نذور تقدیمی به بتها تامین میشد و احترامی که همه قبایل برای کعبه قایل بودند برای اهل مکه امنیت کاملِ بی زحمت تامین میکرد ، به عبارت دیگر بت پرستی برای اهل مکه هم نان داشت و هم احترام و هم امنیت !

علاوه بر اینها تخصص های جنبی این مطلب یعنی شتر داری و کرایه دادن شتر و پرورش شتر و راهنمائی قافله ها و امثال این امور سبب سرمایه گذاری ها و ایجاد تخصص هائی میشد که زندگی خیل عظیمی از مردم را تامین میکرد و زیر بنای همه این چیزها بت پرستی بود .

حالا یکنفر پیداشده و میگوید من پیغمبر خدا هستم و میگویم بت ها را رها کنید و به خدای واحد بگروید !

معنی سخن او چه بود؟

معنی سخن او این بود که نانِ بت پرستی خوردن موقوف ! سروریِ حاصل از خدمت بت ها کردن تعطیل! امنیت حاصل از احترام قبایل برای بت ها تمام!

انصافا اگر ما بجای مخاطب های آن روزهای آنحضرت بودیم و پوست و گوشت و استخوان و خانه و زندگی ما و پدران ما و پدربزرگ های ما و اولاد ما و نوادگان ما به بت پرستی وابسته بود با کسی که چنین ادعائی میکرد چه رفتاری در پیش میگرفتیم؟ اصلا ذره ای روی سخنانش تعمق میکردیم؟ کمر به قتلش نمی بستیم؟

این اغلال و این سدّ که در آیه 9 گفته شده اینهاست .

**امام مبین**

تا کنون دو اصطلاح لوح محفوظ (سوره بروج) و ام الکتاب (سوره زخرف) را داشته ایم که مربوط است به منشاء الهی قرآن (و تورات و انجیل و غیره) و این اصطلاح «امام مبین» که در آیه 12 آمده ، از آن نوع نیست ، بلکه از نوع «مخزن و بایگانی اطلاعات اعمال و نیات و افکار هر فرد انسانی که در آخرت مورد استناد قرار خواهد گرفت» است .

در هر حال ، به ترتیب نزول که ببینیم ، این مفهوم جدید است .

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**يس (1) قسم به قرآن پر حکمت (2) که تو حتمأ از فرستادگاني (3) بر جاده اي مستقيم** (قرار داری) **(4)** (با ) **فرو فرستاده آن پيروزمند مهربان (5)** **تا هشدار دهي مردمي را که به پدرانشان هشدار داده نشد و آنها غافلند(6) البته آن سخن بر اکثرشان فرود آمد و آنها ايمان نمي آورند(7)** {در گردنهايشان غُل هائي قرار داديم بطوري که تا چانه هايشان را هم گرفته که ديگر نميتوانند گردنشان را تکان دهند(8) و جلوي رويشان و پشت سرشان سّدي قرار داديم و آنانرا پوشانده ايم که ديگر نمي بينند(9) و برايشان فرقي نميکند که هشدارشان بدهي يا هشدارشان ندهي در هر حال ايمان نخواهند آورد}(10)  **جز اين نيست که تو فقط کساني را هشدار ميدهي که از آن پند پيروي کنند و بطور نهاني از خداوند رحمان بيم داشته باشند ، پس به آمرزشي و پاداشي گرامي مژده شان ده (11)** {ما خودمان مرده را زنده ميکنيم و آنچه را که از پيش فرستادند و نيز آثارشان را مي نويسيم و همه چيز را در كتابي آشکار شماره کرده ايم}(12)

**یس2 آیات13تا32**

**وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلاً أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿13﴾ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ ﴿14﴾ قَالُوا مَا أَنتُمْ إِلاَّ بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنزَلَ الرَّحْمن مِن شَيْءٍ إِنْ أَنتُمْ إِلاَّ تَكْذِبُونَ ﴿15﴾ قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ﴿16﴾ وَمَا عَلَيْنَا إِلاَّ الْبَلاَغُ الْمُبِينُ ﴿17﴾ قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿18﴾ قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَئِن ذُكِّرْتُم بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿19﴾ وَجَاء مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ﴿20﴾ اتَّبِعُوا مَن لاَّ يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُم مُّهْتَدُونَ ﴿21﴾ وَمَا لِي لاَ أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿22﴾ أَأَتَّخِذُ مِن دُونِهِ آلِهَةً إِن يُرِدْنِ الرَّحْمَن بِضُرٍّ لاَّ تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلاَ يُنقِذُونِ ﴿23﴾ إِنِّي إِذًا لَّفِي ضَلاَلٍ مُّبِينٍ ﴿24﴾ إِنِّي آمَنتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ ﴿25﴾ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ﴿26﴾ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ﴿27﴾ وَمَا أَنزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِن بَعْدِهِ مِنْ جُندٍ مِّنَ السَّمَاء وَمَا كُنَّا مُنزِلِينَ ﴿28﴾ إِن كَانَتْ إِلاَّ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ ﴿29﴾ يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلاَّ كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُون ﴿30﴾ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنْ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لاَ يَرْجِعُونَ ﴿31﴾ وَإِن كُلٌّ لَّمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿32﴾**

**ای پیامبر! برای لجبازان مخالف رسالتت مثالی از شهرونداني که آن فرستادگان بسويشان آمده بودند بزن (13) هنگامي که آن دو نفر را بسويشان فرستاديم و تکذيبشان کردند آنگاه آنها را با نفر سوم تقويت کرديم و گفتند ما بسوي شما فرستاده شده ايم (14) آنها گفتند شما جز بشري مانند خودمان نيستيد و خداوند بخشنده هم هيچ چيزي نفرستاده و شما هم دروغ ميگوئيد (15) آن رسولان گفتند پروردگارمان ميداند که ما بسويتان فرستاده شده ايم (16) و بر عهده ما جز پیام رسانیِ آشکار نيست (17) گفتند شما را به فال بد گرفتيم. اگر بس نکنيد حتمأ سنگسارتان مي کنيم و از جانب ما عذابي دردناک به شما خواهد رسيد (18) گفتند فال بد زدن خرافه است که از جانب خودتان است ، آيا اين رفتاري است که هنگام پند گرفتن مي کنيد؟ بلکه شما اسرافگريد (19) و مردي از دورترين شهر شتابان بسوی آنان آمد و گفت اي مردم فرستادگان خدا را پيروي کنيد (20) کساني را که خودشان هدايت شده هستند و از شما مزدي هم نميخواهند (21) و در باره خویش گفت که من به آنان ایمان آورده ام زیرا چرا خداوند را که خلقم کرده عبادت نکنم؟ و او کسی است که هم من وهم شما بسوي او باز ميگرديد (22) آيا مانند شما بجز او خداياني بگيرم که اگر خداوند رحمان خواست مرا به ناراحتي بيندازد ، نه شفاعتشان فايده اي به حالم داشته باشد و نه بتوانند نجاتم دهند؟ (23) در آنصورت در گمراهيي آشکار خواهم بود (24) پس شاهد باشید که من به پروردگار واقعی تان که خداوند باشد ايمان آورده ام (25) اما آن مردم اورا کشتند و پس از قتل او به او خطاب شد: داخل بهشت شو و که داخل بهشت شده بود با حسرت میگفت: کاش قومم ميدانستند (26) که پروردگارم چگونه مرا آمرزيد و مرا از گرامي ها قرار داد (27) و پس از او بر آن قوم هيچ لشکري از رحمت های الهی از آسمان نفرستاديم و اصلأ در قصد آن که فرستنده چنين چيزي باشيم نبوديم (28) و بلکه آنچه فرستادیم جز صدايي بسيار بلند نبود و آن قوم ناگهان نابود شدند (29) افسوس بر آن قوم! زیرا که هيچ رسولی بسويشان نيامد مگر اينکه مسخره اش ميکردند (30) آيا آن مردم از سرنوشت اقوام پیشین که به هلاکت دستجمعی دچار شده بودند و دیگر کسی امکان دسترسی به آنان ندارد آگاه نبودند؟ (31) و البته همگي آنها در قیامت نزد ما احضار خواهند شد (32)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : نکوهش کافران که عليرغم اينهمه لطف و رحمت الهي به کفر و تکذيب مي پردازند و خود را در معرض نابودي و عذاب قرار مي دهند .**

**درب : مثالي از اقوام گذشته که آنها هم مثل اينها بودند و عاقبتشان هم چنين شد .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : «قرآن فرو فرستاده خداوند است» و اینکه ای پیامبر ! وظیفه ات هشداردادن به کسانی است که نسبت به موضوع رســـــالتت آگاهی ندارند ، البته تو نیز انرژیت را فقط برای کسانی صرف کن که فایده داشته باشد .

در این پاراگراف می فرماید عده­ای از این مردم هم همان رفتاری را می­کنند که بعضی از اقوام گذشته کرده­اند .

**3 - سوالات**

1 - شباهت های این پاراگراف را با پاراگراف حاوی داستان «مومن آل فرعون» در سوره قبل بطورکامل نشان دهید.

2 - از این پاراگراف چه «حدسیاتی ازاوضاع واحوال آن روزها» میتوان زد؟

3 – منظور از«اصحاب» (آیه13) چیست؟

4 – منظور از «قریه» چطور؟ (شهر؟ روستا؟ مرکزاستان؟ یا....؟)

5 - شدّت لجبازی کور و بی منطق آنان درکدام آیات پاراگراف دیده میشود؟

6 – عناصر اصلی این پاراگراف را با زمان پیامبر(ص) «شبیه سازی» کنید .

7 - همین شبیه سازی را با پاراگراف مربوط به مومن آل فرعون درسوره قبل نیز انجام دهید.

8 – آیا «رجل» مورد بحث آیه20 ، یک پیامبر بود یا شخصی مانند «مومن آل فرعون»؟

9 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (عبرت؟ هشدار؟ هردو؟ یا...؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیات 15 تا 25 علاوه بر اینکه شدت تکذیب کور و بی­منطق اهالی آن شهر فهمیده میشود، به قرینه، شدت تکذیب کور و لجبازانه بی­منطق سران کفار معاصر پیامبر(ص) اسلام نیز درک میشود.

**5 – کلیدهای تفسیری**

آیات 22 تا 27 فرع است بر ماقبل خویش .

**6 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

اقوامی که برخوردِ حذف فیزیکی با پیامبرانشان کنند ، ضمن محفوظ بودن عذاب اخروی ، به عذاب هلاکت دستجمعی دچار میشوند .

**7 - آیات مشکل**

آیه های 28 و 29 از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر آنها گفته اند .

**8 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیات 13 تا 32 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**9 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیات 13 تا 25 از این لحاظ که به اقوامِ درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب 1400 سال قبل.

همچنین است آیه های 30 و 31.

آیه 32 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

آیه های 26 و 27 از آنجا که به عالم برزخ مربوط است، نه تنها بالاتر از ذهنیات معاصران نزول بوده، بلکه حتی برای ما نیز چنین است.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به لیست ترتیب نزول ما ، غیر از آیه های 30 تا 32 ، بقیه آیات «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**رفتار کافرانه آنها از طرفی بر مبنای مشکل فکری و از طرف دیگر**

**بر مبنای خشونت بود**

برای توضیح مطلب فوق خلاصه آن را در جدول ذیل مرتب کرده­ایم:

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| ردیف | ایرادهای تکذیبگران به پیامبران | آیه مأخذ | ملاحظات |
| 1 | بشری مثل ما نمی­تواند حامل وحی باشد، | 15 | فکری |
| 2 | خداوند هم چیزی نفرستاده، | 15 | فکری |
| 3 | شما هم جز دروغ چیزی نمی­گویید، | 15 | فکری |
| 4 | ما شما را به فال بد گرفتیم، | 18 | تهدید |
| 5 | اگر بس نکنید حتماً سنگسارتان می­کنیم و از سوی ما عذاب دردناک خواهید داشت، | 18 | تهدید غلیظ |
| 6 | کشتن کسی که با منطق و استدلال ایمان آورد و آنها را هم دعوت می­کرد. | 26و27 | اقدام عملی |

نکته مشترک در سخن و عمل مکذبان این است که دلیل و مأخذ درست ندارند. (نکته مشترک ردیفهای 1 تا 4)

عملشان هم غلط و از نوع خشونت بیجاست (ردیف­های 5 و 6)

توضیح بیشتر :

1- اینکه گفته­اند «بشری مانند ما» نمی­تواند حامل وحی باشد، یک ادعای بی­دلیل است.

2- کسی که می­گوید خداوند چیزی نفرستاده، باید به سیستم ارسال مراسلات خدائی احاطه داشته باشد تا بتواند چنین ادعائی کند و این خودش باطل­کننده ادعای قبلی است زیرا وقتی که «بشری مانند آنها» نمی­تواند حامل وحی باشد، به طریق اولی آنها نیز نمی­توانند به سیستم ارسال مراسلات خدائی احاطه داشته باشند.

3- ردیف 3 نتیجه دو ادعای بی­اساس قبلی است.

4- ردیف 4 نیز یک گمان شخصی است که چون مبتنی بر علم و دلیل نیست ارزشی ندارد.

5- تهدید و قتل افرادِ مدعیِ نبوت و کسی که مدعیِ ایمان آوردن است، نیز از آنجا که مبتنی بر استدلالات ناصحیح فوق است، عملی است غلط و قبیح و ناپسند و محکوم.

**سه پیامبر همزمان و هم مکان؟**

از آیه 14 فهمیده میشود در آن «قریه» بطور همزمان سه پیامبر ماموریت داشتند.

همزمان بودن آنها با توجه به عبارت «انا الیکم» محرز است، اما هرچه باشد باید نوعی قانونمندی بین آنها وجود داشته باشد.

مثلا مانند پیامبریِ همزمان موسی (ع) و هارون (ع) که موسی (ع) اصلی و هارون (ع) فرعی بود در این مورد نیز باید چنین شکلی وجود داشته باشد.

هم مکانی آنها نیز می­باید اینطور باشد که آن «قریه» (= شهر) تعدادی «شهر تابع» داشته باشد که آن پیامبران بطور جداگانه در آنها به انجام ماموریت مشغول بوده باشند [ مانند ابراهیم (ع) و لوط (ع) که گرچه همزمان بودند اما ابراهیم (ع) اصلی و لوط (ع) فرعی بود و محل ماموریتشان نیز دو محل جداگانه بود] و این چیزیست که از آیات بسیار زیادی به وضوح فهمیده میشود.

**کدام بهشت؟**

1- از آیه 26 فهمیده میشود بهشت مورد نظر در همان لحظه موجود بود، که به او گفته شد: «داخل شو»

2- از انتهای همان آیه 26 فهمیده میشود که وقتی به او گفته شد «داخل شو»، زندگی در روی زمین جریان داشت.

3- از آیه­های 28 و 29 معلوم می­شود مدتی طولانی، پس از اینکه به او گفته شد «داخل شو»، قوم او در روی زمین زندگی می­کرده­اند.

4- از مجموع مطالب فوق فهمیده می­شود که «یک نوع بهشت» وجود داردکه عده­ای وارد آن می­شوند و در همین زمانی که زندگی در روی زمین جریان دارد، آنها در بهشت خویش خوش می­گذارنند.

سوال اینجاست که این بهشت چه نوع است؟

جواب این است که این بهشت، بطور قطع آن بهشتی که در سوره­های «مرحله سوم» دیدیم نیست، زیرا آن بهشت پس از قیامت است، و قیامت هم هنوز به وقوع نپیوسته است.

لذا نتیجه میشود بهشت مذکور در آیه 26 «بهشت برزخی» است که در پاراگراف آخر سوره واقعه اشاره­ای به آن شده است.

**شباهت**

شباهت بسیار زیادی وجود دارد بین این داستان و«داستان مومن آل فرعون»در ســوره قبل . در هردو جا لجّ واصراردرتکذیب کور و بی منطق به عیان دیده میشود .

محورسخن این است که ای سران کفار ! مبادا این رفتارهای کودکانه تان ازحد بگذرد که درآن صورت علاوه براینکه عذاب آخرتی تان محفوظ خواهدبود دراین جهان نیز به عذاب هلاکت دچارمی شوید.

**دریافت های مستقیم و کوتاه**

1 – به قرینه مطالب آیه 29 ، «لشکریان آسمانی» مطرح در آیه 28 کنایه است از نعمتها مانند باران های مفید و امثال آن و معنی آیه 28 این است که پس از آن رفتار جنایتکارانه آنها دیگر لطف و رحمتی بسویشان گسیل نشد . 2 – در آیه 31 ، «انهم الیهم لا یرجعون» به معنی آخرت نیست و کنایه از این است که این کفار به آن کفار سابق که هلاک شدند دسترسی ندارند .

3 - «طائرکم معکم» (آیه 18) تقریبا هم معنی است با اغلال وسدّ که در پاراگراف قبل توضیح دادیم ، یعنی آنها موانعی درونی برای پذیرش سخن حق انبیاء داشتند که با وجود آن موانع درونی نفسانی نمیتوانستند تصمیم صحیح را بگیرند و جمله «بل انتم قوم مسرفون» نیز همین را تایید میکند .

**جمع بندی و تفسیر**

**براي آنها از شهرونداني که آن فرستادگان بسويشان آمده بودند مثالي بزن (13) هنگامي که آن دو نفر را بسويشان فرستاديم و تکذيبشان کردند آنگاه آنها را با نفر سوم تقويت کرديم و گفتند بسوي شما فرستاده شده ايم(14) گفتند: شما جز بشري مثل ما نيستيد و خداوند بخشنده هم هيچ چيزي نفرستاده و شما هم جز دروغ نميگوئيد (15) گفتند پروردگارمان ميداند که ما بسويتان فرستاده شده ايم (16) و جز پيام رساندن آشکار بر عهده ما نيست (17) گفتند شما را به فال بد گرفتيم. اگر بس نکنيد حتمأ سنگسارتان مي کنيم و از جانب ما عذابي دردناک به شما خواهد رسيد (18) گفتند فال بدتان با خودتان است ، آيا اين رفتاري است که هنگام پند گرفتن مي کنيد؟ بلکه شما اسرافگريد (19) و مردي از دورترين شهر شتابان آمد و گفت اي مردم فرستادگان را پيروي کنيد (20) کساني را که خودشان هدايت شده هستند و از شما مزدي نميخواهند (21)** {و چراکسي را که خلقم کرده عبادت نکنم؟ و (او کسی است که هم من وهم شما) بسوي او باز ميگرديد (22) آيا بجز او خداياني بگيرم که اگر خداوند رحمان خواست مرا به ناراحتي بيندازد، نه شفاعتشان فايده اي به حالم داشته باشد و نه بتوانند نجاتم دهند؟(23) در آنصورت در گمراهيي آشکار خواهم بود(24) پس بشنويد! من به پروردگار ايمان آورده ام (25) [اما آن مردم اورا کشتند و به او ] گفته شد: داخل بهشت شو گفت: کاش مردمم ميدانستند (26) که پروردگارم چگونه مرا آمرزيد و مرا از گرامي ها قرار داد}(27)  **و پس از او ، بر مردمش ، هيچ لشکري** (از رحمتها) **از آسمان نفرستاديم و اصلأ** (در قصد آن که) **فرستنده** (چنين چيزي باشيم) **نبوديم (28)** (و بلکه آنچه فرستادیم) **جز صدايي بسيار بلند نبود و ناگهان نابود شدند (29) افسوس بر** (آن) **بندگان . هيچ فرستاده اي بسويشان نيامد مگر اينکه مسخره اش ميکردند (30) آيا مردم قرون گذشته را که ديگر بسوي آنها بر نخواهند گشت ندیه بودند که هلاک کرديم؟ (31) و البته همگي آنها نزد ما حاضر خواهند شد (32)**

**یس3 آیات33تا44**

**وَآيَةٌ لَّهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ﴿33﴾ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنْ الْعُيُونِ ﴿34﴾ لِيَأْكُلُوا مِن ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿35﴾ سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿36﴾ وَآيَةٌ لَّهُمْ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظْلِمُونَ ﴿37﴾ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿38﴾ وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّى عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ﴿39﴾ لَا الشَّمْسُ يَنبَغِي لَهَا أَن تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿40﴾ وَآيَةٌ لَّهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿41﴾ وَخَلَقْنَا لَهُم مِّن مِّثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿42﴾ وَإِن نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنقَذُونَ ﴿43﴾ إِلَّا رَحْمَةً مِّنَّا وَ مَتَاعًا إِلَى حِينٍ ﴿44﴾**

**و براي آنها نشانه اي است که زمين مرده را با بارش باران بهاری زنده میکنیم و از همان زمین دانه بيرون می آوريم که از آن ميخورند (33) و باغهائي از درختهاي خرما و انگور در آن قرار میدهيم و در ميان آن چشمه هائي میشکافيم (34) تا از نتیجه این نعمت ها و یا تغییراتی که در آنها میدهند و چیزهای جدیدی به وجود می آورند بخورند، آيا شکر نمي گزارند؟ (35) منزه است کسي که تمامي جفتها را آفريد چه از آنچه از زمين ميرويد و چه از خودهاشان و چه از چيزهائي که نمي دانند (36) و اين هم برايشان نشانه اي است که روز را از شب بيرون ميکشيم و آنگاه در تاريکي قرار ميگيرند (37) و نیز اینکه خورشيد بسوي قرارگاه خويش در جريان است نیز نشانه دیگری است از علم و قدرت ما ، اين ها نمونه هایی است از تقدیرات ما که پيروزمند دانائیم (38) و براي ماه نيز منزل هائي مقرر کرده ايم تا اينکه پس از طی آنها وقتی که به انتهای دوره ماهانه خویش رسید به شکل خميده ای چون شاخکی خشک، مانند هسته خرما، به نظر آید (39) نه خورشيد را ميرسد که ماه را دريابد و نه شب از روز سبقت ميگيرد و هريك در فلکي شناورند (40) و نیز برايشان نشانه اي است که اولادشان را در کشتيي ها حمل مي کنيم (41) و برايشان مانند آن را از حیوانات آفريديم که سوارش ميشوند (42) و اگر بخواهيم کشتی ها را غرق مي کنيم در آنصورت نه فريادرسي خواهند داشت و نه کسي که نجاتشان دهد (43) مگر اینکه رحمتي از جانب ما بصورتی دیگر بفريادشان برسد که تا مدتي برخوردار باشند (44)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : نکوهش کافران که عليرغم اينهمه لطف و رحمت الهي به کفر و تکذيب مي پردازند و خود را در معرض نابودي و عذاب قرار مي دهند .**

**درب : يادآوري بعضي نعمتهاي الهي که همه غرق در آنها هستند و به همين دليل ممکن است از آنها غافل شوند و رفتار کافرانه در پيش گيرند .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : «قرآن فرو فرستاده خداوند است» و اینکه ای پیامبر ! وظیفه ات هشداردادن به کسانی است که نسبت به موضوع رســـــالتت آگاهی ندارند ، البته تو نیز انرژیت را فقط برای کسانی صرف کن که فایده داشته باشد .

در پاراگراف 2 می فرماید عده­ای از این مردم هم همان رفتاری را می­کنند که بعضی از اقوام گذشته کرده­اند .

در این پاراگراف می فرماید «یادآوری برخی نعمت­های خداوند که همگان از آنها استفاده می­کنند»

**3 – سوالات**

1 – در آیه44 «الا» از چه نوع است؟

2 – در همان آیه ، در وسط ، موضوع کدام کلید تفسیری واقع شده؟

3 – در کل این پاراگراف مواردی که میتوان موضوعِ بحثِ «فعل خداوند قانونمند است»، قرارش داد، را، مشخص کنید .

4 – تقریبا در تمام این پاراگراف از ضمیر «نا» برای خداوند استفاده شده ، الا در آیه 37 که صیغه مفرد بکار رفته ، توضیح علت با ذکر دلیل فرمایید .

5 - «معجزات علمی» موجود در این پاراگراف را دقیقا با ذکر کلمه و جمله احصاء کنید .

6 – جمله «وما عملته ایدیهم» (آیه 35) چه موقعیت تفسیری دارد؟

**4 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 38 که میفرماید : و خورشيد که بسوي قرارگاه خويش در جريان است. اين برنامه ريزي آن پيروزمند داناست .

مطابق نظر قدما که زمین را ثابت و خورشید را طلوع­کننده از مشرق و غروب­کننده در مغرب زمین تصور می­کردند، طبعاً خورشید حرکت دیگری که عبارت باشد از «حرکت بسوی قرارگاه خویش» نداشت.

مطابق نظر علمائی مانند کپلر و گالیله و امثالهم که فرض مسطح بودن زمین را باطل و فرض کرویت آن را جایگزین نمودند، آنها نیز حرکتی از نوع حرکت بسوی قرارگاه خویش برای خورشید عنوان نکردند.

این فیزیک کیهانی جدید است که برای خورشید یک مدار حرکتیِ معینی قائل است که مربوط به این دویست و پنجاه سال اخیر است چه برسد به علم زمان نزول این آیات. و لذا این آیه نیز از پیشگوئی های علمی قرآنی است.

واقعا همیشه برایم این سوال بود که در آن روزهای نزول این آیات که کشتی­های بزرگ، هواپیماها، سفینه­های فضائی، قطارها، اتوبوس­ها، سواری­ها، تریلی­ها، کمپرسی­ها و وانت­­ها نبود، مردم از آیه 42 چه می­فهمیدند؟

این «سهل و ممتنع» بودن نیز یکی از عناصر اصلی سخن اعجازی قرآنی است ، که مخاطب های آن روز خیال میکرده اند که آیه را فهمیده اند و ما نیز همین خیال را میکنیم و آیندگان چیزهایی از این آیه خواهند فهمید که ماها خوابش را هم نمی بینیم.

**5 – کلیدهای تفسیری**

این پاراگراف یک پرانتز بزرگ است ، زیرا اگر قبلش را به بعدش وصل کنیم روال سخن صاف و بی سکته میماند .

آیه 36 «پرانتزی» است ، و چون خود پاراگراف هم پرانتز است ، آیه مذکور «پرانتز در پرانتز» است .

آیات 38 تا 40 فرع است بر آیه 37 .

آیه های43 و 44 فرع است بر آیه 42 .

در وسط آیه 44 «واگذاری به مخاطب» صورت گرفته است .

**6 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

مخاطبان اولیه که بجای خود ، مانیز امروز نمیتوانیم تصور روشنی از مدلول این آیات که برسر تفسیر آنها اختلاف نظر های عمیقی بین مفسران وجود دارد ، داشته باشیم.

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

يادآوري بعضي نعمتهاي الهي که همه غرق در آنها هستند و به همين دليل ممکن است از آنها غافل شوند ، به منظور تنبه از غفلت .

**8 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیات 33 تا 44 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

برخی از اجزاء آیات این پاراگراف ، در سوره های پیشین آمده ، اما ، با این هیئت و این کمال ، تمام آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**گوشه­ای از نعمتها**

در این پاراگراف، به نعمتهائی اشاره می­فرماید که همگان از آن استفاده می­کنند و بعلت غوطه­وری در آنها و عادت ریشه­دار به استفاده از آنها ، از وجود آنها غافلند و غرض از اشاره به این نعمتها ، یادآوری ولیّ این نعمتهاست و غرض از اشاره اخیر، انتقال به این نکته است که به پیام او که از طریق پیامبرش مطرح می­شود دل­سپرده و گرایش حاصل شود که می­توان آنها را به سه دسته تقسیم­بندی کرد :

1- آیات ربوبیت خداوندی (آیات 33 تا 36)

2- آیات علم و قدرت و تقدیرات الهی (آیات 37 تا 40)

3- آیات لطف و رحمت خدائی (آیات 41 تا 44)

و اینک شرح مختصری در خصوص هر یک :

1- آیات ربوبیت الهی : آیات ربوبیت ، در آیه­های 34-33 ، نشانه­هائی را ذکر نموده که با آنها آشنا هستیم و قبلاً در سوره عبس و سوره­های دیگر با آنها آشنا شده­ایم .

اما آنچه در این قسمت جدید است جمله «و نیز آنچه خودشان بعمل می­آورند» است که اشاره به خوردنیهای ساخته بشر می­باشد که از بس متنوع است قابل شمارش نیست و اینهمه کتاب­های آشپزی و کلاسهای آشپزی و نوارها و سی­دی­ های آشپزی ، گوشه­ای از تفنن بشری را نشان می­دهد. بعلاوه این همه دستکاری­های ژنتیکی که در اصل نباتات و سایر موجودات می­کنند نیز یک قلمرو دیگر «آنچه خودشان به عمل می­آورند» می­باشد .

در آیه 36 به زوجیت در نباتات اشاره می­فرماید که از لحاظ این که درک زوجیت در نباتات ، از سطح علمی آن زمان بسیار بالاتر بوده ، قابل توجه است و در صورت جستجوی لازم ، قاعدتاً به یک معجزه علمی می­رسیم و همچنین است راجع به زوجیت «چیزهائی که نمی­دانند» که تصور می­شود از سطح علمی امروز هم بالاتر باشد .

2- آیات علم و قدرت و تدبیر الهی : این بخش اشاره به نظم و نظام حیرت­انگیز کیهانی دارد . بخصوص عوالم مربوط به منظومه شمسی و دقت در آن ، پژوهشگر را به چند فقره معجزات علمی می­رساند .

مثلاً از آیه 37 فهمیده می­شود «غلبه» با «شب» است و روز موقتاً در آن «داخل شده» و همان کسی که روز را در شب داخل کرده ، آنرا خارج می­کند و شب ، بطور طبیعی فراگیر می­شود .

این حقیقت که در فضای لایتناهی غلبه با ظلمت است و نور ستارگان اثر ناچیزی در کل فضا دارد ، یک امری نیست که در آن روزها حتی بالاترین منجمین جهانِ آن روزها که هیچ ، بلکه حتی علماء هزار سال بعد هم ، راهی به آن یافته باشند و این مورد یکی از معجزات علمی قرآن است و نیز این مطلب که در آیه 38 به آن اشاره شده که «خورشید بسوی» قرارگاه خویش «در جریان است» نیز یکی از معجزات مسلم علمی است که از فهم مردم آن زمان بلکه حتی اعلم علمای تا هزار و دویست سال بعد هم دور بوده که خورشید همراه با مجموعه منظومه خود، در کهکشان راه شیری ، حرکتی دارد که روی مداری خاص در جهتی روان است .

و نیز مطالب دیگری هم هست که برای رعایت اختصار به آنها نمی­پردازیم اما از خواننده گرامی می­خواهیم فکر خود را محدود به همین مطالب عرض شده ننماید .

3- آیات لطف و رحمت: در این بخش به یک نعمت بزرگ اشاره شده است.

نعمت راکب بودن ، که برای آدمی ، امکان انتقال از نقطه­ای به نقطه دیگر را بدون اینکه خودش و با استفاده از پاهای خودش برود فراهم می­آورد .

شاید یکی از مهمترین وجوه تفوق آدمی نسبت به سایر جانداران این وجه باشد .

اول سوار شدن بر حیوانات ، سپس اختراع وسایل نقل و انتقال دورتر مانند قایق­ها و کشتی­ها و سپس هواپیما و انتقال امواج و صدا و تصویر و مکالمه و فعلاً اینترنت و فردا چه پیشرفتی در امر نقل و انتقال خواهد شد، خدا می­داند. شاید در آینده انتقال اجسام ، با همان سرعتی که صوت و تصویر و مکالمه منتقل می­شود ، عملی گردد.

امروز توجه به آیه 42، به راحتی فکر آدمی را به اتومبیل و کشتی و هواپیما منتقل می­سازد که ساخته بشر است و خود بشر هم آفریده خداست و بطور طبیعی ساخته­های بشر نیز [که از مواد اولیه که مخلوقات خدا هستند کمک گرفته و با نیروی بدنی و فکری خویش که آنها نیز متعلق به خداست آنها را تغییر شکل داده و چیزهای جدیدی بوجود آورده، که به این ترتیب آنها هم] مخلوق خدا است ، اما آن روز ، یعنی آن روزهای نازل شدنِ این آیات ، واقعاً مخاطب های آن روزها ، و حتی تا 1200 سال بعد ، از این نوع آیه­ها چه می­توانستند بفهمند؟

و این نیز یکی از معجزات قطعی علمی و تاریخی قرآنی است .

**جمع بندی و تفسیر**

**و براي آنها نشانه ايست که زمين مرده را زنده اش کرديم و از آن دانه اي بيرون آورديم که از آن ميخورند (33) و باغهائي از درختهاي خرما و انگور در آن قرار داديم و در ميان آن چشمه هائي شکافتيم (34) تا از ميوه اش و نيز آنچه که خودشان بعمل مياورند بخورند. آيا شکر نمي گزارند؟(35)** {منزه است کسي که تمامي جفتها را آفريد چه از آنچه از زمين ميرويد و چه از خودهاشان و چه از چيزهائي که نمي دانند} (36) **و اين هم برايشان نشانه اي است که روز را از شب بيرون ميکشيم و آنگاه در تاريکي قرار ميگيرند (37)** {و خورشيد که بسوي قرارگاه خويش در جريان است . اين برنامه ريزي آن پيروزمند داناست (38) و براي ماه نيز منزلهائي مقرر کرده ايم تا اينکه به حالتي (خميده) چون شاخک خشک خرما برگردد (39) نه خورشيد را ميرسد که ماه را دريابد و نه شب از روز سبقت ميگيرد و هريك در فلکي شناورند} (40) **و برايشان نشانه ايست که اولادشان را در کشتيي پر حمل مي کنيم (41) و برايشان مانند آن را آفريديم که سوارش ميشوند (42)** {و اگر بخواهيم غرقشان مي کنيم در انصورت نه فريادرسي خواهند داشت و نه کسي که نجاتشان دهد(43) مگر رحمتي از جانب ما بفريادشان برسد که تا مدتي برخوردار شوند}(44)

**یس4 آیات45تا76**

**وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿45﴾ وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿46﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمْ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَن لَّوْ يَشَاء اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿47﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿48﴾ مَا يَنظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ﴿49﴾ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَى أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿50﴾ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ ﴿51﴾ قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ﴿52﴾ إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿53﴾ فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿54﴾ إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ ﴿55﴾ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِؤُونَ ﴿56﴾ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُم مَّا يَدَّعُونَ ﴿57﴾ سَلَامٌ قَوْلًا مِن رَّبٍّ رَّحِيمٍ ﴿58﴾ وَامْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿59﴾ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَن لَّا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿60﴾ وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ﴿61﴾ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ﴿62﴾ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿63﴾ اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿64﴾ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿65﴾ وَلَوْ نَشَاء لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ ﴿66﴾ وَلَوْ نَشَاء لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ ﴿67﴾ وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ﴿68﴾ وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ ﴿69﴾ لِيُنذِرَ مَن كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿70﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ ﴿71﴾ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ﴿72﴾ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿73﴾ وَاتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ ﴿74﴾ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُندٌ مُّحْضَرُونَ ﴿75﴾ فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿76﴾**

**و هنگاميکه به آنان گفته شود درباره آنچه در آينده قیامتی خویش خواهید داشت، و نیز از نتایج کارهای نامقبول در گذشته کرده ايد پروا کنيد شايد مورد رحمت واقع شويد ناراحت ميشوند (45) و هيچ آيه اي از آيات پروردگارشان به آنان نميرسد مگر اينکه از آن روی میگردانند (46) و هنگامي که به آنان گفته شود از آنچه خداوند روزيتان کرده به فقرا بخشش کنيد به مومنان مي گويند آيا کسي را غذا دهيم که اگر خدا مي خواست خودش غذايش ميداد؟ شماها در گمراهيي آشکاريد (47) و ميگويند اين وعده قيامت که صحبتش را مي کنيد کي است اگر راست ميگوييد؟ (48) با این سخنشان متعرض چیزی میشوند که جز یک فریاد مهیب نیست که در همان حالی که دارند بگو مگو مي کنند ، ممکن است فراگيرشان شود (49) که نه فرصت خواهند داشت وصيتي کنند و نه بسوي اهل خويش برگردند (50) و بهتر است نگران روزی باشند که در آن شيپور آسمانی دميده میشود تا فورأ از قبرهاشان بسوي پروردگارشان بتندي روان شوند (51) در آن حال خواهند گفت واي بر ما چه کسي ما را از خوابگاه مان برانگيخت؟ جواب خواهند شنید که اين همان وعده خداوند است و پیامبران نيز راست گفتند (52) آن جز فرياد بلندي نخواهد بود و آنها ناگهان همگي در پیشگاه حق حاضر خواهند بود (53) در آن هنگام به آنان خطاب ميشود امروز به هيچ کس ظلمي نميشود و فقط جزاي اعمالی که انجام ميداديد دریافت میکنید (54) البته بهشتيان در آن روز مشغوليت هاي لذت بخشي خواهند داشت (55) خودشان و همسرانشان در سايبان هائي بوده و بر تخت هائي تکيه خواهند زد (56) در آنجا ميوه هائي و نعمت هایی دیگر که بخواهند برايشان فراهم خواهد بود (57) واز آن مهمتر، پیامی اطمینان بخش از جانب پروردگار مهربان (58) آنگاه به برخی خطاب میشود اي گناهکاران اينک از ساير مردم جدا شويد (59) به آنان عتاب میشود که اي آدميان! مگر قرار نبود پيروي شيطان نکنيد که او دشمن آشکارتان است؟ (60) و اينکه فقط مرا اطاعت کنيد که جاده مستقيم همين است؟ (61) و البته شيطان گروههاي زيادي از شما را گمراه کرد آيا تعقل نمی­کردید؟ (62) اين همان جهنمي است که به شما وعده داده ميشد (63) امروز بسبب کفري که ميورزيديد به آن درآئيد (64) در آن روز بر دهانهايشان مهر ميخورد و دستهايشان به سخن درمیآیند و پاهايشان گواهي ميدهند که چه انجام ميداده اند (65) و اگر ميخواستيم میتوانستیم بینائی شان را از بين ببریم و در آنصورت نمیتوانستند به سوي جاده مطمئن بشتابند (66) و نيز اگر ميخواستيم در همان موقعيتي که بودند مسخ شان ميکرديم که نه راه پيش و نه راه پس داشته باشند (67) ای مردم! آيا تعقل نميکنید که که کسي را که عمر طولاني به او ميدهيم از لحاظ خلقت واژگونه اش مي کنيم (68) آیا توجه ندارید که به او که پیامبرتان است شعر نياموختيم و درخور او هم نيست؟ بلکه آن قرآنی که به او وحی کرده ایم چيزي جز پندي و خواندنيي روشن نیست؟ (69) تا هر كه را که زنده است هشدار دهد و آن حكم هم بر کافران فرود آيد (70) آيا نديديد که ما به قدرت خويش برايتان چارپاياني آفريده ايم که مالک آنها ميشوید؟ (71) و آنها را رام تان کرده ايم که هم از آنها سواري ميگيرید و هم از آنها ميخورید (72) و در آنها منافع و نوشيدني هائي هم دارید آيا شکر نميگزارید؟ (73) و غير از خداوند خداياني برگرفتند با این خیال که ياري شوند (74) آنها نميتوانند اينها را ياري کنند اما اينها خودشان سرباز حاضر بخدمت آنها ميشوند (75) پس ای پیامبر! سخن آنها اندوهگينت نکند ما خودمان آنچه را که آشکار يا پنهان ميکنند ميدانيم (76)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : نکوهش کافران که عليرغم اينهمه لطف و رحمت الهي به کفر و تکذيب مي پردازند و خود را در معرض نابودي و عذاب قرار مي دهند .**

**درب : روگردانی از آیات ، و غفلت از نعمت های الهی ، از سبب­های ارتکاب اعمال قابل نکوهش است که آنها را به نتیجه نامطلوب میرساند در حالی که مومنان به نتیجه ای مطلوب میرسند ، و تو ای پیامبر! به پیگیری کار رسالتت بپرداز.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : «قرآن فرو فرستاده خداوند است» و اینکه ای پیامبر ! وظیفه ات هشداردادن به کسانی است که نسبت به موضوع رســـــالتت آگاهی ندارند ، البته تو نیز انرژیت را فقط برای کسانی صرف کن که فایده داشته باشد .

در پاراگراف 2 می فرماید عده­ای از این مردم هم همان رفتاری را می­کنند که بعضی از اقوام گذشته کرده­اند .

در پاراگراف 3 می فرماید برخی نعمت­های خداوند چنان است که عادت کردن به آنها سبب فراموش کردن اهمیت آنها و خداوند میشود .

در این پاراگراف می فرماید ای پیامبر! این است نمونه ای از رفتارهای فکری و عملی مخالفانت و اینکه آنها علیرغم اینهمه نعمت­هائی که از جانب خداوند برایشان فراهم شده، به کفر و تکذیب می­پردازند و خداوند به حکمت خویش فعلا از عذاب آنها صرفنظر میکند و تو فعلا ناراحت مباش ، زیرا که امورشان تحت نظر است .

**3 - سوالات**

1 – منظور از «**مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ**» (آیه45) چیست؟

2 – درآیه 45 یک مورد از کلیدهای تفسیری اتفاق افتاده ، آن را مشخص کنید .

3 – اول آیه 46 موضوع کدام کلید تفسیری واقع شده؟

4 - بین دونیمه آیه52 یک مورد موضوع کلیدهای تفسیر قرآن اتفاق افتاده ، (آن رامشخص کنید)

5 - همچنین است راجع به آیه های53 و59

6 - منظور از «لاتعبدوا» (آیه60) چیست؟

7 - سوال فوق را درباره «شغل» و«فاکهون» (آیه55) نیزجواب دهید.

8 – چرا خداوند در اینجا- بجزآیه65- از حالت فاعلی مفرد استفاده نموده؟ (اعهد اعبدونی)

9 – و چرا درآیه 65 از حالت جمع ؟ (نختم تکلمنا)

10 – از موضوع آیه 52 چه سابقه ای درسوره های قبل دارید؟

11 – کلمه «ازواج» (آیه 56) به چه معنی بکار رفته؟ (گروه ها؟ همسران؟)

12 – به عبارت دیگر ، «ازواج» مذکور به معنی لغوی به کار رفته یا اصطلاحی؟

13 – وضعیت آیات 60 – 62 با کدام کلید تفسیری تناسب دارد؟

14 – ظرف زمانی – مکانی آیات فوق را مشخص کنید .

15 - ظرف زمان مدلول دو آیه 66و67 چه وقتی است؟

16 - نعمت های فوق رابه دو دسته سلبی وایجابی تقسیم کنید.

17 - «ما ینبغی له» (آیه69) با کدام کلیدفهم قرآن مطابقت دارد؟

18 – منظور از «حی» (آیه70) چیست؟

19 - «ایدینا» (آیه71) کنایه ازچیست؟

20 – آیات 66 تا 68 چه نوعی از سخن است؟ (هشدار؟ تنبه؟ یا . . ؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 47 فهمیده میشود تصوری که آنها از خداوند داشته اند این بوده که کارهایش را از طریق بی واسطه و بی اسباب و علل و بطور غیر عادی انجام میدهد .

از آیه 69 فهمیده میشود آنحضرت اساسا استعداد شعرگوئی نداشته و نیز اینکه اگر استعدادش را میداشت ، این موضوع مخل و مزاحم رسالتش میبود .

از آیه 74 فهمیده میشود یک علت مهم گرایش به شرک (البته از سوی آباء و اجداد فعالان معاصرِ نزول این آیات ، جلب منفعت از سوی «خدایان» بوده است که امید داشته اند در مشکلات میتوانند روی یاری آنها حساب کنند .

**5 – زاویه با تفاسیر رایج**

1 - در آیه 68 درک آن معنی که در جای خویش عرض شد، در اثر توجه به درس و درب بود که در آن مطلبی را که نعمت بنظر نمی­آید نعمت ببینیم و لذا این از کمک­های مستقیم این روش تفسیری است.

2- همچنین است استنتاجی که در موضوع آیه 69 شد.

**6 – کلیدهای تفسیری**

1 در انتهای آیه 45 «واگذاری به مخاطب» صورت گرفته است .

2 - در انتهای آیه 47 «ان انتم الا فی ضلال مبین» نقل قول کافران به مومنان است.

3 – در ابتدای آیه 59 التفات صورت گرفته است .

4 - بین دونیمه آیه52 التفات واقع شده است .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - نکوهش فعالان کفر برای روگردانی از آیات الهی و نیز غفلت و بی توجهی از اینکه اینهمه نعمت های الهی که کل زندگی شان وابسته به آنها است از کیست و اینکه شِرک ایراد اصولی دارد و . . .

2 – توصیه به آنحضرت که این چیزها مغمومت نکند و تو کماکان به کار اصلی ات برس .

**8 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیات 47 و 60 و 68 و 69 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**9 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیات 49 تا 65 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 45 و 46 و 48 تا 58 و 74 تا 76 ، بقیه آیات «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**شبه استدلال، آنهم غلط**

آیه 47 حاویِ یک شِبه استدلال غلط است.

خداوند امور این دنیا را مطابق آنچه که بارها تحت عنوان «فعل خداوند قانونمند است» دیدیم ، براساس قوانینی اداره می­کند که برای بشر نیز مفهوم و بسیاری از آنها معلوم است و از جمله اینکه یکی از پایه­های قوام جامعه بشری را در دستگیری ضعفا توسط اغنیاء قرار داده است.

همانگونه که در داخل هر خانواده پدر و مادر به فرزندان ضعیف بیشتر توجه می­کنند ، در جامعه بشری نیز (که یک خانواده در مقیاس بزرگتر است) همین حالت لازم است و خداوند این را قرار داده و در غیر این صورت جامعه محل تراکم خشم­های فرو خورده شده ، و فرو می­پاشد .

اینکه در آیه مذکور کفار چنان می­گویند در حقیقت برای شانه خالی کردن از وظایف مالی خویش به قدرت مطلق الهی اشاره می­کنند اما (عامداً) از این غفلت می­کنند که قدرت الهی مانع از این نیست که حکمت الهی راز بقاء جوامع را در آن طرز رفتار قرار داده باشد .

در حقیقت گفتار کافران نوعی مغلطه و سفسطه است ، و با این حال پیامبرشان و مؤمنان را «در گمراهیی آشکار» قلمداد می­کنند.

**بهشت کوچولوی موقت**

(به قرینه آیه 59) پذیرائی مورد اشاره در آیات 55 تا 58 مربوط به حالتی است که هنوز قیامت است ، و هنوز آخرت (بهشت و جهنم) شروع نشده است .

یعنی در همان قیامت هم که همگی مشغول رسیدگی به کارنامه­ها یشان هستند ، کسانی که بعداً اهل بهشت خواهند بود ، در یک حالت «پیش­بهشتی» خواهند بود تا مرحله قیامت بطور کامل تمام ، و بساطش جمع شود و آنها بتوانند به بهشت کامل واقعی خویش برسند.

**روش­های بی­خطای راستی آزمایی**

در حاشیۀ آیه 65 این سئوال مطرح است که دستها و پاها چطور سخن می­گویند و گواهی می­دهند؟

می­دانیم اعمال آدمی روی او اثراتی می­گذارد.

سخن گفتن اعضاء بدن نیز باید از چنین طرقی باشد.

اثراتی که اعمال ما روی اجزاء بدن ما می­گذارد ، زبان حال آنهاست مثلاً نسوج داخلی بدن معتاد با آدم سالم فرق دارد و همینطور مشروب­خوار و اینکه چه نوع مشروبی مصرف می­کرده و چند بار و چقدر؛ در صورتی که روشهای حقیقت­یاب دقیق و کامل باشد ، فوراً معلوم خواهد شد.و قابل فهم است که این نوع اعتراف­گیری ، درست ، بی­خطا ، و مطلقاً عادلانه است.

البته علم خداوند کامل و دقیق و محض است و نیازی به روشهای آزمایشگاهی ندارد . اما خداوند بی­نهایت عادل نیز هست و یکی از روشهای عادلانه این است که محکوم قلباً قبول کند که با او عادلانه رفتار شده است و این نوع اعتراف­گیری در آن جهت است.

**چند دریافت کوتاه و مستقیم**

1 - آیات 60 تا 62 «پرانتزی» است و این واضح است ، زیرا اگر قبل و بعدشان را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست و بی سکته میشود .

2 – کلمه «ازواج» به معنی لغوی بکار رفته (به همان معنی که در آیه 131 سوره طه بکار رفته) و معنیِ «گروه ها» را میدهد ، نه «همسران»

3 – ظرف زمانی – مکانی آیات مذکور در قیامت و از باب تحلیل و جمع بندی اعمال و صورتحسابشان است و جنبه نکوهش دارد و خودش هم آغاز عذاب (های روحی) شان است .

**خواست خداوند قانونمند است**

البته (با توجه به تیتر فوق) خواست خداوند بر موارد مذکور در آیه­های 66 و 67 تعلق نگرفته است.

بعبارت دیگر حکمت خداوندی بر این تعلق گرفته که به همگی مهلتی دهد تا هرکس حقیقت خود را آشکار کند و زندگی این جهانی از لحاظ قانونمندی برای همه یکسان باشد و فرق­ها در جهان دیگر ظاهر شود.

**در پیری و ضعفِ قوا چه نعمتی هست؟**

موضوع آیه 68 ظاهراً بنظر نعمت نمی­آید اما این پاراگراف به شهادت درس و درب ذکر نعمتهاست و نمی­شود بین چند آیه که بالا و پائین آن نعمت است چیزی بگوئیم که نقمت باشد که این از لحاظ اصول سخن زشت است.

اگر به آیه 68 به «چشم نعمت­بین» نظر کنیم آنگاه مطلب را میگیریم.

وجوه نعمت بودن این مطلب می­تواند بقرار زیر باشد:

1- بتدریج که قوای آدمی به تحلیل می­رود، این احساس که مرگ نزدیک است و باید رفت، بیشتر در ضمیر اشخاص قوت می­گیرد و هر کس با خود می­گوید باید رفت، پس از رفتن، حساب و کتاب است و واقعیاتی که پیامبران گفتند، و چه بهتر است وضع خود را اصلاح کنم و انطباق دهم و ممکن است این حدیث نفس، به توبه و استغفار و صلاح و سداد ختم شود و شخص بهشتی شود و چه نعمتی بالاتر از این؟

2- خداوند این نظام آفرینش را طوری ترتیب داده که آدمی در این جهان بیاید و زندگیی کند و امتحانی بدهد و برود و زندگی واقعی آدمی در جهانیست که پس از وقوع قیامت بوجود خواهد آمد و لذا این جهان، جهانِ محدودیتهاست و این نوع ترتیب دادن مطلب که در اثر طول عمر، کم­کم آدمی از صحنه زندگی به حاشیه رانده شود، در جهت آن نظام کلی است و چون آن خیری دارد و حکیمانه است این نیز از لحاظ همجهت بودن با آن خیریت دارد و نعمت است.

3- در صورتیکه زاویه دید خود را تغییر داده و از نگاه «هر فرد» به این آیه نگاه نکنیم بلکه از نگاه «جامعه بشری» به این آیه نگاه کنیم می­بینیم این مطلب یکی از نعمات بزرگ است.

تصور کنید جامعه­ای را که جوانان آن پیر نمی­شوند و قدرتهای جسمی آنها کاهش نمی­یابد. در آنصورت ببینید چه جنگ­ها و نزاعها و رقابت­های سهمگینی برای خواسته­های بشری، مانند مال و جفت و غیره بین آنها در نمی­گیرد و هیچ احترامی بین نسل­ها باقی نمی­ماند زیرا پسر پدر را رقیب خویش می­یابد و تمام کوشش خویش را مصروف کنار زدن او از تجاوز و تطاول قطعی او به مایملک خویش بکار می­برد و جمعیت بطور وحشتناکی رو به تزاید و منابع به طور دهشتناکی رو به نقصان می­گذارد و جدّاً جهنمی خواهد شد که اگر اندکی قوه خیال خویش را میدان دهیم، خواهیم توانست چنان تراژدی­هائی خلق کنیم که رُمان مشهور «کوری»پیش آن جلوه­ای نخواهد داشت.

بعبارت دیگر اصل این کشتارها و جنایت­های بشری مبتنی به اصل «محدودیت منابع» است که در آن صورت، این محدودیت، صد چندان خواهد شد.

**در شاعر نبودن پیامبر(ص) چه نعمتی هست؟**

در حاشیه آیه 69 باید عرض کنیم هدایتی که خداوند از طریق پیامبرش نسبت به بشر ارائه نمود بزرگترین لطف الهی است و قرآن بزرگترین نعمت اوست.

حال اگر پیامبر، شاعر هم می­بود، ممکن بود مخاطب نتواند بین گفته­های پیامبر و گفته­های خداوند تفکیک قائل شود و اگر کسی راجع به وحی تردید می­کرد و می­گفت شاید این از گفته­های الهی نباشد و از گفته­های پیامبر باشد، چندان قابل سرزنش نبود. لذا اینکه خداوند راه قریحه شاعری پیامبر را بست، در جهت اطمینان و یقین و دلگرمی مردم نسبت به وحی و بطور خلاصه در جهت هدایت مردم اقدام نموده و لذا این، نیز، جزء بزرگترین الطاف و نعمات الهی است.

**دریافت های کوتاه مستقیم**

1 - آیات 66 تا 68 از باب تنبه است که ای انسان ! این چیزهائی که به آنها عادت کرده ای هرکدام یک نعمت بزرگ است که می تواند وجود نداشته باشد ، و در آنصورت چه وضعی خواهی داشت؟ و آیا به فکر نمی افتی که قدر بدانی و شکر بگزاری؟

2 - «زبان» آیه 66 از نوع طنز است .

**آیات آشنا**

محتوای آیه 74 و قسمت اول آیه 75، همعرض است با آیات 26 تا 30 و نیز آیه 23 سوره نجم است.

**به زبان طنز**

در آیه 75 از لحنِ بیانیِ طنز استفاده شده ، و یعنی اینکه آنها برایشان فایده ای ندارند ولی اینها به عنوان سرباز کمربسته بی جیره و مواجب آنها عمل میکنند ، و بالاخره یعنی اینکه رفتارشان نا معقول و ناموجه است .

**جمع بندی و تفسیر**

**و هنگاميکه به آنان گفته شود درباره آنچه در آينده خواهید داشت و از** (نتایج) **آنچه در گذشته کرده ايد پروا کنيد شايد مورد رحمت واقع شويد** (ناراحتميشوند) **(45)** {و هيچ آيه اي از آيات پروردگارشان به آنان نميرسد مگر اينکه از آن روگردانند}(46) **و هنگامي که به آنان گفته شود از آنچه خداوند روزيتان کرده بخشش کنيد کافران به مومنان مي گويند آيا کسي را غذا دهيم که اگر خدا مي خواست خودش غذايش ميداد؟ جز اين نيست که شماها در گمراهيي آشکاريد (47)** **و ميگويند اين وعده** (قيامت که صحبتش را مي کنيد) **کي است اگر راست ميگوييد؟(48) منتظر چيزي نيستند جز یک فریاد** (مهیب) **که در همان حال که دارند بگو مگو مي کنند ، فراگيرشان شود (49) که نه** (فرصت خواهندداشت) **وصيتي کنند و نه بسوي اهل خويش برگردند (50) و در آن شيپور دميده میشود و آنها فورأ از قبرهاشان بسوي پروردگارشان بتندي روان مي شوند (51) ميگويند واي بر ما چه کسي ما را از خوابگاه مان برانگيخت؟ اين همان وعده خداوند است و پیامبران نيز راست گفتند (52) جز فرياد بلندي نخواهد بود و آنها ناگهان همگي در نزد ما حاضر خواهند بود (53)** [خطاب ميشود] **امروز به هيچ کس ظلمي نميشود و جزائي نداريد مگر** (در قبال) **آنچه که انجام ميداديد (54) البته بهشتيان در آن روز مشغوليت هاي لذت بخشي خواهند داشت(55) خودشان و همسرانشان در سايبانهائي بوده و بر تخت هائي تکيه خواهند زد (56) در آنجا ميوه هائي و نيز آنچه بخواهند برايشان فراهم خواهد بود (57)** (ونیز) **سلامي از جانب پروردگار مهربان (58)** [ آنگاهبه برخی خطاب میشود] **اي گناهکاران اينک** (از ساير مردم) **جدا شويد (59)** [به آنان عتابمیشود که] **اي آدميان! مگر قرار نبود پيروي شيطان نکنيد که او دشمن آشکارتان است؟ (60) و اينکه** (فقط) **مرا اطاعت کنيد که جاده مستقيم همين است؟ (61) و البته** (شيطان) **گروههاي زيادي از شما را گمراه کرد آيا تعقل نمی­کردید؟ (62) اين همان جهنمي است که به شما وعده داده ميشد (63) امروز بسبب کفري که ميورزيديد به آن درآئيد (64) امروز بر دهانهايشان مهر ميزنيم و دستهايشان با ما سخن ميگويند و پاهايشان گواهي ميدهند که چه انجام ميداده اند (65)** **و اگر ميخواستيم چشمهاشان را از بين ميبرديم و در آنصورت اگر ميخواستند به سوي جاده مطمئن بشتابند نميتوانستند (66) و نيز اگر ميخواستيم در همان موقعيتي که بودند مسخ شان ميکرديم که نه راه پيش و نه راه پس داشته باشند (67) و کسي را که عمر طولاني به او ميدهيم از لحاظ خلقت واژگونه اش مي کنيم آيا تعقل نميکنند؟ (68) و به او** (که پیامبرتان است) **شعر نياموختيم ودرخور او هم نيست . آن** (قرآن) **چيزي جز پندي و خواندنيي روشن نیست (69) تا هر كه را که زنده است هشدار دهد و آن حكم هم بر کافران فرود آيد (70) آيا نديديد که ما به قدرت خويش براي آنها چارپاياني آفريديم که مالک آنها ميشوند؟ (71) و آنها را رامشان کرديم . پس هم از آنها سواري ميگيرند و هم از آنها ميخورند (72) و در آنها منافع و نوشيدني هائي هم دارند آيا شکر نميگزارند؟ (73) و غير از خداوند خداياني برگرفتند شايد ياري شوند (74) آنها نميتوانند اينها را ياري کنند اما اينها خودشان سرباز حاضر بخدمت آنها ميشوند (75) پس سخن آنها اندوهگينت نکند ما خودمان آنچه را که آشکار يا پنهان ميکنند ميدانيم (76)**

**یس5 آیات77تا83**

**أَوَلَمْ يَرَ الْإِنسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ ﴿77﴾ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ ﴿78﴾ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿79﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنتُم مِّنْهُ تُوقِدُونَ ﴿80﴾ أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُم بَلَى وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿81﴾ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿82﴾ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿83﴾**

**ای پیامیر! آيا انسان ها نميدانند که آنان را از نطفه آفريده ايم که چنين آشکارا دشمني ميکند؟ (77) و براي ما مثلي ميزنند و ميگويند چه کسي استخوان پودر شده را زنده ميکند؟ (78) بگو همان کسي که اول بار زنده اش کرده و او بر هر آفرينشي داناست (79) همو که از درخت سبز برايتان آتشی قرار داد و شما آنرا برمي افروزيد (80) آيا کسي که آسمانها و زمين را آفريده ، قادر نيست مانند آن انسان ها را بيافريند؟ بلي و همو آفريننده اي بسيار داناست (81) امرش وقتي که اراده چيزي کند فقط میگويد باش وآن ميشود (82) پس منزه است کسي که سررشته همه چيز بدست اوست و بسوي او باز ميگرديد (83)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : نکوهش کافران که عليرغم اينهمه لطف و رحمت الهي به کفر و تکذيب مي پردازند و خود را در معرض نابودي و عذاب قرار مي دهند .**

**درب : بی­توجهی به قدرت الهی موجب بروز رفتار قابل نکوهش است .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : «قرآن فرو فرستاده خداوند است» و اینکه ای پیامبر ! وظیفه ات هشداردادن به کسانی است که نسبت به موضوع رســـــالتت آگاهی ندارند ، البته تو نیز انرژیت را فقط برای کسانی صرف کن که فایده داشته باشد .

در پاراگراف 2 می فرماید عده­ای از این مردم هم همان رفتاری را می­کنند که بعضی از اقوام گذشته کرده­اند .

در پاراگراف 3 می فرماید برخی نعمت­های خداوند چنان است که عادت کردن به آنها سبب فراموش کردن اهمیت آنها و خداوند میشود .

در پاراگراف 4 می فرماید ای پیامبر! این است نمونه ای از رفتارهای فکری و عملی مخالفانت و اینکه آنها علیرغم اینهمه نعمت­هائی که از جانب خداوند برایشان فراهم شده، به کفر و تکذیب می­پردازند و خداوند به حکمت خویش فعلا از عذاب آنها صرفنظر میکند و تو فعلا ناراحت مباش ، زیرا که امورشان تحت نظر است .

در این پاراگراف می فرماید این خداوند قادر بر ایجاد قیامت نیز هست .

**3 – سوالات**

1 - «نسی خلقه» در آیه 78 با کدام کلید تفسیری منطبق است؟

2 – برای آیه 81 ، با توجه به آنچه تاکنون دیده ایم ، چه سابقه ای سراغ دارید؟

3 - «ید» در آیه 83 به «چه زبان»ی است؟ استعاری؟ کنایی؟ یا . . ؟

4 – حالت کلی این پاراگراف از چه نوع است؟ (تنبه برانگیز؟ هشداری؟ آموزشی؟ یا . . . ؟)

5 – در آیه 77 ، منظور از «الانسان» چیست؟ (همه انسانها؟ اکثریت انسانها؟ یا ..؟)

6 - «اذا» در آیه 77 چه کار کرد ادبی (دستور زبانی) دارد؟

7 – مثالی که در آیه 80 زده شده چه ربطی به ماقبل خویش دارد؟ (کمی فکر کنید)

8 – در این پاراگراف گوشه هایی از عظمت خلاقیت الهی را ذکر فرموده ، آنه را لیست کنید .

9 – در اثبات معاد ، در این پاراگراف چه دلیلی آورده؟

10 – در باره ظرف زمانی-مکانیِ «کن» و «یکون» چه میتوان گفت؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

تشکیک در موضوع برپایی قیامت و آخرت یک امر عادی و طبیعی است ، زیرا آن موضوع دور از ذهن است ، و قبول آن با واسطه چیز دیگر (مثلا در آیه 81 با توجه به قدرت بی انتهای الهی) ممکن میشود ، و کسی از این لحاظ قابل سرزنش نیست (توجه کنید به کلمه «انسان» در آیه 77) زیرا همگان در معرضش هستند (آیه 78)

**5 – زاویه با تفاسیر رایج**

**موضوع** :آیه «انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون»

در اینجا اگر به عصاره محتوای سوره توجه می فرمود با آیه مذکور اینطور مواجه میشد که در این سوره خداوند دارد نکوهش میکند که اینها چرا به این حقایق واضح توجه نمیکنند؟ از جمله اینکه خداوند اینقدر قدرت دارد (که در آیات 79 و 80 و 81 به آن اشاره کرده) و آنقدر قدرت دارد که اگر بخواهد چیزی انجام شود برایش کافی است که بگوید باش و آن موضوع انجام میشود و هیچ چیز برایش مشکل نیست.

چیزی که به این راحتی قابل توضیح است ببینید در المیزان – در یک متن بسیار طولانی - چه فلسفه هائی فرموده و چه راه های صعبی پیموده و آخر هم توفیقی برای واضح کردن مطلب نیافته (این قسمت را در المیزان بخوانید تا متوجه شوید)

مورد خطا : 1 – بی توجهی به عصاره محتوای سوره ، 2 – پیشداوریِ حاصل از روایات و فلسفه های متبوع

**6 – کلیدهای تفسیری**

آیه 80 فرع است بر آیه 79 و این واضح است .

**7 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

جلب توجه مخاطب ها به گوشه هایی از عظمت خلاقیت خداوند متعال برای نزدیک کردن امکان وقوع قیامت به اذهان آنان .

**9 - آیات مشکل**

آیه های 82 و 83 از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر آنها گفته اند .

**10 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیات 78 تا 80 و 82 و 83 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**11 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیات 79 تا 81 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

آیه های 82 و 83 از این لحاظ که به آفرینش خاص و قدرت های خاص الهی اشاره دارد، از آنجا که جزئیات مکانیزمش برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم 1400 سال قبل.

**12 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**کُن فیکون**

موضوع آیه 82 با توجه به لیست ترتیب نزول و آنچه تاکنون دیده­ایم، جدید ، و یکی از آیات شاخص در کل قرآن کریم است.

توضیح آن بطور خلاصه این است که وقتی خداوند اراده ایجاد امری را کند می­فرماید «باش» و آن «می­شود»

منتها مراحلی وجود دارد.

از صدور کلمه «باش» تا «بودنِ» آن چیز اتفاقات لازم در طول زمان و در عرصه مکان می­افتد.

خلاصه اینکه فرمان «باش» مثلاً فشار دادن کلید استارت در «نرم­افزار» است ، و پروژه «بودن» آن امر در «عالَمِ سخت­افزار»ی شروع می­شود و سپس در ظرف زمان و مکان ، تحقق می یابد.

**مُلک و ملکوت**

موضوع آیه 83 نیز ، با توجه به لیست ترتیب نزول جدید است .

تصور کنید امروز یک جراح در دفتر کارش نشسته ودارد یک بیمار را در آنسوی دیگر دنیا جراحی می­کند . در آن طرف روباتی هست که از طریق شبکه به کامپیوتر دفتر جراح وصل است و این جراح روی مونیتور خویش اشاره­هائی می­کند و آن روبات آن اشاره­ها را دریافت کرده و بصورت عمل جراحی روی بدن آن بیمار انجام می­دهد.

آن اطاق جراحی و آن بیمار و آن روبات و آن مجموعه ، مثالی برای «عالم مُلک» است و این دانشمند و اتاق او و شبکه کامپیوتری ، مثالی برای عالم ملکوت است .

البته این را هم بدانید که مثال­ها یک مطلبی را به ذهن نزدیک می­کنند اما ذهن را درباره مسائل زیادی به اشتباه می­اندازند ، و معاذالله که خواسته باشیم بگوئیم که رابطه ملکوت و ملک اینقدر ساده باشد و خداوند را در حد آن جراح که با وسائلی کار می­کند و اگر آن وسائل نباشد نمی­تواندکارکند، محدود کرده باشیم.

خلاصه این فقط یک مثال برای نزدیک کردن یک مطلب دور به ذهن، و ساده کردن یک مطلب پیچیده بود .

( مرحوم دکتر شریعتی در یکی از سخنرانی­هایش می­گفت کسی «تاریخ بشر» را از لحاظ اینکه یک چیز «جریان­دار» است به رودخانه تشبیه کرده بود که یکی از مستمعین پرسید، «قورباغه­های تاریخ بشر چه جور و کجاها هستند» !

این نمونه یک مثال است که مطلبی را به ذهن نزدیک می­کند اما درباره جزئیات همه چیز «انطباق یک به یک» ندارد و نمی­تواند داشته باشد.

موضوع ملک و ملکوت پیچیدگی­هائی دارد اما مثال فوق کمک می­کند که یک مدل ساده از آن بسازیم اما باید متوجه باشیم که بین جزئیات آنها «تطابق یک به یک» وجود ندارد و نمی­تواند داشته باشد.

**جمع بندی و تفسیر**

**آيا انسان نميداند که او را از نطفه اي آفريده ايم که چنين آشکارا دشمني ميکند؟ (77) و براي ما مثلي ميزند و ميگويد چه کسي استخوان پودر شده را زنده ميکند؟ (78) بگو همان کسي که اول بار زنده اش کرده و او بر هر آفرينشي داناست (79) همو که از درخت سبز برايتان آتشی قرار داد و شما آنرا برمي افروزيد (80) آيا کسي که آسمانها و زمين را آفريده ، قادر نيست مانند آنها را بيافريند؟ بلي و همو آفريننده اي بسيار داناست (81) امرش وقتي که اراده چيزي کند میگويد باش وآن** **ميشود (82)** **پس منزه است کسي که سررشته همه چيز بدست اوست و بسوي او باز ميگرديد (83)**

**سوره شوري**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**حم ﴿1﴾ عسق ﴿2﴾ كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿3﴾ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿4﴾ تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِن فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿5﴾ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أَولِيَاء اللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ ﴿6﴾ وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ ﴿7﴾ وَلَوْ شَاء اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِن يُدْخِلُ مَن يَشَاء فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُم مِّن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿8﴾ أَمِ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاء فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي المَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿9﴾ وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِن شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿10﴾ فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذْرَؤُكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ البَصِيرُ ﴿11﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاء وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿12﴾ شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَن يَشَاء وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ ﴿13﴾ وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِن بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ ﴿14﴾ فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءهُمْ وَقُلْ آمَنتُ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِن كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿15﴾ وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِن بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِندَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ﴿16﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حم (1) عسق (2) ای پیامبر! چنين وحي ميکند خداوند عزيزحكيم بسويت و بسوي کساني که قبل از تو بوده­اند (3) آنچه که در آسمانها و زمين است از آن اوست و همو والامرتبه بزرگ است (4) نزديک است آسمانها از فراز سر این کافران بشکافد و ملائكه، در عین حال ، به ستايش پروردگارشان تسبيح ميگويند و براي زمينيان نیز استغفار ميکنند. که ای مردم بدانيد خداوند آمرزنده مهربان است (5) آنانکه غير از او سرپرستاني برگرفته اند ، خداوند مراقب آنان است ، و تو ای پیامبر! مسئول آنها نيستي (6) چنین است که قرآني داراي زبان روشن به تو وحي کرديم تا مردم مرکز و اطراف آن را هشدار دهي ، و نيز از روز جمع شدن در قیامت که شکي در آن نيست و اينکه عده اي در بهشت و عده اي در آتش سوزان خواهند بود خبردارشان کنی (7) البته اگر خدا ميخواست همه را يکجور قرار ميداد و همه هدایت میشدند ليکن اينطور نيست تا هرکس باطن خویش را نشان دهد تا معلوم شود که خداوند هر را که در رحمتش داخل میکند و ظالمان را که وامیگذارد حقشان است و البته ظالمان هيچ سرپرست و ياوري نخواهند داشت (8) آيا این کافران غير از خداوند سرپرستاني برگرفته اند؟ حال آنكه خداوند سرپرست واقعي همه است و همو مردگان را زنده ميکند و هموست که بر هر چيزي تواناست؟ (9) ای مردم! اگر درباره چيزي اختلاف کرديد ، حکم صحیحش نزد خداوند است . ای پیامبر! بگو اين همان خدائی است که پروردگار من است و بر او توکل ميکنم و بسوي او باز ميگردم (10) که آفريننده آسمانها و زمين است. و اوست که از جنس خودتان برايتان همسراني آفرید و چارپايان را نيز بصورت جُفت هايي قرار داد و شما را در این جهان ریخته ، چيزي مانند او نيست و همو شنواي بيناست (11) کليد هاي آسمانها و زمين از آن اوست. براي هر کس که بخواهد روزي را ميگشايد يا به اندازه ميدهد که او بر هر چيزي داناست (12) همو از ديانت ها براي شما تشريع کرد ، آنچه را که نوح را به آن سفارش کرد ، و آنچه را که به ابراهيم و موسي و عيسي سفارش کرد ، که همان را هم به تو وحي نموديم ، که به مردم بگوئی دين را بپا داريد و درباره آن به تفرقه نگرائيد . براي مشرکان گران است آنچه را که بسويش ميخوانی . خداوند هر که را که لایق باشد به راه خويش برميگزيند و کسي را که توبه و بازگشت کند بسوي خويش هدايـت ميکند (13) و اقوام گذشته از راه حق متفرق نمی شدند مگر پس از اينکه شناخت حق را پیدا میکردند ، اما به خاطر قصد تجاوزی که به دیگران داشتند حق را زیر پا میگذاشتند ، و اگر اينطور نبود که قانونی از جانب پروردگارت قبلا صادر شده بود که تا سرآمدي معين مهلتشان دهد ، البته حتما نابودشان میکرد ، و سپس کسانی جایگزین آنها شدند ، که در اثر عمل پیشینیان خویش در شکي گمراه کننده افتادند (14) پس ، تو ای پیامبر! به اين خاطر اینان را به حق و هدایت دعوت کن و در آنچه که مأمور شده اي استقامت ورز و اميال آنان را پيروي مکن و بگو به هر کتاب آسمانی که خداوند فرو فرستاده است ايمان آورده ام و مأمورم که بين شما عدالت کنم . خداوند پروردگار ما و شماست . اعمالمان براي ما و اعمال شما براي خودتان است و هيچ حجتي تمام نشده بين ما و شما نيست. خداوند ما را در قیامت گرد مي آورد و سرانجام همه چيز بسوي اوست (15) و کسانیکه درباره خداوند ، پس از اينکه دعوت وي پذيرفته شد، مجادله ميکنند ، دليلشان نزد پروردگارشان زايل است و غضبي عليه آنهاست و عذابي شديد خواهند داشت (16)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

تاکنون ، در چهار جلد قبلی این تفسیر ، در ابتدای پاراگراف اول هر سوره ، ذیل تیتر فوق ، لااقل دو جدول اول و آخر طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یا همان «درس» سوره) را می آوردیم ، اینک که خواننده محترم به اندازه کافی آنها را دیده ، و دانسته که طرز استخراج چگونه است ، به علت علاقه به رعایت اختصار ، دیگر جدول های مذکور را که دائما طولانی تر میشود ، ذکر نمیکنیم ، و اگر کسی بخواهد، میتواند همه آنها را در کتاب «راهنمای تحلیلی» ما (در سایت ما که در اول و آخر این کتاب معرفی کرده ایم) ببیند .

**درس : نکوهش کافران، که عليرغم اتمام حجت ومحاط بودن در لطف و رحمت الهي، لجبازانه به کفر خويش ادامه مي دهند .**

**درب : یکی از موارد مهم لجبازی کافرانه در رابطه با وحی است و بی­توجهی نسبت به خداوند و صفات و نعمات او سبب پیدایش شرک و سپس کفر و لجبازی کافرانه می­شود .**

**ای مردم! بسوی چنین خدائی رو کنید و مانند کافران نباشید و ای پیامبر! امیدوار باش و به رسالتت بپرداز و مردم را صبورانه چنين ارشاد کن.**

**2 – سوالات**

1- چه فرقی است بین «کذلک» در آیه 7 و در آیه 3 ؟

2 – ترکیب «عزیز الحکیم» به چه معنی است؟ (عزیز+ حکیم؟ عزیز × حکیم؟ یا....؟)

3 – منظور از «کذلک» (آیه3) چیست؟

4 – با توجه به جواب سوال فوق ، معنی آیه 3 اینطور خواهد بود : «خداوند عزیز حکیم بسوی تو و پیشینیانت مانند حم عسق وحی میکند» ! با توجه به این معنی ، چه حالتی در مجموعه «حم عسق» هست که وحی را به آن تشبیه فرموده؟ (دقت کنید !)

5 - آیه های 1و2 از حروف مقطعه است ، و ما در قسمت «مبانی» (در مقدمه جلد اول) بحثی در خصوص آن عرض کرده­ایم . با توجه به آن بحث ، معنی«حم» را ظاهرا فهمیده ایم ( که باتوجه به آن بحث ، به «درس» سوره مرتبط است) سوال این است که معنی «عسق» راچگونه باید پیداکنیم؟

6 – منظور از دو کلمه «الیک» و «الی» چیست؟ (آیا میتوان نتیجه گرفت که وحـــــی حالت «نزولی»دارد؟)

7 – با توجه به سوال فوق ، طرف پائین آن معلوم است (که پیامبران هستند) طرف بالای آن کیست؟

8 – با توجه به سوال قبل ، آیا طرف بالا یک «جا» (ایستگاه) است یا چند جا؟

9 - اولین چیزی که از حروف مقطعه فوق متوجه میشویم طرز تلفظ آنهاست که«مدّ دار» است (مثلا راجع به حم نمیتوانیم بخوانیم ham بلکه باید بخوانیم haaamiimm ) آیا «کذلک» فوق به این حالت«مدّ دار» بودن مربوط است؟

10- منظور از«حفیظ» (آیه6) چیست؟ (مراقب رفتارواعمال؟ حافظ در مقابل صدمات؟ یا....)

11 – در آیه 7 برای قرآن یک صفت و یک «قلمرو ذکر فرموده ، آنها رامشخص کنید.

12- در همان آیه برای قرآن چه «ماموریت»ی مشخص فرموده؟

13 - ده کلمه آخرآیه 7 با موضوع کدام کلید تفسیر قرآن مطابق است؟

14 – در آیه 13 « **كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ**  **اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَن يَشَاء وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ**» با موضوع کدام کلید تفسیر قرآن مطابق است؟

15 - «تفرق» (آیه14) مربوط به چه کسانی است؟ و منظور از «بغی» چیست و چراسبب تفرق آنان شده؟

16 – منظور از «کم» (ابتدای آیه13) چه کسانی است؟

17 – منظور از «امت واحده» و «**يُدْخِلُ مَن يَشَاء فِي رَحْمَتِهِ**» و «ظالمون» (آیه8) چیست؟

18 – در آیه 7 ، تنوین « قرآنا » و « عربیا» بابت چیست؟ (تعظیم؟ یا....؟)

19 – بین نیمه اول و دوم آیه 10 موضوع کدام کلید تفسیری واقع شده؟

20 – مکانیزمِ عمل به قسمت اول آیه 10 ، در زمان آنحضرت و نیز در امروز چگونه بود و باید باشد؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

رفتار و گفتمان شرک کاملا برای کل سیستم های جهانی ناگوار و نامطلوب بود و کارگزاران جهان در جهت تصحیح آن عمل میکردند ، نه در جهت مقابله با آن ، و آنحضرت نیز در همین چارچوب به صبر و خودداری توصیه میشد (آیه های 5 و 6) و خداوند هم به آنحضرت تاکید میکند که روش او این نیست که تعالیم وحی بطور معجزه آسا پیش برود (آیه 8) و در آیه 7 نیز ، هم موضوع و هم محدوده ماموریت آنحضرت را برایش مشخص فرموده است .

در این مقطع از زمان ، ظاهرا ، در داخل اردوگاه اسلام اختلاف نظری بروز کرده بوده، که توضیحی در متن آیه در باره اش دیده نمیشود و اجمالا راه رفع اختلاف بطور کلی نشان داده شده ، میتوان حدس زد که برخی از مسلمانان تعرضات اردوگاه کفر را بر نمی تابیدند و از آنحضرت خواستار مقابله جدی و عملی بودند (آیه 10)

از آیه 15 فهمیده میشود آنحضرت باز هم پیشنهاد نوعی معامله دریافت کرده بود که بشدت از آن نهی شده و به اتخاذ موضعی مانند سوره کافرون توصیه شده است .

از آیه 16 فهمیده میشود تاثیر آموزه وحی تا نزول این آیات گسترده و عمیق بوده که به آنان میگوید دیگر حنای استدلالات سابق تان رنگی ندارد و دست بکشید.

**5 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** :(المیزان) : اين سوره پيرامون مساله وحى سخن مى‏گويد

درس سوره که از راه محاسبه استخراج شده این است : نکوهش کافران که علیرغم اتمام حجت و محاط بودن در لطف و رحمت الهی لجبازانه به کفر خویش ادامه میدهند.

**2** :«تکاد السموات یتفطرن من فوقهن»

در توضیح این آیه فرموده که چون وحی از بالا (من فوقهن) می آید آسمان های هفتگانه را پاره میکند تا به زمین میرسد و چیزهای دیگری در همین حدود فرموده .

ما عرض میکنیم وقتی که امواج تلفن موبایل و بی سیم و سایر امواج الکترو مغناطیسی برای عبور از اجسام مشکلی ندارند قاعدتا وحی نیز نباید در جهان هستی سبب تخریبی شود .

ولی توضیح مطلب این است که آیه مذکور به زبان مخاطب نازل شده یعنی اینکه قول کفار که برای خداوند شرکائی فرض میکنند با فطرت و منش جهان هستی مخالفت دارد و اگر آنها مجاز بودند واکنش نشان دهند خشم خویش را نشان میدادند و خرابی و فسادی در قسمتی از جهان هستی به وجود می آوردند .

**6 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه های 7 و 8 حوزه ماموریت آنحضرت را بازهم برای او تعیین فرموده و استدلال کرده که چرا او می باید رنج این رسالت را بازهم بدوش بکشد ، و در این نویدی واضح وجود دارد .

در آیه 15 ، با توجه به 14 آیه قبل از آن مجددا آنحضرت را مامور میفرماید ، و در این ، یکنوع پیشگوئی هم مستتر است .

**7 – کلیدهای تفسیری**

1 - «الی الذین من قبلک» (آیه 3) پرانتزی است .

2 – آیات 8 تا 12 پرنتزی است .

3 - قسمت دوم آیه 13 فرع است بر قسمت اول آن .

4 - آیه های 15 و 16 نیز پرانتزی است . دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آن ببندیم و قبلش را به بعدش وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست خواهد بود .

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 – تعلیل موارد مهمِ چرائیِ لجبازی های کافرانه ،

2 – توصیه به مردم که چه رویکردی در پیش گیرند ،

3 – توصیه به آنحضرت که امیدوار باشد و به رسالتش بپردازد و مردم را صبورانه چنين ارشاد کند .

**10 - آیات مشکل**

آیه های 5 و 10 و 16 از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر آنها گفته اند .

**11 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیات 1 تا 5 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**12 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه های 1و2 از حروف مقطعه است، و چنانکه قبلا عرض شد، چون تاکنون به نحو مقنعی رمزگشائی نشده، بالاتر از ذهنیات ما نیز میباشد، چه رسد به مخاطبان اولیه.

آیه های 3 تا 8 از آنجا که به وحی اشاره دارد، و آنهم چیزی است که هیچ بنی بشری را راهی به شناخت مکانیزمش نیست، طبعا بالاتر از ذهنیات معاصران نزول است.

آیه 5 از این لحاظ که به مخلوقاتی اشاره کرده که حتی مانیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعا مخاطبان اولیه نیز، هست.

آیه 12 از این لحاظ که مکانیزم عملیِ کاری که خداوند صحبتش را کرده، حتی برای ما قرن بیست و یکمی ها هم هنوز روشن نیست بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مخاطبان اولیه.

آیه های 13 و 14 از این لحاظ که به اقوامِ درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب 1400 سال قبل.

**13 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه 1 و 4 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

در «درب» و «توضیح مقدماتی» تفاوتی می بینید .

تفاوت مذکور ظاهری است ، زیرا طرز استخراج «درب» به «درس» وابسته است ، اما ، چکیده سخن پاراگراف راه استخراج دیگری هم دارد که «مستقیم» و مستقل از درس است و ما تا انتهای جلد2 هر دوراه را در پاراگراف ها نشان داده ایم .

در هر حال ، اگر دقت کنید ، متوجه خواهید شد که هر دو به یک معنی بر میگردد .

**در باره آیه های 5 و 6**

این دو آیه به طور عجیبی «هم حالت» است ، که هر دو ، هم نکوهش هست و هم درکِ مشفقانه ، هم خشم و غضب دیده میشود و هم دلسوزی .

تکاد السموات یتفطرن . .

این نوع بیان را – با توجه به ترتیب نزول – اول بار است که می بینیم و بزودی در سوره مریم بصورت واضح تر باز هم می بینیم ، و نوعی بیان کنایه آمیز است که نشان میدهد فرضِ خدایانی که همطراز خداوند تاثیری در امری از امور جهان داشته باشند آنقدر با ماهیت وجودی مخلوقات جهان اعم از ریز و درشت نا همخوان است که ارکان عالم را آنقدر پر از خشم میکند که آنها را تا حد انفجار منزجر مینماید .

**خواست خداوند قانونمند است**

«کسی را که بخواهد» در آیه 13 ، مطابق تیتر فوق ، یعنی «کسی که لیاقت داشته باشد»

همچنین«اگر میخواست شما را یکجور قرار میداد» ، با توجه به تیتر فوق یعنی اینکه او این جهان را طوری سازماندهی کرده که تفاوت­های ذاتی هرکس بتواند ظاهر شود.

**اشاره به چه کسی است؟**

در رابطه با موضوع آیه 10، اینک که پیامبر(ص) نیست ، و ائمه (ع) هم نیستند ، مرجع الهی کیست؟ اگر این سر نخ را دنبال کنیم به امام زمان (عج) میرسیم ؟

**چکیده و روح همه ادیان یکیست**

توجه به آیه 13 ما را به مدلول تیتر فوق میرساند .

**حسد سبب تفرقه و تفرق**

توجه به آیه 14 ما را به مدلول تیتر فوق می­رساند و از «درس» سوره نیز می­فهمیم که این تفرقه از روی عمد و آگاهی بوده است.

**ظرافت ادبی در حدّ اعجاز**

اگر دقیق شوید می­بینید در آیه­های 8 تا 12(که بدون فرعی بودن پرانتزی هستند) سخنان بقیه پاراگراف به وجه دیگری ارائه شده است.

**چرا «کبر علی المشرکین ما تدعوهم الیه»؟**

در اوایل سوره یاسین در قسمت «شرح مختصر» بحث کوتاهی ذیل عنوان «اغلال» و «سدّ» نمودیم ، جواب سوال فوق همان است .

**میزان حُجّیت افکار عمومیِ گرایش­دار به حق**

نکته مهمی ازآیه 16فهمیده میشود..

در «افکار عمومی» نوعی «حجیت» وجود دارد (که البته باید حدود و ثغورش مشخص شود)

آنچه از خود آیه فهمیده شود این است که وقتیکه عده­ای دعوت خداوند را پذیرفتند ، (یعنی نوعی «افکار عمومیِ» گرایشمند به دعوت خداوند شکل گرفت) دلایل مخالفان آنها باطل است .

البته این مفهوم و معقول است زیرا آدمی بر فطرت آفریده شده و اقبال عمومی آنها نمی­تواند خلاف حق باشد.

**جمع بندی و تفسیر**

.  
**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حم (1) عسق (2) چنين وحي ميکند خداوند عزيزحكيم بسويت و بسوي کساني که قبل از تو بوده­اند (3) آنچه در آسمانها و زمين است از آن اوست و همو والامرتبه بزرگ است(4)****نزديک است آسمانها از بالاي آنها بشکافند و ملائكه به ستايش پروردگارشان تسبيح ميگويند و براي زمينيان استغفار ميکنند. بدانيد خداوند آمرزنده مهربان است (5) آنانکه غير از او سرپرستاني برگرفته اند ، خداوند مراقب آنان است ، و** (ای پیامبر) **تو مسئول آنها نيستي(****6 ) و چنین به تو قرآني داراي زبان روشن وحي کرديم تا مردم مرکز و اطراف آن را هشدار دهي ، و نيز از روز جمع شدن که شکي در آن نيست و اينکه عده اي در بهشت و عده اي در آتش سوزان خواهند بود** (خبردارشان کنی) **(7)** {و اگر خدا ميخواست همه را يکجور قرار ميداد (وليکن اينطور نيست) تا هرکس را که بخواهد در رحمتش داخل کند و ظالمان هيچ سرپرستي و ياوري نخواهندداشت (8) آيا غير از خداوند سرپرستاني برگرفته اند؟ حال آنكه خداوند خودش سرپرست واقعيست و همو مردگان را زنده ميکند و هموست که بر هر چيزي تواناست (9) و اگر درباره چيزي اختلاف کرديد، حکمش نزد خداست (بگو) اين همان خداست که پروردگار من است و بر او توکل ميکنم و بسوي او باز ميگردم (10) آفريننده آسمانها و زمين است. از جنس خودتان برايتان همسراني قرار داد و چارپايان را نيزجُفت هايي (قرار داد) شما را در آن (جهان) آفريده. چيزي مانند او نيست و همو شنواي بيناست (11) کليد هاي آسمانها و زمين از آن اوست. براي هر کس که بخواهد روزي را ميگشايد يا به اندازه ميدهد که او بر هر چيزي داناست}(12) **از ديانت ها براي شما تشريع کرد ، آنچه را که نوح را به آن سفارش کرد ، و چيزي را که به تو وحي نموديم ، و آنچه را که به ابراهيم و موسي و عيسي سفارش کرديم ، که دين را بپا داريد و درباره آن به تفرقه نگرائيد .** {براي مشرکان گران است آنچه را که بسويش ميخوانيد. خداوند هر که را خواهد بسوي خويش برميگزيند و کسي را که توبه و بازگشت کند بسوي خويش هدايـت ميکند} (13) **و متفرق نشدند مگر پس از اينکه آن علم بسويشان آمد به خاطر «تجاوز»ی که به يکديگر ميورزيدند و اگر اينطور نبود که کلمه اي از جانب پروردگارت قبلا صادر شده بود که تا سرآمدي معين مهلت داشته باشند ، البته حتما نابود ميشدند و آنان که بعد از آنان کتاب را به ارث بردند ،** (در اثرعمل آنان) **در شکي گمراه کننده افتادند (14)** {پس به اين خاطر دعوت کن و آنچنانکه مأمور شده اي استقامت کن و اميال آنان را پيروي مکن و بگو به هر کتابي که خداوند فرو فرستاده ايمان آورده ام و مأمورم که بين شما عدالت کنم. خداوند پروردگار ما و شماست. اعمالمان براي ما و اعمال شما براي خودتان است و هيچ حجتي (تمام نشده) بين ما و شما نيست. خداوند ما را گرد مي آورد و سرانجام (همه چيز) بسوي اوست}(15) {{و آنانکه درباره خداوند، پس از اينکه دعوت وي پذيرفته شد مجادله ميکنند، دليلشان نزد پروردگارشان زايل است و غضبي عليه آنهاست و عذابي شديد دارند}}(16)

**شوری2** **آیات17تا24**

**اللَّهُ الَّذِي أَنزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ ﴿17﴾ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿18﴾ اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَن يَشَاء وَهُوَ الْقَوِيُّ العَزِيزُ ﴿19﴾ مَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِن نَّصِيبٍ ﴿20﴾ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاء شَرَعُوا لَهُم مِّنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَن بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿21﴾ تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُم مَّا يَشَاؤُونَ عِندَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الكَبِيرُ ﴿22﴾ ذلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُل لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿23﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِن يَشَأِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿24﴾**

**خداوند است که کتاب را به حق و نيز ترازو را فرستاد و چه ميداني شايد قيامت نزديک باشد (17) آنهائی که به آن ايمان ندارند راجع به آن عجله ميکنند و میگویند آن را بیاورید اگر راست میگوئید ، و اما آنهائی که ايمان دارند ميدانند حق است و از آن دلهره دارند و البته آنهائی که درباره قيامت مجادله ميکنند در گمراهيي دور هستند (18) خداوند به بندگانش لطيف است. هر که را خواهد روزي ميدهد و همو قوي عزتمند است (19) هر کس که کشت آخرت را بخواهد در کشت او زيادت ميدهد و هر کس که کشت دنيا را بخواهد از آن به او ميدهد و او در آخرت نصيبي نخواهد داشت (20) ای کافران! آيا شرکائي دارید که برايتان خلاف آنچه خداوند ميگويد ديني تشريع کرده اند؟ و اگر حكم فيصله بخش سابق خداوندی نبود حتمأ بين آنها قضاوت ميشد و البته ظالمان عذابي دردناک خواهند داشت (21) ظالمان را خواهي ديد که از نتيجه اعمالشان نگرانند و البته همان چیزی که مایه نگرانی شان است بر آنها واقع ميشود و دارندگان ايمان و عمل صالح در باغهاي بهشتي خواهند بود و نزد پروردگارشان آنچه بخواهند خواهند داشت. اين همان برتری بزرگ است (22) اين همان چيزيست که خداوند مژده اش را به بندگانش که ايمان و عمل صالح دارند ميدهد . ای پیامبر! بگو من مزدي از شما نميخواهم جز اینکه در باره نزدیکان تان دوستي و نیکی کنید ، و اگر کسي نيکيي کند ، در آن نيکيی که کرده به پاداشی ميافزائيمش که خداوند آمرزشگر شکرگزار است (23) ای پیامبر! اينکه ميگويند بر خدا افترا بسته ای، بدانند که اگر خدا بخواهد بر قلبت مهر ميزند و آن را از کار می اندازد ، و خداوند باطل را محو و حق را بوسيله کلماتش محقق ميکند . البته او به آنچه در دلها ميگذرد آگاه است (24)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: نکوهش کافران که عليرغم اتمام حجت ومحاط بودن در لطف و رحمت الهي لجبازانه به کفر خويش ادامه ميدهند.**

**درب: کافران به آخرت و الطاف الهی بی­توجهند و همین هم سبب آن نوع رفتارشان است و اي مردم ! به کافران نگاه نکنيد، به خداوند و عاقبت آخرتي خودتان بينديشيد و راه صحيح را انتخاب کنيد. و ای پیامبر به ایرادهای نابجای کفار اهمیت مده .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 میفرماید : یکی از موارد مهم لجبازی کافرانه در رابطه با وحی است و بی­توجهی نسبت به خداوند و صفات و نعمات او سبب پیدایش شرک و سپس کفر و لجبازی کافرانه می­شود ، و ای مردم! بسوی چنین خدائی رو کنید و مانند کافران نباشید ، و ای پیامبر! امیدوار باش و به رسالتت بپرداز و مردم را صبورانه چنين ارشاد کن.

در این پاراگراف برخی از صفات لطف ­آمیز و در عین حال قاهرانه خداوندی را ذکر می نماید . در این پاراگراف می فرماید ای مردم کوشش خود را مصروف آخرت کنید که موفقیت واقعی همان است . و ای پیامبر ! در مقابل شبهه «افترا» ناراحت نشو ، ودرباره صدق دعویت چنین استدلال کن .

**3 - سوالات**

1 – کلمه «بالحق» (آیه17) مطابق با موضوع کدام کلید تفسیر قرآن است؟

2 – منظور از «میزان» (همان آیه) چیست؟

3 - «کتاب» دارای شواهد عینی روشن است و این میلیارد ها نسخه قرآن با این طیف وسیع در تنوع (اعمّ ازساده و یا دارای تکلف وخطی و چاپی و تذهیب شده و نشده وکوچک وبزرگ و غیره وغیره) مصادیق آن است . سوال این است که شواهد عینی «میزان» کدام است؟ (دقت فرمائید و جواب مقبول بیابید !)

4 - چه سابقه ای از نزدیک بودن قیامت (آیه17)- درسوره های قبل- سراغ دارید؟

5 – چرا بجای «مایدریک» نفرموده «مایدریکم»؟

6 – منظور از کلمه «عباد» (آیه19) چیست؟ (مومنان؟ همه انسان ها؟)

7– با توجه به قسمت آخرآیه 17 ، درذهن پیامبر(ص) چه میگذشت که آن جمله استفهامیه را دریافت کرد؟

8 – منظور از «دنیا» و «آخرت» (آیه20) معنی لغوی آنهاست یا اصطلاحی؟

9 - چه سابقه ای ازمفهوم آیه21دارید؟

10 – مفهوم «قل لا اسئلکم....» چه سابقه ای در سوره های قبل دارد؟

11 – منظور از «یقترف» (آیه23) و «کلمات» (آیه24) چیست؟

12 – با توجه به آیه 24 ، حوزه عمل «یمح الله الباطل و یحق الحق» کجاست؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 24 فهمیده میشود که فعالان کفر در مقابل آنحضرت مستاصل شده بودند و لذا کار او را یکسره «افترائی که به خدا میزند» اعلام میکردند .

**5 – زاویه با تفاسیر رایج**

**موضوع** : 1 -ترتیب نزول 2 - اتکاء به روایات 3 - خطایِ عادیِ تفسیری 4 – بی توجهی به فرق گذاری بین مطالب اصلی و فرعی

اگر کسی قرآن را به ترتیب نزول کار کند متوجه یک نکته مهم میشود و اگر به ترتیب رایج کار کند متوجه نمیشود و آن هم این است که در بسیار موارد هرجا که بحث قیامت مطرح است به حجیت قرآن توجه میدهد ، و این موضوع در سوره های تکویر و حاقه و واقعه خیلی آشکار است و از آن پس هم به عنوان یک خط ثابت ادامه می یابد .

در اینجا نیز قبل از آن آیه ، عناصر مختلف قیامت مطرح شده ، و ذکر حجیت قرآن (با این بیان که بگو من آن را از پیش خود در نیاورده ام) را باید در این جهتگیری کلیِ قرآنی دید .

اما المیزان بحث های طولانی فرموده و موضوع را به ذوی القربی (که در بخش پرانتزی است) مربوط نموده و در این باره به روایات متکی بوده و پیشداوری داشته است .

**6 – کلیدهای تفسیری**

آیه 18 فرع است بر ماقبل خویش .

آیات 21 تا 23 پرانتزی هستند ، دلیلش هم این است که اگر قبل و بعدش را به هم وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست میشود .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - اي مردم ! به کافران که به آخرت و الطاف الهی بی­توجهند و همین هم سبب آن نوع رفتارشان است نگاه نکنيد، به خداوند و عاقبت آخرتي خودتان بينديشيد و راه صحيح را انتخاب کنيد.

2 - ای پیامبر به ایرادهای نابجای کفار اهمیت مده .

**8 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه 17 و جمله «ما یدریک» در آن جوابی است برای سوال فوق.

آیه های 17 تا 22 از آنجا که عمدتا «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

آیه 24 از آنجا که به وحی اشاره دارد، و آنهم چیزی است که هیچ بنی بشری را راهی به شناخت مکانیزمش نیست، طبعا بالاتر از ذهنیات معاصران نزول است.

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه 18 و 20 و 21 و 22 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**ذوی القربی**

با توجه به آیه 23 البته «نزدیکان» پیامبر(ص) کسانی هستند که از لحاظ فکری و اعتقادی و عمل به آن ، با پیامبر (ص) نزدیک هستند.

توجه کنید به آن روایت معروف که فرموده «السلمان منا اهل البیت» (سلمان جزء خانواده ما است) وگرنه «ابولهب» که عموی پیامبر(ص) هم بود شامل این آیـــه نمی­شود .

اما ، این جمله ،

اولا که پرانتزی است ، یعنی اگر قبل و بعدش را وصل کنیم خواهیم دید که روال سخن صاف و یکدست و بی سکته است ، و اذا در راستای خط اصلی بحث پاراگراف نیست .

ثانیا این موضوع بستگیِ تنگاتنگی با خوانش حاکم دارد و ما میترسیم اگر به آن بپردازیم برایمان کمی تا قسمتی ضررناک آگین باشد، زیرا پزشک معالجم بمن گفته که مرگ ممکن است برای سلامتیت مضر باشد .

لذا ، اینهمه آیه هست که درگیر تفسیرشان شده ایم و میشویم ، این یکی را میگذاریم برای اصحاب دل و جرات .

اما شما خواننده گرامی را متوجه چند نکته میکنیم :

1 – جمله مذکور مهم است که خداوند آن را با «قل» تقریر کرده ،

2 – معنی جمله مذکور را باید از مفاهیم مشترک درس و درب و قسمت قبلی جمله مورد بحث و نیز آیه 24 بیابید .

3 - برای کسب اطلاعات بیشتر مطالعه برخی از کتب مرحوم صالحی نجف آبادی که دل و جرات بیشتری داشت و به این موضوع هم پرداخت (و مرحوم هم شد!) توصیه میشود.

**بازهم تاکید برحجیت قرآن**

از همان اوایل نزول قرآن کریم می بینیم هرجا که خداوند بحث آخرت را مطرح میفرماید فورا پس از آن سخنی راجع به حجیت قرآن هم میگوید ، این موضوع در سوره های تکویر و حاقه و واقعه خیلی عیان است و خیلی جاهای دیگر نیز و ضمنا در اینجا و در آیه 24 ، هم به همچنین ، و چه بسا آیه بودار فوق هم در این جهت باشد ، با این تلویح که آهای مردم ! من که برای رسالت خویش مزد و مواجبی از شما نمیخواهم ، چه دلیلی دارد دروغ بگویم؟ (یعنی به نوعی تاکید برحجیت قرآن از طریق استدلالی متفاوت)

**جمع بندی و تفسیر**

**خداوند است که کتاب را به حق و نيز ترازو را فرستاد و چه ميداني شايد قيامت نزديک باشد (17)**{آنها که به آن ايمان ندارند راجع به آن عجله ميکنند ، و اما آنها که ايمان دارند ميدانند حق است و از آن دلهره دارند} {{البته آنها که درباره قيامت بحث و جدل ميکنند در گمراهيي دور هستند}}(18) **خداوند به بندگانش لطيف است. هر که را خواهد روزي ميدهد و همو قوي عزتمند است (19)** **هر کس که کشت آخرت را بخواهد در کشت او زيادت ميدهيم و هر کس که کشت دنيا را بخواهد از آن به او ميدهيم و در آخرت هيچ نصيبي نخواهد داشت (20)** { آيا شرکائي دارند که برايشان خلاف آنچه خداوند ميگويد ديني تشريع کرده اند؟ و اگر حكم فيصله بخش سابق نبود حتمأ بين آنها قضاوت ميشد و البته ظالمان عذابي دردناک خواهند داشت (21) ظالمان را خواهي ديد که از (نتيجه) آنچه بدست آورده اند نگرانند و البته همان بر آنها واقع ميشود و دارندگان ايمان و عمل صالح در باغهاي بهشتي خواهند بود و نزد پروردگارشان آنچه بخواهند خواهند داشت. اين همان فضل بزرگ است}(22) **اين همان چيزيست که خداوند مژده اش را به بندگانش که ايمان و عمل صالح دارند ميدهد .** {بگو مزدي از شما نميخواهم جزدوستي درباره آن نزديکان} **.** {و اگر کسي نيکيي کند ، در آن نيکي ميافزائيمش که خداوندآمرزشگرشکرگزار است} (23) **يا اينکه ميگويند بر خدا افترا بسته ، اگر خدا بخواهد بر قلبت مهر ميزند ، و خداوند باطل را محو و حق را بوسيله کلماتش محقق ميکند . البته او به آنچه در دلها ميگذرد آگاه است (24)**

**شوری3 آیات25تا35**

**وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿25﴾ وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ﴿26﴾ وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِن يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاء إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿27﴾ وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِن بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ ﴿28﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاء قَدِيرٌ ﴿29﴾ وَمَا أَصَابَكُم مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ ﴿30﴾ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿31﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ﴿32﴾ إِن يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿33﴾ أَوْ يُوبِقْهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَن كَثِيرٍ ﴿34﴾ وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٍ ﴿35﴾**

**و هموست که توبه را از بندگانش ميپذيرد و از بدي ها درميگذرد و ميداند چه ميکنيد (25) و کسانی را که ايمان و عمل صالح دارند اجابت نموده و از فضل خويش برایشان می افزاید و کافران عذابي شديد خواهند داشت (26) و اگر خداوند روزي را بر بندگانش گشاده گرداند حتمأ در زمين طغيان مي کنند وليکن به اندازه اي که بخواهد فرو ميفرستد که او به بندگانش آگاه و بيناست (27) و هموست که پس از نوميدي مردم باران را فرو ميفرستد و رحمتش را پخش ميکند و همو دوست و سرپرست ستوده است (28) و از نشانه های اوست آفرينش آسمانها و زمين و آنچه از جنبندگان که در آندو گسترانيد و همو هر وقت که بخواهد نسبت به جمع کردن آنها تواناست (29) و آنچه به شما اصابت کند نتيجه اعمال خودتان است و بسياري را هم عفو ميکند (30) و شما نميتوانيد خداوند را عاجز کنيد و غير از خداوند سرپرست و ياريگري نداريد (31) و از نشانه هاي اوست کشتي هاي حرکت کننده در درياها که مانند کوه ها میباشند (32) اگر بخواهد باد را ساکن ميکند و آن کشتي ها بر روي آب ساکن ميمانند و در اين براي هر صبر پيشه شکر گذاري نشانه هائي است (33) يا بسبب آنچه کرده اند نابودشان ميکند و خيلي از گناهان را هم عفو مينمايد (34) و تا آنهائي که در آياتمان جدال ميکنند بدانند گريزگاهي ندارند (35)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : نکوهش کافران که عليرغم اتمام حجت ومحاط بودن در لطف و رحمت الهي لجبازانه به کفر** **خويش ادامه ميدهند .**

**درب : بی­توجهی به قدرت و رحمت الهی سبب آن نوع رفتارهای کافرانه است.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 میفرماید : یکی از موارد مهم لجبازی کافرانه در رابطه با وحی است و بی­توجهی نسبت به خداوند و صفات و نعمات او سبب پیدایش شرک و سپس کفر و لجبازی کافرانه می­شود ، و ای مردم! بسوی چنین خدائی رو کنید و مانند کافران نباشید ، و ای پیامبر! امیدوار باش و به رسالتت بپرداز و مردم را صبورانه چنين ارشاد کن.

در پاراگراف 2 برخی از صفات لطف ­آمیز و در عین حال قاهرانه خداوندی را ذکر می نماید . در این پاراگراف می فرماید ای مردم کوشش خود را مصروف آخرت کنید که موفقیت واقعی همان است . و ای پیامبر ! در مقابل شبهه «افترا» ناراحت نشو ، ودرباره صدق دعویت چنین استدلال کن .

در این پاراگراف می فرماید : خداوند قدرت آفرینش و لطف و رحمت بی­نهایت دارد .

**3 - سوالات**

1 - صفات ذکرشده الهی دراینجا را برحسب همگنی لیست نموده و نتیجه گیری نمائید .

2 – اگر می خواستیم از تیتر«خواست خداوند قانونمند است» استفاده کنیم جایش کجا بود؟

3 - این پاراگراف کلّا چه «حالت»ی دارد؟ (تشویق به پیوستن به صفوف ایمان؟ یا....؟)

4 – اگر میخواستیم ذیل تیتر «معجزات قرآنی» مطلبی بنویسیم جایش کجا بود؟

5 - کدام آیه پایه اصلی علم اقتصاد است؟

6 – کلمه «عباد» در آیه های 25 و 27 هر یک به چه معنی است؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه های 27 و 30 معلوم میشود که خیلی از پیروان آنحضرت روزگار خوشی نداشته اند .

از آیه های 31 و 34 معلوم میشود مخالفان آنحضرت وضعشان مرتب و اعتماد به نفس شان بالا بوده ، و لذا طبعا نیازی نمی دیده اند به ایشان بگروند .

**5 – کلیدهای تفسیری**

و با این خط سیر مطالب ، آیه های 27 و 30 و 31 «پرانتزی» است .

**6 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند ! و اگر منظور از سوال تیتر فوق معانی تحت اللفظی تلقی شود، میتوان گفت مخاطبان اولیه نیز این پاراگراف را همانطور می فهمیده اند که ما .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

ذکر آیات و نعمت های کثیر و متنوع الهی و نیز ذکر قدرت غیر قابل تصورش به منظور: 1 – امیدوار کردن مومنان و دلداری به آنان و 2 – هشدار به کافران فعال که از حد نگذرانند تا مستوجب عقوبت گردند .

**8 - آیات مشکل**

آیه های 27 و 32 از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر آنها گفته اند .

**9 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه های 27 و 29 و 30 از این لحاظ که به عالَم خلق و امر اشاره دارد، از آنجا که جزئیات مکانیزمش برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم 1400 سال قبل.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**در باره این پاراگراف**

چنانکه در سایر سوره های «حم» دار دیده اید ، همه این سوره ها ضمن اینکه محور کلی «نکوهش لجبازی و عمد و اصرار کافران» داشتند در پاراگراف هائی به آخرت و در پاراگراف هائی به آیات و نعمت های الهی می پرداختند ، در این سوره، این پاراگراف به آیات و نعمتها می پردازد .

**جمع بندی و تفسیر**

**و هموست که توبه را از بندگانش ميپذيرد و از بدي ها درميگذرد و ميداند چه ميکنيد (25) و آنان را که ايمان و عمل صالح دارند اجابت نموده و از فضل خويش برایشان می افزاید و کافران عذابي شديد خواهند داشت (26)**{و اگر خداوند روزي را بر بندگانش گشاده گرداند حتمأ در زمين طغيان مي کنند وليکن به اندازه اي که بخواهد فرو ميفرستد که او به بندگانش آگاه بيناست}(27) **و هموست که پس از نوميدي مردم باران را فرو ميفرستد و رحمتش را پخش ميکند و همو دوست و سرپرست ستوده است (28) و از نشانه هايش آفرينش آسمانها و زمين است و آنچه از جنبندگان که در آندو گسترانيد و همو هر وقت که بخواهد نسبت به جمع کردن آنها تواناست (29)** {و آنچه به شما اصابت کند نتيجه اعمال خودتان است و بسياري را هم عفو ميکند(30) و شما در زمين نميتوانيد (خداوند را) عاجز کنيد و غير از خداوند سرپرست و ياريگري نداريد}(31) **و از نشانه هاي اوست** (کشتي هاي) **حرکت کننده در دريا که مانند کوه هاست (32) اگر بخواهد باد را ساکن ميکند و آن** (کشتي) **ها بر روي آن ساکن ميمانند. در اين براي هر صبر پيشه شکر گذاري نشانه هائيست (33) يا بسبب آنچه کرده اند نابودشان ميکند و خيلي** (از گناهان) **را هم عفو مينمايد (34) و تا آنهائي که در آياتمان جدال ميکنند بدانند گريزگاهي ندارند (35)**

**شوری4 آیات36تا43**

**فَمَا أُوتِيتُم مِّن شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿36﴾ وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا ما غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ ﴿37﴾ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿38﴾ وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنتَصِرُونَ ﴿39﴾ وَجَزَاء سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿40﴾ وَلَمَنِ انتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُوْلَئِكَ مَا عَلَيْهِم مِّن سَبِيلٍ ﴿41﴾ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُوْلَئِكَ لَهُم عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿42﴾ وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴿43﴾**

**ای مردم! آنچه به شما داده شده متاع زندگي دنياست و آنچه نزد خداست براي آنانکه ايمان آورده و به پروردگارشان توکل ميکنند بهتر و پايدارتر است (36) همان کسانی كه از گناهان بزرگِ آبروريز دوري ميكنند و چون غضب كنند در ميگذرند (37) و همانها که پروردگارشان را اجابت ميکنند و نماز بپا ميدارند و امرشان بصورت شورا در بينشان انجام ميشود و از آنچه روزي شان كرده ايم انفاق ميکنند (38) و آنانکه وقتي ظلمي به آنها ميرسد از يکديگر ياري مي طلبند (39) و البته جزاء بدي، بديي است مثل آن ؛ پس کسي که بخشيد و اصلاح کرد، پاداشش بر عهده خداوند است که او ظالمان را دوست نمیدارد (40) و البته کسي که بعد از ظلمي که به او شده ياري طلبد گناهي ندارد (41) گناه بر کساني است که به مردم ظلم نموده و در زمين به ناحق سركشي ميکنند که عذابي دردناک خواهند داشت (42) و البته کسي که صبر کند و ببخشد دارای خصلتی از خصال بزرگ شده است (43)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : نکوهش کافران که عليرغم اتمام حجت ومحاط بودن در لطف و رحمت الهي لجبازانه به کفر خويش ادامه ميدهند .**

**درب : اي مردم اين صفات براي شما پسنديده است ، از صفات کافرانه دوري کنيد .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 میفرماید : یکی از موارد مهم لجبازی کافرانه در رابطه با وحی است و بی­توجهی نسبت به خداوند و صفات و نعمات او سبب پیدایش شرک و سپس کفر و لجبازی کافرانه می­شود ، و ای مردم! بسوی چنین خدائی رو کنید و مانند کافران نباشید ، و ای پیامبر! امیدوار باش و به رسالتت بپرداز و مردم را صبورانه چنين ارشاد کن.

در پاراگراف 2 برخی از صفات لطف ­آمیز و در عین حال قاهرانه خداوندی را ذکر می نماید و اینکه ای مردم کوشش خود را مصروف آخرت کنید که موفقیت واقعی همان است . و ای پیامبر ! در مقابل شبهه «افترا» ناراحت نشو ، ودر باره صدق دعویت چنین استدلال کن .

در پاراگراف 3 می فرماید : خداوند قدرت آفرینش و لطف و رحمت بی­نهایت دارد .

در این پاراگراف مخاطبان را به ساختنِ شخصیتیِ خویش و دارا شدن صفات پسندیده تشویق می فرماید .

**3 - سوالات**

1 – کلمه «دنیا» (آیه36) در معنی لغوی بکار رفته یا اصطلاحی؟

2 – چرا بجای «استجابوا» (آیه38) نفرموده «اجابوا»؟

3 – منظور از «امر» (آیه38) چیست؟

4– در این پاراگراف چند مورد پرانتزدرپرانتز تشخیص میدهید؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 41 چنین استنباط میشود که جامعه مونین در زمان نزول این سورن چنان قوی شده بود که تمایل به مقابله به مثل (یا حتی تعرض) در میان آنان به وجود آمده (یا تقویت شده) بود که سیستم وحی رسانی می باید این تمایلات به حق را ترمز میکرد.

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 38 رفتاری استراتژیک را برای پیروان آنحضرت توصیه نموده ، و در این پیشگوئیِ روشنی دایر بر تقویت اوضاع و احوال آنها نهفته است .

**6 – کلیدهای تفسیری**

قاعدتاً خوانندگان محترم می باید «چک لیست» سوره معارج یادشان باشد (اگر نه مراجعه فرمایند) این پاراگراف «چک لیست» است و لذا آیات37 تا 43 پرانتزی است. البته آیات40تا43پرانتزدرپرانتزاست.

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

ذکر یکنوع چک لیست که مومنان متوسط با توجه به آن ، خود را در نردبان ایمان به درجات بالاتر برسانند .

**8 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیه 38 ، بخصوص بدلیل احتواء «امرهم شوری بینهم»، به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تمام فقرات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**در آستانه تحول شرایط**

«حالت» کلی این مطالب پر از روحیه بخشی و القاء اعتماد به پیروزی قریب الوقوع است .

خطاب مستقیم به کفار است اما خطاب غیرمستقیم درحجمی چند برابر به مومنان است که به آنان می آموزد چه کنندتا بزودی معادلات موجود را بر هم زنند ، آموزه هائی که پـر است از توصیه هائی برای آمادگی ، به منظور ایجاد حکومتی متعلق به خودشان .

**کار شورائی**

جمله «امرهم شوری بینهم» (کارشان را با شورا بین خویش انجام می­دهند) پایه و اساس دموکراسی­هاست و بسیار جای تعجب است که ما که چنین آیه­ای داشتیم چرا باید دموکراسی را (آنهم به صورت کاریکاتوری) پس از 1400 سال از بیگانگان بگیریم !

آنچه از آیات فوق فهمیده می­شود «اصحاب شورا» باید به صفات نیکوی مشخصی آراسته باشند که (1- ایمان، 2- توکل، 3- اجابت دعوت پروردگار، 4- بپاداشتن نماز، 5- انفاق، 6- شورا، 7- یاری یکدیگر در مقابل ظلم) عمده آنهاست.

از همین آیات نیز فهمیده می­شود که جامعه مسلمان به حد قابل توجهی از رشد رسیده بود و بخصوص صفات شماره­های 6 و 7 نشاندهنده این است که امور مسلمانان به حدی از گستردگی و پیچیدگی رسیده بود که نیاز به نوعی «ستاد مرکزی» پیدا شده بود که یکی از وظایف جدی آن می­بایست «حمایت از مسلمانان ضعیف در مقابل عوامل نامطلوب بیرونی» باشد.

خودِ این مطلب، یعنی تشکیل چنان ستاد مرکزی که دارای چنین وظیفه­ای هم باشد و کارش را هم بصورت شورائی انجام دهد، خودش به معنی مقدمه تشکیل حکومت اسلامی است .

نکته دیگر اینکه، در آیات فوق صفات نیکویی را که اهل شورا باید داشته باشند ذکر فرموده اما طرز شناسایی آنها را مسکوت گذارده است.

بعبارت دیگر تدوین مکانیزم انتخاب اعضاء شورا را بعهده مردم گذاشته و لذا می­توان گفت روشهای دموکراتیک فعلی که در کل جهان جا افتاده، (ثبت­نام، تبلیغات، نظام رأی­گیری و شمارش آراء و غیره) که روشهای اجرائیِ پذیرفته شده توسط انسانهاست، از لحاظ قرآن، بلامانع و پذیرفته است.

بخصوص جا دارد در همینجا توجه خوانندگان گرامی را مجدداً به نکته­ای که ذیل آیه 16 عرض کردیم جلب کنیم و آنهم حجیت افکار عمومی (پس از جا افتادن مطلب و شنیدن دلیل­های موافق و مخالف و نه صِرف شایعات) است و کنار هم گذاشتن این دو مطلب بما می­گوید که افکار عمومی برای شناختِ افرادِ صاحبِ صلاحیت برای شورای مذکور، کفایت می­کند.

البته علم کامل نزد خداست و فقط او می­داند که در داخل ضمایر اشخاص چـــه می­گذرد اما برای تصدی عضویت در شورا به آن نوع علم نیازی نیست.

**جمع بندی و تفسیر**

**آنچه به شما داده شده متاع زندگي دنياست و آنچه نزد خداست** {براي آنانکه ايمان آورده و به پروردگارشان توکل ميکنند} **بهتر و پايدارتر است (36)** {و همانها كه از گناهان بزرگ آبروريز دوري ميكنند و چون غضب كنند در مي گذرند (37) و آنانکه پروردگارشان را اجابت ميکنند و نماز بپا ميدارند و امرشان بصورت شورا در بينشان انجام ميشود و از آنچه روزي شان كرده ايم انفاق ميکنند (38) و آنانکه وقتي ظلمي به آنها ميرسد از يکديگر ياري مي طلبند}(39) {{و جزاء بدي، بديي است مثل آن ؛ پس کسي که بخشيد و اصلاح کرد، پاداشش بر عهده خداوند است که او ظالمان را دوست ندارد (40) و البته کسي که بعد از ظلمي که به او شده ياري طلبد گناهي ندارد (41) گناه بر کسانيست که به مردم ظلم نموده و در زمين به ناحق سركشي ميکنند که عذابي دردناک خواهند داشت (42) و البته کسي که صبر کند و ببخشد، اينها از خصال بزرگ است}}(43)

**شوری5 آیات44تا53**

**وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن وَلِيٍّ مِّن بَعْدِهِ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَى مَرَدٍّ مِّن سَبِيلٍ ﴿44﴾ وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنظُرُونَ مِن طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ ﴿45﴾ وَمَا كَانَ لَهُم مِّنْ أَوْلِيَاء يَنصُرُونَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن سَبِيلٍ ﴿46﴾ اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُم مِّن مَّلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُم مِّن نَّكِيرٍ ﴿47﴾ فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنسَانَ كَفُورٌ ﴿48﴾ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاء يَهَبُ لِمَنْ يَشَاء إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَن يَشَاء الذُّكُورَ ﴿49﴾ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَن يَشَاء عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿50﴾ وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِن وَرَاء حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاء إِنَّهُ عَلِيٌّ حَكِيمٌ ﴿51﴾ وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَنْ نَّشَاء مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿52﴾ صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الأمُورُ﴿53﴾**

**ای مردم! کسي که اعمالی انجام دهد که نتیجه اش گمراهیی باشد که به آن درخواهدغلطید هيچ دوست و سرپرستي نخواهد داشت و چنین کسانی هنگامي که عذاب را ببينند خواهندگفت آيا راه برگشتي هست؟ (44) و آنها در حاليكه از خواري خاكسارند بر آن عذاب عرضه ميشوند و در آن حالت با گوشه چشم به آن مينگرند و مومنان ميگويند زيانكار واقعي كساني هستند که خودشان و اهلشان را در قيامت به ضرر دچار کرده اند. و در آن موقعیت به آن ضررکردگان خطاب میشود که بدانيد ظالمان در عذابي دائمي خواهند بود (45) و هيچ دوست و سرپرستي غير از خدا نخواهند داشت ، و چنین خواهد بود که اینان هیچ راهي به نجات نخواهند داشت (46) ای مردم! خدايتان را اجابت کنيد قبل از اينکه روزي برسد که از حکم خدا بازگشتي نيست. آنروز نه پناهگاهي داريد و نه ميتوانيد انکاری کنيد (47) پس ، ای پیامبر! اگر مخالفانت از این مواعظ روي برگردانند تو مسئول اعمال آنها نیستی . بر عهده تو فقط ابلاغ است . و انسان چنین است که وقتيکه چیز خوشایندی از جانب ما به او میرسد شاد ميشود و اگر چیز ناخوشایندی به سبب آنچه قبلا انجام داده اند به آنان برسد بسيار کفران پيشه خواهند شد (48) فرمانروائي آسمانها و زمين از آن خداست . آنچه بخواهد مي آفريند . به هر كه خواهد دختر و به هر که خواهد پسر ميدهد (49) يا هر دوی پسر و دختر را با هم ميدهد و هر كه را خواهد عقيم ميکند که او داناي قدرتمند است (50) و هيچ بشري را نميرسد که خدا با او تکلم کند مگر اينکه بصورت وحي يا از پشت پرده اي باشد يا فرستاده اي بفرستد و آن فرستاده ، به او ، به فرمان خدا ، آنچه خواهد به او وحي کند که خداوند والامرتبه حکيم است (51) و چنين است که روحي از امر خويش را بسوي تو به وحي فرستادیم . تو نميدانستي کتاب چيست و ايمان چيست وليکن آن وحی را نوري قرار داديم که بوسيله آن هر کس از بندگان خويش را که بخواهيم هدايت ميکنيم و البته تو بسوي جاده اي مستقيم هدايت ميکني (52) جاده آن خدائي که آنچه در آسمانها و زمين است از آن اوست . ای مردم! بدانيد که سرانجام همه امور بسوي خداست (53)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : نکوهش کافران که عليرغم اتمام حجت ومحاط بودن در لطف و رحمت الهي لجبازانه به کفر خويش ادامه ميدهند .**

**درب : بی­توجهی کافران به اداره همه­جانبه امور زندگی بشر توسط خداوند سبب بروز لجبازی­های کافرانه می­شود و آنها خودشان مسئول چنين زيان آخرتی هستند که براي خويش به وجود مي آورند و اي پيامبر! به آنها توجه نکن فقط رسالتت را پي گير. وحيي که به تو مي شود از نعمت های بسيار بزرگ است ، و مگذار کافران اندوهگينت کنند .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 میفرماید : یکی از موارد مهم لجبازی کافرانه در رابطه با وحی است و بی­توجهی نسبت به خداوند و صفات و نعمات او سبب پیدایش شرک و سپس کفر و لجبازی کافرانه می­شود ، و ای مردم! بسوی چنین خدائی رو کنید و مانند کافران نباشید ، و ای پیامبر! امیدوار باش و به رسالتت بپرداز و مردم را صبورانه چنين ارشاد کن.

در پاراگراف 2 برخی از صفات لطف ­آمیز و در عین حال قاهرانه خداوندی را ذکر می نماید و اینکه ای مردم کوشش خود را مصروف آخرت کنید که موفقیت واقعی همان است . و ای پیامبر ! در مقابل شبهه «افترا» ناراحت نشو ، ودر باره صدق دعویت چنین استدلال کن .

در پاراگراف 3 می فرماید : خداوند قدرت آفرینش و لطف و رحمت بی­نهایت دارد .

در پاراگراف 4 مخاطبان را به ساختنِ شخصیتیِ خویش و دارا شدن صفات پسندیده تشویق می فرماید .

در این پاراگراف از بی­توجهی کافران به اداره همه­جانبه امور زندگی بشر توسط خداوند که سبب بروز لجبازی­های کافرانه می­شود نکوهش میکند و به آنها خاطر نشان میکند که خودشان مسئول چنين زيان آخرتی هستند که براي خويش به وجود مي آورند و در عین حال به آنحضرت رهنمود میدهد که به آنها توجه نکن فقط رسالتت را پي گير ، و اینکه این وحيي که به تو مي شود از نعمت های بسيار بزرگ است ، و مگذار کافران اندوهگينت کنند .

**3 - سوالات**

1 – منظور از «**يَنظُرُونَ مِن طَرْفٍ خَفِيٍّ**» چیست؟

2 – منظور از «ظالمین» درآیه های 44 و 45 چه کسانی است؟

3 - کلماتِ غالب این پاراگراف به «چه زبان»ی است؟ (عادی؟ مَثَل؟ یا....)

4 – عبارت «من نکیر» به چه معنی است؟ (امکان کوچکترین انکاری نیست؟ یا....؟)

5 – جمله «هل الی مردّ من سبیل» یعنی چه؟ (آیا امکان کوچکترین بازگشتی هست؟ یا....؟)

6 - کلمه «یزوجهم» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

7- نوع سخن گفتن در چهار کلمه آخر آیه 53 چگونه است؟ (اعلامیه ای؟ جار زدن؟ یا..؟)

8 – چرا در آیه 51 فرموده «بشر» و نفرموده «انسان»؟

9 – منظور از «حجاب» (آیه51) چیست؟

10 - «عبادنا» در چه معنی بکار رفته؟ (بشر؟ بعضی از مقبولان بشری؟ یا....؟)

11- چگونه میتوان برای خداوند «الی» (آیه53) قائل شد؟

12- «روح» و «امر» را قبلادرسوره قدر دیده ایم ، آن قسمت از آن سوره را در رابطه با آیه 52 توضیح دهید.

13- وحیی که به پیامبر ما (ص) میشد ، بیشتر از کدامیک از سه نوع بوده؟

14- با توجه به آیه51 ، امکان تکلم خداوند با پیامبران چه حالتی دارد؟ (غیرممکن؟ یا..؟)

15- اگر انتخاب شما درجواب سوال فوق گزینه اول است ، با مطالب مشهوردر بعضی از روایات «معراج» را که بر طبق آنها خداوند با آنحضرت «گفتگو» کرد و «دست» بر شانه انحضرت گذاشت وغیره وغیره راکه درتضاد و تنافر شدید با آیه 51 است چگونه برخورد میکنید؟

16- ترجمه دقیق «الّا وحیا» (آیه51) چیست؟

17 – با توجه به رابطه ای که درآیه ، بین «سیئه» و «قدمت ایدیهم» برقراراست ، به نظرشما «سیئه» مورد بحث چه چیزهائی میتواند باشد؟ (با استدلال به آیات قرآنی جواب دهید)

18 – کلمه «قدیر» (آیه50) ، هم میتواند مشتق از مصدر «قدرت» باشد و هم میتوانــد مشتق از مصدر «قدر» (به معنی قضا و قدر) باشد ، که در صورت اول معنی «قدرتمند» و درصــورت دوم معنی «برنامه ریز» میدهد ، به نظر (مستدل) شما کدام معنی بهتر است؟

**4 - حدسیاتی ازاوضاع واحوال آن روزها**

چرادراین آیه ها روی جنسیت اولاد زوم شده واینقدر روی آن مانور داده شـده است؟

یکی ازصفات پربسامد خداوند از لحاظ ذکردرقرآن ، صفت «حکیم»ی آنحضرت است وشخص حکیم هم سخن بیجا نمیگوید و لذا باید این زوم و مانور روی موضوع فوق علـت معقول ومقبولی داشته باشد.

تااینجا این رافهمیده ایم که مخاطب های اولیه پیامبر(ص) شدیدا اولاد پسر را بر دختر ترجیح میداده اند .(مطلب فوق ازآیات زیادی فهمیده میشود)

از آیات زیاد دیگری هم فهمیده میشودکه همه کفارهمه زمان ها ، از جمله کفار زمان آنحضرت دائما میگفتند «اگر راست میگوئی فلان کار-معجزه ای- را بکن» با در نظـــر گرفتن همزمان هردو مطلب میتوانیم حدس بزنیم که خواسته ای را دایر بـــر «فقط پسر»مطرح کرده بودند که جواب دریافت کردند «تقاضای خـــــــلاف حکمــــت پذیرفته نمیشود»

محورسخن این است که در آن روزها از طرفی پیامبر(ص) و پیروان آنحضرت را دلـگرم تر نموده و از طرف دیگردردل مخالفانش راهی بازکند و لذا باز هم به وحــی و «حجیت» و «حقانیت» آن توجه میدهد و میگوید : ای پیامبر ! دل خوش دار که برگزیده شده ای که روشنی بخش باشی و به بهترین ها هدایت کنی .وای کافران ! دست بکشید اینها سخن مستقیم خداوندتان است

**5 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

**6 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 – نکوهشِ بی­توجهی کافران به اداره همه­جانبه امور زندگی بشر توسط خداوند و اینکه آنها خودشان مسئول زيان آخرتی هستند که براي خويش به وجود مي آورند .

2 – توصیه هایی به آنحضرت که به آنها توجه نکند و فقط رسالتش را پي گيرد. و اینکه وحيي که به او مي شود از نعمت های بسيار بزرگ است و مگذارد کافران اندوهگينش کنند .

**7 - آیات مشکل**

آیه های 51 و 52 از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر آنها گفته اند .

**8 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیات 49 تا 52 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**9 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیات 44 تا 47 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

آیه های 49 و 50 از این لحاظ که به عالَم خلق و امر اشاره دارد، از آنجا که جزئیات مکانیزمش برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم 1400 سال قبل.

آیه های 51 و 52 از آنجا که به وحی اشاره دارد، و آنهم چیزی است که هیچ بنی بشری را راهی به شناخت مکانیزمش نیست، طبعا بالاتر از ذهنیات معاصران نزول است.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به لیست ما در باره ترتیب نزول سوره ها ، غیر از آیه های 44 و 46 و 47 ، بقیه آیات «برای اولین بار» است .

**11 – کلیدهای تفسیری**

1 - مطالب نیمه دوم آیه 44 و تمام آیه 45 با کدام «پرانتزی» است .

2 – منظور از «رحمه» و سیئه ، در این پاراگراف ، معنی اصطلاحی آنهاست که به ترتیب عبارتند از : چیزهائی که«انسان»های مورد بحث آنها را خوشایند میدانند و چیزهائی که آن انسان ها آنها را ناخوشایند میدانند

3 - نیمه دوم آیه 49 و تمام آیه50 «پرانتزی» است .

4 – در ابتدای پنج کلمه آخر آیه 53 «التفات» صورت گرفته است .

5 – آیه 51 فرع بر ماقبل خویش است ، و چنین است وضع آیه 53 .

**شرح مختصر**

**فعل خداوند قانونمند است**

با توجه به تیتر فوق ، در آیه 44 ، (وآیه46) جمله «کسی که خداوند گمراهـــش کند» این معنی را خواهدداشت : «کسی که رفتاری در پیش گیرد که مستحق گمراهـــی باشد ، بالاخــره گمراه خواهدشد»

**موضوع بسیار پربسامدِ (تو فقط پیام­رسانی)**

موضوع آیه 48 با توجه به تیترهای فوق در قرآن بسیار زیاد تکرار شده است.

جا دارد یک خواننده محترم خوش قریحه­ای راجع به موضوع فوق تحقیق تحلیلی بکند و هم بسامد آن و هم نوع عبارات بکار رفته و هم حدّ و حدود رابطه پیامبر(ص) (با خداوند، با پیروان خویش، با کفار، و غیره) را مشخص نماید.

**شاید این یک نوع امتحان باشد**

ازمحتوای آیه میتوان حدس زدکه خداوندمتعال نوعی ازچیزهای خوشایند رابرای آنان پیش آورده بود ، اما واکنش کفارشادی کودکانه بود درحالیکه بهتربود رویکرد شاکرانه درپیش میگرفتند و به تعالیم پیامبر(ص) اقبال نشان میدادند ، سپس برای آنهانوعی ازچیزهای ناخوشایند پیش آورد ، دراین وضعیت نیز بجای اینکه رو به درگاه الهی بیاورند و به پیامبرش بگروند به کفرشان افزودند .

**بازهم درباره وحی**

در سوره شعرا فرشته وحی را تحت عنوان «روح­الامین» و در سوره تکویر همو را «رسولی گرامی، صاحب قوت، صاحب مکانت نزد صاحب عرش، مورد اطاعت در آنجا، امین» و در سوره نجم «دارای قوای پر شدت، صاحب نیرو» مورد اشاره و معرفی قرار داده و در اینجا او را «روحی از امر خویش» نامیده و چون شرح مختصردو مورد ازموارد قبلی را در جای خویش عرض کرده­ایم در اینجا نیاز به عرض جدیدی نمی­باشد.

اما آیه 51 می­خواهد این را بفهماند که مکانیزم وحی نمی­تواند مستقیم و مانند مکالمه ما با یکدیگر باشد زیرا یکطرف آن که ما باشیم محدود است و طرف دیگر نامحدود است و نامحدود در محدود نمی­گنجد (مثلاً) همانطور که خورشید در چشم ما نمی­گنجد، و اگر با اصرار به خورشید نگاه کنیم کور می­شویم، (و تازه خود خورشید محدود است و یکی از مخلوفات ناقابل خداست) به همین قیاس ما طاقت مکالمه با خداوند را نداریم و چنین ارتباط مستقیمی محال است و همانطور که ما برای نگاه کردن به خورشید مجبوریم با وسایلی (مثلاً شیشه ماسک جوشکاری و غیره) شدت مطلب را کاهش داده و آنرا به حد طاقت چشم خویش نزدیک کنیم، در مورد وحی هم در آیه 51، به بعضی از روشهای «تقلیل شدت» مطلب اشاره نموده است.

درباره وحی و معنی و مراتب آن، مختصراً شرحی در سوره نجم عرض کرده­ایم که توصیه می­نمائیم به آنجا مراجعه شود.

اما آنچه در آیه 51 است بطور خلاصه به این معنی است که یا اینکه مستقیم در دلش بیندازد یا اینکه اگر هم بصورت گفتگوست غیرمستقیم باشد یا اینکه بوسیله واسطه (مثلاً جبرئیل) باشد که البته تفاوت حالات فوق بستگی به قوت شخصیت گیرنده وحی دارد.

اینکه پیامبر نمی­دانسته کتاب چیست و ایمان چیست نقطه ضعفی برای او نیست بلکه چون ظرفیت و استعداد حمل چنین قرآن عظیمی را داشته که بیش از 1400 سال است در بین ما هست و هر عاقل اندیشمند فهیم عارفی را شیفته و واله و شیدای خویش کرده،آنحضرت از تمام آن عقلا و عرفا و اندیشمندان و فرهیختگان مذکور بالاتر است ، آنهم با فاصله­ای بسیار زیاد که شرح آن زیاد و ظرفیت این مختصر کم است و خواننده ارجمند نیز فهیم است و نیاز به شرح بیشتر نیست.

اما «درس ناخوانده بودن» پیامبر(ص) برای مسلمانان نعمتی است زیرا پیروان آنحضرت می­توانند مطمئن باشند که این مطالبی که می­گوید «خالص آسمانی» است، نه اینکه احتمالاً مخلوط با بعضی از مؤلفه­هایِ تحصیلیِ قبلیِ او باشد.

در «هدایت میکنی» انتهای آیه 52، مفهوم «به اذن خدا» مستتر است و ذکر نشدن آن چه بسا به این خاطر باشد که قبلاً در سوره­های دیگر ذکر و تأکید شده است.

**صراط مستقیم**

مفهموم فوق از همان ابتدای نزول وحی در سوره حمد مطرح شده بود که دائماً در طول این جریان هر از گاهی مورد تعریف بیشتر قرار گرفته ، که این ، یکی ازموارد آن است .

**جمع بندی و تفسیر**

{و کسي که خدا گمراهش کند هيچ دوست و سرپرستي ندارد}**و هنگامي که ظالمان عذاب را ببينند مي بيني که خواهندگفت آيا راه برگشتي هست؟ (44) و مي بيني در حاليكه از خواري خاكسارند بر آن** (آتش) **عرضه ميشوند و در آن حالت با گوشه چشم به آن مينگرند و مومنان ميگويند زيانكار واقعي كساني هستند که خودشان و اهلشان را در قيامت به ضرر دچار کرده اند.** [خطابمیشود که ] **بدانيد که ظالمان در عذابي دائمي خواهند بود (45) و هيچ دوست و سرپرستي غير از خدا ندارند**  {و کسي را که خدا گمراه کند راهي براي او نيست} **(46) خدايتان را اجابت کنيد قبل از اينکه روزي برسد که از** (حکم) **خدا بازگشتي نيست. آنروز نه پناهگاهي داريد و نه ميتوانيد انکاری کنيد (47)** **پس ، اگر روي برگردانند تو را مسئول آنها نفرستاديم . بر عهده تو فقط ابلاغ است. وقتيکه به انسان رحمتي از جانب خويش مي­ چشانيم شاد ميشود و اگر بديي به سبب آنچه قبلا انجام داده اند به آنان برسد بسيار کفران پيشه خواهند شد (48)** **فرمانروائي آسمانها و زمين از آن خداست . آنچه بخواهد مي آفريند . به هر كه خواهد دختر و به هر که خواهد پسر ميدهد (49) يا هر دوی پسر و دختر را با هم ميدهد و هر كه را خواهد عقيم ميکند که او داناي قدرتمند است(50)** {و هيچ بشري را نميرسد که خدا با او تکلم کند مگر اينکه بصورت وحي يا از پشت پرده اي باشد يا فرستاده اي بفرستد و (آن فرستاده) به او به اذنش آنچه خواهد وحي کند که او والامرتبه حکيم است}(51) **و چنين است که روحي از امر خويش را بسوي تو وحي کرديم . تو نميدانستي کتاب چيست و ايمان چيست وليکن آنرا نوري قرار داديم که بوسيله آن هر کس از بندگان خويش را که بخواهيم هدايت ميکنيم و البته تو بسوي جاده اي مستقيم هدايت ميکني(52)** {جاده خدائي که آنچه در آسمانها و زمين است از آن اوست. بدانيد که سرانجام همه امور بسوي خداست}(53)

**سوره سباء**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿1﴾ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنزِلُ مِنَ السَّمَاء وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ﴿2﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَى وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِن ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿3﴾ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُوْلَئِكَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿4﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُوْلَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رِّجْزٍ أَلِيمٌ ﴿5﴾ وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ هُوَ الْحَقَّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿6﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَى رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿7﴾ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَم بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ ﴿8﴾ أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُم مِّنَ السَّمَاء وَالْأَرْضِ إِن نَّشَأْ نَخْسِفْ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطْ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِّنَ السَّمَاء إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ ﴿9﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**ستايش خدائي را سزاست که آنچه در آسمانها و زمين است از آن اوست و در آخرت هم ستايش مخصوص اوست و همو فرزانه آگاه است (1) نسبت به آنچه در زمين فرو ميرود و آنچه از آن بيرون مي آيد و آنچه از آسمان نازل ميشود و آنچه بسوي آن بالا ميرود علم دارد و همو آمرزنده مهربان است (2) کافران ميگويند قيامت بر ما درنمي آيد . بگو آري . قسم به پروردگارم كه حتما مي آيد . همان پروردگاري که داناي غيب است و هيچ چيز حتي اگر به خردي ذره اي هم باشد ، چه در آسمانها و چه زمين ، و حتي کوچکتر و بزرگتر از آن ، از او پنهان نيست (3) و همو قیامت را قرار داد تا مومنان و صاحبان اعمال شايسته را پاداش دهد که آمرزش و روزيي گرامي خواهند داشت (4) و آنهائي نيز که سعي میکنند جلوي پيشرفت آيات الهی را بگيرند به عذابي پليد دردناک معذب فرماید (5) اما ، ای پیامبر! در عین حالی که کافران چنین میگویند و چنین میکنند صاحبان علم آنچه را که از سوي پروردگارت بتو نازل شده حق مي بينند ، و اينکه بسوي راه خداي پيروزمند پسنديده هدايت مي کند (6) و کافران ميگويند ميخواهيد کسي را به شما نشان دهيم که ميگويد پس از اينکه بعد از مرگ پاره پاره شديد ، دوباره به خلقت جديدي در مي آئيد؟ (7) آيا این شخصی که خویش را پیغمبر مینامد به خدا افترا مي بندد يا ديوانگيي در او راه يافته؟ به آنان بگو نه بلکه کساني که به آخرت ايمان ندارند در عذاب و گمراهيي دور ميباشند (8) آيا آنچه را که از آسمان و زمين که در مقابل چشمانشان است و نیز حالت و وضعیت گذشته آندو را نمی بینند که اگر بخواهيم زمين را زير پايشان مي شکافيم و ياقطعه ای از آسمان را برسرشان مي کوبيم؟ البته در اين آرامش و ثبات آسمان و زمین براي هر بنده توبه کننده اي نشانه اي است (9)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

تاکنون ، در چهار جلد قبلی این تفسیر ، در ابتدای پاراگراف اول هر سوره ، ذیل تیتر فوق ، لااقل دو جدول اول و آخر طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یا همان «درس» سوره) را می آوردیم ، اینک که خواننده محترم به اندازه کافی آنها را دیده ، و دانسته که طرز استخراج چگونه است ، به علت علاقه به رعایت اختصار ، دیگر جدول های مذکور را که دائما طولانی تر میشود ، ذکر نمیکنیم ، و اگر کسی بخواهد، میتواند همه آنها را در کتاب «راهنمای تحلیلی» ما (در سایت ما که در اول و آخر این کتاب معرفی کرده ایم) ببیند .

**درس : اي پيامبر! اينک که کافران قوم تو مانند گذشتگان دچار کفران نعمت و تکذيب مي باشند چنين کن و چينن بگو و موفق خواهي شد .**

**درب : کافران به خداوند ، آخرت ، و وحي ، چنين کفر مي ورزند . ای مردم! صفات خداوندی را در نظر آورید .**

**2 - سوالات**

1 – چرا خداوند از بین صفات ممکن ، آن چهارصفت انتهای آیه های 1و 2 را برای معرفی خویش برگزیده؟

2 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (آموزشی؟ یا....؟)

3 - در این پاراگراف کدام جمله ها فرعی و کدام فرعی در فرعی است؟

4 – این پاراگراف به عنوان یک متن از چه نوع است؟

5 – منظور از «کتاب مبین» (آیه3) چیست؟

6 – منظور از «**مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُم مِّنَ السَّمَاء وَالْأَرْضِ**» (آیه9) چیست؟

7- پس از ثلث اول آیه3 ، موضوع کدام کلید تفسیر قرآن اتفاق افتاده است؟

8 – در آیه 6 ، آیا دو کلمه عزیز و حمید صفت صراط است یا صفت خدائی که صراط مذکور «بسوی او» است؟ (جواب با دلایلی از خود متن ، نه از بیرون آن)

9 – آیه 9 در پی بیان چه مفهومی است؟

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

اینک دیگر فعالان کفر به کمتر از حذف کامل تعالیم وحی راضی نمیشدند ، مثلا موضوع آخرت را نه تنها بکلی انکار میکردند بلکه به تمسخرِ عناصرِ مختلفِ مقولاتِ آن می پرداختند ، و خود پیامبر را بکلی دروغگو بلکه افترا زننده به خدا و حتی دیوانه معرفی می نمودند (آیه های 5 تا 9)

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** :(المیزان) : اين سوره پيرامون اصول سه‏گانه اعتقادات، يعنى توحيد و نبوت و قيامت بحث مى‏كند. بعد از بيان آنها كيفر كسانى را كه منكر آنهايند، و يا القاى شبهه در باره آنها مى‏كنند، بيان نموده، آن گاه از راه‏هاى مختلف آن شبهه‏ها را دفع مى‏كند، يك بار از راه حكمت و موعظه، بار ديگر از راه مجادله. و از بين اين سه اصول بيشتر به مساله قيامت اهتمام مى‏ورزد،

خواننده گرامی میداند که روش مابراساس تحلیل و محاسبه است و «عصاره»ای که استخراج نموده واسم آن را «درس» گذاشته ایم ازآنچه فرموده اند ، چنانکه ذیلا ملاحظه میکنید بسیار دور است :

درس سوره : ای پیامبر ! اینک که کافرانِ قومت مانند گذشتگان دچار کفران نعمت و تکذیب میباشند ، چنین کن و چنین بگو و موفق خواهی شد .

**5 – کلیدهای تفسیری**

نیمه دوم آیه 3 «پرانتزی» است ، زیرا اگر چشم خویش را بر آن ببندیم و قبلش را به بعدش وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و بی سکته خواهد شد .

آیه 6 فرع بر ماقبل خویش است .

آیه های 7 تا 9 نیز به همچنین .

**6 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 – توصیف رفتار فعالان کفر که به خداوند ، آخرت ، و وحي ، چنان که ر آیات این پاراگراف ذکر شده ، کفر مي ورزیدند .

2 – هشدار به مردم که برای دور شدن از این نوع خطا صفات خداوندی را در نظر آورند .

**8 - آیات مشکل**

آیه 2 از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر آنها گفته اند .

**9 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه های 2 و 7 به آیاتی از علم وقدرت خاص الهی اشاره دارد که بالاتر از ذهنیات مخاطبان اولیه، بلکه حتی مخاظبانِ کنونی است و لذا از ذهنیات مخاطبان اولیه بالاتر است.

آیه های 3 و 4 و 7 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 1 و 3 تا 6 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**تناسب اسماء و صفات الهی با محتوای آیه**

دراینجا دومقوله ازعلم الهی ، وسپس دوصفت او را ذکرفرموده است .

طبیعی بنظرمیایدکه مقوله اول با صفت اول و مقوله دوم با صفت دوم متناسب باشد .

در مقوله دوم به آسمان و آنچه ا زآن نازل میشود وبسوی آن بالا میرود سخن میگوید و صـفت مربوطه نیز «غفور» است .

از کلمه اخیر معلوم میشود منظور از«ورودی و خروجی آسمان» ، «ورودی و خروجی معنوی آسمان» است (مانند وحی بعنوان خروجی ، واعمال انسان بعنوان ورودی)

باهمین نوع بررسی معلوم میشود درمورد زمین «ورودی وخروجی مادی زمین» منظوراست (مانند باران بعنوان ورودی ، ونباتات بعنوان خروجی)

به همین طریق از آیه1 فهمیده میشود خداوند در باره آنچه در آسمانها و زمین است حکیـم است (و لذا نباید از او تقاضاهای بیهوده نمود) و در باره ارزش ایمان ها واعمال آحاد آدمی هم مانند یک ارزیاب خبره عمل میفرماید (و لذا نمیشود او را گول زد)

ملاحظه کرده اید که ما این برداشت ها را نکرده ایم ، مگر به کمک صفاتی که خداونـد در انتهای آیات قرارداده است ، لذا این نیز یک کلید (ولو فرعیِ) فهم و تفسیر قرآن است .

**در باره این پاراگراف**

چهار آیه اول این پاراگراف یک متن آموزشی در قالب بیانیه است .

شباهتی به محتوای سوره حمد دارد که ما دائما اظهار و تکرارش میکنیم ، ولی از طریق وحی برای ادای مطالبش آموزش یافته ایم ، و این نوع از سخن در قرآن بسیار دیده میشود مثلا : شهدالله انه لا اله الا هو و . . . و یکی از سبک های سخن قرآنی است .

بقیه آیات این پاراگراف به قول و فعل تکذیبگران می پردازد و در آیه آخر باتوجه دادن به این نکته متعرض نکوهش میشود که اینها که اینقدر از این نوع رفتارهای ناپسند میکنند، در عین حال بطور کامل دارند از نعمت های الهی از قبیل آرامش آسمانها و سکون زمین (وسایر نعمتها) استفاده میکنند و اگر اندک اضطرابی در آسمان و یا لرزشی در زمین می دیدند بازهم به اندکی از این نوع رفتار ها می پرداختند؟

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**ستايش خدائي را سزاست که آنچه در آسمانها و زمين است از آن اوست و در آخرت هم ستايش مخصوص اوست و همو فرزانه آگاه است (1) نسبت به آنچه در زمين فرو ميرود و آنچه از آن بيرون مي آيد و آنچه از آسمان نازل ميشود و آنچه بسوي آن بالا ميرود علم دارد و همو آمرزنده مهربان است (2)** **کافران ميگويند قيامت بر ما درنمي آيد. بگو آري . قسم به پروردگارم كه مي آيد .** {(همان پروردگاري) که داناي غيب است و هيچ چيز حتي اگر به خردي ذره اي هم باشد ، چه در آسمانها و چه زمين ، و حتي کوچکتر و بزرگتر از آن ، از او پنهان نيست} (3) **تا مومنان و صاحبان اعمال شايسته را پاداش دهد که آمرزش و روزيي گرامي خواهند داشت (4) و آنهائي نيز که سعي کردند جلوي پيشرفت آيات ما را بگيرند عذابي پليد دردناک خواهند داشت (5)** {صاحبان علم، آنچه را که از سوي پروردگارت بتو نازل شده حق مي بينند ، و اينکه بسوي راه (خداي) پيروزمند پسنديده هدايت مي کند } (6) **و کافران ميگويند ميخواهيد کسي را به شما نشان دهيم که ميگويد پس از اينکه** (بعد از مرگ) **پاره پاره شديد ، دوباره به خلقت جديدي در مي آئيد؟ (7)**{آيا به خدا افترا مي بندد يا ديوانگيي در او راه يافته؟ (نه) بلکه کساني که به آخرت ايمان ندارند در عذاب و گمراهيي دور ميباشند (8) آيا آنچه را از آسمان و زمين که پيش رو و پشت سرشان است نمي بينند که اگر بخواهيم زمين را زير پايشان مي شکافيم و ياقطعه ای از آسمان را برسرشان مي کوبيم؟ البته در اين موضوع براي هر بنده توبه کننده اي نشانه اي است} (9)

**سبا3 آیات15تا21**

**لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَن يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ ﴿15﴾ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُم بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَى أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثْلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ ﴿16﴾ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُم بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ ﴿17﴾ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ ﴿18﴾ فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿19﴾ وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿20﴾ وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِم مِّن سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿21﴾**

**البته براي قوم سباء در سکونتگاهشان نعمت بزرگی قرار داده بودیم که نشانه اي بود. دو باغ در راست و چپ. از رحمت خویش چنین مقرر کردیم که از روزي پروردگارشان از این دو باغ بخورند و شکرش را بگزارند که شهري دلپسند و پروردگاري آمرزشگر داشتند (15) ولي از وظایف خویش روي گرداندند و ما نيز یک سيل بنيان كن که در اثر عدم نگهداری و خراب شدن سدّشان درست شده بود فرستاديم و دو باغشان را به دو باغ که جز خوراکيي تلخ ، و گياه ، و مختصري سدر ، نمي روياند ، بدل كرديم (16) بسبب کفرانشان اينگونه مجازاتشان كرديم و مگر کسي غير از کفران پيشگان را مجازات مي کنيم؟ (17) و قبلا بين آنها و شهرهائي که در آنها برکت قرار داده بوديم، شهرهائي جديد بوجود آورده بوديم ، و مسافرت بين آنها را به اندازه نموده بوديم ، و چنین مقرر کردیم که چه شب باشد و چه روز با امنيت در آنها سفر كنند (18) اما تنبلی کردند و گفتند پروردگارا بين سفرهاي ما دوري بيانداز و بدين گونه بر خويش ظلم کردند . پس آنها را كاملاً متفرق شان نموده و تبديل به داستانهائي کرديم . و البته در اين براي هر صبر پيشه شاکري نشانه هائی است (19) و البته شيطان در موضوع آنها گمانش را راست يافت و آنها هم و غیر از عده اي از مومنان پيرويش کردند (20) البته شیطان هيچ تسلطي برآن مومنان نداشت ، و این کار را نکردیم مگر اينکه معلوم کنيم چه کسي به آخرت ايمان دارد و چه کسي درباره آن در شک است و پروردگارت بر هر چيزي ناظر است (21)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : اي پيامبر اينک که کافران قوم تو مانند گذشتگان دچار کفران نعمت و تکذيب مي باشند چنين کن و چينن بگو و موفق خواهي شد .**

**درب : نمونه اي از اقوام سابق که نعمت هاي مهمي داشتند اما کفران کردند.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 گوشه هائی از دو صفت مالکیت وعلم الهی را معرفی می فرماید که بر حسب آن ، خداوند در آسمانها و زمین از روی قوانین حکمت عمل میکنــد و راجع به ارزش ایمان ها و اعمال انسانها نیز گول نمیخورد و علم او مطلق است و نیز اینکه کافران درباره قیامت به تکذیب میپردازند و به علم و قدرت مطلق الهی توجه ندارند .

در پاراگراف 2 تلویحا می فرماید ای پیامبر ! تو نزد ما کمتر از داود و سلیمان نیستی و ما عاجز نیستیم تو را فورا و به روشهای اعجازی موفق کنیم ، اما برای شماکه پیامبر دوره بلوغ بشریت هستی روش های انســـانی (برنامه ریزی ، تشریک مساعی ، صبر، گفتگو ، استدلال و....) را می پسندیم.

در این پاراگراف می فرماید قوم سباء در مقابل دو نعمت مهم اقتصادی خویش ناشکری کردند و نعمت از دستشان رفت . و تلویحا می فرماید ای کافران ! معیشت شما ازمجاورت شما نسبت به این کـعبه تامین میشود . اینک صاحب این کعبه رسولی نزدتان فرستاده . نسبت به این نعــمت ناشکری نکنید ، مبادا که مایه معیشت تان ازبین برود .

**3 - سوالات**

1 – در نیمه دوم آیه 15 ، موضوع کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده؟

2 - همچنین درثلث آخرآیه 18؟

3- همچنین در «وظلموا انفسهم» (آیه19)؟

4-همچنین چهار کلمه آخر آیه 20؟

5- از این داستان چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

6 – چرا خداوند در اینجا از ضمیری که ترجمه اش «ما» است استفاده فرموده؟

7 - این پاراگراف چه «حالت کلی» دارد؟ (هشداری که بوضوح نشان دهنده دلسوزی است؟ یا.....؟)

8- اگر قرار باشد از تیتر «فعل خداوند قانونمند است» استفاده کنیم محلش کجاهاست؟

9 - «کفر»ی که در این پاراگراف دیده میشود از چه نوع است؟ (همان مفهوم مشهور؟ کفران نعمت؟ یا ...؟)

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

1 - چون در متن شرح نسبتا مفصلی در باره علت عذابشان داده ایم که کاملا متفاوت از رویگر تفسیری تفاسیر رایج است لذا ر اینجا چیزی عرض نکرده و به همانجا ار جاع میدهیم .

2 –:(المیزان) : [در باره «باعد بین اسفارنا» گفته] يعنى سفرهايمان را طولانى كن، تا مسافتهاى دور برويم، و بار سفر دور ببنديم، بيابانها و باديه‏ها بپيماييم،

با توجه به عصاره محتوای سوره که صریح در نکوهش و کفران نعمت است ، مشکل آنان تنبلی ، و منظور آنان «کمتر سفر کردن» بوده است .

**5 – کلیدهای تفسیری**

در این پاراگراف کلید های متعدد و متنوع تفسیری از قبیل فرعی و واگذاری به مخاطب و التفات و . . وجود دارد .

چون تا اینجا انواعش را نشان داده ایم ، شناسایی موارد موجود در این پاراگراف را به عنوان تمرین به خودتان وا میگذاریم .

**6 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 – انجام ندادن کارهایی که سبب دوام نعمت میشود موجب زوال نعمت شده و کفران نعمت و به زبان قرآن «کفر» تلقی میگردد .

2 – تعریض تلویحی به کفار معاصر نزول این سوره که این دین و این وحی نازله نیز یک نعمت مهم است و نسبت به آن کفران نکنید .

**8 - آیات مشکل**

آیه های 15 تا 21 از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر آنها گفته اند .

**9 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیات 15 تا 21 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**10 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه های 15 تا 21 از این لحاظ که به اقوامِ درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب 1400 سال قبل.

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**رفع سوء تفاهم در مورد داستان قوم سباء**

در تفاسیر ، و بلکه در مشهور ترین و مهم ترین آنها ، به داستان قوم سباء چنان وارد شده اند که گویا :

1 - آنها هم مانند اقوامی مانند عاد و ثمود و فرعون و لوط به غضب خداوند دچار شده باشند ،

2 - سیل آنان مانند طوفان نوح و سایر عذاب ها خودشان را هلاک کرده ،

3 – و بالاخره اینکه کل داستان در مدتی کوتاه (مثلا چند ساعت) اتفاق افتاده است.

در حالیکه این مفروضات خطاست و مطلب صحیح را ذیلا می یابید :

**نوعِ داستان سرائی خاص قرآنی**

موضوع این پاراگراف قصه ای است که در دو قسمت بیان شده است :

1- یک قسمتِ داستان (آیه های 15 و 16) ، موضوع دو باغ پر بار است و ذکری هم از ناشکری در آن دیده نمیشود . البته «فاعرضوا» (پس روبرگرداندند) اجمالا اشاره ای به ناشکریی دارد اما مشخص نیست که چه نوع ناشکریی بوده است .

2- در قسمت دوم داستان (آیه های 18 و 19) ، موضوع امکان مسافرت دائمی و آسان ذکر شده و موضوع ناشکری هم در همانجا آمده ، که جمله «باعد بین اسفارنا» (= بین سفرهایمان فاصله بیانداز) نشاندهنده آن است .

3 - خواننده عادی به این نوع داستان سرائی مانوس نیست ، اما اگر به کلید تفسیری ما تحت عنوان «واگذاری به مخاطب» در همان سایت توجه کند ، متوجه این نکته میشود که قسمت دوم داستان به قسمت اول مربوط است و آن مسافرت ها برای مبادله محصولات باغی با سایر مایحتاجشان بوده ، و مشکل شان هم تنبلی (باعد بین اسفارنا) بوده ، که خود آن می باید ناشی از تمایلشان به خوشگذرانی بوده باشد .

کمی قدرت استنتاج (که همگان از آن برخوردار هستند) به خواننده کمک میکند که بفهمد مشکل آنها در قسمت اول داستان هم همین بوده ، یعنی تنبلی شان سبب سیل شده است ،

4 – به این ترتیب قسمت آخر پاراگراف (آیه های 20 و 21) نیز مفهوم میشود که این تنبلی در اثر تمایلاتی بوجود آمد که از آثار القائات شیطانی بوده است.

**تمام فقرات مطلب طور دیگری است :**

1 - قوم سباء مانند قوم نوح و عاد و ثمود و فرعون نبود که به غضب خداوند دچارشده باشد ، دلیلش خود مندرجات قرآن است که کرارا داستان آن اقوام را ذکر کرده و لجّ و عناد آن اقوام را مکررا تاکید نموده ولی در مورد قوم سباء چنین چیزی دیده نمیشود . حد اکثر چیزی که در باره آنها گفته شده در همین پاراگراف است و در اینجا هم حداکثر خطایشان «فاعرضوا» و «ظلموا انفسهم» است و این اصلا قابل مقایسه با رفتار اقوام یاد شده نیست که در مقابل خداوند صف آرائی نموده و خیال قتل پیغمبران خداوند را داشته اند .

بنا بر این سیل مذکور از جنس «عذاب الهی» نبوده ،

2 - و از طرف دیگر سیلی که از عذاب الهی نباشد (مانند طوفان نوح و واژگونی شهر لوط و تند باد هشت روزه قوم عاد و امثال آن) «بنیان کن» نمیشود ، ما اخیرا تقریبا هرسال تجربه سیل را در استان گلستان خودمان داریم که سبب «بنیان کن»ی نمیشود و بنیان کنی سیل قوم سباء به این معنی است که «بنیان اقتصادی» آنها را کنده ، نه اینکه آدم ها را (مانند اقوام پیشگفته) هلاک کرده باشد .

موضوع اینطور مفهوم است که :

اقتصادشان اقتصاد باغداری بوده و می باید همیشه مقدار مطمئنی از آب را در اختیار داشته باشند و نمیتوانستند متکی به آب نا مطمئن باران باشند و لذا سدی تاسیس کردند و طبعا با توجه به تکنولژی چند هزار سال پیش سد ضعیفی بود و نیاز به نگهداری داشت که کم کم بعلت رفاهی که یافته بودند پرداختن به نگهداری سد برایشان شاق به نظر رسیده بود و بخوبی به آن نپرداختند و سد شکست و اقتصاد باغداری شان از بین رفت و خودشان هم به علت از دست دادن مایه اصلی اجتماع خویش متفرق (نه هلاک) شدند .

3 – همچنین این داستان ، داستانِ عده کمی در یک زمان نیست بلکه داستان یک تمدن است که چندین نسل و چندین قرن طول کشیده ، و این موضوع از قسمت دوم داستان فهمیده میشود ، زیرا ایجاد راه های مواصلاتیِ تسهیل کنندهء داد و ستد اقتصادی ، و بوجود آمدن شهرهای بین راهی ، چیزی نیست که در کوتاه مدت حاصل شود .

**چند نکته ای که بطور مستقیم از این داستان فهمیده میشود**

1 - از همین داستان معلوم می­شود شکر منحصر در گفتن بعضی اذکار و ادعیه نیست بلکه قیام به اموری که سبب حفظ و ادامه نعمتها می­شود نیز از مقوله شکر است .

2 – افعال خداوند معقول و قانونمند است ، چنانکه خداوند آمدن سیل را به خویش نسبت میدهد در حالیکه ما می فهمیم که آن یک موضوع قانونمند بوده ، و هر سد دیگری هم که نگهداری نشود فرو میریزد .

3**-** بلاغت قرآنی از اینجا فهمیده می­شود که در چند سطر کوتاه مطالبی را میگوید که در اثر اندکی تدبر و تفحص چنان جزئیاتی از آن در مقابل چشمانمان می­آید که انگار ما با حدود بیش از پنجهزار سال فاصله ، داریم آنها را می­بینیم .

4 – این داستان برای مخاطبان اولیه پیامی مانند پیام سوره قریش (که فوقا در «توضیح مقدماتی» گفته ایم) دارد و برای مخاطبان امروز هم پیام مشابهی دارد که باید توسط «عقل جمعی» ماها استخراج گردد .

**خودتان هم تحقیق مختصری بکنید**

سری به تفاسیر بزنید و ببینید چه ها فرموده اند و این تفسیر را با آنها مقایسه کنید . یعنی اینکه «یستمعون القول فیتبعون احسنه» کنید.

**جمع بندی و تفسیر**

**البته براي قوم سباء در سکونتگاهشان نشانه اي بود . دو باغ در راست و چپ.** [از رحمت خویش چنین مقرر کردیم که ] **از روزي پروردگارتان بخوريد و شکرش بگزاريد .** (که) **شهري دلپسند و پروردگاري آمرزشگر** (دارید) **(15) ولي روي گرداندند و ما نيز سيل بنيان كن را فرستاديم و دو باغشان را به دو باغ که جز خوراکيي تلخ ، و گياه ، و مختصري سدر ، نمي روياند ، بدل كرديم (16) بسبب کفرانشان اينگونه مجازاتشان كرديم و مگر کسي غير از کفران پيشگان را مجازات مي کنيم؟ (17) و بين آنها و شهرهائي که در آنها برکت قرار داده بوديم ، شهرهائي جديد بوجود آورديم ، و مسافرت بين آنها را به اندازه کرديم** .[و چنین مقرر کردیم که] **چه شب باشد و چه روز با امنيت در آنها سفر كنيد (18) اما گفتند پروردگارا بين سفرهاي ما دوري بيانداز و بدين گونه بر خويش ظلم کردند . پس آنها را تبديل به داستانهائي کرديم و كاملاً متفرق شان نموديم . و البته در اين براي هر صبر پيشه شاکري نشانه هائی است (19) شيطان گمانش را درباره آنها راست يافت و آنها هم** {و غیر از عده اي از مومنان} **پيرويش کردند (20)** {البته هيچ تسلطي برآنان نداشت ، مگر اينکه معلوم کنيم چه کسي به آخرت ايمان دارد و چه کسي درباره آن در شک است} **و پروردگارت بر هر چيزي نگهبان است (21)**

**سبا4 آیات22تا45**

**قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِن شِرْكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُم مِّن ظَهِيرٍ ﴿22﴾ وَلَا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ عِندَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّى إِذَا فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقَّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿23﴾ قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَى هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿24﴾ قُل لَّا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿25﴾ قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ ﴿26﴾ قُلْ أَرُونِي الَّذِينَ أَلْحَقْتُم بِهِ شُرَكَاء كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿27﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿28﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿29﴾ قُل لَّكُم مِّيعَادُ يَوْمٍ لَّا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ ﴿30﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن نُّؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ﴿31﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَى بَعْدَ إِذْ جَاءكُم بَلْ كُنتُم مُّجْرِمِينَ ﴿32﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَن نَّكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَندَادًا وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴿33﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ كَافِرُونَ ﴿34﴾ وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿35﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاء وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿36﴾ وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُم بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَى إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُوْلَئِكَ لَهُمْ جَزَاء الضِّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ ﴿37﴾ وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُوْلَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴿38﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاء مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنفَقْتُم مِّن شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿39﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاء إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿40﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنتَ وَلِيُّنَا مِن دُونِهِم بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُم بِهِم مُّؤْمِنُونَ ﴿41﴾ فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَّفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿42﴾ وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَن يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُّفْتَرًى وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿43﴾ وَمَا آتَيْنَاهُم مِّن كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِن نَّذِيرٍ ﴿44﴾ وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿45﴾**

**ای پیامبر! بگو کساني را که به خيال خود غير از خداوند به خدائي گرفته ايد در آسمانها و زمين به وزن ذره اي نيز مالک چيزي نيستند و در آندو در هيچ چيز شراكتي نداشته و از جانب خداوند نيز هيچ پشتيبانيي ندارند (22) و نزد او هيچ شفاعتي فايده اي ندارد مگر کسي که خودش اجازه شفاعت داده باشد ، تا آنکه پس از اینکه در قیامت در مورد مومنان اضطرابشان برطرف شود ، آنگاه بعضي از مومنان از بعضي دیگر ميپرسند پروردگارتان چه گفت؟ ميگويند حق گفت و او بلند مرتبه والاست (23) بگو چه کسي است که از آسمانها و زمين روزيتان ميدهد؟ بگو خدا . و ما يا شما چه هدايت يافته و چه در گمراهيي آشکار باشيم (24) بگو نه شما مسئول جرائم ما ميباشيد و نه ما مسئول اعمالتان خواهيم بود (25) بگو پروردگارمان است که در قیامت ما را جمع میکند ، آنگاه به درستي بين ما داوري مي نمايد و او جدا کننده اي داناست (26) بگو آن شرکائي را که به او چسبانده ايد نشانم دهيد . نه ! شریکی ندارد، بلکه او خداوند پيروزمند فرزانه است (27) و تو را جز بعنوان مژده دهنده و هشدار دهنده براي کليه مردم نفرستاده ايم وليکن اکثر مردم نميدانند (28) و ميگويند اين وعده قيامت چه وقت است اگر راست ميگوئيد (29) بگو وعده گاه تان روزي است که نه ساعتي عقب و نه جلو مي افتد (30)** **و کافران ميگويند هرگز نه به آنچه تا کنون از اين قرآن که میگوئی برتو نازل شده و نه به آنچه که در آینده نازل خواهد شد ايمان نخواهيم آورد ، و کاش ظالمان را وقتي که نزد پروردگارشان بازداشت باشند ميديدي که چگونه با يكديگر گفتگو ميكنند و مستضعفان به مستکبران ميگويند اگر شما نبوديد ما مومن بوديم (31) و مستکبران ميگويند آيا ما شما را از هدايت وقتيکه بسويتان آمد بازداشته بوديم؟ نه ، بلکه خودتان مجرم هستيد (32) مستضعفان ميگويند نه ، بلکه آن توطئه هاي شبانه روزي شما که ما را به طرف کفر نسبت به خداوند و قرار دادن همتايان براي او مي راند ، باعث اين شد . و وقتيکه عذاب را ببينند پشيماني خويش را پنهان ميکنند و زنجيرها را به گردن کافران افکنده میشود . آيا آنها جز جزاي اعمال خويش را مي بينند؟ (33) و در هيچ شهري هشدار دهنده اي نفرستاديم مگر اينکه هوسرانانشان گفتند نسبت به آنچه که براي آن فرستاده شده ايد کافريم (34) وگفتند ما از لحاظ مال و اولاد از شما برتریم و عذاب نخواهيم شد (35) بگو پروردگارم روزي هر کس را که خواهد فراخ يا تنگ ميگرداند وليکن اکثر مردم نميدانند (36) واموال و اولاد شما مايه تقرب شما نزد خداوند نيست . مگر اينکه کسي ايمان و عمل صالح داشته باشد که آنها بسبب اعمالشان پاداش مضاعف خواهند داشت و در غرفه هائي ايمن خواهند بود (37) و آنانکه توطئه مي کنند که جلوي پيشرفت آياتمان را بگيرند البته در عذاب بازداشت خواهند گرديد (38) بگو پروردگارم براي هر کدام از بندگانش که خواهد روزي را گشاده يا تنگ ميگرداند و آنچه که انفاق کنيد همو جايگزينش ميکند و همو بهترين روزي دهنده است (39) و روز قیامت که همگان را گرد بیاورد ، به ملائکه خطاب خواهد نمود آيا اينها شما را عبادت ميکردند؟ (40) آنها در جواب ميگويند خداوندا تو منزهي . خودت تنها سرور مائي . بلکه آنها چیزهای نا معلومی را عبادت ميکردند و اکثرشان به آنها اعتقاد داشتند (41) به آنان خطاب خواهد شد امروز هیچیک از شما براي ديگری نه نفعي خواهد داشت و نه ضرري و به ظالمان خطاب میشود بچشيد عذاب آتشي را که تکذيبش ميکرديد (42) و هنگامي که آيات روشن کننده ما بر آنها خوانده ميشد ميگفتند جز اين نيست که مردي است كه ميخواهد شما را از آنچه پدرانتان عبادت ميکردند باز دارد و ميگفتند اين چيزي نيست مگر دروغي که به خدا افترا میزند و وقتي که حق بسويشان آمد ، ميگفتند اين چيزي جزء جادوئي آشکار نيست (43) با اينکه کتابي براي آنها نفرستاده بوديم که این سخنان را در آنها خوانده باشند و قبل از تو نيز هشدار دهنده اي بسويشان نفرستاده بوديم (44) و كساني که قبل از اينان هم بودند تکذيب نموده بودند و اينها به يک دهم نيرو و مکنت آنان نيز نرسيده اند ، بنگر كيفرم راجع به پیشینیانشان که قوی تر و مکنت دار تر بودند چگونه بود ، و این ها دلشان به چه خوش است؟ (45)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : اي پيامبر اينک که کافران قوم تو مانند گذشتگان دچار کفران نعمت و تکذيب مي باشند چنين کن و چينن بگو و موفق خواهي شد .**

**درب : علت رفتارهای کافرانه، شِرک و بی­توجهی به قیامت است و ای پیامبر! این کافران از کافران پیشین مهم­تر نیستند، در نهایت که بازنده اند ، رسالتت را پیگیر باش و در جوابشان چنين بگو .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 گوشه هائی از دو صفت مالکیت وعلم الهی را معرفی می فرماید که بر حسب آن ، خداوند در آسمانها و زمین از روی قوانین حکمت عمل میکنــد و راجع به ارزش ایمان ها و اعمال انسانها نیز گول نمیخورد و علم او مطلق است و نیز اینکه کافران درباره قیامت به تکذیب میپردازند و به علم و قدرت مطلق الهی توجه ندارند .

در پاراگراف 2 تلویحا می فرماید ای پیامبر ! تو نزد ما کمتر از داود و سلیمان نیستی و ما عاجز نیستیم تو را فورا و به روشهای اعجازی موفق کنیم ، اما برای شماکه پیامبر دوره بلوغ بشریت هستی روش های انســـانی (برنامه ریزی ، تشریک مساعی ، صبر، گفتگو ، استدلال و....) را می پسندیم.

در پاراگراف 3 می فرماید قوم سباء در مقابل دو نعمت مهم اقتصادی خویش ناشکری کردند و نعمت از دستشان رفت . و تلویحا می فرماید ای کافران ! معیشت شما ازمجاورت شما نسبت به این کـعبه تامین میشود . اینک صاحب این کعبه رسولی نزدتان فرستاده . نسبت به این نعــمت ناشکری نکنید ، مبادا که مایه معیشت تان ازبین برود .

در این پاراگراف می فرماید ای پیامبر! در مقابل پنج ایراد کافران درباره ربوبیت و دو ایراد آنها راجع به آخرت ، چنین بگو، و توجه داشته باش که موضع این کافران سست، و عاقبتشان بازندگی ، و روش شان غلط ، و تکذیب شان بی پایه است و پیامبر باید به ماموریت خویش بچسبد .

**3 - سوالات**

1 - «حالت کلی» این پاراگراف چیست؟ (گفتگوی مشفقانه؟یا....؟)

2 – در آیه 22 بین دو کلمه «الله» و «لا» موضوع کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده؟

3 – سوال فوق را در باره آیه 23 بین «اذن له» و «حتی» جواب دهید.

4 – سوال فوق را در باره «شرکاء» و «بل» (آیه 27) جواب دهید .

5 – همچنین بین «کلا» و «بل» در همان آیه ؟

6 – وضعیت آیه 28 با موضوع کدام کلید تفسیر متناسب است؟

7– در آیه 22 «ه» در «له» اشاره به چه کسی است؟

8- در آیه 23 منظور از «قالوا» چه کسانی است؟

9– ظرف زمانیِ فعل «قالوا» را تعیین کنید .

10– منظور از «ثم یفتح بیننا» (آیه 26) چیست؟

11 – عمد و اصرار و لجبازی کافرانه درکجا به وضوح خودنمائی میکند؟

12 - « فهو یخلفه » (آیه 39) از طریق چه مکانیزمی اِعمال میشود؟

13 – کلمه «جنّ» به معنی لغوی بکار رفته یا اصطلاحی؟

14 – چرا در آیه 44 فرموده «کتب» و نفرموده «کتاب»؟

15 - «ف» در «فکیف» (آیه45) اشاره به چه دارد؟

16 – با توجه به آیه43 ، چرا قرآن را «جادو» خواندند؟

17 – با توجه به دو سوم آخرآیه 45 ، چه رابطه ایست بین موفقیت های مادی وتکذیب حقایق ماورائی؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه های 31 تا 33 شدت عمد و اصرار فعالان کفر و نیز فاصله طبقاتی آنها فهمیده میشود و نیز اینکه طبقات بالا سبب ایجاد این فاصله شده اند .

آیات 43 تا45درمقام نکوهش عامدانهء مصرّانهء لجبازانهء تکذیبِ کورِ سـرانِ کفار است، اما «لحن» سخن استدلالی است ونشان از امید به تاثیر مثبت دارد . همین موضوع اخیر بما میگوید که تعالیم پیامبر (ص) درسطح وسیعی پذیرفته شده بود و این انتظار وجود داشت که «سران» نیز بالاخره و پس از مدتی کوتاه بیایند .

این پاراگراف درمقام نکوهش عامدانه مصرّانه لجبازانه تکذیب کور سـران کفار است ، اما «لحن» سخن استدلالی است ونشان از امید به تاثیر مثبت دارد . همین موضوع اخیر بما میگوید که تعالیم پیامبر (ص) درسطح وسیعی پذیرفته شده بود و این انتظار وجود داشت که «سران» نیزکوتاه بیایند .

**5 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** :(المیزان)مراد از" بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ" [آیه 33] كتب آسمانى قبل از قرآن يعنى تورات و انجيل است، مشركين گفته بودند كه: نه به اين قرآن ايمان داريم، و نه به كتب آسمانى قبل از آن،

در باره «بین یدیه» معنی عجیب و نامقبولی فرموده و این به این خاطر است که تصور اینکه قرآن از «کتاب بعدی» سخن بگوید باطل است ولذا این راه حل را انتخاب کرده که معنی «بین یدیه» را به معنی «من خلفه» برگرداند !

در حالیکه لازم نبود این کار را کند و اگر ترتیب نزول را مورد توجه قرار میداد میدانست که تا سوره سباء هنوز 20 درصد قرآن هم هنوز نازل نشده بود و هنوز بیش از 80 درصد دیگر مانده بود و لذا «بین یدیه» به معنی بقیه قرآن است که هنوز نازل نشده .

یعنی دوخطا مرتکب شده : 1 – بی توجهی به ترتیب نزول 2 – برگرداندن معنی واضح برای رفع بن بست .

**2** :(المیزان در باره آیه 41) : گفتيم: مشركين سه طايفه از موجودات را مى‏پرستند، ملائكه، و جن، و قديسين از بشر را،

کلمه «جن» در اینجا به معنی لغوی بکار رفته ، یعنی نامعلوم و نا محسوس ، و خطا در اینجا ترجیحِ معنیِ اصطلاحی بر معنی لغوی بوده است .

**6 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 31 باز هم کلمه قرآن را بکار برده ، و این ، چنانکه قبلا هم چند بار دیده ایم ، پیشگوئی واضحی است .

توضیحش را ذیلا تحت عنوان «بین یدیه» عرض کرده ایم .

**7 – کلیدهای تفسیری**

1 – در ابتدای شش کلمه آخر آیه 33 «التفات» اتفاق افتاده است .

2 – در ابتدای آیه 42 نیز همچنین .

3 - «**وَمَا بَلَغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ** **فَكَذَّبُوا رُسُلِي** » نیز .

4 – آیه های 32 و 33 فرعند بر ماقبل .

5 – همچنین است وضع آیات 35 تا 37 .

6 – آیه 39 «پرانتزی» است .

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند!

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

تعلیل رفتارهای کافرانه ، که عبارت باشد از شِرک و بی­توجهی به قیامت .

پیام دلداری به پیامبر(ص) که این کافران از کافران پیشین مهم­تر نیستند، در نهایت هم که بازنده اند ، رسالتت را پیگیر باش و در جوابشان چنين بگو .

**10 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه های 22 و 23 از این لحاظ که به خلق و امر خاص الهی اشاره دارد، از آنجا که جزئیات مکانیزمش برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم 1400 سال قبل.

آیات 26 و 27 و 29 و 30 و 31 و 32 و 33 و 40 و 41 و 42 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

آیه 45 از این لحاظ که به اقوامِ درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب 1400 سال قبل.

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 37 و 38 و 42 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**آیات آشنا**

برای درک بهتر آیه 23 درباره شفاعت، به بحثی که در سوره نجم عرض کرده­ایم نگاه مجددی بفرمائید .

همچنین برای درک بهتر آیه 24 در خصوص اینکه ایمان و کفر، در این جهان، در مورد دریافت روزی نقش اصلی را ندارد به سوره لیل مراجعه مجددی بفرمائید.

**بین یدیه**

آیه 31 فقط با توجه به ترتیب نزول و قرائن تاریخی فهمیده میشود ،

تا اینجا ، از کل قرآن ، فقط 18 درصد نازل شده ، و منظور کافران این است که ای محمد ! نه به آنچه تا کنون ارائه کرده ای و نه به آنچه از این پس ارائه خواهی کرد ایمان نخواهیم آورد .

این تفسیر ما است ، حالا بد نیست سری هم به تفاسیر بزنید و ببینید چه ها فرموده اند .

**بازهم جن**

در آیه 41 مفسران خیلی در موضوع جن سخنان مختلف و متخالفی گفته اند که چون ذکر آن طولانی میشود در میگذریم .

اما این مقدار را بیاد می آوریم که تاکنون این مفهوم را در قرآن زیاد دیده ایم که در قیامت کفار زیر اعتقادات مشرکانه شان میزنند ، یا بکلی انکار میکنند و یا میگویند آنها فایده ای نداشته اند و یا . . .

با توجه به این مفهوم پر تکرار ، در اینجا باید کلمه «جن» را به معنی لغوی که مفاهیمی مانند نامعلوم و نامحسوس و مجهول و امثال آن را تداعی میکند بگیریم .

**دلشان به چه خوش است؟**

در این پاراگراف برای بی وجه بودنِ تکذیب کافران بر سه عامل تاکید میفرماید :

1 – علمی ندارند (من کتب یدرسونها) که بر مبنای آن تکذیب کنند ،

2 – پیامبری نداشته اند که این پیامبر را با او مقایسه کنند ،

3 – قدرت و ثروتی ندارند (ما بلغوا معشار . . ) که چشمشان را گرفته باشد و برایشان اعتماد به نفس کاذبی فراهم کرده باشد تا در اثر آن تکذیب کنند .

**جمع بندی و تفسیر**

**بگو کساني را که به خيال خود غير از خداوند به خدائي گرفته ايد در آسمانها و زمين به وزن ذره اي نيز مالک چيزي نيستند و در آندو در هيچ چيز شراكتي نداشته و از جانب خداوند نيز هيچ پشتيبانيي ندارند (22) و نزد او هيچ شفاعتي فايده اي ندارد مگر کسي که خودش اجازه** (شفاعت) **داده باشد ،** {تا آنکه (پس از اینکه در قیامت در مورد مومنان) اضطرابشان برطرف شود ، آنگاه (بعضي از مومنان از بعضي دیگر) ميپرسند پروردگارتان چه گفت؟ ميگويند حق گفت و او بلند مرتبه والاست} **(23) بگو چه کسي است که از آسمانها و زمين روزيتان ميدهد؟ بگو خدا . و ما يا شما چه هدايت يافته و چه در گمراهيي آشکار باشيم (24) بگو نه شما مسئول جرائم ما ميباشيد و نه ما مسئول اعمالتان خواهيم بود (25) بگو پروردگارمان است که ميانمان اجتماع برقرار ميکند ، آنگاه به درستي بين ما داوري مي نمايد و او جدا کننده اي داناست (26) بگو آن شرکائي را که به او چسبانده ايد نشانم دهيد . نه !** (شریکی ندارد) **بلکه او خداوند پيروزمند حکيم است (27) و تو را جز بعنوان مژده دهنده و هشدار دهنده براي کليه مردم نفرستاده ايم وليکن اکثر مردم نميدانند (28) و ميگويند اين وعده** (قيامت) **چه وقت است اگر راست ميگوئيد (29) بگو وعده گاه تان روزيست که نه ساعتي عقب و نه جلو مي افتد(30) و کافران ميگويند هرگز به** (به آنچه تا کنون از) **اين قرآن** (نازل شده) **ايمان نخواهيم آورد و نه به آنچه که در آینده** (نازل خواهد) **بود . و کاش ظالمان را وقتي که نزد پروردگارشان بازداشت باشند ميديدي که چگونه با يكديگر گفتگو ميكنند و مستضعفان به مستکبران ميگويند اگر شما نبوديد ما مومن بوديم (31)** {مستکبران ميگويند آيا ما شما را از هدايت ، وقتيکه بسويتان آمد ، بازداشته بوديم؟ (نه) بلکه خودتان مجرم هستيد (32) مستضعفان ميگويند (نه) بلکه آن توطئه هاي شبانه روزي شما که ما را به طرف کفر نسبت به خداوند و قرار دادن همتايان براي او مي راند ، باعث اين شد . و وقتيکه عذاب را ببينند پشيماني خويش را پنهان ميکنند و زنجيرها را به گردن کافران مي اندازيم . آيا آنها جز جزاي اعمال خويش را مي بينند؟} (33) **و در هيچ شهري هشدار دهنده اي نفرستاديم مگر اينکه هوسرانانشان گفتند نسبت به آنچه که براي آن فرستاده شده ايد کافريم (34)** {وگفتند ما از لحاظ مال و اولاد بيشتريم و عذاب نخواهيم شد (35) بگو پروردگارم روزي هر کس را که خواهد فراخ يا تنگ ميگرداند وليکن اکثر مردم نميدانند (36) واموال و اولاد شما مايه تقرب شما نزد ما نيست . مگر اينکه کسي ايمان و عمل صالح داشته باشد که آنها بسبب اعمالشان پاداش مضاعف خواهند داشت و در غرفه هائي ايمن خواهند بود} (37) **و آنانکه توطئه مي کنند که جلوي پيشرفت آياتمان را بگيرند البته در عذاب بازداشت خواهند گرديد (38)** {بگو پروردگارم براي هر کدام از بندگانش که خواهد روزي را گشاده يا تنگ ميگرداند و آنچه که انفاق کنيد همو جايگزينش ميکند و همو بهترين روزي دهنده است} (39) **و روزي که همگي را گرد آورد ، به ملائکه خطاب خواهد نمود آيا اينها شما را عبادت ميکردند؟(40)** {ميگويند خداوندا تو منزهي . خودت تنها سرور مائي . بلکه آنها چیزهای نا معلومی را عبادت ميکردند و اکثرشان به آنها اعتقاد داشتند} (41) [به آنان خطاب خواهدشد] **امروز بعضي از شما براي بعضي ديگر نه نفعي خواهد داشت و نه ضرري** [و به ظالمان خواهيم گفت] **بچشيد عذاب آتشي را که تکذيبش ميکرديد (42) و هنگامي که آيات روشن کننده ما بر آنها خوانده ميشد ميگفتند جز اين نيست که مرديست كه ميخواهد شما را از آنچه پدرانتان عبادت ميکردند باز دارد و ميگفتند اين چيزي نيست مگر دروغي که افترا زده ميشود و وقتي که حق بسويشان آمد ، ميگفتند اين چيزي جزء جادوئي آشکار نيست (43) با اينکه کتابي براي آنها نفرستاده بوديم تا درسش را خوانده باشند و قبل از تو نيز هشدار دهنده اي بسويشان نفرستاده بوديم (44) و كساني که قبل از اينان هم بودند تکذيب نموده بودند و اينها به يک دهم** (نيروي) **آنان نيز نرسيده اند و پيامبرانم را تکذيب کرده اند . پس** (بنگر) **كيفرم چگونه بوده است؟ (45)**

**سبا5 آیات46تا50**

**قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُم بِوَاحِدَةٍ أَن تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُم مِّن جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُم بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿46﴾ قُلْ مَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿47﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ﴿48﴾ قُلْ جَاء الْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ ﴿49﴾ قُلْ إِن ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَى نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ ﴿50﴾ وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ ﴿51﴾ وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّى لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِن مَكَانٍ بَعِيدٍ ﴿52﴾ وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِن قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ ﴿53﴾ وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِم مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ ﴿54﴾**

**ای پیامبر! به مردم عادی که هنوز ایمان نیاورده اند بگو شما را به يک چيز سفارش ميکنم : چه تکي و چه دو نفري براي خدا فکر کنيد : آیا من که مصاحب شما بوده ام هيچگونه ديوانگيي دارم؟ . خواهید گفت نه او کسي نيست جز اینکه اظهار میدارد هشدار دهنده اي است که ما را به عذابي که در مقابلمان است هشدار ميدهد (46) به آنان بگو اگر از شما مزدي خواستم مال خودتان باشد . مزدم جز بر عهده خداوند نيست و همو بر همه چيز گواه است (47) بگو پروردگارم حق را بالاخره به کرسي مي نشاند زیرا او داناي نهانها است (48) بگو حق آمد و باطل نه چيزي را شروع و نه اعاده مي کند (49) بگو تازه اگر گمراه هم باشم جز اين نيست که ضررم متوجه خودم است، اما اگر هدايت يافته باشم به سبب وحي پروردگارم است که او شنواي نزديک است (50) و كاش ميديدي که هنگام مرگ چگونه مضطرب خواهند شد و درخواهند یافت که راه گريزي نيست و از جائي نزديک دستگير ميشوند (51) و پس از دستگيري در ميگويند به آن حق ايمان آورده ايم . ولي چگونه ميتوانند از مکاني دور ، از موقعیتی که باید مومن میشدند ، آن ایمان رابدست بیاورند (52) در حاليکه قبلا به آن کفر ورزيده بودند و از جائي دور نسبت به حقیقت تير به تاريكي رها ميکردند؟ (53) و آنگاه بين آنها و بين چيزهائي که آرزويش را دارند جدائی خواهد افتاد چنانکه قبلا نيز با همگنان پیشین آنها همين رفتار شد ، آنان هم مانند اینان در شکي سخت بودند (54)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس : اي پيامبر اينک که کافران قوم تو مانند گذشتگان دچار کفران نعمت و تکذيب مي باشند چنين کن و چينن بگو و موفق خواهي شد .**

**درب : اي پيامبر با کافران قومت چنين بگو .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 گوشه هائی از دو صفت مالکیت وعلم الهی را معرفی می فرماید که بر حسب آن ، خداوند در آسمانها و زمین از روی قوانین حکمت عمل میکنــد و راجع به ارزش ایمان ها و اعمال انسانها نیز گول نمیخورد و علم او مطلق است و نیز اینکه کافران درباره قیامت به تکذیب میپردازند و به علم و قدرت مطلق الهی توجه ندارند .

در پاراگراف 2 تلویحا می فرماید ای پیامبر ! تو نزد ما کمتر از داود و سلیمان نیستی و ما عاجز نیستیم تو را فورا و به روشهای اعجازی موفق کنیم ، اما برای شماکه پیامبر دوره بلوغ بشریت هستی روش های انســـانی (برنامه ریزی ، تشریک مساعی ، صبر، گفتگو ، استدلال و....) را می پسندیم.

در پاراگراف 3 می فرماید قوم سباء در مقابل دو نعمت مهم اقتصادی خویش ناشکری کردند و نعمت از دستشان رفت . و تلویحا می فرماید ای کافران ! معیشت شما ازمجاورت شما نسبت به این کـعبه تامین میشود . اینک صاحب این کعبه رسولی نزدتان فرستاده . نسبت به این نعــمت ناشکری نکنید ، مبادا که مایه معیشت تان ازبین برود .

در پاراگراف 4 می فرماید ای پیامبر! در مقابل پنج ایراد کافران درباره ربوبیت و دو ایراد آنها راجع به آخرت ، چنین بگو .

در پاراگراف 5 به پیامبر و مومنان دلداری میدهد که موضع این کافران سست، و عاقبتشان بازندگی ، و روش شان غلط ، و تکذیب شان بی پایه است و پیامبر باید به ماموریت خویش بچسبد .

در این پاراگراف به پیامبر (ص) می فرماید که از قومش بخواهد درباره او به تحقیق بپردازند که آیا از رسالت خویش منافع مادیی دارد؟ یا خودش عیب و ایرادی دارد؟ و سپس درباره حق و باطل بودن دعوت او بیندیشند ، و در این خصوص به تفکر و مشورت بپردازند .

**3 - سوالات**

1 – در آیه 47 یک موردگفتار از جنس «طنز» وجود دارد . آن را مشخص کنید .

2 – منظور از «کم» در«اعظکم» چه کسانی است؟

3 – با توجه به آیه46 ، موضوع تک اندیشی یا هم اندیشی مزبور چیست؟

4 - «بین یدی» (همان آیه) ازجنس چه نوع سخن گفتن است (کنایه؟ یا....؟)

5- چه سابقه ای از موضوع آیه 47 درسوره های قبلی سراغ دارید؟

6– همه آیات این پاراگراف با «قل» شروع میشود . این موضوع چه چیزهائی را به ذهن می آورد؟

7 - «تناوش» (آیه52) را اگر از ریشه«نوش- ن و ش» بگیریم به معنی «رسیدن» و اگر از ریشه «ناش» بگیریم به معنی«طلب کردن» خواهد بود . به نظرشما کدام معنی با درس ودرب وقبل وبعد و سایر محورهای سوره وپاراگراف تناسب بیشتری دارد؟

8 – منظور از«مکان قریب» (آیه51) چیست؟

9 - «یقذفون بالغیب» (آیه53) از جنس چه نوعی از سخن گفتن است؟ (کنایه؟یا....؟)

10 – منظور از «مکان بعید» (آیه52) چیست؟ (آخرت در موقعی که دردنیا هنوز زنده بودند ودرباره آخرت حرف نسنجیده میزدند؟یا....؟)

11 - ظرف مکان آیه54 چه هنگامی است؟ (قیامت؟ این جهان در لحظه مرگ؟ یا....؟)

12- «اشیاع» (آیه54) یعنی پیروان . سوال این است که چگونه ممکن است کسانی که قبل از آنها بوده اند پیرو آنها باشند؟ (جوابی که ما در ارتباط باهمین کلمه در سوره قمر داده ایم؟ یا....؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

آنحضرت در زمان نزول این آیات مامور شده بود تبیین موقعیتش را تجدید کند (آیات 46 تا 50) و در این جهت به مردم این توصیه را دارد که در خلوت های خویش ، چه بطور فردی و چه جمعی ، در باره او و چیزهایی که از او میدانند فکر کنند و ببینند آیا واقعا او آنطور که سرانشان اظهار میکنند هست؟ دیگر اینکه در این موضوع بیندیشند که دعوت او آیا منافعی (مادی) برای او دارد؟ دیگر اینکه دعوت او تا کنون مورد پذیرش روزافزون یا مورد انکار و تنفر روزافزون بوده؟

اینها مواردی بود که به پیشنهاد وحی می باید در صداقت و خلوت مردم مورد ارزیابی واقع میشد .

میتوان تصورکردکه اینک دعوت پیامبر(ص) بطورگسترده ای درقلب ها نفوذ کرده ، اما «سران» کفر به شدت مانع اظهارایمان افراد تحت تسلط خویش میشوند ، این نوع ارشاداتی که در این پاراگراف صورت گرفته ، سبب سست شدن تیغ برکشیده آنها میشود بطوریکه بزودی در اثر نفوذ بیشتر و عمیق ترِ دعوت مزبور ، «سران» مذکور کاملا در حالت انفعالی قرارگیرند .

لذاست که میفرماید ای پیامبر ! مردم عادی را بطور مستقیم مخاطب قرارده .

**5 – کلیدهای تفسیری**

1 – در آیه 46 بعد از «تتفکروا» ، «واگذاری به مخاطب» صورت گرفته است.

2 - «کما فعل باشیاعهم من قبل» (آیه54) ، «پرانتزی» است .

3 - آیه های 52 تا 54 فرع بر ماقبل است .

**6 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

توصیه به آنحضرت که به نوع خاصی از مخاطب قرار دادن مستقیم مردم عادی که هنوز به ایمان نپیوسته بودند بپردازد .

**8 - آیات مشکل**

آیه های 51 تا 54 از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر آنها گفته اند .

**9 - آیات برجسته این پاراگراف**

یک ملاک مهم برای برجستگیِ آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیات 46 تا 54 به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و . . ) از آیات برجسته قرآنی است.

**10 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه های 48 و 50 از آنجا که به وحی اشاره دارد، و آنهم چیزی است که هیچ بنی بشری را راهی به شناخت مکانیزمش نیست، طبعا بالاتر از ذهنیات معاصران نزول است.

آیات 51 تا 54 از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

**11– کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**یکی یکی یا دوتا دوتا**

موضوعی که در آیه 46 ذکر شده به این معنی نیست که بحث­های احتمالی مورد نظر حداکثر دو نفره باشد ، بلکه چه بسا عدد بیشتر مطلوب­تر هم باشد.

**شروع و اعاده**

در خصوص فوق که در آیه 49 به آن اشاره شده در سوره بروج عرضی کردیم.

**اظهار تاسف دلسوزانه**

خلاصه سخن این است که : ای «سران» کافران ! که مانع ایمان آوری اقشارعظیمی از افراد تحت تسلط خویش می باشید ، شما که بالاخره ایمان می آورید (حالا نشد ، مقارن مرگ یا درقیامت ایمان خواهید آورد) ولی آن ایمانی که بعدا بیاورید چه فایده ای برایتان خواهد داشت؟

**جمع بندی و تفسیر**

**بگو جز اين نيست که شما را به يک چيز سفارش ميکنم : چه تکي و چه دو نفري براي خدا بپاخيزيد و آنگاه فکر کنيد . مصاحب شما هيچگونه ديوانگيي ندارد . او کسي نيست جز هشدار دهنده اي که شما را به عذابي که در مقابلتان است هشدار ميدهد (46) بگو اگر از شما مزدي خواستم مال خودتان باشد . مزدم جز بر عهده خداوند نيست و همو بر همه چيز گواه است (47) بگو پروردگارم حق را** (بالاخره) **به کرسي مي نشاند** (همانكه) **داناي نهان هاست (48) بگو حق آمد و باطل نه چيزي را شروع و نه اعاده مي کند (49) بگو تازه اگر گمراه هم باشم جز اين نيست که ضررم متوجه خودم است . اما اگر هدايت يافته باشم به سبب وحي پروردگارم است که او شنواي نزديک است (50)** **و كاش ميديدي که چگونه مضطربند و راه گريزي نيست و از جائي نزديک دستگير ميشوند (51)** {و پس از دستگيري (در قیامت) ميگويند به آن ايمان آورده ايم . ولي چگونه ميتوانند از مکاني دور (از وقتی که باید مومن میشدند) آن (ایمان) رابدست بیاورند (52) در حاليکه قبلا به آن کفر ورزيده بودند و از جائي دور (نسبت به قیامت) تير به تاريكي رها ميکردند؟ (53) و آنگاه بين آنها و بين چيزهائي که آرزويش را دارند حايل افکنده ميشود . چنانکه قبلا نيز با همگنان پیشین آنها همين رفتار شد. آنان هم در شکي سخت بودند} (54)